ایران

• یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵
• ۲۵ صفر ۱۴۴۸
• ۹ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۴
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پایداری

کلید وفاق در قفل اینترنت

صفحات ویژه هفته دولت را در «ایران» بخوانید

با یادداشت‌ها و دیدگاه‌هایی از:
احسان چیت‌ساز معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، محمود واعظی
احمد معتمدی، سیدمحمد علی شریفی الحسینی و داود مسعودی

۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

رئیس جمهوری در نشست خبری همزمان با روز خبرنگار:

شرایط فعلی بهترین زمان برای توافق است

برخی افراد، آگاهانه یا ناآگاهانه، با طرح مطالبی که از واقعیت فاصله دارد، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند

بیش از هفت هزار مدرسه را برای ساخت و تجهیز هدفگذاری کرده‌ایم. حدود دو هزار مدرسه قرار است در هفته دولت افتتاح شود

عکس: President.ir

۲

شاخص کل با رشد بیش از ۱۱۲ هزار واحدی به قله تاریخی ۵/۵ میلیون رسید

رکوردشکنی بورس زیر سایه بازگشایی «فولاد مبارکه»

۸

گفت‌وگو با محمدعلی آذرشب درباره شخصیت فرهنگی رهبر شهید و کتاب **خون دلی که لعل شد**

به دنبال احیای عزت جهان اسلام

۴ ۵

بزرگداشت روز خبرنگار در مزار شهید صارمی

مدیرعامل ایرنا: خبرنگاران، راویان حقیقت و ادامه‌دهندگان راه شهیدان هستند

۱۴

چرا مسیرهای شمالی می‌توانند آینده انرژی را تغییر دهند؟

اوراسیا؛ حلقه مفقوده راهبرد انرژی ایران

۷

مدیرکل بیمه سلامت استان تهران در گفت‌وگو با «ایران»:

بیش از دو میلیون تهرانی بیمه رایگان دارند

۱۵

معاون حقوقی رئیس‌جمهور در بازدید از «ایران» به مناسبت روز خبرنگار:

تفاهمنامه، دستاورد میدان، مقاومت مردم و دیپلماسی است

معاون حقوقی رئیس‌جمهور، همزمان با ۱۷ مردادماه روز خبرنگار، با حضور در روزنامه ایران، در دیدار با مدیر عامل، سردبیر و خبرنگاران و اعضای تحریریه، پیام تبریک مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، به مناسبت روز خبرنگار را ابلاغ کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری، با تبریک روز خبرنگار به اصحاب رسانه، به نقش مهم آنان در دوران دفاع مقدس پرداخت و گفت: «خبرنگاران در آن دوران علاوه بر ثبت و روایت وقایع جنگ، در برابر روایت‌هایی که تلاش می‌کرد جای ظالم و مظلوم و متجاوز و قربانی را تغییر دهد، ایستادند و حقیقت را به درستی ثبت کردند. امروز اگر ما گنجینه عظیمی از وقایع جنگ تحمیلی ۸ ساله و دفاع جانانه ملت ایران را داریم، رهاورد زحمت خبرنگاران بوده است.»

وی افزود: «خبرنگاران در جنگ ۱۲ روزه و در ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ و در جنگ اخیر رمضان، حقیقتاً کار بزرگی کردند و در این جنگِ روایتگری، شما خبرنگاران و جامعه خبری کشور، پاسداران حقیقت بودید و نگذاشتید دروغ و فریب جایگزین حقیقت شود.» انصاری در ادامه با اشاره به محتوای برخی سخنرانی‌ها که در فضای مجازی منتشر شده، عنوان کرد: «من واقعاً متأسف و متأثر هستم که این روزها عده‌ای در داخل، دانسته یا نادانسته ـ فکر می‌کنم اگر نادانسته وارد این صحنه شدند، با واسطه، تحت تأثیر عناصر دشمن شکست‌خورده قرار گرفتند. روایتگری‌های غلطی از فرآیند جنگ و اداره کشور و مقاومت مردم مطرح می‌کنند.»

وی هدف از این اقدامات را این گونه توصیف کرد: «اینها می‌خواهند شکست صهیونیست‌ها را با اظهارات یا با اقدامات نادرستی که می‌کنند، جبران کنند.» معاون حقوقی رئیس‌جمهور، با اشاره به تلاش‌های مقامات کشورمان برای انجام مذاکره، گفت: «زحمات بسیار ارزشمند جبهه دیپلماسی کشور و سرداران دیپلماسی در مواجهه با دشمن، از دید بنده به عنوان فردی که ۴۷ سال در این عرصه‌ها بودم، قابل تحسین است. مفاد تفاهمنامه ۱۴ بندی که ما داشتیم، دستاورد تلفیقی میان میدان، مقاومت مردم و دیپلماسی بود.»

وی در ادامه تأکید کرد: «حتماً از این ۱۴ بند، حداقل ۱۲ بند آن در جهت منافع ملی و تحمیل خواسته ملت ایران بر دشمنان بوده است. حالا برخی روایتگری‌ها به گونه‌ای است که می‌خواهند این را تبدیل به یک شکست و ذلت بکنند و سرداران عرصه دیپلماسی را با عناوین نادرستی مخاطب قرار داده و متهم به خیانت و وادادگی کنند. امثال این کارها، چیزی جز بازی کردن در زمین اسرائیل و دشمن نیست.»

انصاری با ابراز خوشحالی از اینکه خبرنگاران و جامعه خبری و تحلیلی ما در رسانه‌های مختلف کشور سعی کرده‌اند این نگاه‌ها را تصحیح کنند، گفت: «مذاکرات برای به ثمر نشستن پایداری ملت ایران و کسب پیروزی بیشتر و به منظور احقاق حق ایران در تنگه هرمز انجام می‌شود.»

وی تأکید کرد: «ما هیچ وقت جنگ‌طلب نبودیم و هیچ جنگی را شروع نکردیم؛ بلکه همواره جنگ بر ما تحمیل شده است. اینکه می‌گوییم ملت ایران ایستادند و خواهند ایستاد، معنایش این نیست که جنگ برای ما مطلوب است. چرا که ما دنبال صلح جهانی هستیم. شیعه اساساً منتظر مصلح جهانی است که کل جهان در صلح قرار بگیرد.»

معاون حقوقی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه خبرنگاران باید نقش پررنگی را در دلگرمی و امیدواری مردم ایفا کنند، گفت: «خوشبختانه دولت از ابتدا و شخص آقای پزشکیان در قامت یک رسانه تمام‌عیار ظاهر شدند. من زحمت همه رؤسای جمهوری قبلی را ارج می‌نهم، ولی حقیقتاً جناب آقای پزشکیان در این میدان، صادقانه و با صمیمیت و شجاعت و اخلاص با مردم حرف می‌زند.»

انصاری در پایان تأکید کرد: «اگر قرار باشد مبارزه با فساد به طور واقعی شکل بگیرد، خبرنگاران پیشتاز این عرصه هستند. اگر هدف این است که مردم نسبت به حقایق مطلع بشوند و در دام فریب دشمنان نیفتند، خبرنگاران پیشتازان این صحنه و عرصه هستند. خبرنگاران با اندیشه‌ها کار دارند و اگر اندیشه تغییر کند، همه چیز تغییر خواهد کرد.»

گفت‌وگو با معاون حقوقی رئیس‌جمهور بزودی منتشر می‌شود.

ابتکار وزیر تعاون و رفاه برای روز خبرنگار

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، روز گذشته در ابتکاری جالب توجه، به جای بسنده کردن به انتشار پیام‌های تبریک کلی و انتشار عمومی آن، به صورت جداگانه با سردبیران برخی از روزنامه‌ها تماس گرفت و در گفت‌وگویی، روز خبرنگار را به آنان تبریک گفت. عصر دیروز، پس از تماس دفتر وزیر تعاون با سردبیر روزنامه ایران، اعلام شد که این تماس از شخص وزیر گرفته شده است. پس از آن احمد میدری در گفت‌وگویی با سردبیر روزنامه ایران، روز خبرنگار را به اعضای تحریریه و کارکنان روزنامه تبریک گفت و توفیق در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و تاریخی‌شان را برای آنان آرزو کرد. این اقدام ابتکاری وزیر تعاون، یادآور پیوند حوزه‌های اجرایی و رسانه‌هایی است که به عنوان واسطه با عموم مردم عمل می‌کنند.

آگهی فروش سهام کارخانه آرد و سبوس سمنان

شرکت توسعه تجارت سرمایه پایدار قشم در نظر دارد ۵۲٪ سهام خود را در شرکت تولیدی کارخانجات آرد و سبوس سمنان با شرایط مندرج در سایت شرکت از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر یا بازدید از کارخانه با شماره تلفن ۰۹۱۲۱۰۵۰۹۵۷ آقای عبدالحسینی تماس گرفته و یا به آدرس سایت شرکت به نشانی زیر مراجعه نمایند.
www.ttsarmayeh.com

تأکید رئیس‌جمهوری در نشست خبری:

شرایط فعلی بهترین زمان برای توافق است

پزشکیان: طبیعتاً مسائل تنها با جنگ حل نمی‌شود، بلکه متغیرهای مختلفی وجود دارد که باید روی آنها کار کنیم. ما تلاش می‌کنیم در مسیر صلح، ان‌شاءالله بر اساس همان بندهایی که در تفاهمنامه وجود داشته است، حرکت کنیم. کلیت قضیه این است که ما مصمم هستیم ان‌شاءالله همان تفاهمنامه را مبنا قرار دهیم، به شرط آنکه آمریکا از فضای بی‌اعتمادی که ایجاد کرده است دست بردارد و فضای اعتماد شکل بگیرد

گزارش

هدا احمدی
گروه سیاسی

هفدهم مرداد ۱۴۰۵، همزمان با روز خبرنگار، سالن وزارت کشور میزبان دومین نشست خبری رئیس‌جمهورمسعود پزشکیان بود. نشستی که بیش از آنکه صرفاً تکرار یک رویداد رسانه‌ای باشد، تصویری از دو سال پرحادثه دولت چهاردهم و تغییر فضای سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای کشور ارائه می‌کرد. آخرین بار که پزشکیان در برابر خبرنگاران نشست، دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ و در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی بود. آن روز، اولین نشست خبری رئیس دولت چهاردهم با حضور گسترده رسانه‌های داخلی و خارجی برگزار شد و فضای پرسش‌ها، دغدغه‌ها و حتی جنس مواجهه خبرنگاران با دولت، با امروز تفاوتی جدی داشت. از آن زمان تاکنون، دولت با مجموعه‌ای از بحران‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی روبه‌رو شده و کشور هم دو جنگ را پشت سر گذاشته است. طبیعی بود که همین تحولات، موضوعات مورد توجه رسانه‌ها را نیز دستخوش تغییر کند. این بار اما خبرنگاران خارجی در نشست حضور نداشتند و بیش از ۷۰ خبرنگار از خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری سراسر کشور در وزارت کشور گرد هم آمدند تا پرسش‌هایی را مطرح کنند که بخشی از آنها بازتاب‌دهنده نگرانی‌های تازه جامعه و بخش دیگری ناظر بر عملکرد دولت در شرایط متفاوت جنگی بود. حضور شماری از اعضای کابینه و مدیران ارشد دولت نیز بر اهمیت این نشست افزوده بود. پرسش‌هایی درباره مذاکرات و تفاهمنامه پایان جنگ، برنامه‌های دولت برای تأمین معیشت مردم و مهار تورم برجستگی محسوسی در نشست خبری رئیس‌جمهوری داشت. رئیس‌جمهوری در سخنان ابتدایی خود با تبریک روز خبرنگار به فعالان عرصه رسانه و خبر، نقش و مسئولیت رسانه‌ها را در شرایط حساس کشور مهم و تعیین‌کننده دانست و اظهار امیدواری کرد که خبرنگاران بتوانند این مسئولیت سنگین را با صداقت، انصاف و با لحاظ مصالح و منافع کشور به انجام برسانند. وی همچنین با گرامیداشت یاد شهدای جنگ اخیر و بویژه رهبر شهید امیت وحدت و انسجام را یادآوری کرد و گفت که در زمان رهبر شهیدمان، اگر من احساس می‌کردم در ذهن رهبری چیزی هست که با تصمیمات ما فرق داشته باشد ما همه آن تصمیمات را کنار می‌گذاشتیم و خواسته رهبری را عمل می‌کردیم برای اینکه مملکت با وحدت و انسجام می‌تواند پیش برود. ایشان با قدرت از دولت و از کارهای دولت و سیاست‌های دولت، پشتیبانی می‌کرد و به ما کمک می‌کرد و کار هم پیش می‌رفت.

جنگ تبعات دارد

بخش عمده سؤالات خبرنگاران، مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع جنگ و تفاهمنامه امضا شده میان ایران و آمریکا اختصاص داشت. پزشکیان در پاسخ به پرسشی درباره تفاهمنامه و اینکه کدام نهاد مسئولیت و متولی اقدامات میدانی کشور با تبعات امنیتی را بر عهده دارد، گفت: «تفاهمنامه امضاشده متضمن هیچ‌گونه واگذاری یا عدول از منافع و مواضع جمهوری اسلامی ایران نبوده است. هر کسی آن را خوانده، با تحلیل‌های خبرگزاری‌های خارجی تطبیق دهد. آیا این تحلیل‌ها می‌گویند ما تسلیم شدیم؟ ما با قدرت پای آنچه نوشته‌ایم ایستاده‌ایم و از آن دفاع می‌کنیم.»

رئیس‌جمهوری ادامه داد: «در همان فردای روز امضای تفاهم، قرار بود محاصره دریایی ایران آرام‌آرام برداشته شود و هر میزان که ما تنگه هرمز را باز کردیم آنان هم محاصره را کم و تحریم‌های نفتی و پتروشیمی ما را حذف کردند. جنگ لبنان را با چند روز تأخیر خاتمه دادند، جمهوری اسلامی، آمریکا را وادار کرد که فشار بیاورد و جنگ در لبنان را متوقف کند. درباره بازگشت منابع مالی مسدود شده نیز در حال مذاکره بودیم، از طرف دیگر تیم مذاکره‌کننده در حال گفت‌وگو درباره سرمایه‌گذاری برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ بود.»

وی با تأکید بر اینکه مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا تغییر نکرده، تصریح کرد: «آمریکا استعمارگر و جنایتکار است و جمهوری اسلامی باید باشد؛ در این شکی نیست. اما همین گفت‌وگو، همین بحث‌ها و همین دیپلماسی، آمریکا را وادار کرد که پای توافق و تفاهم با ایران بیاید.» رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت صیانت از دستاوردهای حاصل‌شده در عرصه دیپلماسی، به موضوع تخلف در تنگه هرمز و واکنش جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: «آنها چون طبق آن تفاهمنامه، می‌بایست بر اساس دستورالعمل‌هایی که جمهوری اسلامی با کشور عمان باهم می‌نویسند، عمل کنند، عمل نکردند ما هم پاسخ دادیم. اما معمولاً در چنین مواقعی باید یک تیمی تشکیل شود که نقض تفاهم را حل کند. به هر حال روند در حال پیگری است امیدواریم بتوانیم مسیر را با عزت و سربلندی برای کشور پیش ببریم.»

پزشکیان در پاسخ به پرسشی دیگر مرتبط با همین موضوع با اشاره به ضرورت شناخت دقیق حدود توان و ظرفیت کشور در تصمیم‌گیری‌های کلان، اظهار کرد: «می‌گویند برای جهالت انسان همین مقدار کافی است که نداند قدرت و توانش چقدر است و تا کجا می‌تواند پیش برود. بالاخره وقتی می‌خواهیم تصمیمی بگیریم، باید عِدّه و عُدّه خودمان را بسنجیم.»

رئیس‌جمهوری در ادامه، آثار مستقیم بی‌ثباتی و ناامنیانی بر اقتصاد و جریان سرمایه را مورد توجه قرار داد و گفت: «همین گرانی و بی‌ثباتی در بازار ارز، ناشی از شرایط فعلی است. وقتی ناآرامی وجود دارد، هیچ سرمایه‌داری پول خود را در جایی که ناآرامی و خطر هست مستقر نمی‌کند. پول در جایی مستقر می‌شود که امنیت و آرامش وجود داشته باشد.» پزشکیان درباره تصمیم‌گیری در حوزه جنگ و صلح نیز با تأکید بر جایگاه فرماندهی و ساختار قانونی تصمیم‌گیری، گفت: «اینکه ما بجنگیم یا نه را بهتر از من و شما، فرماندهان جنگ می‌دانند. آنها قدرت خودشان را می‌دانند. رهبری تصمیم می‌گیرد و هر تصمیمی ایشان بگیرد، ما تا آخر ایستاده‌ایم.» رئیس‌جمهوری همچنین یادآوری کرد که مسئولیت تصمیم‌گیری درباره جنگ در حوزه وظایف اجرایی دولت نیست. به گفته رئیس‌جمهوری، صهیونیست‌ها هم نمی‌خواهند کشور ما آرام باشد، انسجام و وحدت داشته باشد. از سو دیگر نمی‌شود شعار بدهیم می‌جنگیم، اما فردا در بازار همه‌چیز هم باشد و گرانی هم نباشد.

می‌توانیم حقوقمان را از مسیر گفت‌وگو پیگیری کنیم

پزشکیان درباره چشم‌انداز دولت برای دستیابی به صلح پایدار، با تأکید بر اینکه شرایط کنونی می‌تواند فرصت مناسبی برای پیگیری مسیر توافق و حل‌وفصل مسائل از طریق گفت‌وگو باشد، افزود: «معتقدم اکنون بهترین زمان برای توافق است، چرا که انسجام، قدرت و وحدت در کشور وجود دارد و تا جایی که من اطلاع دارم، ایران را در این جنگ و این درگیری، پیروز و مقتدر می‌دانند. در چنین شرایطی می‌توانیم حقوق و مطالبات خودمان را از مسیر گفت‌وگوها پیگیری کنیم. آنها باید بپذیرند که حقوق ما را به رسمیت بشناسند و آن را تأمین کنند.»

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه حل مسائل موجود صرفاً از طریق جنگ امکان‌پذیر نیست، تصریح کرد: «طبیعتاً مسائل تنها با جنگ حل نمی‌شود، بلکه متغیرهای مختلفی وجود دارد که باید روی آنها کار کنیم. ما تلاش می‌کنیم در مسیر صلح، ان‌شاءالله بر اساس همان بندهایی که در تفاهمنامه وجود داشته است، حرکت کنیم.» پزشکیان با تأکید بر اصل رفتار متقابل در مذاکرات و ضرورت حفظ منافع ملی خاطرنشان کرد: «هر مقدار که آنها جلو بیایند، ما نیز جلو می‌رویم و هر مقدار که جلو نیایند، ما نیز آن را نمی‌پذیریم. این‌گونه نیست که اگر بخواهند زور بگویند، ما زیر بار زور برویم.» رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت پایان یافتن جنگ از طریق دستیابی به یک راه‌حل سیاسی و پایدار افزود: «برای همیشه که نمی‌توان جنگید؛ بالاخره باید آن را در نقطه‌ای به پایان رساند. باید در جایی که بیشترین نفوذ و امکان اثرگذاری را داریم، بتوانیم کار و تلاش کنیم. ما ان‌شاءالله در حال کارسازی این مسیر هستیم.» وی ادامه داد: «کلیت قضیه این است که ما مصمم هستیم ان‌شاءالله همان تفاهمنامه را مبنا قرار دهیم، به شرط آنکه آمریکا از فضای بی‌اعتمادی که ایجاد کرده است دست بردارد و فضای اعتماد شکل بگیرد.»

معیشت مردم دغدغه همیشگی دولت است

رئیس‌جمهوری در ادامه در پاسخ به سؤالی در خصوص مشکلات معیشتی، تورم و برنامه دولت برای بهبود سفره و معیشت مردم گفت: «واقعاً این دغدغه، دغدغه‌ای بحق است و اگر ما نتوانیم مشکلات معیشت مردم و سلامت مردم را حل کنیم، بقیه کارها نتیجه‌ای نخواهد داشت. حتی در جلسه دولت و حتی زمانی که خدمت رهبری رسیدیم و همچنین در جلساتی که با همه عزیزان داریم و با آنان صحبت می‌کنیم، دغدغه و نگرانی من معیشت مردم است. گرانی موضوعی واقعی است اما باید بدانیم که در اثر جنگ راه ما را بسته‌اند. به این سادگی نمی‌توان کالاها را مثل قبل وارد کرد.»

رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت تبدیل نقدها و ادعاهای سیاسی به مسئولیت‌پذیری عملی و مشارکت در حل مسائل کشور، خطاب به منتقدان و مدعیان ارائه راهکار، اظهار کرد: «کسانی که کنار گود می‌ایستند و مدعی می‌شوند که می‌شود کاری کرد، این گوی و این میدان. ما سیاسی کاری نکردیم. امروز برادرم آقای زاکانی که در انتخابات رقیب ما بود، در دولت با ایشان همکاری می‌کنیم و ایشان خیلی خوب همکاری می‌کند. آقای دکتر قالیباف نیز کاندیدای ریاست‌جمهوری بود و اکنون بهترین همکاری را با ما دارد. آقای عارف و همه کسانی که در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا بودند و می‌خواستند کاری انجام دهند را دعوت کردیم و گفتیم بیایید یک گوشه‌ای از مشکل را بردارید.» وی گفت: «علت اینکه گاهی تلاش می‌کنیم با گفت‌وگو هم حق خودمان را با قدرت بگیریم و هم بتوانیم سایه جنگ را حذف کنیم، این است که بتوانیم در امنیت، مشکلات خودمان را حل کنیم.»

پزشکیان درباره کنترل ناترازی بانک‌ها و تورم اظهار کرد: «در این حوزه گروه‌های اقتصادی دانشگاه‌ها را وارد کار کرده‌ایم و در کنار تیم اقتصادی دولت، از ظرفیت استادان و متخصصان استفاده می‌کنیم تا برای مدیریت ناترازی‌های بانکی و مسائل اقتصادی، راهکارهای علمی و اجرایی ارائه شود.» وی ادامه داد: «اگر کسی راهکاری دارد که در شرایط جنگ می‌توان هم تورم را کنترل، هم ناترازی‌ها را اصلاح و هم مشکلات اقتصادی را حل کرد، ما از او استقبال می‌کنیم. دست چنین فردی را می‌بوسیم، اختیار لازم را در اختیارش قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم مسئولیت اجرای راهکار خود را بر عهده بگیرد.»

رئیس‌جمهوری درباره برنامه دولت برای وضعیت بنزین هم با اشاره به اینکه مدیریت شرایط موجود نیازمند تصمیمات مستمر و هماهنگ در حوزه‌های مختلف است، افزود: «روند گفت‌وگو و تصمیم‌گیری در حال انجام است؛ مدیریت بنزین، گاز، برق، آب، منابع و هزینه‌ها، مسائلی است که باید در این شرایط انجام شود.» پزشکیان با تأکید بر ضرورت مقایسه منصفانه شرایط اقتصادی کشور با سایر کشورها، بویژه در حوزه تورم و افزایش قیمت‌ها، گفت: «وقتی عده‌ای از رسانه‌ها می‌نشینند و می‌گویند در فلان کشور فلان چیز گران شده و فلان چیز این‌گونه شده، اگر مقایسه می‌کنید، دو طرف را با هم مقایسه کنید. بالاخره آنجا هم گران شده است؛ در آمریکا، در اروپا، گرانی بوده است.»

ادامه در صفحه ۳

شهرداری نوشهر
فراخوان عمومی شناسایی سرمایه‌گذاران و دریافت پیشنهادهای اولیه سرمایه‌گذاری

محل پروژه: مجتمع توریستی فرهنگی سیترا مطابق دستورات ناظرین شهرداری می‌باشد.
فرصت‌های سرمایه‌گذاری

۱	احداث پارکینگ طبقاتی در ملک جنب بازار روز
۲	توسعه منطقه نمونه گردشگری سیترا
۳	احداث و بهره‌برداری از کارخانه تولید محصولات بتنی در ملک جنب انبار شهرداری
۴	طراحی، اجرا و بهره‌برداری از سامانه هوشمندسازی ورودی و خروجی منطقه سیترا
۵	توسعه، تجهیز و بهره‌برداری از کشتارگاه و مجموعه بسته‌بندی محصولات پروتئینی
۶	احداث، تجهیز و بهره‌برداری از اسکله و ماریتای گردشگری در منطقه کپورچال

مدارک مورد نیاز متقاضیان:
•مشخصات کامل متقاضی و اطلاعات تماس •خوداظهاری توانایی مالی متناسب با موضوع سرمایه‌گذاری •پیشنهاد اولیه مدل مشارکت و نحوه سرمایه‌گذاری •معرفی اجمالی و رزومه فعالیت‌های مرتبط •طرح، ایده یا برنامه اولیه اجرای پروژه
مهلت اعلام آمادگی و ارائه مستندات: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ الی ۱۴۰۵/۰۶/۰۵ می‌باشد.
کسب اطلاعات بیشتر:
۱- فرهاد شیخ اسلامی ۰۹۱۱۱۹۳۴۸۹۴ ۲- سامان خواجوند ۰۹۳۷۱۷۹۹۵۵۳
۳- مهدی قاسمی ۰۹۱۱۸۶۴۵۷۶۶ کد پستی: ۴۶۵۱۷۶۷۵۴۴
شناسه: ۲۲۴۷۰۶۰ جعفر قمی- شهردار نوشهر

سهامداران محترم شرکت پتروشیمی امیرکبیر (سهامی عام)
موضوع: ثبت‌نام در سامانه سجام

به‌اطلاع کلیه سهامداران محترم فاقد سامانه سجام می‌رساند به‌منظور پرداخت سود سهام نسبت به ثبت‌نام در سامانه سجام به آدرس www.sejam.ir اقدام نموده و پس از تکمیل ثبت‌نام شماره پیگیری ده رقمی خود را جهت پرداخت مطالبات از محل سود از طریق آدرس ایمیل و یا شماره تماس ذیل به امور مجامع و سهام این شرکت اعلام نمایند.
آدرس ایمیل: saham@akpc.ir
شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۵۶۹۵۴۴
حسام خوشبین فر
مدیرعامل و عضو هیأت مدیره

شناسایی و جذب سرمایه گذار

شرکت مادرتخصصی خدمات کشاورزی در نظر دارد در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان در قالب عقود مترتب بر سرمایه گذاری، نسبت به شناسایی و جذب سرمایه گذاران حقیقی یا حقوقی در دو حوزه پرورش ماهیان خاویاری و احداث نهالستان، کاشت درخت و بهره‌برداری از آنها اقدام نماید.
سرمایه گذاران علاقه‌مند برای دریافت شرایط سرمایه‌گذاری و کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۸۸۷۲۸۳۶۲ تماس حاصل نمایند.

دعوت به شرکت در مناقصه اخذ مشاور فنی، مهندسی و اقتصادی مرتبط با پروژه احداث تصفیه خانه تکمیلی پساب پالایشگاه نفت پارس
نوبت اول

شرکت نفت پارس در نظر دارد اخذ مشاور فنی، مهندسی و اقتصادی مرتبط با پروژه احداث تصفیه خانه تکمیلی پساب پالایشگاه خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷
تذکرات مهم:
•واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
•به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء، یا مهر، مبهم، فاقد تضمین / سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
•این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
•شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
تأمین و خرید تعداد (۲) دستگاه ذخیره ساز SAN Storage و درایوهای ذخیره‌سازی سخت و حالت جامد
صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان
نوبت اول

صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان در نظر دارد تأمین و خرید تعداد (۲) دستگاه ذخیره ساز SAN Storage و درایوهای ذخیره‌سازی سخت و حالت جامد صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به اشخاص حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید.
توجه: تمامی مراحل شرکت در این مناقصه به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir می‌باشد.
الف) شرح مختصر:
۱- موضوع انجام امور تأمین و خرید تعداد (۲) دستگاه ذخیره ساز SAN Storage و درایوهای ذخیره‌سازی سخت و حالت جامد صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان می‌باشد.
ب) محل و مدت انجام کار:
۱- محل انجام خدمات صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان است.
۲- مدت انجام کار از تاریخ شروع قرارداد به مدت ۶۰ روز کاری می‌باشد.
ج) شرایط مناقصه‌گران متقاضی:
۱- دارا بودن شرایط مندرج در شرایط مناقصه
۲- ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ ۳۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (سی و هفت میلیارد و پانصد میلیون ریال) به‌صورت بارگذاری تصویر و تحویل اصل آن به کارفرما تا پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ و همچنین ارائه ضمانت اجرای تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ قرارداد درصورت برنده شدن در مناقصه
د) محل و مهلت دریافت اسناد:
۱- مهلت دریافت اسناد به‌صورت الکترونیکی از سامانه ستاد از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ لغایت ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ می‌باشد.
هـ) محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
۱-زمان ارائه اسناد مناقصه و پیشنهاد مالی حداکثر تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد می‌باشد.
۲-زمان گشایش و قرائت پیشنهادها ساعت ۱۱:۰۰ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ می‌باشد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه مذکور بلامانع است. نشانی: تهران - شهرستان تهران -میدان ونک- خیابان برزیل شرقی، خیابان شهید دکتر عباسپور (توانیر)، پلاک ۶۲ صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان
صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
تأمین و خرید تعداد (۴)
دستگاه تجهیزات سخت افزاری (سرور) مرکز داده
صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان
نوبت اول

صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان در نظر دارد تأمین و خرید تعداد (۴) دستگاه تجهیزات سخت افزاری (سرور) مرکزداده را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به اشخاص حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید.
توجه: تمامی مراحل شرکت در این مناقصه به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir می‌باشد.
الف) شرح مختصر:
۱- موضوع تأمین و خرید تعداد (۴) دستگاه تجهیزات سخت افزاری (سرور) مرکزداده صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان می‌باشد.
ب) محل و مدت انجام کار:
۱-محل انجام خدمات صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان
۲- مدت انجام کار از تاریخ شروع قرارداد به مدت ۲۰ روز کاری می‌باشد.
ج) شرایط مناقصه‌گران متقاضی:
۱-دارا بودن شرایط مندرج در شرایط مناقصه
۲- ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ ۱۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (هجده میلیارد ریال) به‌صورت بارگذاری تصویر و تحویل اصل آن به کارفرما تا پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ و همچنین ارائه ضمانت اجرای تعهدات به میزان ۱۰ ٪ مبلغ قرارداد درصورت برنده شدن در مناقصه
د) محل و مهلت دریافت اسناد:
۱-مهلت دریافت اسناد به‌صورت الکترونیکی از سامانه ستاد از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ لغایت ساعت ۱۶:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ می‌باشد.
هـ) محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها:
۱- زمان ارائه اسناد مناقصه و پیشنهاد مالی حداکثر تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد می‌باشد.
۲- زمان گشایش و قرائت پیشنهادها ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ می‌باشد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه مذکور بلامانع است. نشانی: تهران - شهرستان تهران- میدان ونک- خیابان برزیل شرقی، خیابان شهید دکتر عباسپور (توانیر)، پلاک ۶۲ صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان
صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان

فراخوان عمومی جهت شناسایی و ارزیابی کیفی
مناقصه انجام خدمات تهیه، طبخ و توزیع غذای مجتمع پتروشیمی ارغوان گستر ایلام

شرکت پتروشیمی ارغوان گستر ایلام (سهامی عام) در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت انجام خدمات تهیه، طبخ و توزیع غذای مجتمع اقدام نماید.
لذا بدین‌وسیله از شرکت‌هایی که تجربه، حسن سوابق اجرایی، پروانه کار یا گواهی‌نامه‌های صلاحیت مربوطه، توانایی مالی و توانایی تضمین کیفیت خدمات مربوطه را دارند، دعوت می‌شود تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ اعلام آمادگی خود را به‌صورت کتبی به آدرس ایمیل agipc.comm@pididc.com ارسال و دستورالعمل شرکت در مناقصه را دریافت نمایند.
همچنین مناقصه‌گران جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۰۲۱-۸۶۰۹۲۸۶۲ داخلی ۴۲۵ تماس برقرار کنند.

شرایط فعلی بهترین زمان برای توافق است

ادامه از صفحه۲/ پزشکیان در پاسخ به سؤالی در خصوص رویکرد دولت در مسیر تقویت تعاملات با کشورهای همسایه، با اشاره به مواضع کشورهای منطقه در جریان جنگ ۱۲ روزه، افزود: «در جریان جنگ، بویژه در جنگ ۱۲ روزه، همه کشورهای منطقه، اسرائیل و آمریکا را محکوم کردند. این موضوع ساده‌ای نبود؛ چراکه در گذشته کمتر شاهد چنین موضع‌گیری صریح و رسمی از سوی کشورهای منطقه در برابر آنها بودیم.»رئیس جمهوری با اشاره به همکاری کشورهای همسایه در شرایط جنگی، تصریح کرد: «پاکستان اکنون با تمام وجود در حال همکاری است. افغانستان نیز همکاری بسیار خوبی دارد. ترکمنستان همکاری مناسبی دارد، روسیه و عراق نیز به خوبی به ما کمک کردند، در مورد آذربایجان نیز با وجود برخی مسائل سیاسی، گفت‌وگو و تعامل ادامه پیدا کرده است.»پزشکیان با اشاره به همکاری دولت‌های افغانستان و پاکستان در جلوگیری از ورود عناصر بیگانه به خاک ایران، افزود: «هم افغانستان و هم پاکستان از سوی دولت‌های خود گروه‌هایی را برای کنترل این وضعیت مستقر کرده بودند و اعلام کرده بودند هیچ‌کس حق ندارد از خاک آنها وارد ایران شود و در داخل کشور آشوب ایجاد کند.» رئیس جمهوری هدف این اقدامات را ایجاد ناامنی داخلی و فعال‌سازی شکاف‌های اجتماعی دانست و تصریح کرد: «نقشه این بود که با ضربه زدن به نیروی انتظامی، اعتراضات و آشوب‌های خیابانی آغاز شود، مسائل قومیتی شکل بگیرد و در نهایت کشور دچار تکه‌تکه شدن و گسست داخلی شود. مردم و دولت‌های منطقه در کنار تدابیری که در داخل نظام اتخاذ شد، اجازه ندادند این نقشه عملی شود و ما از همه آنها قدردانی و تشکر می‌کنیم.» پزشکیان همچنین با اشاره به همکاری چین و روسیه در مجامع بین‌المللی، گفت: «چین و روسیه نیز در مجامع بین‌المللی از ظرفیت خود استفاده کرده‌اند و در مواردی قطعنامه‌ها را وتو کرده‌اند. حتی در رابطه با قطعنامه‌های مربوط به تنگه هرمز نیز مواضعی اتخاذ شده است. در مجموع، تا جایی که آنها امکان دارند و ما نیز می‌توانیم، در حال تعامل و استفاده از ظرفیت‌های موجود هستیم.»

مشکل با تغییر افراد حل نمی‌شود

رئیس جمهوری همچنین درباره رویکرد دولت در مسیر ترمیم کابینه و ارتقای کارآمدی تأکید کرد: از نظر علمی و بر اساس شناخت تجربی، معتقدم مشکل کشور صرفاً با تغییر افراد حل نمی‌شود. ما ۴۸ سال است که افراد را تغییر می‌دهیم؛ چرا مشکلات را حل نکرده‌ایم؟ وی با اشاره به واگذاری ظرفیت‌های مطالعاتی و کارشناسی به دانشگاه‌ها در حوزه آب و کشاورزی، اظهار کرد: به دانشگاه‌ها اختیار می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم در حل مسائل مشارکت کنند. اکنون دانشگاه‌های تهران، مشهد، تربیت مدرس و تعدادی از استادان حوزه آب و کشاورزی کشور جمع شده‌اند، یک هسته تشکیل داده‌اند، در حال بررسی مسائل هستند و برای آنها طراحی و راهکار ارائه می‌کنند. پزشکیان با رد هرگونه وابستگی به جایگاه و قدرت سیاسی، تصریح کرد: استعفای ما مسأله‌ای نیست. من به قدرت نچسبیده‌ام و این‌گونه نیست که چون رئیس جمهوری شده‌ام، تغییر کرده باشم. همان آدمی هستم که زمانی نماینده بودم و همان آدمی خواهم بود که اگر فردا هیچ‌کاره باشم. رئیس جمهوری با تأکید بر استمرار مسئولیت‌پذیری دولت در شرایط دشوار کشور، خاطرنشان کرد: امروز با قدرت ایستاده‌ایم و با قدرت ادامه خواهیم داد. تا جایی که جان در بدن و نفس در سینه داریم، از تمامیت کشور، مردم، عزت و سربلندی ایران دفاع خواهیم کرد. تلاش ما این است که با وحدت و انسجام پیش برویم و کاری نکنیم که خدای نکرده دشمن شاد شود یا کشور از داخل با مشکل مواجه شود. این مسیری است که در پیش گرفته‌ایم.پزشکیان در پاسخ به پرسشی درباره حوادث دی ماه سال گذشته و نتیجه بررسی‌های انجام شده با اشاره به اینکه شرایط جنگی و حجم بالای مسئولیت‌های جاری، پیگیری برخی موضوعات را با دشواری مواجه کرده است، افزود: راستش را بخواهید، آنقدر درگیر مسائل مختلف هستیم که هنوز خودم به‌صورت مستقیم پیگیری نکرده‌ام که این گزارش به کجا رسیده است. می‌گویند بررسی‌هایی انجام شده و ما نیز موضوع را پیگیری خواهیم کرد. وی با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از تجربه حوادث گذشته برای اصلاح حکمرانی، تصریح کرد: حداقل باید تلاش کنیم اشتباهات را تکرار نکنیم. نباید کاری کنیم که روندی که به هیچ وجه قابل قبول نبود، دوباره اتفاق بیفتد.رئیس جمهوری درباره وعده دولت برای اجرای مصوبه بازگشت وضعیت اینترنت به شرایط پیش از اعمال محدودیت‌ها نیز با اشاره به ملاحظات و نگرانی‌های موجود در این زمینه، بر عزم دولت برای رفع مشکلات و اصلاح بسترهای ارتباطی تأکید کرد و گفت: بعضی از دستگاه‌های امنیتی تهدیداتی را در این رابطه ملاحظه می‌کنند و همچنین، با توجه به حملاتی که از این طریق به زیرساخت‌ها انجام می‌گیرد، نگرانی‌هایی دارند. پزشکیان با تشریح تصمیم دولت برای بازگشایی اینترنت در عین توجه به ملاحظات امنیتی و زیرساختی، افزود: با وجود همه این موضوعات، ما تصمیم گرفتیم اینترنت باز شود و تلاش خواهیم کرد که بسترهای آن نیز اصلاح شود. در این رابطه با سران سه قوه در حال گفت‌وگو هستیم و با شورای عالی امنیت ملی نیز گفت‌وگو می‌کنیم و سعی خواهیم کرد مشکلات را حل کنیم.

هفته دولت ۲۰۰۰ مدرسه افتتاح می‌شود

رئیس جمهوری در ادامه و در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت ورزشگاه‌های آسیب دیده از جنگ و اقدامات دولت در این حوزه، گفت: به رغم محدودیت منابع مالی اما دولت در تلاش است ورزشگاه‌ها را بازسازی کند و برخی از آنها پیشرفت‌های بالایی داشته‌اند. پزشکیان با تشریح رویکرد دولت در اجرای طرح‌های عمرانی و توسعه زیرساختی، تأکید کرد: پروژه‌های دولت در حال پیگیری است اما بیش از هر چیز با مشارکت مردم و با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی در حال انجام است. رئیس جمهوری همچنین با اشاره به نهضت توسعه و ساخت مدارس، اظهار کرد: ما اکنون بیش از هفت هزار مدرسه را برای ساخت و تجهیز هدفگذاری کرده‌ایم. سال گذشته و امسال حدود سه هزار و ۵۰۰ مدرسه ساخته شده است. از این هفت هزار مدرسه نیز، حدود دو هزار مدرسه قرار است در هفته دولت، افتتاح شود. خیرین نزدیک به ۲۸ هزار میلیارد تومان و حتی بیش از این رقم برای مدرسه‌سازی کمک کرده‌اند و این رقم بسیار قابل توجه است.وی با اشاره به برنامه دولت برای اصلاح روش‌های آموزشی و ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت، اظهار کرد: همزمان با این اقدامات، با معلمان نیز جلسه می‌گذاریم تا روش آموزش را اصلاح کنیم. امروز در دنیا دیگر آموزش به این شکل انجام نمی‌شود و ما در حال کار هستیم تا معلمان ما نیز بتوانند در رابطه با روش‌های نوین آموزش و نحوه تعلیم و تربیت به‌روز شوند.

برخی آب به آسیاب دشمن می‌ریزند

رئیس جمهوری در خصوص ارزیابی خود از میزان و شکل همگرایی احزاب و دسته‌های سیاسی در طول یکسال اخیر و فضای جنگ، با قدردانی از احزاب، جریان‌های سیاسی و مجموعه‌های اجتماعی که در شرایط دشوار کنونی در تقویت وحدت و انسجام ملی نقش‌آفرینی کرده‌اند، اظهار کرد: همین که امروز انسجام وجود دارد و مردم، علی‌رغم تمام مشکلاتی که وجود دارد، تاب‌آوری می‌کنند و دنیا از این وضعیت تعجب می‌کند، باید از همه تشکر کرد.وی همچنین با بیان اینکه استفاده از ظرفیت نخبگان باید به یک سازوکار پایدار برای حل مسائل کشور تبدیل شود، اظهار کرد: حتی پیشنهادی که خدمت رهبر شهیدمان مطرح کرده بودم و اکنون نیز مجدداً آن را پیگیری می‌کنم، این است که نامه‌ای خدمت رهبر عزیزمان بنویسیم و درخواست کنیم تیمی برای این منظور تشکیل شود. این تیم باید متشکل از افراد خبره و کارآزموده باشد؛ هم افرادی که میدان کار را تجربه کرده‌اند، هم کسانی که در حوزه مدیریت، تجارت، صنعت و مسائل تخصصی مربوط به هر حوزه صاحب‌نظر هستند و متناسب با رشته و مأموریتی که انتخاب می‌کنیم، بتوانند در آن حوزه نقش‌آفرینی کنند.پزشکیان با بیان اینکه، وحدت و انسجام ملی از نظر شخصی هر فرد مهم‌تر است، افزود: باید نظر کارشناسی و واقعی خود را بیان کرد و اجازه داد فرآیند تصمیم‌گیری طی شود؛ چنانچه در نهایت تصمیم دیگری اتخاذ شد، باید به آن تصمیم تمکین کرد. در نهایت، هر تصمیمی که مقام معظم رهبری اتخاذ کنند، مبنای عمل خواهد بود.وی در بخش دیگری از سخنان خود، نسبت به انتشار تحلیل‌ها و اطلاعات غیرمستند درباره تصمیمات کشور هشدار داد و گفت: برخی افراد، آگاهانه یا ناآگاهانه، با طرح مطالبی که از واقعیت فاصله دارد، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. بهتر است از این رویکرد پرهیز شود؛ زیرا ممکن است فردی اطلاعات کافی درباره یک موضوع نداشته باشد و بر اساس برداشت ناقص یا شنیده‌ها، مطلبی را منتشر کند که پیامدهای آن برای جامعه و کشور قابل توجه باشد.رئیس جمهوری در پایان تأکید کرد: در شرایط کنونی، کشور بیش از هر زمان دیگری به عقلانیت، انسجام، همدلی، گفت‌وگوی کارشناسی و تصمیم‌گیری مبتنی بر منافع ملی نیاز دارد و همه ظرفیت‌های کشور باید برای عبور از فشارها و تأمین مصالح مردم به کار گرفته شود.

مردم حق دارند بدانند

صدای پاستور

فاطمه مهاجرانی
سخنگوی دولت

وقتی تصمیمی مستقیماً با زندگی و معیشت مردم گره می‌خورد، توضیح درباره آن، بخشی از مسئولیت دولت است؛ بویژه آنجا که تصمیم‌ها دشوارند، آثارشان به‌سرعت در زندگی روزمره احساس می‌شود و جامعه حق دارد بداند چرا چنین مسیری انتخاب شده و قرار است به کجا برسد. گفت‌وگوی تصویری اخیر دکتر مسعود پزشکیان با مردم را نیز باید در همین چارچوب دید؛ گفت‌وگویی درباره شرایط کشور، دشواری‌های پیش‌رو و تصمیم‌هایی که شاید توضیح درباره آنها به اندازه اتخاذشان اهمیت داشته باشد.

دولت چهاردهم بیش از هر چیز خود را موظف به صداقت با مردم می‌داند. صداقت نه فقط در بیان دستاوردها، بلکه در گفتن از دشواری‌ها، محدودیت‌ها و حتی هزینه تصمیم‌هایی که ناگزیر از اتخاذ آنها هستیم. مردم حق دارند بدانند دولت با چه مسأله‌ای مواجه بوده، چه انتخاب‌هایی پیش روی آن قرار داشته و چرا یک مسیر را بر مسیر دیگر ترجیح داده است.

دکتر پزشکیان از اولین روزها بر یک اصل تأکید داشته است: نمی‌توان بدون مردم برای مردم تصمیم گرفت. این نگاه زمانی معنای واقعی پیدا می‌کند که حتی در دشوارترین شرایط نیز جامعه از چرایی تصمیم‌ها کنار گذاشته نشود.

رئیس جمهوری در گفت‌وگوی اخیر نیز تلاش کرد منطق برخی تصمیمات را توضیح دهد؛ از اصلاح رویه‌هایی که زمینه‌ساز رانت و فساد بوده‌اند تا ضرورت‌هایی که کشور در شرایط دشوار با آنها مواجه شده است. طبیعی است که درباره هر سیاستی بتوان پرسید، نقد کرد و حتی با آن مخالف بود. قرار هم نیست دولت از مردم بخواهد بدون پرسش با هر تصمیمی همراه شوند. برعکس، پرسشگری جامعه بخشی از همان رابطه‌ای است که دولت برای حفظ و تقویت آن مسئولیت دارد.

اعتماد عمومی فقط با خبرهای خوب ساخته نمی‌شود. گاهی مهم‌ترین آزمون اعتماد، درست زمانی است که خبرها خوب نیستند؛ یعنی زمانی که منابع محدود است، انتخاب‌ها دشوارند و دولت ناچار است تصمیم‌هایی بگیرد که ممکن است آثار آن در زندگی مردم احساس شود. در چنین شرایطی، ساده‌ترین انتخاب شاید سکوت یا سخن گفتن کلی باشد، اما مسئولانه‌ترین انتخاب، توضیح دادن است. در عین حال، توضیح دادن تنها نیمی از این رابطه است، نیم دیگر شنیدن است. پشت اعداد و شاخص‌های اقتصادی، زندگی واقعی مردم جریان دارد؛ خانواده‌ای که نگران هزینه‌های ماه آینده است، تولیدکننده‌ای که با دشواری تأمین منابع روبه‌روست، جوانی که درباره آینده خود پرسش دارد و شهروندی که می‌خواهد بداند تصمیم امروز چه تأثیری بر فردای او خواهد گذاشت. دولت اگر می‌خواهد از واقعیت سخن بگوید، باید این واقعیت‌ها را نیز ببیند و بشنود.

از همین رو، گفت‌وگوی رئیس جمهوری با مردم را نباید یک برنامه تلویزیونی دانست که با پایان پخش آن، گفت‌وگو نیز پایان یافته باشد. آنچه مردم پس از این سخنان می‌گویند، پرسش‌هایی که مطرح می‌کنند و حتی نقدهایی که به دولت دارند، ادامه همان گفت‌وگوست.

دولت وظیفه دارد این صداها را بشنود، همان‌طور که وظیفه دارد درباره تصمیم‌های خود توضیح دهد و هرجا لازم بود، در روش‌ها و سیاست‌ها بازنگری کند.

در روزهای دشوار، لزوماً فاصله میان مردم و دولت با سکوت کمتر نمی‌شود. این فاصله را می‌توان با صداقت، شنیدن و توضیح دادن کاهش داد. مردم صاحبان این کشورند. دانستن حق آنان و پاسخگویی وظیفه ماست.

احضار محمدباقر خرازی به دادگاه ویژه روحانیت

خبر

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری روز گذشته خود با خبرنگاران، در پاسخ به سؤالی در ارتباط با اظهارات اخیر محمدباقر خرازی علیه برخی از مقامات کشور و اقدامات دستگاه قضایی در این خصوص، گفت: «با توجه به اینکه ایشان در کسوت روحانیت به سر می‌برند، موضوع رسیدگی به اتهامات نامبرده در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت قرار دارد.»سخنگوی دستگاه قضا افزود: «بلافاصله دادگاه ویژه روحانیت نسبت به تحت تعقیب قرار دادن ایشان اقدام کرده است. بر اساس آخرین اطلاعی که من دارم، روز شنبه ایشان به دادگاه ویژه روحانیت احضار شده و تحت تعقیب کیفری قرار دارد.»جهانگیر گفت: «جزئیات این موضوع، پس از اینکه نتایج دادگاه منتشر شد، اعلام خواهد شد.»در روزهای گذشته فیلمی از سخنان محمدباقر خرازی منتشر شده است که وی علیه رئیس جمهوری و برخی دیگر از مسئولان کشور ادعاهایی را مطرح کرده و همزمان در اقدامی قابل تأمل حزب اللهی‌ها را دعوت به حضور در خیابان و برپایی تجمعات علیه مسئولان کشور می‌کند.

شرکت پتروشیمی نوری (سهامی عام)

آگهی شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران (یک مرحله‌ای)

مناقصه شماره: ۱۴۰۵/۰۴ — نوبت دوم

ردیف	عنوان	شرح
۱	نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار	استان بوشهر، عسلویه، شرکت پتروشیمی نوری، صندوق پستی: ۱۱۵-۷۵۳۹۱ / تلفن‌های تماس: ۰۷۷-۳۷۳۲۳۲۵۰۴ داخلی ۲۲۵۴ (برای پاسخگویی به موارد قراردادی) داخلی ۲۲۱۸ و ۲۲۱۷ (برای پاسخگویی درخصوص دریافت اسناد مناقصه) دورنگار: ۰۷۷-۳۷۳۲۴۷۷۵/ سایت اینترنتی: www.nopc.co
۲	موضوع مناقصه	فنس‌کشی محدوده خط لوله فلر شرکت پتروشیمی نوری
۳	مبلغ برآورد	۱۸۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یکصد و هشتاد و هشت میلیارد ریال)
۴	تاریخ، مهلت، نشانی دریافت و تحویل اسناد استعلام کیفی مناقصه‌گران	مناقصه‌گران می‌توانند فرم‌های ارزیابی کیفی را از طریق سایت اینترنتی شرکت به نشانی www.nopc.co دریافت نمایند و پس از تکمیل فرم‌ها و آماده‌سازی مدارک مربوطه، حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ به‌صورت الکترونیکی به آدرس پست الکترونیکی tec@nopc.co که فقط عنوان و شماره مناقصه و نام شرکت متقاضی در قسمت موضوع ایمیل قید شده باشد؛ ارسال کنند. چنانچه ارسال مدارک از طریق روش بالا میسر نباشد؛ مناقصه‌گران می‌توانند مدارک خود را به‌صورت فیزیکی (در قالب لوح فشرده (CD/DVD) و یا حافظه فلش (USB Flash)) به دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی نوری واقع در عسلویه ارسال نمایند.
۵	مدت اعتبار پیشنهادها	در اسناد مناقصه آورده خواهد شد.
۶	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (پس از مرحله ارزیابی کیفی و دعوت از مناقصه‌گران احراز صلاحیت شده؛ همراه پیشنهاد قیمت ارائه گردد)	به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیارد ریال) و یا واریز وجه نقد به‌حساب جاری شماره ۲۶۶۱۰۲۶۶۱۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی نوری به‌نام شرکت پتروشیمی نوری

شرایط متقاضی:
۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره شناسه ملی و شماره اقتصادی مؤدیان مالیاتی.
۲- داشتن تجربه و دانش فنی کافی مرتبط با موضوع مناقصه و حسن سابقه قراردادهای مشابه.
۳- داشتن گواهی‌نامه معتبر صلاحیت و دارا بودن ظرفیت کار.
۴- داشتن توانایی مالی و ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی معتبر.
۵- ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهی‌نامه‌های سیستم‌های مدیریتی متناسب با موضوع مناقصه درصورت وجود.
۶- دارا بودن تأییدیه‌های مورد نیاز کسب و کار از مراجع ذی‌صلاح.
۷- ارائه صورتحساب‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مربوط به آخرین سال مالی.
۸- تکمیل و ارسال فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی به‌همراه مستندات مربوطه.
شرکت پس از بررسی اسناد و مدارک و ارزیابی توانمندی متقاضیان درچارچوب ضوابط و مقررات، نسبت به توزیع اسناد مناقصه میان شرکت‌های واجد شرایط اقدام خواهد نمود. ارائه مدارک و سوابق مذکور هیچ حقی را برای متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. همچنین به درخواست‌ها و مدارک ارسالی پس از مهلت مقرر، ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی نوری

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

آگهی مزایده عمومی فروش سهام
شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند
شماره ۱۴۰۵/۰۳

بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به **فروش ۴۹,۳۵ درصد از سهام شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند(سهامی عام) به تعداد ۵۹,۹۵۹,۶۳۴,۱۲۸ سهم به ارزش ۲,۶۸۶,۳۱۱,۵۲۸,۲۰۲,۶۶۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.** متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵** با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۲۸۴ - ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند
سرمایه ثبت شده	۱۲۱,۴۸۷,۳۷۷,۹۵۱,۰۰۰ ریال
تعداد سهام قابل واگذاری	۵۹,۹۵۹,۶۳۴,۱۲۸
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری(۱)	۲,۶۸۶,۳۱۱,۵۲۸,۲۰۲,۶۶۰ ریال
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۲۱۴,۹۰۴,۹۲۲,۲۵۶,۲۱۳ ریال
شرایط واگذاری(۲)	به‌صورت نقد و اقساط با شرایط ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۶ ماهه طی ۳ سال با نرخ سود ۲۳ درصد سالانه

(۱) قیمت پایه به ازای هر سهم معادل ۴۴,۸۰۲ ریال در نظر گرفته شده است.
(۲) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.
۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷** به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.
۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.
۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائزرتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.
۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.
۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/ کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

آگهی نوبت دوم مناقصه

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری نوبت دوم مناقصه عمومی دو مرحله‌ای **انجام بخشی از امور مربوط به اموال و انبار خود (از جمله اموال گردانی، کمک انبارداری، سرایداری و...)** به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۴۰۱۰۰۰۰۰۰۶ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. همچنین مناقصه‌گران باید دارای گواهی‌نامه تأیید صلاحیت کار خدمات عمومی صادر شده توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معتبر تا حداقل سه ماه از آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و گواهی معتبر ثبت‌نام در سامانه پردیس جام باشند.

- **سپرده شرکت در مناقصه** به مبلغ ۲۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌صورت یکی از تضامین مندرج در بند الف ماده ۶ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- **آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت:** حداکثر تا ساعت ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰
- **آخرین مهلت ارائه پیشنهاد:** حداکثر تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
- **زمان و مکان بازگشایی پاکت‌های الف و ب:** ساعت ۸ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ در تهران، بلوار میرداماد، پلاک ۱۹۸، ساختمان بانک مرکزی ج.ا.ا.

نشانی دستگاه مناقصه‌گزار جهت ارائه پاکت‌های الف: تهران، بلوار میرداماد، پلاک ۱۹۸، ساختمان بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره دبیرخانه مرکزی و امور اسناد.

شماره تماس سامانه (ستاد) جهت انجام مراحل عضویت در سامانه و پاسخگویی به سؤالات سامانه:
(مرکز تماس: ۱۴۵۶ و ۰۲۱-۴۱۹۳۴) (دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸)

م الف ۱۵۵۰ شناسه ۲۲۴۷۲۷۲

به دنبال احیای عزت جهان اسلام

گفت‌وگو با محمدعلی آذرشب درباره شخصیت فرهنگی رهبر شهید و کتاب خون دلی که لعل شد

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

قفسه‌های کتاب تا سقف دیوارهای خانه‌اش قد کشیده‌اند و ستون‌هایی از فکر و فرهنگ ساخته‌اند. دکتر محمدعلی آذرشب، استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و چهره‌ای شناخته‌شده در مطالعات زبان و ادبیات عرب، ظهری گرم و تابستانی، در محاصره همین کتاب‌ها میزبان ما بود. او که سال‌هاست در مسیر پیوند فرهنگی میان ایران و جهان اسلام کوشیده، نه به‌عنوان گردآورنده و نویسنده صرف یک کتاب خاطرات، که با نگاهی عمیق به احیاگری اندیشه و تمدن، از کتاب «إنّ مع الصبر نصراً» سخن گفت؛ اثری که به روایت خاطرات رهبر شهید، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب می‌پردازد. این کتاب که نخست در بیروت و کشورهای عربی انتشار یافت، بعدها با عنوان «خون دلی که لعل شد» از سوی محمدحسین باتمان‌غلیچ در ایران هم ترجمه و منتشر شد. آنچه این گفت‌وگو را متمایز می‌کند، شیوه روایت استاد آذرشب است؛ او از به کار بردن افعال ماضی برای توصیف آیت‌الله خامنه‌ای پرهیز دارد؛ چرا که معتقد است مسیر احیاگری و بازپس‌گیری عزت که ایشان برای تحقق آن بسیار کوشیدند، جریانی همچنان زنده و جاری است. این دیدار، مجالی بود برای واکاوی این اثر که فرآیند شکل‌گیری‌اش، بخشی از زیست فکری استاد آذرشب نیز به‌شمار می‌آید؛ ایده نگارش این کتاب از جلسات هفتگی مکالمه عربی، حدود بیست سال پیش، با حضور رهبر شهید شکل گرفت و دکتر آذرشب، همزمان با همکاری دیرینه‌اش در کسوت مترجم رهبر انقلاب در مراودات و ارتباطات فرهنگی با نخبگان و فرهیختگان عربی، برای تدوین و بازنویسی این خاطرات نیز کوشیده است. در این روایت، استاد آذرشب، آیت‌الله خامنه‌ای را نه تنها یک کنشگر سیاسی، ادیبی معرفی می‌کند که در زندان‌های دوران پیش از انقلاب، با سلاح شعر و رمان، در اندیشه احیای شعور بودند. آذرشب، بی‌آن‌که در پی بزرگ‌نمایی باشد، تصویری از نظم فکری و عمق مطالعاتی ایشان ترسیم می‌کند؛ تصویری از مبارزی متفکر و انقلابی که از زندان تا قله‌های فرهنگ، صبوری را به مثابه ابزاری برای رسیدن به «نصر» می‌دیده است. این گفت‌وگو، شرحی است بر صبوری و عزتی که در کالبد «خون دلی که لعل شد» متبلور شده و برای آذرشب، یادآوری پیوندی است که از سال‌ها پیش در همین فضای کتاب‌زده و آکنده از معنا، جان گرفته است.

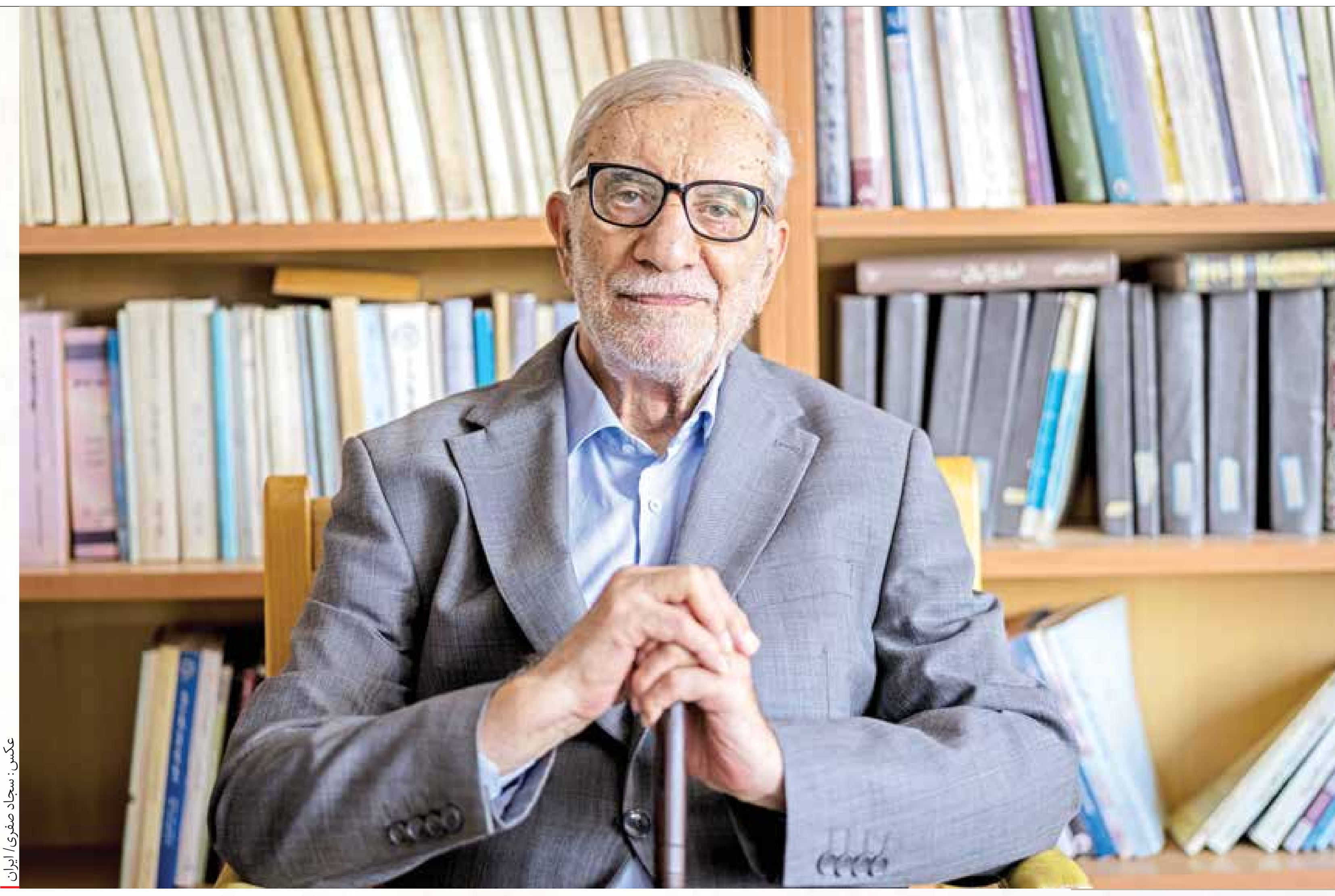
عکس: سجاد صفری/ ایران

استاد آذرشب، ابتدا درباره نقش و نسبت‌تان با کتاب «خون دلی که لعل شد» و فرآیند نگارش و انتشار آن بفرمایید.

ماجرای این کتاب به رابطه‌ام با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهیدمان بازمی‌گردد، رابطه‌ای بر محور زبان و ادبیات و البته آرمان‌های دینی و انقلابی. بهانه شکل‌گیری‌اش نیز نشأت گرفته از تخصص دانشگاهی و کاری‌ام، در زمینه زبان و ادبیات عرب و همین‌طور شیفتگی‌ام نسبت به زبان و ادبیات فارسی است؛ علاقه‌مندی‌هایی مشترک با رهبر شهید. من سال‌ها در دانشگاه تهران زبان و ادبیات عرب تدریس کرده و به عرب‌زبانان نیز در دانشگاه‌هایی چون لاذقیه سوریه، زبان و ادبیات فارسی تدریس کرده‌ام. دغدغه‌های رهبر شهید در خصوص زبان و ادبیات از منش احیاگری ایشان نشأت می‌گرفت؛ آنچنان که اگر قرار باشد بخشی از خط فکری آیت‌الله خامنه‌ای را به کمک یک واژه برای جوان‌ترها شرح بدهیم، به گمانم بهترین واژه و تعریف آن است که بگوییم ایشان احیاگر بودند.

احیاگر از چه بابت؟

بعد از مواجهه تمدن اسلامی با مدرنیته، جامعه اسلامی از جهات بسیاری آسیب دید. بنا بر ضرورت، عده‌ای به هدف احیاگری برخاستند که از چهره‌های سرآمد آن می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبدُه، اقبال لاهوری و امام خمینی(ره) اشاره کرد. همه این بزرگان احیاگرانی اثرگذار در زمانه‌شان بودند، اما یکی از احیاگرانی که برای معرفی اقدامات‌شان آن‌گونه که باید تلاشی نشده، رهبر شهید است؛ در صورتی که ایشان در زمره احیاگران شاخص هستند، به این معنا که درصدد بازپس‌گیری عزت از دست رفته جهان اسلام بودند. ایجاد قرابت بیشتر و برقراری اتحاد حداکثری در جهان اسلام، از اهداف احیاگری رهبر شهید بود که برای تحقق آن تلاش فراوانی به خرج دادند. ایشان از طرق مختلف خواستار بازگرداندن عزت به جامعه مسلمانان بودند؛ آرمانی که به گمانم باید در وجود تمامی مسلمانان و چه بسا همه آنهایی که تحت ظلم قرار گرفته‌اند، وجود داشته باشد. جامعه غربی و به‌خصوص آمریکا در دهه‌های اخیر، نقش مهمی در ایجاد این احساس ناخوشایند ایفا کرده‌اند. اگر کلیت تبلیغات غربیان و اقدامات آنان علیه جوامع مسلمان را در یک کلمه و مفهوم بررسی کنید، بر ایجاد ذلت استوار شده است. به همین جهت احیاگران خواهان بازگرداندن عزت به جوامع مسلمانان هستند، چراکه عزت حیات است و ذلت برابر با مرگ. جمله مشهور «هَیهاتَ مِنّا الذِّلَّة» نیز معنای بزرگی در همین رابطه دارد؛ اینکه محال است به ذلت تن دهیم. ضرورت احیاگری برای بازگردانی عزت، مسأله‌ای مشهود برای مسلمانان دغدغه‌مند است. بگذارید به خاطره‌ای اشاره کنم؛ حدود پانزده سال قبل در سفر به الجزایر دیداری با رئیس مجلس الجزایر داشتیم. ریاست وقت مجلس الجزایر، خطاب به هیأت ایرانی حاضر گفت:«ما می‌دانیم که شما ایرانیان به دنبال بمب هسته‌ای نیستید و هدف‌تان از دستیابی به دانش و امکانات هسته‌ای، استفاده‌ای کاملاً صلح‌آمیز است.» من که در آن جمع حضور داشتم به ایشان گفتم:«ولی جناب رئیس مجلس، مردم کشورتان که ما را در کوچه و خیابان می‌بینند، از ما برای ساخت بمب هسته‌ای درخواست می‌کنند!» او و چند نفر از اعضای مجلس الجزایر، سخنان من را که شنیدند، چرایی خواسته مردم‌شان را این‌گونه شرح دادند:«می‌دانید چرا؟ به خاطر اینکه آمریکا آنان را ذلیل کرده است. الجزایری‌ها در حسرت آن هستند که به این طریق عزت‌شان برگردد. پیش‌تر به این دل خوش کرده بودند که لیبی بمب هسته‌ای بسازد و اقتدارشان را از آن راه بازپس گیرند. از آنها قطع امید کردند و حالا به شما امید بسته‌اند.» این سخنان بی‌پرده‌ای بود که رئیس مجلس الجزایر در آن سفر به ما گفت؛ از اینکه مردم کشورش آرزوی حضوری مقتدرانه را در سطح جهانی دارند؛ طبیعتاً این خواسته، از نیاز به بازگردانی عزت از دست رفته‌شان که غرب و آمریکا در آن دخیل‌اند نشأت می‌گرفت، وگرنه آنان نیز خواهان سلاحی برای کشتار نبودند؛ همچنان که ما نیستیم و از ابتدا هم گفته‌ایم که هدف‌مان استفاده صلح‌آمیز است. عزت‌خواهی، آرمانی است که رهبر شهید از ابتدای جوانی دنبال می‌کردند؛ مسأله‌ای که برای کل جهان اسلام دغدغه بوده و هست. در این بین باید به عشق و علاقه‌شان به زبان و ادبیات عرب و همچنین زبان و ادبیات فارسی نیز اشاره کنم. عشق به زبان و ادبیات فارسی برای یک ایرانی اتفاق شگرفی نیست، اما چرایی شیفتگی‌شان به زبان و ادبیات عرب پاسخی قابل تأمل و مهم دارد. این علاقه‌مندی نشأت گرفته از نگاه فرامرزی آیت‌الله خامنه‌ای برای وحدت‌بخشی میان مسلمانان، به کمک زبان عربی و آموزه‌های قرآنی به‌عنوان عاملی مؤثر است که در این بین پیوند دادن انسان‌ها با قرآن نیز نوعی احیاگری محسوب می‌شود. آنچنان‌که در آیه ۲۴ سوره انفال هم آمده است:«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یُحْیِیکُمْ-ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد!» در این آیه، حیات‌بخشی را احیاگری نیز می‌توان معنا کرد. جالب است که بعد از شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، شاهد استفاده از کلمه مبعوث به معنای برانگیخته شده هستیم؛ این کلیدواژه به زبان آقا سید مجتبی، رهبر جوان‌مان هم آمده است. ایشان می‌گویند رستاخیز؛ رستاخیر، مبعوث و بعثت، همگی در چارچوب مضمون احیاگری قرار می‌گیرند. رستاخیر درباره روز قیامت است که مردم احیا می‌شوند و از گورها برمی خیزند، اما این احیایی که من از آن می‌گویم، تنها به روز قیامت و رستاخیز محدود نمی‌شود. امروز به احیاگری، نیازی فراوان داریم، مسأله‌ای که در توصیف شیوه تفکر و صحبت درباره شخصیت رهبر شهید، کلیدواژه‌ای مهم است. به همین دلیل معتقد به ضرورت تأکید محافل فکری و فرهنگی بر کلیدواژه احیای جهان اسلام از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای هستم و بررسی اینکه ایشان چه روش‌هایی را برای تحقق این هدف، راهگشا می‌دانستند. فراموش نکنیم که احیا و عزت در این رابطه دو واژه مرتبط هستند؛ عزت، حیات است و همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، ذلت نیز مرگ. این فقط یک کلیدواژه اسلامی نیست، بلکه انسانی است. فرانسیس فوکویاما در کتاب «پایان تاریخ و انسان واپسین» از نظریات مختلفی درباره حرکت تاریخ صحبت می‌کند. هم فوکویاما و هم پیشینیان او، از زمان افلاطون به بعد معتقدند حرکت تاریخ، آن‌گاه ایجاد می‌شود که تیموس در جامعه جان می‌یابد و طبق تعریفی که فوکویاما ارائه می‌دهد، تیموس تقریباً همان عزت است. بنابراین عزت، موتور محرک انسان‌ها در حرکت تاریخی است و این دغدغه مهمی است که آیت‌الله خامنه‌ای در همه عمر دنبال کردند. خوشبختانه این مسأله همچنان دنبال می‌شود و امروز شاهد جان گرفتن مفهوم کلیدواژه‌های رستاخیز، مبعوث و عزت در میان جامعه هستیم. همان‌گونه که اشاره شد، رهبر شهید در زمینه احیا، تأکید بسیاری بر وحدت داشتند. وحدت نیز به نوعی برابر با حیات است، یعنی جسدی که حی و زنده است، اعضای آن با یکدیگر رابطه ارگانیک دارند و هنگامی که بمیرد، ارتباط میان‌شان قطع می‌شود. وحدت یکی از نشانه‌های حیات انسان‌هاست؛ یکی از مظاهر احیای انسان‌ها. به همین جهت رهبر شهید تأکید بسیاری بر مسأله وحدت در جهان اسلام داشتند؛ وحدت میان سنی و شیعه، وحدت میان مسلمانان عرب و غیرعرب و تمامی قومیت‌ها. نگاه ایشان در خصوص ضرورت برقراری و تحکیم وحدت، حتی فراتر از بحث دین بود و به اهمیت برقراری آن میان تمامی انسان‌هایی که در مقابل ظلم و ستم برخاسته‌اند نیز تأکید داشتند؛ به عبارتی وحدت میان مستضعفین. آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه اقدامات ارزشمند فراوانی انجام دادند؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پیرو همین دغدغه ایشان ایجاد شد. حرکت مردم شمال آفریقا نیز تحت عنوان بیداری اسلامی با چنین نگاهی مورد تأیید رهبر شهید قرار گرفت؛ چندین سخنرانی و سمینار به همین منظور برگزار شد و آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور مفصل درباره بیداری اسلامی یا همان «الصحوه الاسلامیه» صحبت کردند و حتی مؤسسه‌ای تحت نظارت آقای ولایتی با عنوان «سازمان بیداری اسلامی» راه‌اندازی شد. بنابراین هر حرکت و پدیده‌ای که در بیداری مؤثر است و همین‌طور برای برقراری وحدت که زمینه‌سازی احیا را به عهده دارد، مورد تأکید و تأیید رهبر شهید قرار داشت.

اما نگفتید که نسبت شما و کتاب «خون دلی که لعل شد» با این دغدغه رهبر شهید در چیست؟

یکی از مهم‌ترین مواردی که در پاسخ به این سؤال‌تان باید به آن اشاره کنم، مسأله زبان است. آیت‌الله خامنه‌ای بر وحدت‌بخشی زبان تأکید داشتند. آن موقعی که من در سوریه بودم، ایشان برای نشر زبان فارسی در آن کشور بسیار تشویق‌مان می‌کردند؛ در داخل ایران هم تأکید بر نشر زبان عربی داشتند. رهبر شهید اهمیت و ضرورت اثرگذاری زبان را درک می‌کردند و تأکیدشان برای ایجاد تفاهم میان ملت‌های مسلمان از دریچه زبان به‌عنوان ابزاری مؤثر بود. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین مسائلی که قرآن به آن پرداخته است، مسأله تعارف است:«یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقناکُم مِن ذَکَرٍ وَأُنثیٰ وَجَعَلناکُم شُعوبًا وَقَبائِلَ لِتَعارَفوا» تعارف، به معنای مبادله معرفتی و این مبادله معرفتی نمی‌تواند صورت بگیرد مگر از راه زبان. هم‌افزایی این دو زبان با یکدیگر، حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی را سرعت می‌بخشد و امیدبخشی بیشتری در پی دارد. اما در خصوص سؤال شما باید اشاره مجددی به علاقه‌مندی رهبر شهید به زبان عربی داشته باشم. ایشان یک روز گفتند که مشتاقند با کسی به زبان عربی صحبت کنند.

این ماجرا به چه سالی بازمی‌گردد؟

حدود ۲۰ سال قبل. آقا خواهان آن بودند که ارتباط پررنگ‌تری با زبان عربی روز پیدا کنند و دانش‌شان محدود به مطالعه آثار عربی نشود. برای این کار من انتخاب شدم. هفته‌ای حداقل یک‌ساعت و گاهی حتی دو ساعت می‌نشستیم و با رهبر شهید درباره موضوعات مختلف به عربی صحبت می‌کردیم؛ ادبیات عرب، شناخت جهان عرب، مشکلات موجود در جامعه مسلمانان، در ارتباط با آرمانی که آیت‌الله خامنه‌ای برای وحدت‌آفرینی و بازگرداندن عزت به جهان اسلام دنبال می‌کردند و... در یکی از جلسات خدمت رهبر شهید عرض کردم که:«ای کاش در این جلسات هفتگی عربی، درباره زندگی و خاطرات‌تان نیز صحبت کنید.» و شکل‌گیری این کتاب به همان پیشنهاد بازمی‌گردد و البته موافقت و همراهی آیت‌الله خامنه‌ای. از آن به بعد بخش عمده‌ای از جلسات هفتگی عربی به صحبت درباره خاطرات ایشان اختصاص یافت؛ خاطراتی که از سال‌های دور کودکی‌شان شروع شد و تا برهه‌ای بعد از انقلاب و وقایع مرتبط با آن را نیز دربر می‌گرفت.

> اگر قرار باشد بخشی از خط فکری آیت‌الله خامنه‌ای را به کمک یک واژه برای جوان‌ترها شرح بدهیم، به گمانم بهترین واژه و تعریف آن است که بگوییم ایشان احیاگر بودند؛ به این معنا که درصدد بازپس‌گیری عزت از دست رفته جهان اسلام بودند. ایجاد قرابت بیشتر و برقراری اتحاد حداکثری در جهان اسلام، از اهداف احیاگری رهبر شهید بود که برای تحقق آن تلاش فراوانی به خرج دادند

در فرآیند گردآوری و تنظیم خاطرات، حفظ لحن شخصی و صمیمی راوی تا چه اندازه برای شما اهمیت داشت و برای حفظ این ویژگی چه ملاحظات و چالش‌هایی داشتید؟

خوشبختانه با ذوق ادبی رهبر شهید آشنایی زیادی داشتم و از همین بابت در روند گردآوری و مکتوب‌سازی خاطرات با چالش چندانی روبه‌رو نشدم. جالب است بدانید ذوق ادبی ایشان، به سید قطب شباهت زیادی داشت و تقریباً همسان بودند. بارها از ایشان شنیده بودم که «وقتی تفسیر سید قطب را در کتاب‌های «فی ظلال القرآن» می‌خواندم محو سبک آن می‌شدم.» بنابراین در بازنویسی خاطرات کوشیدم از همان سبک استفاده کنم. با تکیه بر چنین مسأله‌ای، از همان ابتدای جمع‌آوری خاطرات، برای بازنویسی‌شان کوشیدم چراکه خواه‌ناخواه زبان گفتار با نوشتار تفاوت‌های ساختاری زیادی دارد. باید در عین مکتوب ساختن خاطرات شفاهی، زبان‌شان را متناسب با متن نوشتاری تغییر می‌دادم. خوشبختانه با سبک نوشتاری و سلیقه آقا آشنا بودم، با وجود این اطمینان کامل نداشتم که نتیجه کار همانی شده باشد که مدنظر ایشان بوده است. تا آن‌که فرصتی فراهم شد و در یکی از سفرهای نوروزی آقا به مشهد، خدمت ایشان رسیدیم. در آن سفر، حین قدم زدن در باغ ملک‌آباد، یادداشت‌های مکتوب و بازنویسی شده را برای‌شان می‌خواندم؛ ایشان هم درباره بخش‌های مختلف صحبت می‌کردند، اینکه فلان بخش درست است یا نیست. من اصلاحات لازم را انجام می‌دادم، بنابراین هم محتوا و هم سبک نگارش خاطرات کتاب به ملاحظه و تأیید ایشان رسید. کار گردآوری و بازنویسی خاطرات، حدود چهار- پنج سال زمان برد. کار که تمام شد، درباره انتشار کتاب از ایشان کسب تکلیف کردم، اجازه دادند که در قالب کتاب منتشر شود اما بعدتر تجدیدنظر کردند و فرمودند که:«نه، فعلاً دست نگه‌دارید.» استدلال‌شان این بود که تا زنده هستند، انتشار کتاب خاطرات زندگی‌شان معنایی ندارد! خیلی افسوس خوردم ولی ناامید نشدم. به آقازاده‌های ایشان متوسل شدم تا شاید به کمک آنان نظر آیت‌الله خامنه‌ای تغییر کند. حدود یک‌سال به همان منوال سپری شد و در نهایت موافقت کردند.

یکی از ویژگی‌های این کتاب پرهیز از اطناب و روایت روان آن است؛ چگونه توانستید از پراکندگی طبیعی خاطرات عبور کنید و به این ساختار منسجم برسید؟

بخشی از این مسأله را مدیون تلاشی هستم که طی سال‌ها جهت مخاطب‌شناسی به خرج داده‌ام. از این رو نه فقط موقعی که کتاب می‌نویسم، حتی در ترجمه آثار نیز توجه زیادی به ضرورت‌های آن دارم و چیدمان خاطرات این کتاب با چنین نگاهی انجام شده است. تا حد ممکن از چیدمانی که حواس مخاطب را پرت کند پرهیز کرده‌ام. البته همان‌گونه که تأکید شد، توجه به سلیقه و ذوق راوی نیز نقشی تعیین کننده دراین رابطه داشته است.

تأکید کردید که آیت‌الله خامنه‌ای، صحبت درباره خاطرات زندگی‌شان را از دوران کودکی آغاز کردند؛ اما کتاب با وجود پرداختن به دوران کودکی و تحصیل آیت‌الله خامنه‌ای، به سرعت بر سال‌های فشار، بازداشت و تبعید متمرکز می‌شود؛ چرا خیلی سریع از آن دوران عبور می‌کند!

خب این تمرکز بر اساس خواسته رهبر شهید بود؛ موافقت ایشان منوط به آن شد که فقط خاطرات مرتبط با زندان‌ها و دوران تبعید منتشر شود. کتاب خاطراتی از دهه‌های چهل و پنجاه زندگی ایشان که نسخه اصلی آن با عنوان «إنّ مع الصبر نصراً» به زبان عربی و ترجمه فارسی‌اش نیز با نام «خون دلی که لعل شد» منتشر شد. وگرنه فراتر از خاطرات دوران مبارزه و تبعید که در کتاب «خون دلی که لعل شد» آمده، همچنان خاطرات منتشر نشده بسیاری از آقا در اختیار دارم که ناگفته‌های فراوان ایشان از دوران پیش از انقلاب و اوایل آن دوران را شامل می‌شوند. اما با زندان‌ها و تبعید ارتباطی ندارند. انتشار مابقی خاطرات، منوط به خواسته فرزندان رهبر شهید انقلاب است، امیدوارم تصمیمی اتخاذ کنند و اجازه انتشار آنها را بدهند. ناگفته نماند که غیر از من افراد دیگری هم هستند که خاطرات خواندنی و ارزشمند از آیت‌الله خامنه‌ای به یاد دارند. ای کاش هسته‌ای برای جمع‌آوری کل خاطرات شکل بگیرد تا همه آنها گردآوری، تنظیم و منتشر شوند.

در بخش‌هایی از کتاب، می‌توان ردپای دلبستگی راوی به ادبیات و شعر را حتی در سخت‌ترین شرایط زندان دید. این علاقه به ادبیات، تنها یک جنبه از وجه شخصیتی ایشان است یا به نظر شما ابزاری برای حفظ تعادل روحی و تعالی معنوی در آن شرایط سخت؟ این عناصر چه سهمی در معرفی شخصیت رهبر شهید دارند؟

احیاگر به کل ابزارهایی که به کمک آنها بتواند دیگران را احیاگری کند علاقه‌مند است. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از بهترین‌های این ابزارها، ادبیات و به خصوص شعر است. رهبر شهید با همه وجود شیفته شعر بودند. آنچنان که در یکی از سفرهای اجباری تبعید، آقا را با قطار راهی تبعیدگاه می‌کنند، همراه با دو مأمور پلیس به عنوان مراقب و محافظ. ایشان در قطار، غزلی را در یک روزنامه می‌خوانند، شیفته‌اش می‌شوند و آن را در دفتری که همیشه همراه‌شان بوده یادداشت می‌کنند. این کار مأموران همراه‌شان را متعجب می‌کند که چطور یک تبعیدی هنوز پیگیر شعر و ادبیات است! من این دفتر را در اختیار داشتم اما نمی‌دانم چه اتفاقی برای آن افتاده است؛ دفتری با عنوان «سفینه غزل». آن دفتر دربردارنده مجموعه غزل‌هایی بودند که آیت‌الله خامنه‌ای پسندیده و آنها را در دفترشان نوشته بودند. اما چرا قالب شعری مورد علاقه‌شان غزل بود؟ به این خاطر که غزل ارتباط نزدیکی با شعور انسان‌ها دارد و از همین رو، هر غزلی که به نظر ایشان زیبا می‌آمد را جمع می‌کردند؛ حتی در سفر به تبعیدگاه! ای کاش نسل جوان هم متوجه اهمیت شعر و کارکردهای آن بشود، متأسفانه با وجود اهمیتی که شعر می‌تواند در احیاگری داشته باشد اما جوانان امروز تحت‌تأثیر جاذبه‌های دنیای اینترنت و امکانات نوین از آن دور شده‌اند؛ البته ادبیات صرفاً شعر نیست و قالب‌های دیگری چون رمان و داستان کوتاه را نیز شامل می‌شود.

رهبر شهید هم به اذعان نزدیکان و همچنین به گواه گفت‌وگوهایی که با اهالی کتاب از ایشان به جای مانده، کتابخوانی حرفه‌ای هم بودند!

بله، آقا کتابخوان حرفه‌ای بودند. ادعای زیادی نیست اگر بگویم ایشان تقریباً هر رمانی و داستانی که به فارسی ترجمه می‌شد را می‌خواندند؛ از ادبیات عرب و انگلیسی گرفته تا آثار شاخص ادبیات فرانسه و روسیه. نویسندگان شاخص ایرانی را هم می‌شناختند و پیگیر آثار آنان هم بودند.

برای مخاطبی که شاید اطلاعی از شرایط دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نداشته باشد، این کتاب چه تصویری از فضای امنیتی، سیاسی و فرهنگی آن دوره ارائه می‌دهد؟

طبیعتاً و بنا به مضمون کتاب، این تصویرسازی به‌طور کامل رخ نمی‌دهد. اما خاطرات کتاب بی‌شک جرقه‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که سبب کنجکاوی و تلاش برای مطالعه بیشترشان می‌شود. به عنوان نمونه، از آقا خاطراتی در کتاب آمده که بخشی از فضای اجتماعی آن دوران را در خود دارد، هرچندکه سریع از آن عبور می‌کنند و به مبحث اصلی می‌پردازند. همین اشاره در ذهن خواننده شوق ایجاد می‌کند که برود و بخواند که شرایط اجتماعی آن دهه درباره فلان موضوع چطور بوده است.

براساس چه هدف و ضرورتی کتاب به زبان عربی منتشر شد و انتشار آن در بیروت، چه بازخوردی میان مخاطبان عرب‌زبان داشت؟ به خصوص که سید حسن نصرالله نیز در معرفی آن نقش ایفا کردند.

آیت‌الله خامنه‌ای آن خاطرات را به زبان عربی گفته بودند، طبیعتاً در وهله اول باید به همان زبان منتشر می‌شد؛ به خصوص که بخشی از مخاطبان هدف کتاب نیز جوانان جهان اسلام بودند. مراسم رونمایی نسخه عربی کتاب، حدود هفده- هجده سال قبل در بیروت و با حضور سیدحسن نصرالله انجام شد. تا جایی که از صحبت‌های ناشر عربی کتاب «إنّ مع الصبر نصراً» مطلع شده‌ام؛ بازخورد گسترده‌ای در جهان عرب پیدا کرده است؛ به خصوص در شمال آفریقا و حتی در کشورهای حوزه خلیج فارس. در سوریه و مصر هم با استقبال زیادی روبه‌رو شد و طبق گفته ناشر، بارها بازنشر شده است.

این استقبال را در نتیجه چه عواملی می‌دانید؟

مهم‌ترین عامل به همان مسأله‌ای بازمی‌گردد که در توصیف شیوه تفکر رهبر شهید در ابتدای گفت‌وگو اشاره کردم؛ بخش مهمی از مبارزات و زندگی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای بر تلاش برای بازگرداندن عزت به جهان اسلام متمرکز شده بود؛ مسأله‌ای که به دغدغه‌ای جدی میان مسلمانان تبدیل شده است.

إنّ مع الصبر نصراً
مذکرات السید علی الخامنئی العربیه
- نویسنده: محمدعلی آذرشب
- ناشر: مکتب حفظ ونشر آثار الإمام الخامنئي و مرکز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي
- تعداد صفحات: ۴۱۰ صفحه

فضای مشهد، قم و نجف در دوره‌های مختلف زندگی راوی در کتاب بازتاب یافته است. تأثیر این سه فضا را در شکل‌گیری شخصیت علمی، فکری و مبارزاتی آیت‌الله خامنه‌ای چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فضا و شرایط حاکم بر این شهرها نقش زیادی در شکل‌گیری شخصیت مبارزاتی و فکری ایشان داشته‌اند؛ به‌خصوص مشهد به دلیل وجود بزرگانی چون آیت‌الله میلانی. آقای میلانی شهرت چندانی ندارند اما شخصیت بسیار عجیبی به شمار می‌آیند. رهبر شهید همواره تأکید داشتند و علاقه‌مند بودند که آیت‌الله میلانی به خوبی معرفی شوند؛ البته ایشان به عنوان فقیه و مرجع معرفی شده‌اند، اما نه آنچنان که لازم است. ای کاش علمای مشهد کاری در خصوص معرفی تمام و کمال آیت‌الله میلانی از نگاه رهبر شهید انجام بدهند. مشهد از جهات دیگری، از جمله به دلیل حضور نواب صفوی نیز بر ایشان بسیار اثرگذار بوده است. از آنجایی که بخشی از زندگی آقا در مشهد سپری می‌شود، در آن شهر تجربیات بسیاری کسب می‌کنند که اینها نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت‌شان داشته؛ مسأله‌ای که مصادیق فراوانی از آن در خاطرات به یادگار مانده از رهبر شهید نیز آمده است. از بین سه شهری که نام بردید، اول مشهد است که بیشترین تأثیر را به جای گذاشته، سپس قم و بعد هم نجف. اثرگذاری قم به جهت امام خمینی(ره) بوده است؛ آیت‌الله خامنه‌ای از قیام بنیان‌گذار کبیر انقلاب که باخبر می‌شوند، آرمان و آرزوهای‌شان را در آستانه تحقق یافتن می‌بینند؛ به محضر ایشان رفته و خود را معرفی می‌کنند. امام خمینی(ره) هم که پدرشان را می‌شناختند، تفکرات آیت‌الله خامنه‌ای را می‌پسندند و ایشان را در ارسال نامه‌های محرمانه به مراجع دینی، محرم و امین خود قرار می‌دهند.

در خاطرات، گاهی از نگرانی‌ها یا دلتنگی‌های راوی برای خانواده‌شان می‌خوانیم؛ جزئیاتی که شاید در خاطرات رهبران سیاسی چندان معمول نباشد. حفظ این ابعاد انسانی چه تأثیری در اثرگذاری هرچه بیشتر کتاب بر مخاطب دارد؟

انتشار این نگرانی‌ها در خاطرات، به مخاطبان برای شناخت هرچه بیشتر ویژگی‌های شخصیتی رهبرشهید و حتی سختی‌ها و نگرانی‌هایی که در رابطه با زندگی خود متحمل شده‌اند، کمک می‌کند. با آن‌که آیت‌الله خامنه‌ای، نگرانی‌هایی بابت خانواده خود داشتند، خانواده ایشان با جدیت بسیار، رهبر شهید را به ادامه مسیر مبارزاتی‌شان تشویق می‌کردند؛ به خصوص مادرشان. این مسأله در خاطرات ایشان هم بازتاب یافته‌اند؛ جایی از کتاب آمده که آقا در بازگشت از یکی از زندانی شدن‌ها، با استقبال مادر و سخنان تشویق گرانه‌شان در ادامه آن راه دشوار و پرخطر روبه‌رو می‌شوند. نه اینکه بگویم خانواده، نگران ایشان و تبعات مبارزاتی سیاسی‌شان نبوده، نه! مسأله این است که همفکر بوده‌اند و به فرزندشان و مسیری که در آن گام نهاده بوده، افتخار می‌کرده‌اند. حتی در یکی از روزهایی که ساواک برای دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای به منزل ایشان حمله می‌کند، مادر رهبر شهید، شجاعانه مقابل آنان می‌ایستد و از خانه بیرون‌شان می‌کند. این مواجهه و حمایت سرسختانه بانویی که هیچ سابقه فعالیت مبارزاتی یا حتی زندگی با خانواده‌ای مبارز را نداشته، بسیار قابل تأمل است.

کتاب «خون دلی که لعل شد» چه تصویری از شخصیت رهبر شهید به مخاطب می‌دهد که از نگاه‌های دیگر پنهان مانده بود؟

به گمانم مهم‌ترین ویژگی خاصی که کتاب در معرفی آن به مخاطبان می‌کوشد؛ جامعیت شخصیت رهبر شهید است. در جهان اسلام، با شخصیت‌های دینی و سیاسی مختلفی آشنا هستم که به آقای صدر به‌عنوان مرجعی جامع علاقه‌مند هستند؛ هرچند تأکید دارم که حتی ایشان هم جامعیت شخصیتی رهبر شهید را ندارند. آیت‌الله خامنه‌ای شخصیتی چند وجهی دارند، ایشان نه تنها کتابخوانی حرفه‌ای بودند، ادبیات و اهالی‌اش را به خوبی می‌شناختند. در مسائل سیاسی و مبارزاتی نیز دانش و ذکاوت فوق‌العاده داشتند و برآن اساس راهکارهای مؤثری ارائه می‌کردند. در حل مسائل اجتماعی و مدیریت جامعه نیز، شخصیتی آگاه داشتند و در مواجهه کشور با وقایع سهمگینی چون سیل و زلزله؛ موفق به مدیریت بحران و ارائه راهکارهای کاربردی می‌شدند. از سویی در ارتباط با مسائل فقهی و دینی نیز مرجعی مطمئن بودند و اینها مواردی است که در خلال مطالعه خاطرات، نکاتی را درباره‌شان می‌خوانید.

این کتاب برای نسل جوان که تجربه آن دهه‌ها را ندارد، فراتر از آشنایی با یک دوره تاریخی، چه درس‌هایی از فهم مقاومت، امید و پایداری به همراه دارد؟

پاسخ این سؤال را می‌توان در عنوان کتاب یافت، «خون دلی که لعل شد» درس بزرگی به نسل جوان امروز می‌دهد؛ درسی برای تمامی جوانان جهان اسلام و نه فقط مخاطبان ایرانی. در کتاب حتی به نقل از رهبر شهید آمده که من می‌خواهم جوانان عرب این کتاب را بخوانند تا بدانند که پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سادگی صورت نگرفته است و آنان باید مسئولیت و سختی‌های زیادی را برای تحقق اهداف شان به جان بخرند.

در ابتدای گفت‌وگو تأکید کردید محور بخشی از صحبت‌های آن جلسات هفتگی درباره زبان و ادبیات عرب بوده است؛ آیت‌الله خامنه‌ای تا چه اندازه جریان‌های ادبی و فکری جهان عرب را دنبال می‌کردند و آیا با نویسندگان و روشنفکران معاصر عرب هم مراوداتی داشتند؟

احاطه آقا به ادبیات عرب و آشنایی‌شان با جریان‌های ادبی روزشان باور نکردنی بود. بگذارید پاسخ سؤال‌تان را با اشاره به نمونه‌ای شرح بدهم. محمد مهدی جواهری، شاعر سرشناس عراقی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران معاصر جهان عرب است؛ او قرار بود به همراه همسرش برای زیارت بارگاه امام رضا(ع) به ایران سفر کند. از آنجایی که عراق را ترک کرده و ساکن دمشقِ سوریه بودند، از همانجا برای دریافت ویزا درخواست کردند، اما روند این کار آنقدر طولانی شد که همسر آقای جواهری فوت کرد. آیت‌الله خامنه‌ای که باخبر شدند، دستور دادند تا یک مراسم ختم برای آن بانویی که در حسرت زیارت امام رضا(ع) ماند، در مشهد و بارگاه امام هشتم برگزار شود و من به نمایندگی از رهبر شهید به آن مجلس رفتم. بعد از مدتی مطلع شدیم که شخص آقای جواهری نیز بسیار مشتاق سفر به ایران هستند. بلافاصله مقدمات سفر ایشان فراهم شد؛ آن سفر داستان مفصلی دارد که به بازگویی بخشی از آن اکتفا می‌کنم. در دیداری با آقای جواهری، او گفت با آن‌که مشتاق دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای است اما نگران بخشی از آن چیزی است که در خاطرات دوجلدی زندگی‌اش، با عنوان «ذکریاتی» نوشته. گفت: «نگرانم آقا کتاب را خوانده باشند و آن بخش‌ها مورد پسندشان قرار نگرفته باشد.» به او گفتم: «آقا پیش‌تر کتاب را گرفته و خوانده‌اند! و حتی در صفحات دیوان شما و آن خاطرات حاشیه هم نوشته‌اند.» باورش نمی‌شد. از آنچه شنیده بود تعجب بسیار کرد. کمی بعد مقدمات دیدار جواهری با رهبر شهید که فراهم شد، نزد ایشان رفت و دست آیت‌الله خامنه‌ای را بوسید، خواست بنا بر احترام پای ایشان را ببوسد که آقا اجازه ندادند، دست او را گرفتند و کمک کردند که بایستد. جواهری در محضر رهبر شهید گفت: «این اولین و آخرین دستی است که در تمامی زندگی‌ام بوسیده‌ام.» خب این گفته از سوی شاعری به سن و سال جواهری که ۹۱ ساله بود حرف کمی نیست. در آن دیدار آقا درباره اشعار او صحبت کردند و خاطراتی درباره مطالعه دیوان جواهری و کتاب خاطرات زندگی‌اش بیان کردند. جلسه که تمام شد، جواهری رو به حاضران از این گفتند که ایران به سبب وجود رهبری اینچنین ادیب، به دوران، «صاحِب بْنِ عَبّاد» بازگشته، (متکلم، ادیب، شاعر و وزیر دانشمند شیعی دولت آل بویه در قرن چهارم هجری که در دوران حضورش در ری و اصفهان، محفل علمی و ادبی پرباری را گردآورده و کتابخانه‌ای عظیم فراهم کرده بود) گویی دوباره همان دوران ایران است. جواهری از آقا برای دریافت نسخه‌های حاشیه‌نویسی شده درخواست کرد و گفت: «می‌خواهم این حواشی و تعلیقاتی که در خصوص دیوان و خاطراتم نوشته‌اید را گردآوری کرده و منتشر کنم تا جهان عرب بدانند که شخصیت‌های سیاسی ایرانی هم ادیب هستند و هم حکمران و از سویی ادبیات عرب و شخصیت‌های آن را نیز در سطح بالایی می‌شناسند.» رهبر شهید با احمد شوقی، شاعر سرشناس جهان عرب و از پیشگامان ادبیات مدرن مصر نیز آشنایی داشتند و آثارش را خوانده بودند؛ اینها فقط نمونه‌هایی از احاطه ادبی ایشان و آشنایی‌شان با ادبیات عرب و ادبای آن است. علاوه بر این پیگیر نوشته‌ها و رمان‌های جهان عرب نیز بودند. حتی در نوجوانی کتاب «الأجنحة المتکسرة» جبران خلیل جبران به معنی «بال‌های شکسته» را ترجمه کردند ولی هیچ‌گاه آن را منتشر نکردند.

> احاطه آقا به ادبیات عرب و آشنایی‌شان با جریان‌های ادبی روزشان باورنکردنی بود. آقا در دیداری که محمدمهدی جواهری (یکی از بزرگ‌ترین شاعران معاصر جهان عرب) با ایشان داشتند، درباره اشعار او صحبت کردند و خاطراتی درباره مطالعه دیوان جواهری و کتاب خاطرات زندگی‌اش بیان کردند. جلسه که تمام شد، جواهری رو به حاضران از این گفتند که ایران به سبب وجود رهبری اینچنین ادیب، به دوران «صاحِب بْنِ عَبّاد» بازگشته است

از رفت‌وآمد به آن جلسات هفتگی مکالمه عربی خاطره‌ای دارید که با ما به اشتراک بگذارید؟ جلسات کجا برگزار می‌شدند؟

این دیدارهای هفتگی در دفتر ایشان برگزار می‌شدند. خاطرات فراوانی از آن دیدارها و هم‌صحبتی با رهبر شهید به یاد دارم؛ آنقدر زیاد که نمی‌دانم از کجا شروع کنم و چه بگویم. اما یکی از شیرین‌ترین آن خاطرات برای من، مصر بودن ایشان و عزم راسخ‌شان برای علم‌اندوزی و به‌روزرسانی دانش زبانی‌شان در حیطه زبان و ادبیات عرب بود. یکی از هفته‌ها، طبق معمول به دفتر کار ایشان مراجعه کردم، به من گفتند آقا امروز سرشان خیلی شلوغ است و نمی‌توانند شما را بپذیرند. خداحافظی کردم و رفتم. هفته بعد که خدمت رسیدم، آقا پرس‌وجو کردند که چرا جلسه گذشته را نیامدی؟ واقعیت را گفتم؛ اینکه گفته شده بود سرشان شلوغ است و نمی‌توانند من را به حضور بپذیرند. پاسخ من را که شنیدند، گفتند اینها خودشان با من کار داشتند! آنقدر آن جلسات برای ایشان مهم بود که حتی وقتی شخصیت‌های نظامی به دیدارشان می‌رفتند، باید منتظر می‌ماندند تا جلسه به پایان برسد. این را گفتم که بدانید چه جایگاهی برای آموزش و ارتقای علمی قائل بودند؛ مسأله‌ای که نسل جوان می‌توانند از آن درس بگیرند.

در آن دیدارها کتابخانه شخصی آیت‌الله خامنه‌ای را هم دیده بودید؟

بله، اغلب کتاب‌های کتابخانه ایشان اهدایی بودند. هر زمان برای بازدید به نمایشگاه کتاب تهران می‌رفتند، ناشران، آثار خود را به ایشان تقدیم می‌کردند. اغلب کتاب‌هایی که به آیت‌الله خامنه‌ای اهدا می‌شدند، می‌خواندند و در دفتری یادداشت می‌کردند که فلان کتاب را چه کسی و در چه تاریخی داده است. در صفحات برخی کتاب‌هایی که نظرشان را جلب می‌کردند هم حاشیه می‌نوشتند.

کاری در خصوص حاشیه‌نویسی‌های ایشان بر کتاب‌ها انجام شده است؟ البته به غیراز تقریظ‌هایی که درباره برخی کتاب‌ها، بویژه آثار مرتبط با حوزه‌هایی چون دفاع مقدس و مقاومت از ایشان منتشر شده‌اند.

تا جایی که خبر دارم، نه؛ در صورتی که انتشار این حاشیه‌ها، هم به شناخت هر چه بیشتر شخصیت و خط فکری رهبر شهید کمک می‌کند و هم اینکه تشویقی است برای جوان‌ترها؛ برای اینکه نسل امروز ببینند فردی در جایگاه رهبر شهید با آن همه مسئولیت، همچنان جایگاه مهمی برای مطالعه قائل بوده است؛ اتفاق کمی نیست و نباید از آن به سادگی عبور کرد.

گویا در جوانی ترجمه‌های دیگری هم انجام داده بودند؛ آثاری از متفکران جهان عرب چون سید قطب و شیخ راضی آل یاسین!

بله، در جوانی از نویسندگانی که اشاره کردید، ترجمه‌هایی انجام داده بودند. سید قطب، تفسیر چندجلدی مفصلی با عنوان «فی ظلال القرآن» دارد؛ رهبر شهید وقتی ترجمه جلد اول را به پایان رساندند، متوجه شدند مترجم دیگری به اسم احمد آرام هم مشغول این کار شده است، ترجمه‌اش را متوقف کردند و دیگر ادامه ندادند. مواردی که اشاره شد، مصادیقی هستند در خصوص اینکه ایشان، هم چهره‌های سرشناس ادبیات عرب و هم جریان‌های روز آن را می‌شناختند.

محمود درویش، شاعر و نویسنده فلسطینی هم به دیدار رهبر شهید رفته بودند؟ درباره ماجرای دیدار ایرج افشار با ایشان هم بگویید.

از ماجرای دیدارشان با ایرج افشار اطلاعی ندارم. محمود درویش هم با اینکه به ایران سفر کرده بود اما فرصتی برای دیدار با آقا پیدا نمی‌کند؛ با این حال آیت‌الله خامنه‌ای تمامی آثار ایشان را خوانده بودند. ایشان تا جایی که شرایط و مسئولیت‌هایشان اجازه می‌داد، تعامل خوبی با اهالی شعر و ادبیات جهان عرب و همچنین کشور خودمان داشتند. حتی بعد از آنکه عهده‌دار رهبری شدند، شعرای سرشناس عرب را دعوت کردند و در جلسات مختلفی به گفت‌وگو با آنان و صحبت درباره اشعارشان پرداختند. نکته مهم دیگری که درباره آیت‌الله خامنه‌ای نباید از آن غفلت کرد این است که ایشان نه‌تنها ادیب، بلکه ناقدی حرفه‌ای نیز بودند؛ بدان معنا که در تجربه شعوری شاعر یا نویسنده نفوذ کرده و به‌خوبی گفته و اثرش را درک می‌کردند. این ویژگی ایشان از همان سن و سال کم توجه برخی اساتید را به خود جلب کرده بود. رهبر شهید در دوران نوجوانی علاقه بسیاری به سید کریم امیری فیروزکوهی، شاعر فقید ایرانی داشتند؛ آن موقع آقا نوجوان بودند و امیری فیروزکوهی هم پیرمردی سن و سال‌دار. با آنکه تفاوت سنی و طبیعتاً اختلاف تجربه‌شان زیاد بود، اما وقتی رهبر شهید در آن سن کم، اشعار استاد امیری فیروزکوهی را برای شخص ایشان می‌خواندند و توضیح می‌دادند در فلان شعر، منظورتان این بوده! امیری فیروزکوهی با خوشحالی روی پای خود می‌زد و می‌گفت:«آی گفتی، آی گفتی» و بسیار خرسند می‌شد که نوجوانی با آن سن و سال کم، آنچنان عمیق، شعرش را درک کرده است. من با دختر ایشان، امیربانو کریمی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران همکار بودیم که او هم این خاطره را شنیده بود، حتی تعریف می‌کرد که پدرش، قصیده‌ای درباره آیت‌الله خامنه‌ای نوشته بوده است. البته من آن قصیده را نخوانده‌ام و باید سری به دیوان استاد امیری فیروزکوهی بزنم. اینها را گفتم که بدانید آشنایی رهبر شهید با حوزه کتاب و به‌خصوص با ادبیات فارسی و عربی، مثال‌زدنی بود؛ احاطه‌ای که به گمانم نشأت گرفته از دغدغه احیاگری ایشان بود؛ چراکه یکی از مهم‌ترین مسائل احیاگری آن است که شعور انسان‌ها باید احیا شود. تأکیدی که بر ادبیات داشتند نیز از این بابت بود. ادبیات از کاربردی‌ترین ابزارها در احیاگری شعور است. شعر از شعور گرفته شده و خطاب آن نیز به شعور است. شعور انسان وقتی به حرکت درآید، بیدار می‌شود و شعور که حرکت کند، احیاگری نیز رخ می‌دهد.

اگر در خصوص تساهل و تسامحی که ایشان در مواجهه با ادبا و اهل فرهنگ داشتند خاطره‌ای دارید، بفرمایید.

یکی از بهترین مصادیق مواجهه این‌چنینی رهبر شهید با ادبا و اهل فرهنگ ایرانی و عرب را می‌توان در همان خاطره‌ای که درباره محمدمهدی جواهری نقل کردم یافت؛ اینکه جواهری نگران بود بخشی از کتاب خاطراتش مورد پسند آیت‌الله خامنه‌ای نباشد، اما در نهایت متوجه می‌شود که ایشان نه‌تنها خاطرات و دیوان شعر او را خوانده‌اند، بلکه بر آنها حاشیه نوشته‌اند و حتی در فرصتی که برای ملاقات فراهم می‌شود، با روی خوش آقای جواهری را می‌پذیرند. آیت‌الله خامنه‌ای با گوش شعور، شعر شعرا را می‌شنیدند و اثر نویسندگان را می‌خواندند؛ معتقد بودند فلان شاعر یا نویسنده تحت‌تأثیر فلان موقعیت خاص، اثرش را نوشته است، حتی تأکید زیادی داشتند که نباید افراد را براساس نظرات و نگاه خودمان محاکمه کنیم و مهم‌تر آنکه آثار ادبی را باید بر اساس شعور و تفکر خالق آن خواند؛ مسأله‌ای که از قدیم بین فقهای شیعه مطرح بوده است. جالب است بدانید حتی شریف رضی که کوهی از دانش فقهی و عینی به شمار می‌آید، غزلیاتی دارد که در خوانش اولیه، شاید قدری با خطوط قرمز درآمیخته باشند؛ اشعاری که بر خلاف آنچه به نظر می‌رسد، از احساس او جوشیده است؛ احساسی که از چارچوب انسانی جوشیده و نه از چارچوب حیوانی؛ طبیعتاً چنین اشعاری نیز ارزشمند هستند. جوشش احساسی شاعر باید برای مترقی ساختن آدمی باشد، حتی اگر به ظاهر در وصف رابطه‌ای زمینی باشد؛ چنین اشعاری اگر آدمی را به جای اوج به حضیض نکشانند، سروده‌هایی باارزش هستند.

در خاطرتان هست که در زمینه ادبیات داستانی به چه نویسندگان یا کتاب‌هایی علاقه بیشتری داشتند؟

همان‌طور که در خاطرات ایشان هم آمده است، در سال‌های جوانی‌شان هر آنچه را که از کتاب‌های تولستوی و داستایفسکی ترجمه شده بود، خوانده بودند و به ادبیات داستانی روسیه علاقه بسیار داشتند. اما از آنجایی که محور گفت‌وگوی آن جلسات بیشتر درباره جهان عرب بود، درباره علاقه‌شان به شعر شاعران مهاجر لبنانی و عرب که به شعرای مَهجَر مشهور هستند صحبت می‌کردند؛ شاعرانی از جمله جبران خلیل جبران و میخائیل نعیمه. با جدیت پیگیر کتاب‌های فقهی و علمی جهان عرب نیز بودند. بگذارید به خاطره دیگری در همین رابطه اشاره کنم؛ ملاقاتی میان ایشان و علامه سید مرتضی عسکری صورت گرفت که من هم آنجا بودم. آیت‌الله خامنه‌ای در آن دیدار به علامه عسکری از این گفتند:«شما در کتاب «عبدالله ابن سبا»، شخصیت عبدالله ابن سبا را به‌طور کامل نفی کرده‌اید؛ بهتر بود که در ارتباط با شخصیت «سبا» تنها به ایجاد تشکیک اکتفا می‌کردید؛ چراکه اسم او در کتاب‌های شیعه هم آمده است.» علامه عسکری از آقا پرسیدند:«کتاب را کامل خوانده‌اید؟» از پاسخ رهبر شهید و اینکه متوجه شدند ایشان کتاب «عبدالله ابن سبا» را در نوجوانی و به زبان عربی خوانده‌اند، متعجب شدند! چراکه حتی در بین علما و اهل علم ایرانی هم به‌ندرت کسی را می‌توان یافت که آن کتاب را به عربی خوانده باشد. علامه عسکری به آیت‌الله خامنه‌ای گفتند:«من می‌توانم از شما خواهش کنم یک مرتبه دیگر آن کتاب را بخوانید؟» آقا پذیرفتند و در دیدار بعدی به علامه عسکری گفتند:«حق با شماست. مجدد که کتاب‌تان را خواندم، متوجه شدم این شخص وجود خارجی ندارد و ساختگی است.» خب این نوع مواجهه باز رهبر شهید نشأت گرفته از آن است که حتی برای شنیدن نظرات مخالف هم گوش شنوا داشتند و بدون تعصب دست به بررسی می‌زدند. کتاب‌های عربی نجف و آثار مصری را خوانده بودند و درباره نویسندگان سرشناس اعراب اطلاعات خوبی داشتند؛ از جمله درباره عباس محمود العقاد، نویسنده و مورخ مصری. کتاب‌های اقبال لاهوری را نیز به عربی خوانده بودند. خاطرم هست مراسمی برای گرامیداشت اقبال لاهوری در دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار شد که پسر اقبال هم در آن حضور داشت. آیت‌الله خامنه‌ای که آن موقع رئیس‌جمهور بودند، سخنرانی مفصلی درباره اقبال انجام دادند؛ سخنان ایشان به قدری توجه پسر اقبال را جلب کرد که گفت:«من تا به امروز چنین تحلیل تمام و کمال و درستی درباره پدرم نشنیده بودم!» علاقه‌شان به اقبال لاهوری هم از نقش احیاگری اقبال نشأت می‌گرفت، ارتباط ایشان با سید قطب هم به‌این خاطر بود. احیاگران با یکدیگر همدل و همنوا هستند.

آیت‌الله خامنه‌ای چه رویکرد و دغدغه‌ای در مواجهه با ایران و جایگاه ایران در جهان اسلام داشتند؟

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان نسبت به ایران و جایگاه جهانی‌اش، به‌خصوص در جهان اسلام این بود که حوزه‌های علمیه باید تا سطحی ارتقا پیدا کنند که متناسب با نیاز روز جامعه و همپای شرایط جهانی باشند. دغدغه دیگرشان این بود که جوانان ما باید با اسلام اصیل آشنا شوند و بیش از پیش به آن عشق بورزند چراکه اسلام هویت‌بخش است و راه و رسم زندگی را نشان می‌دهد. دراین رابطه برای اهالی کتاب نیز رسالت مهمی قائل بودند، اینکه بتوانند از هنر خود در این زمینه بهره بگیرند. امیدوارم اهالی کتاب و همه آنهایی که کاری از عهده‌شان ساخته است، تحقق این دغدغه‌ها را در اولویت‌های خود قرار بدهند.

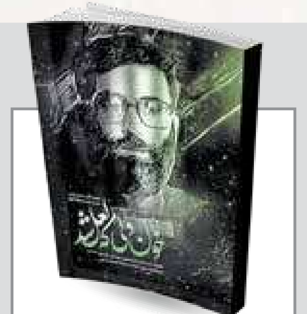

خون دلی که لعل شد
خاطرات حضرت آیت‌الله العظمی علی خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب
- نویسنده: محمدعلی آذرشب
- مترجم: محمدحسین باتمان غلیچ
- ناشر: انقلاب اسلامی
- تعداد صفحات: ۴۱۰ صفحه

عنوان عربی «إنّ مع الصبر نصراً» در نسخه اصلی کتاب و عنوان فارسی «خون دلی که لعل شد» در ترجمه اثر، هریک بار معنایی خاصی دارند. این عناوین متفاوت، بازتاب‌دهنده تفاوت نگاه در فرهنگ عربی و فارسی به مفهوم مبارزه است؟ اصلاً با این تفاوت عنوان موافق بودید؟

برخلاف آنچه در ظاهر به نظر می‌رسد، این دو عنوان کاملاً متناسب با پیامی هستند که آقا خواستار انتقال آن به مخاطبان، به خصوص به جهان عرب بودند؛ ایشان درصدد آن بودند که بگویند، پیروزی انقلاب اسلامی و آن چیزی که در ایران محقق شد به سادگی رخ نداد؛ بلکه بعد از خون دل خوردن‌های بسیار به نتیجه رسید؛ با صبر و مبارزه بسیار به سرانجام رسید، به نتیجه رسیدن آن مبارزات، در نتیجه همان خون دلی بود که لعل شد. بنابراین تأکید می‌کنم عنوان عربی و فارسی کتاب، کاملاً منطبق بر پیام مورد نظر رهبر شهید هستند. عنوان فارسی کتاب اشاره به خون دلی دارد که ایشان در سال‌های مبارزه برای تحقق آرمان‌های‌شان خوردند؛ عنوان عربی نیز درباره صبری است که در مسیرهای اینچنینی باید به خرج داد. عنوان عربی کتاب را در همراهی با جمعی از دوستان انتخاب کردیم که خوشبختانه موافقت ایشان را هم کسب کرد؛ اما عنوان فارسی کتاب، پیشنهاد شخصی خودشان بود. عنوان نسخه فارسی، نشأت گرفته از عشق و علاقه وافر آقا به ادبیات است و برخاسته از متن یک شعر فارسی.

نسخه فارسی کتاب با ترجمه آقای محمدحسین باتمان‌غلیچ منتشر شده است؛ از نظر شما، انتقال آن لحن و بلاغت خاص عربی که در متن اصلی وجود دارد، به فارسی چقدر موفقیت‌آمیز بوده است؟

بلاغت عربی متفاوت از بلاغت فارسی‌ست؛ به‌آن معنا که هریک زیبایی‌های متفاوت و خاص خود را دارند. اما با جدیت تأکید می‌کنم که آقای باتمان‌غلیچ به خوبی از پس ترجمه فارسی کتاب برآمده‌اند. شخصی بهتر از ایشان نمی‌توانست کتاب را به فارسی ترجمه کند و بی‌هیچ تعارفی از کارشان بسیار راضی هستم.

به‌دنبال احیای عزت جهان اسلام

گفت‌وگو با محمدعلی آذرشب درباره شخصیت فرهنگی رهبر شهید و کتاب خون دلی که لعل شد

گفت‌وگو

مریم شهریاری
گروه کتاب

قصه‌های کتاب ته سنگ دیوارهای خانه‌اش قد کشیده‌اند و سنون‌هایی از فکر و فرهنگ ساخته‌اند. دکتر محمدعلی آذرشب، استاد پیشکسوت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و چهره‌ای شناخته‌شده در مطالعات زبان و ادبیات عرب، ظهری گرم و تابستانی، در محاصره همین کتاب‌ها میزبان ما بود. او که سال‌هاست در مسیر پیوند فرهنگی میان ایران و جهان اسلام کوشیده، نه به‌عنوان گردآورنده و نویسنده صرف یک کتاب خاطرات، که با نگاهی عمیق به احیاگری اندیشه و تمدن، از کتاب «إن مع العسر یُسرا» سخن گفت؛ اثری که به روایت خاطرات رهبر شهید، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب می‌پردازد. این کتاب که نخست در بیروت و کشورهای عربی انتشار یافت، بعدها با عنوان «خون دلی که لعل شد» از سوی محمدحسین بامنان غلیچ در ایران هم ترجمه و منتشر شد. اتفاقی که اکنون بازتاب گسترده‌ای یافته است؛ از او که بارها بر بردن افعال ماضی برای توصیف آیت‌الله خامنه‌ای پرهیز دارد؛ چرا که معتقد است سیره احیاگری و بازیابی گیرنده. از آنها قطع امید کردند و حالا به شما امید بسته‌اند.» این سخنان پی‌درپی به‌همین جهت رهبر شهید تأکید بسیاری بر مسأله وحدت در جهان اسلام داشتند؛ وحدت میان سنی و شیعه، وحدت میان مسلمانان عرب و غیرعرب و تمامی قومیت‌ها. نگاه ایشان به خصوص ضرورت برقراری و تحکیم وحدت، حتی فراتر از وحدت دین بود و به اهمیت برقراری آن میان تمامی مسلمانی‌ها که در مقابل ظلم و ستم برخاسته‌اند. نیز تأکید داشتند؛ به عبارتی وحدت میان مستضعفین. آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه اقدامات ارزشمند فراوانی انجام دادند؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پیرو همین دغدغه ایشان ایجاد شد. حرکت مردم منطقه بوده و هست. در این بین باید به عشق و علاقه‌شان به زبان و ادبیات عرب و همچنین زبان و ادبیات فارسی نیز اشاره کرد. عشق به زبان و ادبیات فارسی برای یک ایرانی اتفاق شگرفی نیست، اما چرایی شیفتگی‌شان به زبان و ادبیات عرب پاسخی قابل تأمل و مهم دارد. این علاقه‌مندی نشأت گرفته از نگاه فرامرزی آیت‌الله خامنه‌ای برای وحدت بخشی میان مسلمانان، به کمک زبان عربی و آموزه‌های قرآنی به‌عنوان عاملی مؤثر است که در این بین بیونده دادن انسان‌ها با قرآن نیز نوعی احیاگری محسوب می‌شود. آنچنان که در آیه ۲۴ سوره انفال هم آمده است: «یا أیها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرّسول إذا دعاکم لما یحییکم». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به دعوت خدا و پیامبر او اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خوانند که شما را به حیات می‌بخشد؛ در این آیه، حیات‌بخشی را احیاگری نیز می‌توان معنا کرد. جالب است که بعد از شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، شاهد استفاده از کلمه مبعوث به معنای برانگیخته شده هستیم؛ این کلیدواژه به زبان آقا سید مجتبی، رهبر جوان ما هم آمده است. ایشان می‌گویند روستاخیز؛ رستاخیز، مبعوث و بعثت، همگی در چارچوب مضمون احیاگری قرار می‌گیرند. رستاخیز فرارو نیاز دارد؛ مجالی می‌طلبد که در زندان‌های دوران پیش از انقلاب، با سلاح شعر و رمان، در اندیشه احیای شعور بودند. آذرشب، بی‌آن‌که در یک برزگ‌نمایی باشد، تصویری از نظم فکری و عمق مطالعاتی ایشان ترسیم می‌کند؛ تصویری از مبارزی متفکر و انقلابی که از زندان تا قله‌های فرهنگ، صبورو را به مثابه ابزاری برای رسیدن به «نصر» می‌دیده است. این گفت‌وگو، شرحی است بر صبوری و عزتی که در کالبد «خون دلی که لعل شد» متبلور شده و برای آشنایی با روی‌پیوندی است که از سال‌ها پیش در همین فضای کتابخانه‌ای شکل گرفته است.

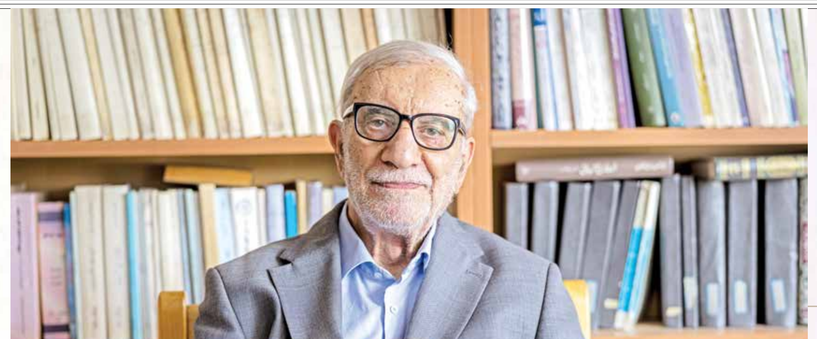

عکس: محمدحسن ایرانی

اگر قرار باشد بخشی از خط فکری آیت‌الله خامنه‌ای را به کمک یک واژه شرح بدهیم، به گمانم بهترین واژه و تعریف آن است که بگوییم ایشان احیاگر بود. اجاقد

استاد آذرشب، ابتدا درباره نقش و نسبت نان با کتاب «خون دلی که لعل شد» و فرآیند نگارش و انتشار آن بفرمایید.

ماجرای این کتاب به رابطه‌ام با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهیدمان بازمی‌گردد، رابطه‌ای بر محور زبان و ادبیات و البته آمال‌های دینی و انقلابی. پهله شکل‌گیری‌اش نیز نشأت گرفته از تخصص دانشگاهی و کارم‌ان در زمینه زبان و ادبیات عرب و همین‌طور شیفتگی‌ام نسبت به زبان و ادبیات فارسی است؛ علاقه‌مندی‌هایی مشترک با رهبر شهید. من سال‌ها در دانشگاه تهران زبان و ادبیات عرب تدریس کرده و به عربی‌زبانی نیز در دانشکده‌های چون لاقدیمه سوره، زبان و ادبیات فارسی تدریس کرده‌ام. شیفته‌های رهبر شهید در خصوص زبان و ادبیات فارسی نیز اشاره کردم. عشق به زبان و ادبیات فارسی برای یک ایرانی اتفاق شگرفی نیست، اما چرایی شیفتگی‌شان به زبان و ادبیات عرب پاسخی قابل تأمل و مهم دارد. این علاقه‌مندی نشأت گرفته از نگاه فرامرزی آیت‌الله خامنه‌ای برای وحدت‌بخشی میان مسلمانان، به کمک زبان عربی و آموزه‌های قرآنی به‌عنوان عاملی مؤثر است که در این بین بیونده دادن انسان‌ها با قرآن نیز نوعی احیاگری محسوب می‌شود. آنچنان که در آیه ۲۴ سوره انفال هم آمده است: «یا أیها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرّسول إذا دعاکم لما یحییکم». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به دعوت خدا و پیامبر او اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خوانند که شما را به حیات می‌بخشد؛ در این آیه، حیات‌بخشی را احیاگری نیز می‌توان معنا کرد. جالب است که بعد از شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، شاهد استفاده از کلمه مبعوث به معنای برانگیخته شده هستیم؛ این کلیدواژه به زبان آقا سید مجتبی، رهبر جوان ما هم آمده است. ایشان می‌گویند روستاخیز؛ رستاخیز، مبعوث و بعثت، همگی در چارچوب مضمون احیاگری قرار می‌گیرند. رستاخیز فرارو نیاز دارد؛ مجالی می‌طلبد که در زندان‌های دوران پیش از انقلاب، با سلاح شعر و رمان، در اندیشه احیای شعور بودند. آذرشب، بی‌آن‌که در یک برزگ‌نمایی باشد، تصویری از نظم فکری و عمق مطالعاتی ایشان ترسیم می‌کند؛ تصویری از مبارزی متفکر و انقلابی که از زندان تا قله‌های فرهنگ، صبورو را به مثابه ابزاری برای رسیدن به «نصر» می‌دیده است. این گفت‌وگو، شرحی است بر صبوری و عزتی که در کالبد «خون دلی که لعل شد» متبلور شده و برای آشنایی با روی‌پیوندی است که از سال‌ها پیش در همین فضای کتابخانه‌ای شکل گرفته است.

ایران این کتاب برای نسل جوان که تجربه‌ان دهه‌ها را ندارد، فرانثر از آشنایی با یک دوره تاریخی، چه درس‌هایی از فهم مقاومت، امید و پایداری به همراه دارد؟

پاسخ این سؤال را می‌توان در عنوان کتاب یافت، «خون دلی که لعل شد» در متن بزرگی نهفته است. این گار مأموران امنیتی جوان جهان اسلام و نه فقط مخاطبان ایرانی. در کتاب حتی به نقل از رهبر شهید آمده که من می‌خواهم جوانان عرب این کتاب را بخوانند تا بدانند که پیروزی انقلاب اسلامی جوانان به سادگی صورت نگرفته است و آنان باید مسئولیت و سختی‌های زیادی را برای تحقق اهداف به دست بیاورند.

در ابتدای گفت‌وگو تأکید کردید محور بخشی از صحبت‌های آن جلسات هفتگی درباره زندگی راوی و ادبیات عرب بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای تا چه اندازه جریان‌های ادبی و فکری و نویسندگان و روشنفکران معاصر عرب هم مراوداتی داشتند؟

فضا و شرایط حاکم بر این شهرها نقش زیادی در شکل‌گیری شخصیت مبارزاتی و فکری ایشان داشته‌اند؛ به‌خصوص مشهد به دلیل وجود بزرگانی چون آیت‌الله میلانی. آقای غرق‌هایی بودند که آیت‌الله خامنه‌ای پسیدیده و آنها را در دفترشان نوشته بودند. همچنین آقای شیخ مهدی پابت حائری یزدی که در مشهد فعالیت می‌کردند. رهبر شهید همواره تأکید داشتند که بخشی از فضای اجتماعی آن دهه درباره فلان موضوع چطور بوده است.

فضای مشهد، قم و نجف در دوره‌های مختلف زندگی راوی در کتاب بازتاب یافته است. تأثیر این سه فضا را در شکل‌گیری شخصیت علمی، فکری و مبارزاتی آیت‌الله خامنه‌ای چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فضا و شرایط حاکم بر این شهرها نقش زیادی در شکل‌گیری شخصیت مبارزاتی و فکری ایشان داشته‌اند؛ به‌خصوص مشهد به دلیل وجود بزرگانی چون آیت‌الله میلانی. آقای غرق‌هایی بودند که آیت‌الله خامنه‌ای پسیدیده و آنها را در دفترشان نوشته بودند. مشهد از جهات دیگری، از جمله به دلیل حضور نواب صفوی نیز بر ایشان بسیار اثرگذار بوده است. از آنجایی که بخشی از زندگی آقا در مشهد سپری می‌شود، در آن شهر تجربیات بسیاری کسب می‌کنند که بعدها نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت‌شان داشتند؛ مسأله‌ای که مصادیق فراوانی از آن در خاطرات به یادگار مانده از رهبر شهید نیز آمده است. از بین سه شهری که نام بردید، اول مشهد است که بیشترین تأثیر را بر آیت‌الله خامنه‌ای گذاشته، سپس قم و بعد هم نجف. اثرگذاری قم به‌حدی است که آیت‌الله خامنه‌ای است که اعلام می‌کند از آن چیزی است که در خاطرات دوجلدی زندگی‌اش، یا عنوان گزارش راه را نوشته، گفت: «نگرانم اگر کتاب را خوانده باشند و آن بخش‌ها وجود نداشته باشد، به او بگویند، ما که این را نگفته‌ایم». او به‌گفته خودش به‌شکلی «آقا بین‌ش را عرفنه و خواندنه» و حتی در صفحات دیوان شعر او آن خاطرات حاشیه هم نوشته‌اند.» ویژه‌ای نیز نشد. از آنجه شنیده بود تجدید بسیار کرد. گهی بعد مقدمات دیدار جواهری با رهبر شهید که فراهم شد، نزد ایشان رفت و دست آیت‌الله خامنه‌ای را بوسید، خواست بنا بر احترام‌های ایشان را بپوسد که آقا آجازه ندادند، دست او را گرفتند و کمک کردند که بایستد. جواهری در مطهر رهبر شهید گفت: «این اولین آرزویی است که در تمامی زندگی‌ام پوسیده‌ام، و خب این گفته از سوی شاعری به سن و سال جواهری که ۹۱ ساله بود حرف کمی نیست. در دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با جواهری و خاطراتی درباره مطالعه دیوان جواهری و کتاب خاطرات زندگی‌اش بیان کردند. جلسه که تمام شد، جواهری رو به حاضران از این گفتند که ایران به سبب وجود رهبری اینچنین ادیب، به دوران «صاحب بن عَبّاد» بازگشته است.

برای مخاطبی که شما طلاعی از شرایط دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نداشته باشد، این کتاب چه تصویری از فضای امنیتی، سیاسی و فرهنگی آن دوران را ارائه می‌دهد؟

طبیعتاً و به‌به مضمون کتاب، این تصویرسازی به‌طور کامل رخ نمی‌دهد. اما خاطرات کتاب بی‌شک به‌خوبی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند که سبب کنجکاوی و تلاش برای مطالعه بیشترشان می‌شود. به عنوان نمونه، از آقا خاطراتی در کتاب آمده که بخشی از فضای اجتماعی آن دهه را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند سریع از آن عبور می‌کنند و به مبحث اصلی می‌پردازند. همین اشاره در ذهن خواننده شوق ایجاد هر کند به کتاب برود و بخواند که شرایط شعر بودند. آنچنان که در یکی از سفرهای اجباری تبعید، آقا را با قطار راهی تبعیدگاه می‌کنند، همراه با دو مأمور پلیس. به عنوان مراقب و محافظ. ایشان در قطار غزلی را در یک روزنامه می‌خوانند، شیفته‌اش می‌شوند و آن را از در دفتری که همیشه همراه‌شان بوده یادداشت می‌کنند. این کار مأموران همراه‌شان را متعجب می‌کند که چطور یک تبعیدی هنوز پیکر شعر و ادبیات است؟ من این دفتر را در اختیار داشتم اما نمی‌دانم که اتفاقی برای آن افتاده است؛ دفتری با عنوان «سفینه غزل»، آن دفتر دربردارنده مجموعه غزل‌هایی بودند که آیت‌الله خامنه‌ای پسیدیده و آنها را در دفترشان نوشته بودند. بسیار عجیبی به شمار می‌آیند. رهبر شهید همواره تأکید داشتند و علاقه‌مند بودند که آیت‌الله میلانی به خوبی معرفی شوند؛ همسرش برای زیارت بارگاه امام رضا(ع) به ایران سفر کردند. از آنجایی که بخشی از زندگی آقا در مشهد سپری می‌شود، در آن شهر تجربیات بسیاری کسب می‌کنند که بعدها نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت‌شان داشتند؛ مسأله‌ای که مصادیق فراوانی از آن در خاطرات به یادگار مانده از رهبر شهید نیز آمده است. از بین سه شهری که نام بردید، اول مشهد است که بیشترین تأثیر را بر آیت‌الله خامنه‌ای گذاشته، سپس قم و بعد هم نجف. اثرگذاری قم به‌حدی است که آیت‌الله خامنه‌ای است که اعلام می‌کند از آن چیزی است که در خاطرات دوجلدی زندگی‌اش، یا عنوان گزارش راه را نوشته، گفت: «نگرانم اگر کتاب را خوانده باشند و آن بخش‌ها وجود نداشته باشد، به او بگویند، ما که این را نگفته‌ایم». او به‌گفته خودش به‌شکلی «آقا بین‌ش را عرفنه و خواندنه» و حتی در صفحات دیوان شعر او آن خاطرات حاشیه هم نوشته‌اند.» ویژه‌ای نیز نشد. از آنچه شنیده بود تجدید بسیار کرد. گهی بعد مقدمات دیدار جواهری با رهبر شهید که فراهم شد، نزد ایشان رفت و دست آیت‌الله خامنه‌ای را بوسید، خواست بنا بر احترام‌های ایشان را بپوسد که آقا آجازه ندادند، دست او را گرفتند و کمک کردند که بایستد. جواهری در مطهر رهبر شهید گفت: «این اولین آرزویی است که در تمامی زندگی‌ام پوسیده‌ام، و خب این گفته از سوی شاعری به سن و سال جواهری که ۹۱ ساله بود حرف کمی نیست. در دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با جواهری و خاطراتی درباره مطالعه دیوان جواهری و کتاب خاطرات زندگی‌اش بیان کردند. جلسه که تمام شد، جواهری رو به حاضران از این گفتند که ایران به سبب وجود رهبری اینچنین ادیب، به دوران «صاحب بن عَبّاد» بازگشته است. (مشکلم، ادیب، شاعر و وزیر دانشمند شیعی آل‌بویه در قرن چهارم هجری که در دوران حضورش در ری و اصفهان، محفل علمی و ادبی پررونقی را گردآورده و کتابخانه‌ای عظیم فراهم کرده بود) از آقا برای دریافت نسخه‌های خاطره‌نویسی شده درخواست کرد و گفتند: «می‌خواهم این حواشی و تعلیقاتی که در خصوص دیوان و خاطرات نوشته‌اید را گردآوری کرده و منتشر کنم تا جهان عرب بداند که شخصیت‌های سیاسی ایرانی هم دغدغه‌ها و هم حکمران سیاسی ایرانی هستند عرب و شخصیت‌های آن را از سوی ادبیات عرب و شخصیت‌های آن را نیز در سطح بالایی می‌شناسند.» رهبر شهید با احمد شوقی، شاعر سرشناس جهان عرب و از پیشگامان ادبیات مدرن نیز آشنایی این مواجهه و حمایت سرسختانه بانویی که هیچ سابقه فعالیت مبارزاتی یا حتی زندگی با خانواده‌ای مبارز نداشته، بسیار قابل تأمل است.

مذکرات السید علی الخامنئی العربیه
نویسنده: محمد علی آذرشب
ناشر: مکتب حفظ ونشر آثار الإمام الخامنئی و مرکز الحضارة لتنمیة الفکر الإسلامی
تعداد صفحات: ۴۱۰ صفحه

إنّ مع العسر یُسراً

برأساس این هدف و ضرورتی کتاب به زبان عربی منتشر شد و انتشار آن در بیروت، چه بازخوردی میان مخاطبان عرب‌زبان داشت؟ به‌خصوص که سید حسن نصرالله نیز در معرفی این کتاب اظهار داشته‌اند که خواندن این کتاب را به همه توصیه می‌کنند و به‌خصوص به جوانان عرب توصیه می‌کنند که این کتاب را بخوانند تا بدانند که پیروزی انقلاب اسلامی به سادگی صورت نگرفته است و آنان باید مسئولیت و سختی‌های زیادی را برای تحقق اهداف به دست بیاورند.

در بخش‌هایی از کتاب، می‌توان ردپای دلبستگی راوی به ادبیات و شعر را حتی در سخت‌ترین شرایط زندان دید. این علاقه به ادبیات، تهاتک جنبه‌ا وجه شخصیتی ایشان است یا به‌نظر شما ارزای برای حفظ تعادل روحی و تعالی معنوی در آن شرایط سخت؟ این عناصر چه سهمی در معرفی شخصیت رهبر شهید دارند؟

احیاگر به کل ابزارهایی که به کمک آنها می‌توانست آن را انجام دهد، توسل می‌جست. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از بهترین‌هایی که می‌توانست به‌کار ببرد، ادبیات و به‌خصوص شعر بود. شعر را همه از همین جهت می‌خواندند و می‌خوانند. شعر را همه از همین جهت می‌خواندند و می‌خوانند. شعر را همه از همین جهت می‌خواندند و می‌خوانند

وزیر امور خارجه روز گذشته از نزدیک بودن تهران و مسقط به تفاهم درباره تنگه هرمز خبر داد

کلید هرمز؛ اجرای تعهدات آمریکا

گزارش

اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه همزمان با دور تازه رایزنی‌های تهران و مسقط برای ترسیم سازوکار حقوقی تنگه هرمز و تعیین چارچوب تردد در این گذرگاه از نزدیک شدن دو طرف به یک تفاهم حکایت دارد که در صورت نهایی شدن و اعلام رسمی می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای از مجموعه تعهداتی قرار گیرد که اجرای کامل آنها از جمله بازگشت آمریکا به تعهدات خود در یادداشت تفاهم و رفع محاصره دریایی، مقدمه‌ای برای ازسرگیری تردد در هرمز را فراهم آورد.

عراقچی روز گذشته در حاشیه نشست خبری رئیس جمهوری با تشریح آخرین وضعیت رایزنی‌ها با عمان اعلام کرد تهران و مسقط «به این تفاهم بسیار نزدیک» شده‌اند؛ موضعی که نشان می‌دهد مسیر توافق احتمالی درباره سازوکار حقوقی هرمز به نحوه اجرای مجموعه‌ای از تعهدات متقابل و بویژه رفع موانعی گره خورده است که از سوی آمریکا ایجاد شده و بدون تعیین تکلیف آنها، حتی تفاهم تهران و مسقط نیز به‌تنهایی نمی‌تواند راه را برای بازگشایی تنگه هرمز هموار کند.

وزیر امور خارجه روز گذشته در نشست خبری رئیس جمهوری با خبرنگاران به مناسبت روز خبرنگار درباره مذاکرات تهران و مسقط از انجام مذاکرات با عمان در خصوص سازوکار حقوقی و مدیریت تنگه هرمز و تعیین مسیر تردد این آبراه خبر داد و اعلام کرد: «به توافق نزدیک هستیم.» او این را هم افزود که باز شدن تنگه هرمز تابع شرایط دیگری از جمله جبران موارد نقض تفاهمنامه اسلام آباد از سوی آمریکا است. عراقچی با اشاره به مسیر تردد پیشین در تنگه هرمز افزود: «در گذشته TSS یا مسیری وجود داشت که دیگر از نظر جمهوری اسلامی این مسیر برای تردد کشتی‌ها قابل قبول نیست و لازم است یک TSS جدیدی در نظر گرفته شود که البته دارای پیچیدگی‌های گسترده فنی و حقوقی است.» او ادامه داد: «با توجه به پیچیدگی‌های فنی و حقوقی فعلاً درباره یک مسیر موقت صحبت می‌کنیم.

قبل از دستیابی به مسیر جدید مسیری موقت که پایه مسیر اصلی خواهد بود در نظر گرفته خواهد شد، در این خصوص میان نیروهای نظامی و دریایی دو کشور بر اساس نقشه‌های موجود مذاکراتی انجام شده است که با جمع‌بندی این مذاکرات، مسیر جدید مشخص خواهد شد.»

وزیر امور خارجه همچنین درباره موارد نقض تفاهمنامه پاکستان گفت: «موارد نقض تفاهمنامه پاکستان باید یک به یک پیگیری شود و این آمریکا بود که تفاهمنامه را نقض کرد. بند پنج تفاهمنامه توسط جمهوری اسلامی ایران در حال انجام بود و قرار بود ظرف یک ماه شرایط تردد به حالت عادی بازگردد که اتفاقاً در طول دو هفته میزان ترددها به ۶۰ درصد شرایط عادی رسید، اما آمریکایی‌ها به دنبال ایجاد مسیرهای جدیدی در تنگه هرمز بودند و علی‌رغم تذکرهایی که کشورمان داد، آنان به دنبال خدشه‌دار کردن مدیریت ایران و تنگه هرمز برآمدند لذا نقض یادداشت تفاهم و مدیریت ایران بر تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی ایران به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.»

> عراقچی با تشریح آخرین وضعیت رایزنی‌ها با عمان اعلام کرد تهران و مسقط «به این تفاهم بسیار نزدیک» شده‌اند؛ موضعی که نشان می‌دهد مسیر توافق احتمالی درباره سازوکار حقوقی هرمز به نحوه اجرای مجموعه‌ای از تعهدات متقابل و بویژه رفع موانعی گره خورده است که از سوی آمریکا ایجاد شده و بدون تعیین تکلیف آنها، حتی تفاهم تهران و مسقط نیز به‌تنهایی نمی‌تواند راه را برای بازگشایی تنگه هرمز هموار کند

ادعای امارات و شرط تهران

هم‌زمان با تلاش‌های ایران و عمان برای تعیین مسیر و سازوکار تردد در هرمز، هدف قرار گرفتن یک نفتکش اماراتی در آب‌های هرمز در روز گذشته به مبنایی برای طرح مواضع و ادعاهای ابوظبی علیه تهران تبدیل شد؛ آن هم در شرایطی که تهران بازگشایی تنگه هرمز را منوط به تحقق شرایط مورد نظر خود می‌داند و رایزنی‌ها برای تعیین چارچوب تردد در این گذرگاه همچنان ادامه دارد. در همین چارچوب، وزارت خارجه امارات صبح روز گذشته با محکوم کردن حمله موشکی به یک نفتکش متعلق به شرکت ملی نفت ابوظبی مدعی شد که این اقدام به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مربوط بوده است. این ادعا در فضای حساس حاکم بر تنگه هرمز بار دیگر مسأله مسئولیت و امنیت تردد در این آبراه را در کانون مواضع سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه قرار داد. در چنین فضایی، اظهارات مقام‌های عالی‌رتبه امنیتی و نظامی کشورمان بیش از پیش نشان داد که از منظر تهران تعیین تکلیف وضعیت تنگه صرفاً در چارچوب رایزنی‌های ایران و عمان قابل تعریف نیست و بخش مهمی از مسیر بازگشایی آن به رفتار ایالات متحده و میزان پذیرش شروط ایران گره خورده است. محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی در پیامی که منتشر کرد با تأکید بر همین موضع تصریح کرد: «تا آمریکا رفتارش را تصحیح نکند، تنگه هرمز باز نخواهد شد»؛ او همچنین تأکید کرد که شورای عالی امنیت ملی «هرگز کوتاه نخواهد آمد؛ چه در جنگ و چه در مذاکره.» این موضع در حالی مطرح شد که سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در تشریح وضعیت مسدود بودن تنگه هرمز و الزامات بازگشایی آن، بر استقلال سازوکار تصمیم‌گیری درباره این آبراه تأکید کرد و گفت: «بازگشایی تنگه هرمز سازوکار حقوقی و دفاعی خاص خود را دارد و این موضوع کاملاً مستقل بوده و هیچ‌گونه ارتباطی به فرآیند مذاکرات میان ایران و عمان ندارد.» محبی با تأکید بر جایگاه راهبردی تنگه هرمز در محاسبات جمهوری اسلامی ایران افزود: «تنگه هرمز در محاسبات جمهوری اسلامی ایران صرفاً یک گذرگاه و آبراه اقتصادی تلقی نمی‌شود، بلکه ظرفیت و قدرت ژئوپلتیکی برتر کشور است که بر اساس منویات دفاعی و حاکمیتی از آن بهره گرفته می‌شود.» سخنگوی سپاه پاسداران در ادامه نیز با تأکید بر اینکه تصمیم درباره بازگشایی تنگه تابع شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران تعیین و ابلاغ کرده، تصریح کرد: «بازگشایی این تنگه کاملاً تابع شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران رسمیت داده و ابلاغ کرده است» و نحوه و زمان بازگشایی آن «مستقیماً به میزان پذیرش این شرایط از سوی ایالات متحده آمریکا بستگی دارد.» به این ترتیب، در کنار تداوم رایزنی‌های تهران و مسقط برای تعیین سازوکار تردد، مواضع مقام‌های امنیتی و نظامی ایران نشان می‌دهد که از منظر تهران، تصمیم نهایی درباره بازگشایی هرمز همچنان در پیوند مستقیم با رفتار واشنگتن و نحوه مواجهه آمریکا با شروط ایران قرار دارد.

دغدغه‌های حقوقی خزر

در کنار تحولات تنگه هرمز، دریای خزر نیز با مجموعه‌ای از تحولات امنیتی و حقوقی بار دیگر در کانون توجه قرار گرفته است؛ بویژه آنکه ارسال لایحه کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر موسوم به پیمان آکتائو به مجلس شورای اسلامی در آستانه برگزاری هفتمین اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر در تهران، بحث درباره حقوق و منافع ایران در این پهنه آبی را دوباره برجسته کرده است. عراقچی با اشاره به روند تصویب این کنوانسیون توضیح داد که سند مذکور در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ از سوی دولت وقت به مجلس ارجاع شده و پذیرش آن از سوی ایران، برخلاف چهار کشور ساحلی دیگر، منوط به تصویب مجلس است؛ با این حال، به گفته او سهم ایران در متن کنوانسیون تعیین نشده و اختلافات مربوط به خط مبدأ و تقسیم بستر و زیربستر به مذاکرات دوجانبه و سه‌جانبه واگذار شده است. کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزارت خارجه هم تأکید کرد تصویب کنوانسیون، ارتباطی با تعیین حدود بستر و زیربستر ندارد و خدشه‌ای به حقوق حاکمیتی ایران وارد نمی‌کند؛ با آنکه کنوانسیون حضور نظامی کشورهای غیر ساحلی را ممنوع کرده و حقوق حاکمیتی ایران بر منابع خزر همچنان پابرجاست و تهران نیز تاکنون از محدوده مورد نظر خود در بستر و زیربستر حفاظت کرده است.

هرمز؛ کارت ضمانت

یادداشت

فردین قریشی
استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

همزمان با نزدیک شدن رایزنی‌های ایران و عمان درباره ترتیبات جدید تردد کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز به مراحل پایانی، بحث درباره نحوه بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و ژئوپلتیکی این آبراه راهبردی نیز بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. تأکید تهران مبنی بر پیشرفت این مذاکرات، بار دیگر این پرسش را پیش روی تصمیم‌گیران قرار می‌دهد که آیا می‌توان تنگه هرمز را نه صرفاً به‌عنوان یک اهرم فشار بلکه به‌عنوان بخشی از سازوکار تضمین اجرای توافقات احتمالی تعریف کرد یا نه. در این چارچوب، هرچند اخذ عوارض از تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز می‌تواند یکی از گزینه‌های قابل بررسی و مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران باشد اما نباید از این واقعیت غافل شد که دستیابی به اجماع یا توافق بر سر چنین سازوکاری، به‌ویژه با توجه به مخالفت‌های احتمالی برخی قدرت‌های دریایی و دیگر بازیگران ذی‌نفع با دشواری‌های جدی مواجه خواهد بود. ازاین‌رو اگر این گزینه در روند مذاکرات به نتیجه نرسد، می‌توان از ظرفیت ژئوپلتیکی تنگه هرمز در قالب سازوکاری متفاوت و با کارکردی مؤثرتر برای تضمین اجرای توافق بهره گرفت. ظرفیت ژئوپلتیکی تنگه هرمز می‌تواند از یک اهرم بازدارنده به بخشی از سازوکار تضمین اجرای توافق تبدیل شود. از این منظر، ضروری است ایران در مذاکرات به‌دنبال آن باشد که جایگاه تنگه هرمز به‌عنوان یکی از ضمانت‌های اجرای تعهدات آمریکا در متن توافق نهایی به رسمیت شناخته و تثبیت شود. بر این اساس، آمریکا بپذیرد که در صورت خودداری از اجرای تعهدات خود، به‌ویژه در زمینه رفع کامل تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران و اجرای سایر مفاد توافق، جمهوری اسلامی ایران این حق را داشته باشد که با استفاده از ابزارهای متناسب و در چارچوب مفاد توافق از تردد کشتی‌های مرتبط با منافع آمریکا و رژیم اسرائیل از تنگه هرمز جلوگیری کند. همچنین در صورتی که اجرای این سازوکار به‌طور غیرمستقیم موجب ورود خسارت به کشتی‌های متعلق به کشورهای ثالث شود، مسئولیت حقوقی و مالی جبران این خسارات برعهده طرفی باشد که با نقض تعهدات خود زمینه فعال شدن این سازوکار را فراهم کرده است؛ یعنی ایالات متحده آمریکا.

چنین رویکردی، تنگه هرمز را از یک کانون بالقوه تنش و رویارویی به ابزاری برای تضمین اجرای توافقات تبدیل می‌کند. در این چارچوب، ارزش راهبردی این آبراه نه در ایجاد بحران، بلکه در افزایش هزینه‌های نقض تعهدات برای طرف مقابل تعریف می‌شود. به بیان دیگر، به‌جای آنکه تنگه هرمز صرفاً به‌عنوان اهرمی برای واکنش در شرایط بحرانی تلقی شود، می‌توان آن را به بخشی از معماری حقوقی و اجرایی توافق تبدیل کرد؛ معماری‌ای که با ایجاد بازدارندگی مؤثر، احتمال پایبندی طرف مقابل به تعهداتش را افزایش می‌دهد و در عین حال قدرت چانه‌زنی ایران را نیز تقویت می‌کند. بدیهی است که برای برخوردار شدن چنین سازوکاری از مشروعیت و مقبولیت بین‌المللی، لازم است این ترتیبات در قالب یک توافق رسمی و با تأیید نهادهای ذی‌صلاح بین‌المللی، از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد به ثبت برسد. در این صورت، تنگه هرمز به بخشی از نظام تضمین اجرای توافق تبدیل خواهد شد؛ ظرفیتی که می‌تواند از تکرار تجربه خروج یک‌جانبه آمریکا از توافقات بین‌المللی و بی‌اثر شدن تعهدات طرف مقابل جلوگیری کند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

فراخوان مناقصه عمومی

نوبت دوم

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفا به‌صورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۵/۰۰۸۰
مربوط به احداث جاده و محل چاه غرب ۱۳۰ ب آبتیمور (بسماند)

الف- شرح مختصر خدمات
انجام عملیات تخریب، عملیات خاکی، عملیات بنایی با سنگ، اندود و بندکشی، قالب‌بندی و چوب‌بست، کارهای فولادی، بتن‌ریزی، زیراساس، اساس و بالاست، نصب علائم و تجهیزات ایمنی، مرمت محوطه چاه، مرمت سلر، مرمت گودال آبگل، مرمت گودال سوخت، ژئوممبران، احداث آبرو و پل بتنی در طول مسیر و جاده دسترسی مدنظر می‌باشد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در ۵۰ کیلومتری اهواز و مدت انجام آن ۱۰ماه می‌باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات ۷۳۵,۹۸۹,۸۱۶,۲۷۲ریال و تعدیل‌پذیر می‌باشد.

د- شرایط مناقصه‌گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
- مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش ساختمان و ابنیه و حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری
- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،اولویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد.
- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳۶,۷۹۹,۴۹۰,۸۱۴ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:

الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر به‌شماره حساب IR940100004001111604022067 نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۰اهواز کد ۰ حساب ۰به‌نام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

ب: ارائه ضمانت‌نامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.

- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) به‌عنوان تضمین انجام تعهدات-صورت‌های مالی حسابرسی شده، می‌بایست در زمان انعقاد قرارداد در سامانه پردیس ثبت شده باشد.
-مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به‌صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.

توجه: ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل پذیرش نمی‌باشد.

هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به‌عمل آید.

• مهلت اعلام آمادگی: به‌صورت الکترونیکی (غیر حضوری) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۸به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰روز چهارشنبه مورخ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ اصل تضمین مذکور را به‌صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند.

هم‌زمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تأسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir ۲۲۲۲۰۸۸ شناسه

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد (S.G.P.C)

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)

نوبت دوم

مناقصه شماره ۱-۳۱۶-۰۲-۳۰۰۷۸ خرید باتری نیکل کادمیوم به همراه متعلقات - تولید داخل

۱- نوع مناقصه: دو مرحله‌ای - مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
۲- نوع فراخوان: عمومی.
۳- نام ونشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد (S.G.P.C) به‌آدرس: مشهد، خیابان آبکوه، نبش دانشسرای شمالی، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد- دبیرخانه کمیسیون مناقصات.
راه‌های ارتباطی:
تلفن مسؤول کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازرگانی: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۳
تلفن دبیر کمیسیون مناقصات: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۴۵
تلفن دبیرخانه کمیته فنی بازرگانی: ۰۵۱-۳۷۲۹۸۰۵۵
تلفن دبیرخانه کمیسیون مناقصات: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۴
نمابر دبیرخانه کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازرگانی: ۰۵۱-۳۷۲۸۵۰۲۳
آدرس پست الکترونیک: Tender@Nigc-Khangiran.ir
۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین‌های اعلام شده در آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی به مبلغ ۹,۸۸۳,۸۰۰,۰۰۰ ریال (نه میلیارد و هشتصد و هشتاد و سه میلیون و هشتصد هزار ریال).
۵- نحوه و مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند تا ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱، نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۲۱۳۴۰۰۰۰۴۷ در سامانه اقدام نمایند. لازم به ذکر است تمامی مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
۶- آخرین مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهاد: متقاضیان بعد از دریافت اسناد مناقصه از سامانه مذکور می‌بایست حداکثر تا ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴، اسناد مناقصه تکمیل شده را به‌همراه مدارک مورد نیاز در سامانه بارگذاری و ثبت نمایند.
۷- محل و زمان گشایش پیشنهادات: پس از بررسی پیشنهادهای فنی بازرگانی شرکت‌ها (ارزیابی فنی بازرگانی) ، پاکت‌های مالی شرکت‌های واجد شرایط در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲، در محل اتاق کنفرانس اداره مشهد (دفتر آبکوه) به آدرس مشهد، خیابان آبکوه، نبش آبکوه ۷ (دانشسرای شمالی)، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد. با حداقل سه پیشنهاد تأیید شده فنی بازرگانی گشایش خواهد یافت. لازم به ذکر است تاریخ و مکان اعلام شده (تاریخ گشایش پیشنهادهای مالی) قطعی نبوده و با توجه به روند ارزیابی امکان تغییر وجود خواهد داشت.
همچنین جلسه تفکیک پاکات مناقصه در ساعت ۱۰:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ در محل مذکور برگزار خواهد شد و پیشنهادات فنی (پاکت ب) برای انجام ارزیابی فنی به کمیته فنی/بازرگانی ارسال خواهد گردید. درصورت تمایل نماینده مناقصه‌گر می‌توانند با در دست داشتن اصل معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه مذکور شرکت نمایند.
ضمناً با توجه به این که مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) می‌باشد، لذا لازم است مناقصه‌گران علاوه بر تکمیل و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و مستندات مربوطه نسبت به بارگذاری همزمان پاکات (الف)، (ب) و (ج) نیز در سامانه اقدام نمایند.

روابط عمومی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد

شناسه ۲۲۴۲۲۴۸

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

آگهی مناقصه آسفالت پیاده رو مخازن و رمپ ورودی به مخازن ۱۴ و ۱۵، تعمیرات باندوال مخازن، لکه گیری و آسفالت محوطه انبار و تعمیرات جزئی ساختمان‌های انبار نفت منطقه سبزوار

کد فراخوان: ۲۰۰۵۰۹۲۳۳۹۰۰۰۰۳ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

نوبت اول

مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه سبزوار
موضوع مناقصه: آسفالت پیاده رو مخازن و رمپ ورودی به مخازن ۱۴ و ۱۵، تعمیرات باندوال مخازن، لکه گیری و آسفالت محوطه انبار و تعمیرات جزئی ساختمان‌های انبار نفت منطقه سبزوار
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه سبزوار در نظر دارد، کلیه مراحل مناقصه پیمان فوق الاشاره را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:
آدرس: http://setadiran.ir
لازم به ذکر است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی، بایستی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و نیز گواهی امضا الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه معمول نمایند.
شرکت‌های ذیصلاح که تمایل به همکاری دارند می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند. شایان یادآوری است با عنایت به اینکه از روش فشرده در برگزاری مناقصه فوق‌الاشاره استفاده می‌گردد، بدواً ارزیابی کیفی مناقصه گران انجام و متعاقباً پاکات قیمت شرکت‌هایی که حائز امتیاز لازم شوند، مفتوح خواهد گردید و پاکات سایر شرکت‌ها ناگشوده مسترد می‌گردد. ضمنا مناقصه‌گران می‌توانند تا قبل از بازگشایی پاکات، یک نوبت پاکات قیمت خود را مسترد نموده و پاکات حاوی نرخ اصلاح شده خود را ارائه نمایند. متذکر می‌گردد حداقل پاکات حائز امتیاز ارزیابی کیفی لازم جهت بازگشایی و اعلام برنده ۳ فقره می‌باشد. قیمت‌های پیشنهادی نیز بایستی متناسب با قیمت کالای ساخت داخل ارائه گردد. تأکید می‌شود در این مناقصه آخرین دستورالعمل وزیر محترم نفت با موضوع دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت نیز اجرا می‌گردد.

ردیف	عنوان	شرح
۱	موضوع مناقصه	آسفالت پیاده رو مخازن و رمپ ورودی به مخازن ۱۴ و ۱۵، تعمیرات باندوال مخازن، لکه گیری و آسفالت محوطه انبار و تعمیرات جزئی ساختمان‌های انبار نفت منطقه سبزوار
۲	برآورد مناقصه	مبلغ ۴۷۴۷۴۳۷۲۰۸۱ ریال (چهل و هفت میلیارد و چهارصد و هفتاد و چهار میلیون و سیصد و هفتاد و دو هزار و هشتاد و یک ریال)
۳	پیش پرداخت	مطابق مقررات و اسناد پیمان پرداخت می‌گردد
۴	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	مبلغ ۲۳۷۳۷۱۸۶۰۴ ریال (دو میلیارد و سیصد و هفتاد و سه میلیون و هفتصد و هجده هزار و ششصد و چهار ریال)
۵	نوع تضمین	کلیه تضامین مندرج در آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی جهت شرکت در فرآیند ارجاع کار. شماره حساب بانکی مناقصه‌گزار جهت واریز وجه نقد: حساب شماره ۲۱۷۲۵۸۸۰۳۲۰۰۹ بانک ملی ایران به‌نام شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه سبزوار شناسه ملی مناقصه‌گزار جهت ارائه ضمانت‌نامه بانکی: ۱۴۰۰۷۴۷۸۱۶۰
۶	تاریخ انتشار آگهی و اسناد در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ ساعت ۱۶:۰۰
۷	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ ساعت ۱۱:۰۰
۸	تاریخ جلسه توضیح اسناد (جلسه توجیهی)	روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ ساعت ۰۹:۰۰
۹	مهلت بارگذاری اسناد توسط مناقصه گران در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت شامل اسناد ارزیابی کیفی، پاکت الف (تضمین)، پاکت ب (دفترچه پیمان و سایر اسناد و پیوستهای مربوطه)، ج (نرخ پیشنهادی و آنالیز نرخ پیشنهادی)	روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ ساعت ۱۲:۰۰
۱۰	تاریخ بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی	روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ ساعت ۱۳:۰۰
۱۱	تاریخ و محل بازگشایی پاکات الف و ج	روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ ساعت ۱۰:۰۰ آدرس: سبزوار: بلوار دکتر علی شریعتی، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه سبزوار، کمیسیون مناقصات
۱۲	مهلت اعتبار پیشنهادات	یک‌شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۱۵ ساعت ۱۰:۰۰
۱۳	نام مشاور	پروژه فاقد مشاور می‌باشد.
۱۴	شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه و ارزیابی کیفی	دارا بودن و ارائه گواهی صلاحیت معتبر پیمانکاری با حداقل رتبه ۵ ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور، احراز حداقل امتیاز ۶۰ در ارزیابی کیفی و ارزیابی HSE. سایر شرایط و مستندات مورد نیاز برای مناقصه‌گران مطابق مفاد راهنمای مناقصه‌گران جهت شرکت در مناقصه که به انضمام فرم‌های ارزیابی کیفی در پایگاه‌های اینترنتی مندرج در آگهی بارگذاری می‌گردد، خواهد بود.
۱۵	تاریخ چاپ آگهی	یک‌شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ نوبت اول دوشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ نوبت دوم

شناسه ۲۲۴۶۶۲۴

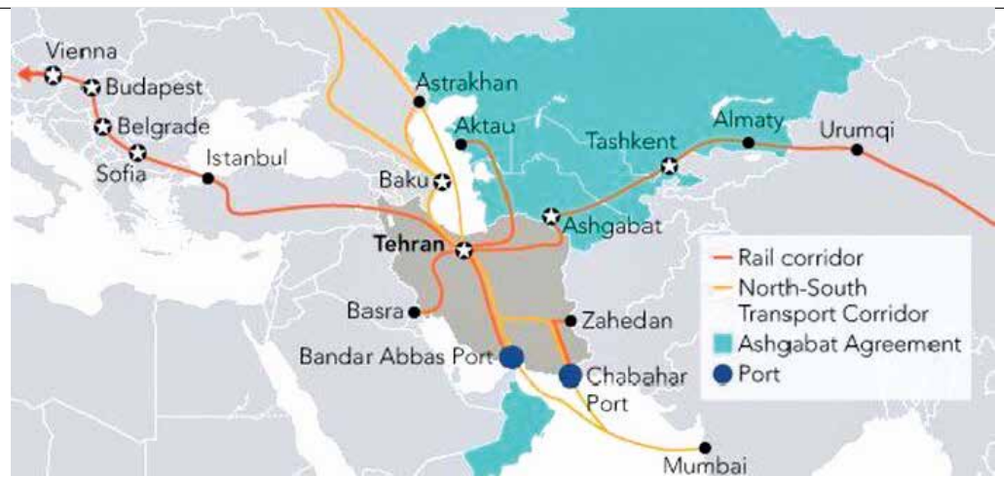

چرا مسیرهای شمالی می‌توانند آینده راهبرد انرژی کشور را تغییر دهند؟

اوراسیا؛ حلقه مفقوده راهبرد انرژی ایران

یادداشت

محیادانش
پژوهشگر امنیت انرژی از دانشگاه تافتس

جنگ‌ها تنها میدان‌های نبرد را تغییر نمی‌دهند و گاهی مهم‌ترین آزمون برای سنجش درستی یا نادرستی راهبردهای یک کشور محسوب می شوند. بسیاری از مفروضاتی که در شرایط عادی بدیهی به نظر می‌رسند، در میانه بحران ناگهان با واقعیت‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شوند. تجربه دو جنگ اخیر آمریکا و اسراییل علیه ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود. اگرچه این جنگ‌ها در وهله نخست یک بحران امنیتی و نظامی بودند، اما پیامدهای آنها به‌مراتب فراتر از حوزه نظامی امتداد یافتند و پرسش‌های تازه‌ای را پیش روی سیاست‌گذاران قرار دادند؛ پرسش‌هایی که یکی از مهم‌ترین آنها به آینده راهبرد انرژی ایران بازمی گردد.

البته این به آن معنا نیست که جنگ، ضرورت بازنگری در راهبرد انرژی کشور را ایجاد کرده است. واقعیت این است که این ضرورت سال‌ها پیش شکل گرفته بود. تحریم‌های طولانی‌مدت، محدودیت در دسترسی به سرمایه و فناوری، دشواری توسعه برخی زیرساخت‌های انرژی، افزایش مصرف داخلی، تغییرات بازار جهانی و شتاب گرفتن گذار انرژی، همگی از مدت‌ها قبل نشان می‌دادند که راهبرد انرژی ایران نمی‌تواند تنها بر همان منطق دهه‌های گذشته استوار بماند. جنگ، بیش از آنکه منشأ یک مسأله جدید باشد، فرصتی بود که هزینه نادیده گرفتن این واقعیت‌ها را آشکار کرد.

اما چرا این بازنگری امروز اهمیت بیشتری پیدا کرده است؟ پاسخ را باید در تغییر ماهیت مفهوم امنیت انرژی جست‌وجو کرد. برای سال‌های طولانی، امنیت انرژی عمدتاً با توان تولید، صادرات و حفاظت از مسیرهای انتقال نفت و گاز تعریف می‌شد. این تعریف، متناسب با نظم انرژی قرن بیستم بود؛ نظمی که در آن نفت، مهم‌ترین ابزار قدرت و گلوگاه‌های دریایی، مهم‌ترین نقاط ژئوپلتیکی محسوب می‌شدند اما همان‌گونه که سیاست بین‌الملل دگرگون شده، مفهوم امنیت انرژی نیز دیگر محدود به امنیت عرضه نفت یا حفظ چند مسیر صادراتی نیست امروزه امنیت انرژی بیش از هر زمان دیگری با تاب‌آوری گره خورده است به بیان دیگر، مسأله این است که تا چه اندازه یک کشور می‌تواند در شرایط خاص، مسیر، شرکا و ابزارهای متنوع برای تداوم نقش‌آفرینی خود در اختیار داشته باشد.

حال گرچه ایران همچنان یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان است و این مزیت راهبردی جای تردیدی ندارد اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که برخورداری از منابع، به‌تنهایی ضامن قدرت ژئوپلتیکی نیست. همان‌گونه که تحریم‌ها ظرفیت بهره‌برداری از بخشی از این منابع را محدود کرده‌اند، تحولات امنیتی اخیر نیز نشان دادند که اتکا به الگوهای سنتی تجارت و انتقال انرژی، بدون ایجاد گزینه‌های مکمل، می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را افزایش دهد. شاید همین جا بتوان از مهم‌ترین چالش راهبرد انرژی ایران سخن گفت چرا که ما هنوز انرژی را عمدتاً به عنوان یک محصول صادراتی می‌بینیم، نه یک دارایی ژئوپلتیکی و تفاوت این دو نگاه، صرفاً در ادبیات نیست در نتیجه سیاست‌گذاری است زیرا وقتی انرژی صرفاً یک محصول باشد، هدف اصلی افزایش تولید و یافتن بازارهای فروش خواهد بود اما وقتی انرژی به یک دارایی ژئوپلتیکی تبدیل شود، پرسش اصلی به این تغییر می کند که چگونه می‌توان از انرژی برای افزایش قدرت مانور، کاهش آسیب‌پذیری و ایجاد پیوندهای پایدار منطقه‌ای استفاده کرد؟

باید این نکته را افزود که گرچه تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی و دشواری دسترسی به فناوری فضای انتخاب ایران را محدود کرده‌اند اما همین محدودیت‌ها، یک پیام روشن نیز دارند؛ کشوری که نمی‌تواند در همه عرصه‌ها رقابت کند، ناگزیر است مزیت‌های خود را هوشمندانه‌تر تعریف کند چراکه در چنین شرایطی، موفقیت دیگر فقط به میزان تولید وابسته نیست؛ بلکه به توانایی تبدیل همان ظرفیت‌های موجود به اهرم‌های جدید قدرت بستگی دارد؛ اهرم‌هایی که الزاماً از دل منابع جدید به دست نمی‌آیند، بلکه از انتخاب درست جغرافیای راهبردی نیز ناشی می شوند.

> باتوجه به اینکه شاید بزرگ ترین چالش امروز ایران وابستگی راهبرد انرژی به یک جغرافیا و یک منطق است به نظر می رسد زمان آن رسیده باشد که در کنار نگاه به جنوب، نگاه به شمال نیز به بخشی از راهبرد انرژی ایران تبدیل شود

از همین رو، بازتعریف راهبرد انرژی ایران نباید با این پرسش آغاز شود که چگونه و چه میزان انرژی بیشتری تولید خواهیم کرد؟ بلکه باید از این سؤال آغاز شود که انرژی چطوری می‌تواند ارزش راهبردی بیشتری برای ایران ایجاد کند؟ وقتی این پرسش تغییر کند سیاست‌گذار ناگزیر است دوباره به نقشه پیرامونی ایران نگاه کند و این بار از خود بپرسد که کدام جغرافیا می‌تواند این ارزش راهبردی بیشینه را برای انرژی ایران خلق کند؟ که باتوجه به گزینه‌های پیش روی کشور، شاید کمتر منطقه‌ای به اندازه اوراسیا این ظرفیت را داشته باشد تا میان محدودیت‌های امروز ایران و فرصت‌های فردای آن پیوند برقرار کند.

اهمیت اوراسیا را باید بیش از آنکه در ظرفیت بازار آن جست‌وجو کرد، در نوع همکاری‌هایی دید که امکان شکل‌گیری آنها را فراهم می‌کند. برای ایران، این همکاری‌ها تنها به صادرات نفت و گاز محدود نمی‌شوند، بلکه می‌توانند توسعه تجارت برق، اجرای پروژه‌های سوآپ انرژی، اتصال شبکه‌های انتقال، تکمیل کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و مشارکت در بازارهای منطقه‌ای انرژی را نیز در بر گیرند. وجه مشترک همه این حوزه‌ها آن است که بر مبادله یک کالا استوار نیستند، بلکه بر ایجاد زیرساخت‌ها و پیوندهای بلندمدت میان کشورها تکیه دارند بنابراین باتوجه به اینکه شاید بزرگ ترین چالش امروز ایران وابستگی راهبرد انرژی به یک جغرافیا و یک منطق است به نظر می‌رسد زمان آن رسیده باشد که در کنار نگاه به جنوب، نگاه به شمال نیز به بخشی از راهبرد انرژی ایران تبدیل شود.

گرچه این به معنای جایگزینی خلیج فارس با اوراسیا نیست؛ همان‌گونه که توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز به معنای کنار گذاشتن نفت و گاز نیست. مسأله، افزودن یک لایه جدید به راهبرد انرژی کشور است چرا که اتکا به یک مسیر، یک بازار یا یک مزیت ژئوپلتیکی، هرچقدر هم مهم باشد، برای حفظ قدرت مانور ایران کافی نیست. امنیت انرژی در قرن بیست‌ویکم، بیش از تمرکز بر یک مزیت ، از تنوع مزیت‌ها شکل می‌گیرد و اهمیت اوراسیا نیز از این جهت است که می‌تواند سه خلأ همزمان در راهبرد انرژی ایران را تا حدی جبران کند؛ نخست، کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی از طریق تقویت پیوندهای زمینی؛ دوم، فراهم کردن بستر توسعه تجارت برق به موازات تجارت نفت و گاز؛ و سوم، تبدیل موقعیت جغرافیایی ایران از مسیر عبور به یک گره اتصال چرا که مسیر عبور را می‌توان دور زد؛ اما حذف یک گره از شبکه، برای همه بازیگران هزینه ایجاد می کند.

براساس نتایج، یکی از خطاهای راهبردی سال‌های گذشته این بوده که ایران بیشتر خود را یک صادرکننده انرژی تعریف کرده تا یک سازنده شبکه انرژی اگرچه این دو در ظاهر به هم نزدیک‌اند، اما در منطق ژئوپلتیک تفاوت بنیادین دارند. صادرکننده، تا زمانی اهمیت دارد که کالایی برای عرضه داشته باشد و مشتریانی برای خرید اما کشوری که شبکه‌های انرژی را به هم متصل می‌کند، حتی زمانی که حجم صادراتش کاهش یابد، همچنان بخشی از معادله باقی می‌ماند. در همین چارچوب، شاید لازم باشد به انرژی‌های تجدیدپذیر نیز با نگاهی متفاوت نگریست چرا که در ادبیات رایج، این منابع عمدتاً در چارچوب اهداف محیط زیستی و کاهش انتشار کربن تعریف می‌شوند؛ اما برای ایران، اهمیت آنها می‌تواند در جای دیگری باشد. درحالی که هر مگاوات برق خورشیدی یا بادی، به معنای کاهش مصرف گاز در نیروگاه‌ها، افزایش انعطاف‌پذیری شبکه برق و آزاد شدن بخشی از منابع گازی برای مصارف با ارزش افزوده بیشتر است با این حال اهمیت این تحول به داخل کشور محدود نمی‌شود، زیرا اگر ایران به تجارت منطقه‌ای برق و اتصالات منطقه‌ای نیز به عنوان یک ابزار سیاست خارجی بیندیشد در این منطق، برق دیگر تنها یک کالای مصرفی نیست بلکه ابزاری برای ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی با همسایگان تبدیل می‌شود و اگر این ظرفیت درهمکاری منطقه‌ای به‌خصوص اوراسیا دیده شود، برق نیز می‌تواند به عنوان ابزاری برای ایجاد پیوندهای پایدار اقتصادی و راهبردی با کشورهای پیرامونی برای ایران نقش‌آفرینی کند .

در نهایت، مسأله اصلی نه تغییر جغرافیای انرژی ایران، بلکه تغییر منطق آن است. اگر راهبرد انرژی کشور همچنان بر یک مسیر، یک بازار و یک نوع مزیت استوار بماند، آسیب‌پذیری‌های امروز نیز تداوم خواهد یافت. اما اگر این راهبرد بر تنوع جغرافیا، تنوع ابزارها و تنوع پیوندهای منطقه‌ای استوار شود، انرژی می‌تواند بار دیگر به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت ایران در محیط پیرامونی تبدیل شود.

بدون روتوش

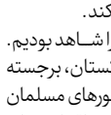

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

واکنش فضای عبری به پیمان مکه

امضای پیمان مکه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان، در رسانه‌ها و محافل امنیتی اسرائیل با ترکیبی از تحلیل و واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد که در ادامه برخی از واکنش‌ها را مرور می‌کنیم: هاآرتص در گزارش خود، توافق را در متن افزایش تنش‌های منطقه‌ای قرار داد و بر بند اصلی آن تأکید کرد؛ بندی که بر اساس آن «حمله به هر یک از اعضا، حمله به همه اعضا تلقی می‌شود.» همین عبارت برای رسانه‌های اسرائیلی اهمیت زیادی داشت؛ زیرا از نظر حقوقی و سیاسی فراتر از یک همکاری نظامی معمول میان سه کشور تاکنون بود. با این حال، هاآرتص در خصوص کارآمدی آن ابهام دارد.

در اسرائیل‌هیوم، دنی سیت با عنوان معنادار «همه چیز به اسرائیل مربوط نیست»، دقیقاً با برداشت ضداسرائیلی مقابله می‌کند. او می‌نویسد نگرانی اسرائیل قابل درک است، اما اینکه تصور کنیم این نگرانی انگیزه اصلی عربستان بوده، درست نیست.

از نگاه او، ریاض در پی «عمق استراتژیک» است؛ یعنی می‌خواهد در شرایط کاهش اطمینان به تضمین‌های خارجی، شرکای امنیتی بیشتری داشته باشد. هرچند در پایان می‌نویسد: «سخت است باور کنیم آنکارا یا اسلام‌آباد خود را درگیر رویارویی مستقیم با تهران کنند.» یوئل گوزانسکی، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS) در یادداشتی با تردید به این تفاهم می‌نگرد و یادآوری می‌کند که قبلاً عربستان-پاکستان شبیه همین تفاهم را داشتند اما در طول جنگ، عربستان حملات زیادی از محور مقاومت متحمل شد و ندیدیم که این ائتلاف کمک چندانی به آن بکند.

در سوی دیگر، در فضای تلگرامی عبری لحن تندتری را شاهد بودیم. در چندین کانال، سخنان خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان، برجسته شد؛ جایی که او درباره اسرائیل گفته است: «همه کشورهای مسلمان باید علیه اسرائیل متحد شوند.» و توافق را آغاز روند اتحاد جهان اسلام توصیف کرده بود. این جملات در فضای اسرائیلی به‌عنوان نشانه‌ای از ظرفیت بالقوه ضداسرائیلی پیمان برجسته شد. در نهایت، تصویری که از مجموعه واکنش‌های عبری به دست می‌آید، پیچیده‌تر از تعبیر «ائتلاف ضداسرائیلی» است. اسرائیلی‌ها بیش از آنکه از حمله احتمالی فردای ترکیه یا پاکستان به اسرائیل نگران باشند، از تغییر معماری امنیتی منطقه نگرانند.

وب‌سایت اقتصادی گلوبز اما با بدبینی آن را اگرچه ضداسرائیلی نمی‌بیند، اما آن را دور شدن سعودی از تطبیع (عادی‌سازی) روابط با تل‌آویو می‌داند و آن را اخطاری مهم برآورد می‌کند. در اسرائیل‌هیوم نوشته شده است: عربستان در حال تنوع بخشیدن به شرکای امنیتی خود و ترکیه در حال افزایش وزن منطقه‌ای خود است و پاکستان وارد چارچوبی شده که می‌تواند به‌تدریج گسترش یابد.

بنابراین شاید مهم‌ترین سؤال برای اسرائیل این نباشد که «پیمان مکه علیه چه کسی است؟» بلکه این باشد که «این پیمان در آینده به چه چیزی تبدیل خواهد شد؟» در مجموع می‌توان گفت در فضای عبری، پیمان مکه خطر جدی و تغییر ماهوی یا ناتوی اسلامی برآورد نمی‌شود، اما نشانه‌هایی از هشدار به تل‌آویو تلقی می‌شود.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی خرید دو ۲ دستگاه "WOODWARD " Steam Turbine Controller

شرکت صنایع پتروشیمی سبلان

شرکت صنایع پتروشیمی سبلان در نظر دارد Steam Turbine Controller مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از متقاضیان واجد شرایط خریداری نماید.

متقاضیان می‌توانند با واریز مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌شماره حساب زیر به‌نام شرکت صنایع پتروشیمی سبلان اسناد مناقصه را خریداری و از طریق وب‌سایت WWW.SABALANPICO.COM نسبت به مشاهده و دریافت اسناد اقدام نمایند.

بانک اقتصاد نوین کد ۲۰۸ شماره حساب: ۲۰۸،۲،۴۵۶۴۴۱۷،۱ شماره شبا: IR ۸۸۰۵۵۰۰۲۰۸۰۰۲۰۴۵۶۴۴۱۷۰۰۱

به همین منظور از متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ نشر آگهی تا ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ پاکات پیشنهادهای خود را به آدرس تهران، سعادت آباد، خیابان دوم شهید عقبری، دوم شمالی، پلاک ۱۵، کدپستی: ۱۹۹۸۶۶۵۸۴۷، هلدینگ انرژی سپهر (حراست هلدینگ) تسلیم و رسید دریافت نمایند.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۶،۱۶۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (شش میلیارد و یکصد و شصت میلیون) می‌باشد که به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا واریز مبلغ تضمین به‌شماره حساب اعلامی در اسناد مناقصه و تحویل اصل فیش واریزی قابل پذیرش می‌باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تماس (۲۹۷۴) ۰۲۱۸۸۵۶۴۶۲۰۲۸ تماس حاصل نمایید.

شرکت صنایع پتروشیمی سبلان

فراخوان دعوت به مشارکت در ساخت

رویا ساختمان آریا

گروه توسعه ساختمان تدبیر

نام پروژه	کاربری	مساحت عرصه (مترمربع)	تعداد طبقات	زیربنای کل تقریبی (مترمربع)	زمان اجرا (ماه)	تضمین شرکت در فراخوان (ریال)	وضعیت مجوزات
ریشمک	مسکونی/ تجاری	۲،۱۹۳	شامل ۱۷ طبقه به شرح: ۳ طبقه زیرزمین، طبقه همکف تجاری، ۱۲ طبقه مسکونی روی همکف، به انضمام خریشته روی پشت بام	۱۶،۵۹۱	۳۰	۵۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	فیش عوارض پرداخت و در مرحله اخذ پروانه ساختمانی می باشد.

نشانی: استان فارس، شهرستان شیراز، بلوار امیرکبیر، بین پلاک های ۲۲ و ۲۴

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) جهت ساخت و ساز در قالب قرارداد مشارکت در ساخت بر روی یک قطعه زمین واقع در شهر شیراز مطابق مشخصات به شرح جدول فوق از کلیه سرمایه گذاران توانمند و متخصص در امر ساختمان دعوت به همکاری می نماید.

شرایط شرکت در فراخوان:

- ارائه تضمین شرکت در فراخوان به صورت واریز نقدی، چک تضمین شده بانکی و یا ضمانتنامه معتبر بانکی الزامی می باشد.
- آخرین مهلت ارائه پیشنهادات تا پایان وقت اداری **روز چهارشنبه مورخ** ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ خواهد بود.
- تضمین اجرای کامل تعهدات قرارداد مشارکت مدنی معادل ۵% آورده مالک در پروژه بوده که همزمان با انعقاد قرارداد از متقاضی مشارکت اخذ می گردد.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادهای ارائه شده مختار است و به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ناقص و یا پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر نخواهد داد.
- متقاضیان محترم می توانند **از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ (به غیر از ایام تعطیل و پنجشنبه ها) طی ساعات اداری** جهت خرید اسناد فراخوان به واحد دبیرخانه و جهت کسب اطلاعات تکمیلی به مدیریت مشارکت و فروش شرکت رویا ساختمان آریا به نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲، پلاک۷ مراجعه و یا نشانی: استان فارس، شیراز، قصرالدشت، روبروی بیمارستان فرهمند مراجعه و یا با شماره **تلفن ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۲۲)** و یا شماره همراه: ۰۹۱۲۸۰۳۵۳۸۹ تماس حاصل فرمایند. همچنین امکان خرید اسناد فراخوان از طریق تارنمای گروه توسعه ساختمان تدبیر به نشانی www.tcdgroup.ir نیز فراهم است.
- هزینه های چاپ آگهی به عهده برنده فراخوان مشارکت می باشد.
- بازدید از ملک با هماهنگی شرکت الزامی است.

www.tcdgroup.ir www.arc.co.ir

آگهی مناقصه عمومی

یک شرکت صنعتی در اصفهان در نظر دارد قلم مشروحه ذیل را (مطابق مشخصات فنی) از طریق مناقصه عمومی از شرکت‌های واجد شرایط خریداری نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها و کارخانجات واجد شرایط و دارای سابقه کار مفید و امکانات لازم دعوت به‌عمل می‌آورد ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی با شماره تلفن ۰۳۱-۵۲۳۲۲۳۱۱-۶ داخلی ۸۴۴۸۴ تماس برقرار نموده و به منظور دریافت اسناد مناقصه هماهنگی لازم به‌عمل آید.

هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد

شماره مناقصه	موضوع	تعداد /مقدار	مشخصات فنی
۴۰۵-۱۰۰۰-۲۳	انواع میلگرد با استانداردهای مختلف ۱/۲۸۴۲-۱/۱۱۹۱-۱/۲۰۸۰-۱/۲۲۱۰-۱/۲۰۶۷-۱/۲۸۳۳ و...با قطرهای مختلف	۶۹/۵۰۰ کیلوگرم	مطابق با مستندات فنی درج شده در اسناد
۴۰۵-۱۰۰۰-۴۰	قطعه لاستیکی	۸/۰۰۰ کیلوگرم	مطابق با مستندات فنی درج شده در اسناد
۴۰۵-۱۰۰۰-۴۱	کابل آلومینیوم ۱/۳۰۰ م م آرموردار (زره‌دار) فشار متوسط ۲۰ کیلو ولت	۵/۰۰۰متر	مطابق با مستندات فنی درج شده در اسناد

روابط عمومی شرکت صنعتی

شرکت بازرگانی تجهیزات ایمنی و آتش نشانی حریق نورد پارس

تأمین کننده تخصصی تجهیزات آتش نشانی، ایمنی و حفاظت فردی (PPE)

حریق نورد پارس

حریق نورد پارس؛ انتخابی مطمئن برای حفاظت از جان، سرمایه و صنعت

شرکت حریق نورد پارس، با فعالیت تخصصی در زمینه تامین و عرضه تجهیزات آتش‌نشانی و ایمنی با سابقه همکاری و تأمین تجهیزات برای مجموعه‌های بزرگ نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد و شهرداری‌های کل کشور آماده ارائه تجهیزات تخصصی از برندهای معتبر بین‌المللی و محصولات مورد نیاز سازمان‌ها، شرکت‌ها، صنایع و مجموعه‌های آتش‌نشانی می‌باشد.

محصولات و تجهیزات قابل ارائه:

- لباس‌های تخصصی آتش نشانی
- کلاه و تجهیزات حفاظت سر آتش نشانی
- فلش هود و پوشاک تخصصی حفاظت در برابر حرارت و حریق
- چکمه و کفش‌های ایمنی و آتش نشانی
- دستگاه‌ها و تجهیزات تنفسی آتش نشانی
- تجهیزات حفاظت فردی (PPE)
- تجهیزات امداد و نجات و سایر تجهیزات تخصصی آتش نشانی و ایمنی

تخصص در ایمنی؛ تعهد به حفاظت از جان و سرمایه

ما با تکیه بر تأمین مطمئن کیفیت محصولات، مشاوره تخصصی و ارائه تجهیزات متناسب با نیاز مشتریان، تلاش می‌کنیم انتخابی مطمئن برای فعالان حوزه ایمنی و آتش نشانی باشیم.

ایمنی اتفاقی نیست؛ انتخاب تجهیزات استاندارد، اولین قدم برای حفاظت از جان و سرمایه است.

تهران، ستارخان - خیابان کوثر دوم، پلاک ۵۱، واحد ۸
شماره تماس: ۰۲۱۶۶۵۷۵۵۹۸ / ۰۲۱۶۶۱۲۷۶۶۳
وب‌سایت: www.firepars.com
پیام رسان‌های (ایتا، بله، روبیکا) / واتس آپ: ۰۹۳۷۱۳۹۷۵۶۰

شاخص کل با رشد بیش از ۱۱۲ هزار واحدی به قله تاریخی ۵.۵ میلیون واحدی رسید

بورس در اوج؛ رکوردشکنی زیر سایه بازگشایی «فولاد مبارکه»

بازار سرمایه

عکس: سجاد صفری/ایران

بورس تهران هفته را با فضایی متفاوت آغاز کرد؛ فضایی که در آن خریداران نه فقط در چند سهم بزرگ، بلکه در بخش عمده‌ای از بازار دست بالا را داشتند. موج تقاضا به‌قدری گسترده بود که بازگشایی نماد فولاد مبارکه پس از حدود پنج‌ونیم ماه توقف و فشار فروش ناشی از آن نیز نتوانست مانع رکوردشکنی شاخص کل شود. بازار سهام در معاملات شنبه بار دیگر نشان داد پس از کاهش نسبی نگرانی‌های سیاسی، ظرفیت بالایی برای جذب نقدینگی و بازگشت به مسیر صعودی دارد. بیشتر نمادها سبزپوش بودند، صف‌های خرید در بخش بزرگی از تابلو شکل گرفت و شاخص هم‌وزن نیز حتی سریع‌تر از شاخص کل رشد کرد؛ نشانه‌ای از اینکه این‌بار رونق بازار به چند شرکت بزرگ و شاخص‌ساز محدود نمانده است. در پایان معاملات، شاخص کل با رشد بیش از ۱۱۲ هزار واحد، در سطح ۵ میلیون و ۵۲۰ هزار واحد ایستاد و برای اولین‌بار وارد کانال ۵.۵ میلیون واحد شد. شاخص هم‌وزن نیز ۲.۵۴ درصد افزایش یافت؛ رشدی بیشتر از شاخص کل که از گسترش تقاضا در سهام کوچک و متوسط حکایت دارد.

ورود ۹ همت پول حقیقی؛ تغییر مسیر نقدینگی به سمت سهام

رشد همزمان شاخص کل و هم‌وزن، مهم‌ترین ویژگی معاملات روز گذشته بود. در بسیاری از روزهای صعودی، چند نماد بزرگ می‌توانند شاخص کل را بالا بکشند، بی‌آنکه بدنه بازار همراهی محسوسی داشته باشد؛ اما معاملات شنبه تصویر دیگری داشت. بیش از ۸۰۰ نماد مثبت بودند و شمار نمادهای منفی به کمتر از ۲۰ مورد رسید.

این گستردگی نشان می‌دهد معامله‌گران تنها روی سهم‌های بزرگ متمرکز نشده‌اند و صنایع مختلف، از شرکت‌های کوچک تا نمادهای متوسط، در کانون توجه قرار گرفته‌اند. به همین دلیل، رشد امروز را می‌توان یکی از فراگیرترین صعودهای بورس در هفته‌های اخیر توصیف کرد. ورود حدود ۹ هزار میلیارد تومان پول حقیقی نیز بر قدرت این موج افزود. همزمان بخشی از منابع از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد و به سمت سهام حرکت کرد. تغییری که بیانگر افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به پذیرش ریسک و ارزیابی مثبت‌تر آنها از چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار است. قدرت خرید حقیقی‌ها در معاملات دیروز بیش از دو برابر فروشندگان بود و ارزش سفارش‌های خرید فاصله قابل توجهی با سفارش‌های فروش داشت. این وضعیت نشان می‌دهد با وجود رشد سریع قیمت‌ها، تقاضا هنوز در بازار فعال است و خریداران برای ورود به بسیاری از نمادها در صف مانده‌اند.

بازگشت «فولاد مبارکه» و اثر منفی بر شاخص

در کنار رکوردشکنی شاخص‌ها، بازگشایی نماد فولاد مبارکه مهم‌ترین رویداد معاملاتی دیروز بود. نماد «فولاد» پس از حدود پنج‌ونیم ماه توقف، بار دیگر به تابلوی معاملات بازگشت؛ توقفی که در پی خسارت‌های واردشده به خطوط تولید شرکت در جریان جنگ و ضرورت بررسی آثار آن بر فعالیت و صورت‌های مالی شرکت ادامه یافته بود. فولاد مبارکه در بازگشایی اولیه با افت حدود ۱۰ درصدی کشف قیمت شد، اما با افزایش تدریجی تقاضا بخشی از افت خود را جبران کرد و در نهایت با قیمت پایانی منفی ۸.۵ درصد به کار خود پایان داد. بازگشایی این نماد حدود ۱۴ هزار و ۶۴۰ واحد اثر منفی بر شاخص کل گذاشت؛ به‌طوری که شاخص پیش از بازگشایی فولاد، رشدی در محدوده ۱۲۶ هزار واحد را تجربه می‌کرد. با وجود این اثر منفی، واکنش بازار به بازگشایی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بورسی قابل توجه بود. کاهش فشار فروش پس از کشف قیمت و ورود خریداران در سطوح پایین‌تر، نشان داد بازار توانسته است عرضه ناشی از بازگشت نمادی با این اندازه و اهمیت را تا حدی جذب کند. از این منظر، بازگشایی فولاد در روزی که بازار با موج فراگیر تقاضا همراه بود، آزمونی برای عمق نقدینگی بورس نیز محسوب می‌شد.

بورس اکنون در قله تاریخی تازه‌ای ایستاده است؛ قله‌ای که با ورود پول حقیقی، صف‌های خرید گسترده و همراهی سهام کوچک و بزرگ فتح شده است. با این همه، ادامه این مسیر به ماندگاری نقدینگی، حفظ ارزش معاملات و از همه مهم‌تر ثبات متغیرهای سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. بازار پس از چند روز صعود پرشتاب، احتمالاً با عرضه‌های مقطعی روبه‌رو خواهد شد، اما اگر خریداران همچنان قدرت جذب این عرضه‌ها را داشته باشند، اصلاح‌های احتمالی می‌تواند بخشی طبیعی از مسیر صعودی باشد، نه نشانه‌ای از پایان موج تازه بورس.

> نماد «فولاد» پس از حدود پنج‌ونیم ماه توقف، بار دیگر به تابلوی معاملات بازگشت؛ توقفی که در پی خسارت‌های واردشده به خطوط تولید شرکت در جریان جنگ و ضرورت بررسی آثار آن بر فعالیت و صورت‌های مالی شرکت ادامه یافته بود

منابعی که بازنگشته‌اند چه پروژه‌هایی را متوقف کرده‌اند؟

صندوق توسعه در تنگنای مطالبات

تصویب سه میلیارد دلار تسهیلات از محل منابع صندوق در یک سال اخیر

گزارش

صندوق توسعه ملی از وصول ۱۲.۸ میلیارد دلار از مطالبات خود خبر داده، اما همزمان اعلام کرده است که ۲۲.۳ میلیارد دلار از مطالباتش سررسید گذشته است؛ رقمی که بیش از ۱۷ میلیارد دلار آن به شرکت ملی نفت ایران مربوط می‌شود. مدیران صندوق می‌گویند تداوم این وضعیت، توان صندوق برای ورود به پروژه‌های جدید نفتی، پالایشگاهی، نیروگاهی و زیرساختی را محدود کرده و بر صورت‌های مالی بانک‌های عامل نیز اثر گذاشته است. به گزارش «ایران»، موضوع بازپرداخت منابع صندوق توسعه ملی از سوی شرکت ملی نفت، یکی از محورهای اصلی نشست خبری رئیس و اعضای هیأت عامل این صندوق بود.

مهدی غضنفری، رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی، با اشاره به سیاست وصول مطالبات در سال‌های اخیر گفت: «حدود پنج سال قبل قول دادیم که نگذاریم صندوق توسعه ملی به سرنوشت حساب ذخیره ارزی دچار شود. مهم‌ترین کاری که باید انجام می‌دادیم، بازپس‌گیری مطالبات بود.» به گفته غضنفری، صندوق در این مدت به‌طور میانگین سالانه حدود دو میلیارد دلار از مطالبات خود را وصول کرده و مجموع این وصولی‌ها اکنون به ۱۲.۸ میلیارد دلار رسیده است. با این حال، حجم بدهی‌های باقی‌مانده همچنان بالاست؛ صندوق علاوه بر هشت میلیارد دلار مطالبات سررسید نشده، ۲۲.۳ میلیارد دلار مطالبات سررسید گذشته دارد.

۱۷ میلیارد دلار بدهی شرکت ملی نفت

رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی گفت از کل مطالبات سررسیدگذشته، حدود ۱۷ میلیارد دلار متعلق به شرکت ملی نفت ایران است؛ بدهی‌ای که به گفته او، عمدتاً مربوط به تسهیلات پرداخت‌شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ است. غضنفری گفت: «بخشی از سرمایه صندوق در اختیار شرکت‌ها حبس شده است. اگر این منابع به صندوق بازگردد، ظرفیت لازم برای احداث پنج پالایشگاه، پنج مجتمع پتروشیمی و پنج نیروگاه جدید فراهم می‌شود.» این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که صندوق توسعه ملی، خود یکی از منابع مهم تأمین مالی طرح‌های انرژی و زیرساختی کشور بوده است؛ اما تداوم معوقات، منابع قابل تخصیص آن برای پروژه‌های جدید را محدود می‌کند.

اقساطی که روی کاغذ ماند

رضا محمدی، معاون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی صندوق توسعه ملی، جزئیات بیشتری از روند پیگیری بدهی شرکت ملی نفت ارائه کرد. او گفت ۷۸ درصد مطالبات سررسیدگذشته صندوق، یعنی بیش از ۱۷ میلیارد دلار، مربوط به طرح‌هایی است که بازپرداخت آنها با تضمین شرکت ملی نفت انجام شده است. او توضیح داد: «برای پرداخت این بدهی‌ها جلسات منظمی با شرکت ملی نفت برگزار و جدول زمانی مشخصی برای پرداخت اقساط ماهانه تدوین شد؛ با این وجود، پرداخت‌ها در موعد مقرر انجام نشد.» علیرضا میرمحمدصادقی، عضو هیأت عامل صندوق توسعه ملی نیز گفت: «در جلسات مشترک با شرکت ملی نفت، بانک عامل و کارگزاری، پرداخت‌های ماهانه ۵۰ یا ۱۰۰ میلیون دلاری در نظر گرفته شده بود، اما در مرحله اجرا این پرداخت‌ها انجام نمی‌شد.» او افزود: «هرچه می‌گذشت، سود به آن تعلق می‌گرفت و مطالبات انباشته می‌شد.» میرمحمدصادقی با اشاره به پیگیری نهادهای نظارتی گفت: «دستگاه‌های نظارتی به ما ایراد می‌گرفتند که چرا اقدام خاصی در این زمینه صورت نمی‌گیرد.» به گفته او، اثر این مطالبات بر صورت‌های مالی بانک‌ها باعث شده برخی بانک‌های عامل، اقدامات حقوقی برای وصول مطالبات را آغاز کنند. از جمله اینکه حساب‌های شرکت ملی نفت در بانک صنعت و معدن به دلیل بدهی یک میلیارد دلاری مسدود شده است.

۴۰ میلیارد دلار تسهیلات برای بیش از ۳۸۰ طرح

صندوق توسعه ملی تاکنون ۴۰ میلیارد دلار تسهیلات به بیش از ۳۸۰ طرح دارای توجیه اقتصادی پرداخت کرده است. بخش عمده این تسهیلات به حوزه نفت، گاز و پتروشیمی اختصاص یافته؛ به‌طوری‌که ۶۵ طرح در این بخش، در مجموع ۲۳ میلیارد دلار از منابع صندوق را دریافت کرده‌اند. بر اساس آمار ارائه‌شده، ۵۱ طرح نیروگاهی با ۵.۵ میلیارد دلار، ۳۹ طرح آهن و فولاد با ۳.۴ میلیارد دلار و پنج طرح حمل‌ونقل با ۱.۲ میلیارد دلار نیز از محل منابع صندوق تأمین مالی شده‌اند. طرح‌های آب‌شیرین‌کن و انتقال آب نیز ۱۱۷ میلیون دلار تسهیلات دریافت کرده‌اند. محمدی در این باره گفت: «در یک سال اخیر حدود سه میلیارد دلار تسهیلات جدید برای متقاضیان تصویب شده است. از این میزان، ۱.۶ میلیارد دلار از مسیر عاملیت بلندمدت، ۶۰۰ میلیون دلار با روش‌های جدید تأمین مالی، ۳۰۰ میلیون دلار از محل اوراق و ۴۰۰ میلیون دلار در قالب تسهیلات کوتاه‌مدت و سپرده‌گذاری تخصیص یافته است.»

> بخشی از سرمایه صندوق در اختیار شرکت‌ها حبس شده است. اگر این منابع به صندوق بازگردد، ظرفیت لازم برای احداث پنج پالایشگاه، پنج مجتمع پتروشیمی و پنج نیروگاه جدید فراهم می‌شود

اجاره واحد تجاری

شرکت بهساز کاشانه تهران

گروه توسعه ساختمان تدبیر

ردیف مزایده	نام پروژه	کاربری	طبقه	مساحت (مترمربع)	مبلغ پایه اجاره بها، ماهیانه (ریال)	مبلغ ودیعه (ریال)
۱	کاشانی (باران)	تجاری	همکف	۵۸۶.۲۸	۶،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۵۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان آیت اله کاشانی، حدفاصل خیابان گلستان شمالی و خیابان سلیمی جهرمی، پلاک ۲۲۴
توضیحات: به انضمام ۲۴ واحد پارکینگ و فاقد انباری.
★ ضمناً سایر اطلاعات تکمیلی در اسناد مزایده قید گردیده است.

شرکت بهساز کاشانه تهران (سهامی عام) وابسته به گروه توسعه ساختمان تدبیر (سهامی خاص) درنظر دارد؛ واحد تجاری خود، به شرح مشخصات جدول ارائه شده و اطلاعات مندرج در اسناد را از طریق برگزاری مزایده عمومی در قالب اجاره به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ طی روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ جهت اخذ اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد شرکت در مزایده به نشانی زیر مراجعه نمایند.
تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان ۳۳، پلاک ۱۴، طبقه پنجم
شماره های تماس :
۰۲۱-۸۶۰۵۸۸۳۲-۸۸۱۹۴۱۷۸
شرایط اجاره:
• شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
• پاکت های پیشنهادی به همراه یک فقره چک بانکی تضمینی، ضمانتنامه بانکی و یا فیش واریزی به مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال طبق فرم شرکت در مزایده می بایست حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ به دفتر فروش شرکت در نشانی مورد اشاره تحویل گردد.
• بازگشایی پاکت های پیشنهادی در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ انجام خواهد شد.
• پیشنهادهای فاقد سپرده، مخدوش، مبهم، مشروط و کمتر از مبلغ پایه از درجه اعتبارساقط می باشد.
• بازدید از واحد تجاری با هماهنگی دفتر فروش شرکت، الزامی می باشد.
• سایر شرایط در اسناد مزایده درج گردیده است.
• متقاضیان جهت اخذ اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مزایده می توانند ازتاریخ انتشار آگهی به نشانی های اینترنتی www.tcdgroup.ir و www.behsazco.ir مراجعه نمایند.
• کلیه هزینه های مزایده به میزان پانزده درصد مبلغ پایه مزایده اجاره بها، یکماه به عهده برنده مزایده واحد می باشد.

www.tcdgroup.ir www.behsazco.ir

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده

شرکت گروه صنعتی کاشی تبریز (سهامی خاص)

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت گروه صنعتی کاشی تبریز (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۹۴۶۷۷ و شماره ثبت ۸۹۳ دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ ساعت ۱۰ در محل دفتر مرکزی واقع در استان آذربایجان شرقی- شهرستان بستان‌آباد- بخش مرکزی- دهستان شبلی- آبادی جاده تبریز تهران- جاده تبریز تهران- بزرگراه جاده تبریز تهران- کوچه کاشی تبریز آبیاری- پلاک ۰ - طبقه همکف برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- تعیین اعضای هیأت‌مدیره
۲- سایر موارد

هیأت مدیره شرکت

آگهی مناقصه عمومی صنایع خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان

شماره مناقصه ۳۴-۱۴۰۵/۱۰۰

این صنایع در نظر دارد انجام خدمات زیر را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.

۱- خدمات مونتاژ و دمونتاژ اکسل خودرو

هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

تجدید آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی (روش یکپارچه)

نوبت اول

شرکت آب منطقه‌ای اصفهان

(شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران ۲۰۰۵۰۰۱۲۰۵۰۰۰۰۱۹)

شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان در نظر دارد انجام خدمات بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات نیروگاه برقابی کوهرنگ را به‌شماره فراخوان مناقصه از طریق تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی (روش یکپارچه) و با شرایط و مشخصات زیر به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از مناقصه‌گرانی که تمایل به شرکت در این مناقصه را دارند، دعوت می‌گردد نسبت به دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به نشانی اینترنتی (www.setadiran.ir) و به‌شماره فراخوان فوق (برای اسناد ارزیابی کیفی) و مندرج در جدول زیر (برای اسناد مناقصه) اقدام نمایند.

نوع تضامین شرکت در فرایند ارجاع کار: از تضمین‌های معتبر جدول شماره ۴ بند الف ماده ۶ آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه هیأت وزیران به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ ت۵۰۶۵۹ه- مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ (با آخرین اصلاحات) و نیز تبصره ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی بند هـ تبصره ۵ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور موضوع تصویب‌نامه هیأت وزیران به‌شماره ۱۲۱۵۵/ ت۵۵۲۶۴هـ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ و نیز ماده ۹ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی و مندرج سایر قوانین و مقررات جاری درصورت شمول باشد.
اعتبار پروژه ها: تأمین مالی توسط مناقصه‌گزار (کارفرما) و نوع اعتبار پروژه از اعتبارات جاری (هزینه ای) شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان است.
شرایط مناقصه‌گر: مناقصه‌گر باید دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری نیرو رتبه ۵ از سازمان برنامه و بودجه و دارای ظرفیت آزاد (مبلغی و تعدادی) باشد.
سایر شرایط مندرج در اسناد استعلام ارزیابی کیفی و مناقصه می‌باشد.
مدت اعتبار پیشنهادهای مناقصه ۳ ماه شمسی با یکبار قابلیت تمدید با همین مدت از آخرین مهلت ارائه پیشنهادها است.
نام و نشانی مجری طرح و دستگاه نظارت: الف) نماینده کارفرما و مجری طرح: معاونت حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای اصفهان به نشانی اصفهان- پل خواجو- آبشار اول- ساختمان شماره دو - ب) دستگاه نظارت: مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از سد و نیروگاه زاینده رود و کوهرنگ
تاریخ، مهلت، نشانی و نحوه دریافت اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی و ارسال پاسخ:
کلیه مراحل ارزیابی کیفی و مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به نشانی اینترنتی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. مناقصه‌گران جهت شرکت در مناقصه، مطابق شرایط و مواعد زمانی قید شده در آن سامانه (به‌شماره فراخوان فوق) مهلت خواهند داشت نسبت به دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و مناقصه و ارسال پاسخ ارزیابی کیفی و پیشنهاد مناقصه به‌صورت هم‌زمان و از طریق همین سامانه اقدام نمایند.

روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای اصفهان
شناسه: ۲۲۴۶۷۴۵

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)

نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

موضوع: مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م ن/۱۴۰۵/۵۹۰۷
مربوط به تأمین سیستم ارتباط ماهواره‌ای شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

شماره ثبت در سامانه ستاد: ۲۰۰۵۰۹۳۲۲۱۰۰۰۰۳۵

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد موضوع مناقصه فوق‌الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای) به شرکت‌های واجد شرایط، واگذار نماید.
الف) شرح مختصر کار
پروژهٔ فوق‌الذکر مختصراً مربوط به اجاره، نصب، راه‌اندازی، نگهداری و پشتیبانی تجهیزات و پهنای باند شبکه ماهواره‌ای شرکت نفت مناطق مرکزی ایران در تهران و سایر مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران می‌باشد.
ب) مدت، محل و برآورد اولیه اجرای کار
مدت اجرای خدمات ۷۳۰ روز و برآورد تقریبی پروژه ۲۶۹،۰۱۶،۰۰۰،۰۰۰ ریال و محل اجرای خدمات تهران و سایر مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران می‌باشد.
ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی)
متقاضیان برای شرکت در مناقصه باید دارای گواهی صلاحیت مربوط از مراجع ذیصلاح از جمله موارد زیر باشند:
۱- داشتن شخصیت حقوقی و ارائه مدارک ثبت شرکت شامل: آگهی روزنامه رسمی، اساسنامه، آخرین تغییرات، کد اقتصادی و شناسه ملی شرکت، آدرس دقیق پستی، تلفن ثابت و نمابر(فکس).
۲- دارا بودن گواهی‌نامه پروانه ارائه خدمات دسترسی ماهواره ای(SAP) از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
۳- داشتن توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی به میزان ۱۳،۴۵۰،۸۰۰،۰۰۰ ریال به‌عنوان تضمین شرکت در مناقصه.
۴- عضویت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) و دارا بودن گواهی امضا الکترونیکی و تکمیل فرم استعلام ارزیابی کیفی موجود در سایت www.setadiran.ir
د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام در سایر استان‌ها در سامانه www.setadiran.ir بخش "ثبت‌نام/پروفایل تأمین‌کننده/مناقصه‌گر" موجود است.
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ و آخرین مهلت ثبت و بارگذاری اطلاعات فراخوان و اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی این مناقصه ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می توانند با تلفن ۸۷۵۲۴۴۴۳ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

شناسه ۲۲۳۹۸۱۰

پایداری
ایران
• یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵
• ۲۵ صفر ۱۴۴۸ • ۹ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۴ • ۴ صفحه
Sunday • 9 August 2026
IranDaily Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

ایران

ویژه هفته‌دولت

اینترنت زیرساختی برای اقتصاد پس از دیجیتال

روایت معاون وزیر ارتباطات از اقتصاد دیجیتال در دوران جنگ

در غیاب اینترنت روایت‌سازی‌های جنگ علیه کشور بود

روایت محمود واعظی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت یازدهم

دولت چهاردهم قفل اینترنت را باز کرد

دولت چهاردهم در عمر ۲ ساله خود تلاش‌هایی جدی برای هموار کردن مسیر کاهش محدودیت‌های اینترنتی داشته است؛ سیاستی که از وعده‌های مهم دولت در حوزه ارتباطات و احقاق حق کاربران به شمار می‌رود. با این حال، اجرای این رویکرد، همواره با مخالفت جریان‌های مدافع محدودیت اینترنت و نگرانی‌هایی درباره مسائل امنیتی و مدیریت فضای مجازی روبه‌رو بوده است. در چنین شرایطی، دولت تلاش کرده با ارائه راهکارهایی در جهت مدیریت نگرانی‌های امنیتی، زمینه کاهش محدودیت‌ها را فراهم کند. روزنامه ایران از روز گذشته به استقبال هفته دولت رفته و قرار است تا ۸ شهریور هر روز در صفحاتی ویژه به یکی از پرونده‌های مهم مرتبط با دولت بپردازد. دومین پرونده، روایتگر تلاش دولت چهاردهم برای کاهش محدودیت‌های اینترنتی است و سعی کرده وقایع مربوط به بازگشایی اینترنت پس از جنگ ۴۰ روزه را به تصویر بکشد.

جلسه ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی به ریاست معاون اول رئیس جمهور

• روایت •

میترا جلیلی
دبیر گروه علم وفناوری

دولت چهاردهم در بزنگاه‌های مختلف نشان داده که هرگز از حق دسترسی مردم به اینترنت کوتاه نمی‌آید و اجازه نمی‌دهد بخشی از مردم از حق خود محروم شوند

مسعود پزشکیان ۲ سال پیش در شرایطی پا به کارزار انتخاباتی گذاشت که در مناظرات، یکی از حقوق اصلی مردم را دسترسی به اینترنت پایدار دانست و به مردم وعده داد محدودیت‌های اینترنتی کاهش می‌یابد؛ وعده‌ای که برای تحقق آن تلاش بسیار کرد و در سال اول با همت وزارت ارتباطات، شاهد رفع فیلتر واتس‌اپ و گوگل‌پلی بودیم. اما یک سال اخیر را شاید بتوان سال چالش برای دولت و ارتباطات دانست؛ سالی که در آن جنگ ۱۲ روزه، حوادث دی ماه، جنگ ۴۰ روزه و جنگ هرمز روزگار سختی برای ارتباطات رقم زد و مردم برای حدود ۹۰ روز چشم انتظار اینترنت بین‌الملل ماندند و پس از کش و قوس فراوان برای رفع موانع در مسیر نت بین‌الملل و مخالفت‌های برخی، سرانجام طلسم این فراق با تشکیل یک ساز و کار ویژه به دستور رئیس جمهوری شکسته شد؛ ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به ریاست معاون اول رئیس جمهوری که خود دستی بر آتش داشت و روزگاری نه چندان دور، برای اتصال مردم به اکوسیستم‌های فناوری جهانی تلاشی پیوسته داشت، تشکیل شد.

با مصوبه این ستاد ویژه، اینترنت بین‌الملل بازگشایی شد. بازگشت اینترنت تنها به معنای ورود به سایت‌های بین‌المللی نبود. برای میلیون‌ها نفر، اتصال دوباره به اینترنت جهانی به معنای بازگشت بخشی از زندگی روزمره بود؛ بازگشت امکان تماس با نزدیکان، انجام امور معوقه، دسترسی به خبر، فعالیت اقتصادی، آموزش، ارتباط با جهان بیرون و حتی اطمینان از اینکه هنوز می‌توانند روایت‌های خود از جنگ تحمیلی و تجاوز دشمن آمریکایی - صهیونیستی را به گوش دیگران برسانند.

واقعیت این است که بر خلاف نگاه برخی، قطعی اینترنت در روزهای جنگ تحمیلی، فقط مشکل باز نشدن یک سایت یا پیام‌رسان نبود؛ مشکل اصلی، از بین رفتن پیوستگی ارتباطی بود. برای بسیاری از خانواده‌ها، اولین دغدغه این بود که بتوانند از وضعیت نزدیکان‌شان باخبر شوند. در شرایط جنگی، اهمیت ارتباط چند برابر می‌شود؛ مردم می‌خواستند بدانند در شهرهای دیگر چه اتفاقی افتاده، آیا اعضای خانواده سالم هستند، وضعیت محله‌ها چگونه است و آیا امکان سفر یا جابه‌جایی وجود دارد یا نه. همزمان کسب‌وکارها هم با یک اتفاق ناگهانی روبه‌رو بودند. دانشجویان و دانشگاهیان نیز در این میان آسیب دیدند. دسترسی به مقالات علمی، کلاس‌های مجازی، سامانه‌های دانشگاهی و ارتباط با مراکز علمی خارج از کشور برای بسیاری دشوار یا ناممکن بود.

برای نسلی که بخش قابل توجهی از آموزش و ارتباطات حرفه‌ای خود را در فضای آنلاین انجام می‌داد، این وضعیت شبیه بازگشت ناگهانی به دوره‌ای بود که اینترنت هنوز بخشی از زندگی روزمره نشده بود. اینجا بود که دیگر صبر رئیس‌جمهوری به عنوان رئیس دولت لبریز شد و یک تصمیم بزرگ و البته ملی گرفت.

ماجرای یک ستاد ویژه

اما چه شد که رئیس‌جمهوری تصمیم گرفت یک ستاد با چارچوبی مشخص تشکیل دهد که خروجی آن، حل مشکلات و دغدغه‌های مردم باشد؟ هرچند محدودیت‌های اینترنتی به دلیل ملاحظات امنیتی و شرایط جنگی اعمال شد اما پیامدهای آن بسیار فراتر از یک تصمیم فنی یا امنیتی بود. در اولین روزهای جنگ، اولویت، حفاظت از زیرساخت‌های حساس و مقابله با تهدیدهای امنیتی بود و اینترنت نیز در همین چارچوب قرار گرفت. در شرایط جنگی استدلال شد که اینترنت می‌تواند شبکه ارتباطی کشور را در معرض حمله، نفوذ و سوءاستفاده قرار دهد. اما واقعیت این است که در چنین شرایطی، اقتصاد دیجیتال، کسب‌وکارهای آنلاین، آموزش، ارتباطات خانوادگی و جریان دسترسی به اطلاعات نیز تحت تأثیر قرار گرفتند چراکه اینترنت حالا دیگر یک «خدمت عمومی» معمولی نیست و به بخشی از زیرساخت حیاتی جامعه تبدیل شده است و اتصال بسیاری از کاربران به اینترنت به مثابه زندگی دوباره برای آنها بود.

در هفته‌های اول خاموشی اینترنت و پس از آتش بس، پرسش اصلی این بود که اینترنت چه زمانی بازمی‌گردد. با طولانی شدن خاموشی، سؤال تغییر کرد و مردم می‌پرسیدند آیا بازگشت اینترنت اصلاً در اولویت تصمیم‌گیران قرار دارد؟ این پرسش از آن جهت اهمیت داشت که قطع اینترنت، برخلاف بسیاری از محدودیت‌های جنگی، تقریباً همه گروه‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد. حتی کسانی که درگیر فعالیت اقتصادی یا سیاسی نبودند هم حداقل برای ارتباط با خانواده و دسترسی به اطلاعات به اینترنت نیاز داشتند.

اینجا بود که موضوع «بازگشایی اینترنت» به یکی از مسائل مهم مدیریت پساجنگ تبدیل شد. رئیس‌جمهوری برای مدیریت این وضعیت، «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» را به ریاست محمدرضا عارف تشکیل داد تا این ساز وکار بتواند با بررسی وضعیت فضای مجازی، درباره نحوه مدیریت آن در شرایط ویژه تصمیم‌گیری کند.

درحالی که پیش از جنگ، محدودیت اینترنت عمدتاً در قالب سیاست‌های تنظیم‌گری، فیلترینگ و تصمیم‌هایی درباره پلتفرم‌ها و خدمات آنلاین دیده می‌شد، اما در شرایط جنگی، مسأله به یک موضوع امنیت ملی تبدیل شده بود که در عین حال امکان تفکیک مردم از آن وجود نداشت و همین موضوع آن را به یک مسأله عمومی نیز تبدیل کرده بود.

پایمردی رئیس جمهوری

حال این ستاد مجبور بود هم به نگرانی‌های امنیتی ناشی از جنگ و تهدیدهای سایبری توجه کند و هم حق مردم را برای دسترسی به ارتباطات و نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور به رسمیت بشناسد. برای حل این مشکل، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به عنوان دبیر این ستاد ویژه به بررسی همه جانبه موضوع اینترنت پرداخت. واقعیت این است که بازگشایی اینترنت یکباره و بدون بررسی‌های کارشناسی انجام نشد. درواقع این موضوع در جلسات متعدد به بحث گذاشته شد و بازگشت اینترنت بین‌الملل در دستور کار این ستاد قرار گرفت. در نهایت هم در چهارمین جلسه این ستاد ویژه، تصمیم به بازگشت اینترنت بین‌الملل گرفته شد و با ابلاغ این موضوع، محدودیت اینترنت بین‌الملل برداشته شد.

ابلاغ این مصوبه از نظر سیاسی اهمیت زیادی داشت چراکه نشان می‌داد بازگشت اینترنت حاصل یک فرآیند تصمیم‌گیری در ساختار رسمی کشور است. اما پس از اعلام این موضوع، همهمه‌ها به رئیس‌جمهوری شدت گرفت تا جایی که اجرای این تصمیم با یک چالش حقوقی روبه‌رو شد. دیوان عدالت اداری در پی شکایت‌هایی درباره مصوبه تشکیل ستاد ویژه، دستور توقف اجرای این مصوبه را صادر کرد. در چنین شرایطی رئیس‌جمهوری باز هم بر موضع خود باقی ماند و در نشست خبری روز گذشته خود توضیح داد که تصمیم به بازگشایی کامل اینترنت گرفته شده و رایزنی‌ها برای رفع موانع ادامه دارد. مسعود پزشکیان روز گذشته درباره زمان اجرای کامل مصوبه بازگشت وضعیت اینترنت به شرایط پیش از اعمال محدودیت‌ها، با اشاره به نگرانی‌های امنیتی و حملات به زیرساخت‌ها، تأکید کرد که دولت تصمیم به بازگشایی کامل اینترنت گرفته و در حال گفت‌وگو با سران سه قوه و شورای عالی امنیت ملی برای رفع مشکلات موجود است.

رئیس‌جمهوری در این نشست با اشاره به ملاحظات و نگرانی‌های موجود در این زمینه، بر عزم دولت برای رفع مشکلات و اصلاح بسترهای ارتباطی تأکید کرد و گفت: «بعضی از دستگاه‌های امنیتی تهدیداتی را در این رابطه ملاحظه می‌کنند و همچنین، با توجه به حملاتی که از این طریق به زیرساخت‌ها انجام می‌گیرد، نگرانی‌هایی دارند. اما با وجود همه این موضوعات، ما تصمیم گرفتیم اینترنت باز شود و تلاش خواهیم کرد که بسترهای آن نیز اصلاح شود. رئیس‌جمهوری البته با اشاره به شرایط ویژه کشور و دشواری‌های ناشی از وضعیت موجود، تصریح کرد: «روندی که با آن مواجه هستیم، یک جنگ تمام‌عیار است. به همین دلیل، همه باید کمک کنند و دست به دست هم بدهیم تا مسائل را مرتفع کنیم.»

برای میلیون‌ها نفر، اتصال دوباره به اینترنت جهانی تنها به معنای ورود به سایت‌های بین‌المللی نبود بلکه معنای بازگشت به بخشی از زندگی روزمره را داشت

• برش •

دولت موافق اینترنت طبقاتی نیست

البته این همه ماجرا نیست؛ موضوعی که شاید بیش از همه کاربران را در زمان محدودیت‌های اینترنتی به خشم آورد، دفاع عده‌ای از اینترنت طبقاتی بود. نگاهی که در دوران محدودیت‌های اینترنتی، عده‌ای آن را با عنوان اینترنت پرو، اینترنت اضطراری و.. مطرح کردند و البته همیشه موضع دولت و وزارتخانه، مخالفت با چنین ایده‌هایی بود. وزیر ارتباطات و معاونان وی و همچنین شخص رئیس‌جمهوری بارها بر این موضوع تأکید کرده‌اند که با هرگونه اینترنت طبقاتی مخالفند و همه تلاش آنها برای تحقق عدالت ارتباطی است.

یکی از مهم‌ترین استدلال‌های موافقان محدودیت یا تفکیک دسترسی، مسأله امنیت است. به اعتقاد آنان، در شرایط عادی شاید دسترسی آزاد به تمام سرویس‌های اینترنتی مسأله چندانی به نظر نرسد، اما در شرایط خاص، جنگ یا تهدیدهای امنیتی، وضعیت متفاوت می‌شود. این عده، البته دغدغه اقتصاد دیجیتال را نیز دارند و می‌گویند یک شرکت صادراتی، استارتاپ، دانشگاه یا یک مجموعه فناوری ممکن است برای فعالیت خود به اینترنت بین‌الملل وابستگی بیشتری از مردم عادی داشته باشد. بنابراین در شرایط جنگ باید به این قشر نگاهی ویژه شود و اینترنت مورد نیاز، به آنها اختصاص یابد.

اما موضوعی که هم کاربران و هم وزارت ارتباطات بارها بر آن تأکید کرده‌اند، این است که چه کسی باید تشخیص دهد نیاز هر فرد چیست؟ اگر معیارها روشن نباشد، اینترنت طبقاتی می‌تواند از یک سیاست تخصصی به یک نظام امتیازدهی تبدیل شود.

منتقدان اینترنت طبقاتی همچنین می‌گویند اگر دسترسی ویژه به اینترنت برای گروه‌هایی خاص ایجاد شود، چه تضمینی وجود دارد که این دسترسی به یک امتیاز دائمی تبدیل نشود؟

ممکن است یک پژوهشگر نیاز بیشتری داشته باشد و یک شرکت خدمات تخصصی‌تری بخواهد. این تفاوت را می‌توان پذیرفت و برای آن راهکار طراحی کرد. اما در کنار آن، باید یک سطح پایه و قابل اتکا از دسترسی عمومی وجود داشته باشد؛ سطحی که وابسته به شغل، جایگاه، درآمد یا نزدیکی افراد به ساختار قدرت نباشد. در غیر این صورت، اینترنت آرام‌آرام از یک زیرساخت عمومی به یک امتیاز تبدیل می‌شود. وقتی هم اینترنت تبدیل به امتیاز شود، شکاف دیجیتال ایجادشده، درنهایت می‌تواند به شکاف اجتماعی تبدیل شود.

همین نگاه باعث شده است شخص رئیس‌جمهوری و وزیر ارتباطات، تمام‌قد در مقابل هرگونه اینترنت طبقاتی بایستند. به اعتقاد آنان، همه شهروندان باید از یک حق پایه و عادلانه برای ارتباط با جهان برخوردار باشند و هرگز نمی‌توان از مدلی سخن گفت که یک عده را مجاز به اتصال به اینترنت می‌داند و درمقابل، تشخیص می‌دهد که عده‌ای دیگر در هر شرایطی نیازی به اتصال به اکوسیستم جهانی ندارند.

آنچه می‌توان بار دیگر یادآوری کرد این است که جنگ رمضان و خاموشی طولانی اینترنت یک واقعیت را بیش از همیشه آشکار کرده و آن هم این است که اینترنت دیگر یک کالای تجملی نیست و می‌توان گفت همه مردم با هر سطح دانش و هر شغلی به آن نیازی مبرم دارند که نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنا بود و دولت چهاردهم با علم به این موضوع، در بزنگاه‌های مختلف نشان داده که هرگز از این حق مردم کوتاه نمی‌آید و اجازه نمی‌دهد بخشی از مردم از حق خود محروم شوند.

ایران
Iran Daily Newspaper
یکشنبه
۱۸ مرداد ۱۴۰۵
۲۵ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۴
Sunday
9 August 2026
Vol 9094

اینترنت؛ زیرساختی برای اقتصاد پس از دیجیتال

• یادداشت •

احسان چیت‌ساز
معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

علی رغم همه بی‌وفایی‌های تنظیم گران بخشی (تنظیم گران اقتصاد متداول)، دولت چهاردهم توانسته است سهم اقتصاد دیجیتال را افزایش دهد؛ اما آینده فناوری ایران نه با بزرگ‌تر شدن چند پلتفرم، بلکه با تبدیل اینترنت به زیرساخت پایدار علم، تولید و نوآوری رقم خواهد خورد.

رشد اقتصاد دیجیتال در دولت چهاردهم خبر خوبی است؛ اما خبرهای خوب، اگر درست خوانده نشوند، گاهی خطرناک‌ترین نوع خوش‌بینی را می‌سازند. افزایش خرید اینترنتی، فراگیری پرداخت الکترونیکی، رونق تاکسی‌های آنلاین و بزرگ‌تر شدن پلتفرم‌ها نشان می‌دهد اقتصاد ایران دیجیتالی‌تر شده است. اعداد نیز این روایت را تقویت می‌کنند: اتصال روستاهای بالای ۲۰ خانوار به شبکه ملی اطلاعات ۹ درصد رشد کرده، سایت‌های نسل پنجم تلفن همراه ۲۴ درصد بیشتر شده‌اند، پوشش فیبر نوری ۳۷ درصد و اتصال مشترکان به فیبر ۱۵۰ درصد افزایش یافته است. کاربران پنجره واحد دولت هوشمند در کنار کاربران پیام رسان‌های بومی ۶۰ درصد رشد کرده‌اند؛ سرویس‌های مرکز تبادل اطلاعات ۵۱ درصد و تراکنش‌های آن ۹۲ درصد بیشتر شده‌اند. در حوزه فضایی نیز پرتاب‌های بومی ماهواره ۴۱ درصد و پرتاب‌های خارجی ۱۵۰ درصد رشد داشته و ایستگاه‌های سلماس، چناران و چابهار به پیشرفت ۹۸ درصدی رسیده‌اند. اینها نشانه‌های یک اقتصاد در حال حرکت‌اند؛ اما هنوز سند ورود به آینده نیستند.

آینده فناوری با دیجیتالی کردن گذشته ساخته نمی‌شود. اینکه فروشگاه سنتی به اپلیکیشن، صف اداری به پنجره واحد، یا تاکسی خیابانی به پلتفرم تبدیل شود، مهم است؛ اما این ابتدای ماجراست. آزمون بزرگ‌تر جای دیگری است: آیا اینترنت ایران می‌تواند به زیرساخت کشف دارو، طراحی مواد نو، ساخت ماشین‌آلات هوشمند، مدیریت شبکه انرژی و افزایش بهره‌وری کشاورزی تبدیل شود؟ اگر پاسخ مثبت باشد، اقتصاد دیجیتال از «بازار آنلاین» فراتر می‌رود و به موتور فناوری‌های همگرا بدل می‌شود. اگر نه، کشور فقط ابزارهای تازه‌ای برای انجام کارهای قدیمی خواهد داشت؛ سریع‌تر، شیک‌تر، اما نه الزاماً آینده‌ساز.

علی رغم مقاومت‌های تنظیم گران بخشی، دولت چهاردهم توانسته است با اجماع‌سازی با محوریت رئیس جمهوری مسیر اقتصاد دیجیتال را تا اندازه‌ای هموار کند. توسعه اتصال‌های فیبر نوری، تقویت خدمات برخط، تلاش برای افزایش کیفیت شبکه، بازنگری در سیاست مسدودسازی و قرار دادن اقتصاد دیجیتال در دستور کار دولت، همگی نشانه‌هایی از تغییر جهت‌اند. اما خطر آن است که موفقیت در رشد سهم اقتصاد دیجیتال، با موفقیت در ساخت اقتصاد فناوری اشتباه گرفته شود. اولی به استفاده بیشتر از ابزارهای دیجیتال مربوط است؛ دومی به افزایش توان کشور برای خلق فناوری.

جهان در حال عبور از «اقتصاد دیجیتال» به «اقتصاد همگرایی» است. در این اقتصاد، هوش مصنوعی رشته‌ای مستقل نیست. به زیست‌فناوری کمک می‌کند ساختار پروتئین‌ها را پیش‌بینی کند، سرعت کشف دارو را افزایش می‌دهد، مواد جدید را شناسایی می‌کند و روبات‌ها را از ماشین‌های برنامه‌ریزی‌شده به سامانه‌های یادگیرنده تبدیل می‌کند. نیمه‌رساناهای کم‌مصرف، هزینه آموزش مدل‌های هوش مصنوعی را کاهش می‌دهند؛ علم مواد، ساخت تراشه‌ها و باتری‌های بهتر را ممکن می‌کند؛ ماهواره‌ها داده موردنیاز کشاورزی دقیق، مدیریت آب و پایش محیط‌زیست را فراهم می‌کنند.

مزیت اقتصادی دیگر در اختیار یک فناوری منفرد نیست. در فاصله میان فناوری‌ها شکل می‌گیرد. اینترنت در چنین اقتصادی صرفاً وسیله دسترسی به محتوا نیست. اینترنت همان زیرساختی است که داده، محاسبات، سرمایه، دانشگاه، صنعت و بازار را به یکدیگر متصل می‌کند. برای همین، کیفیت سیاست اینترنت باید نه با تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی بومی، بلکه با توان آن در پشتیبانی از علم و تولید سنجیده شود.

پرسش درست این نیست که چند میلیون نفر خرید اینترنتی می‌کنند. باید پرسید یک پژوهشگر ایرانی با چه سرعت و اطمینانی به داده‌های علمی، مخازن کد، نرم‌افزارهای تخصصی، خدمات ابری و همکاران خارجی خود دسترسی دارد. یک شرکت دانش‌بنیان چه اندازه می‌تواند به بازارهای بین‌المللی، ابزارهای طراحی، خدمات امنیتی و زنجیره‌های ارزش جهانی متصل شود؟ یک بیمارستان، کارخانه یا مزرعه تا چه حد می‌تواند از هوش مصنوعی و تحلیل بلادرنگ داده استفاده کند؟

اقتصاد دیجیتال را می‌توان تا حدودی در داخل مرزهای ملی توسعه داد. اما فناوری‌های همگرا در انزوا رشد نمی‌کنند.

دانش علمی فقط در مقاله‌ها ذخیره نمی‌شود. بخشی از آن دانشی ضمنی است که از همکاری، گفت‌وگو، مشاهده خطاها و کار مشترک به دست می‌آید. مهندس ماهر ممکن است بتواند یک دستگاه پیچیده را تنها با شنیدن صدای آن عیب‌یابی کند؛ دانشی که به‌سادگی در کتابچه راهنما نوشته نمی‌شود. پژوهشگر نیز از گفت‌وگو با همکاران خود چیزهایی می‌آموزد که در نسخه نهایی مقاله وجود ندارد: آزمایش‌هایی که شکست خورده‌اند، مسیرهایی که ارزش ادامه دادن ندارند و نشانه‌هایی که هنوز به نتیجه علمی قطعی تبدیل نشده‌اند. ایران از این نظر مزیتی بزرگ و تا اندازه‌ای استفاده‌نشده دارد: شبکه وسیع دانشمندان، مهندسان و کارآفرینان ایرانی در سراسر جهان. اینترنت پایدار می‌تواند این پراکندگی جغرافیایی را به یک شبکه ملی دانش تبدیل کند. اینترنت محدود و نامطمئن، برعکس، حتی متخصصی را که در کشور مانده است از جریان جهانی دانش دور می‌کند. مهاجرت نخبگان در چنین وضعی سرعت می‌یابد.

مسأله دوم، سرمایه‌گذاری است. سرمایه از خطر فناوری فرار نمی‌کند؛ از خطر غیرقابل محاسبه فرار می‌کند. سرمایه‌گذار می‌پذیرد که یک محصول جدید ممکن است شکست بخورد، اما نمی‌تواند احتمال قطع دسترسی آن به بازار، نرم‌افزار، داده یا مشتری را محاسبه کند. نااطمینانی درباره اینترنت، نرخ بازده مورد انتظار را بالا می‌برد، دوره سرمایه‌گذاری را کوتاه می‌کند و منابع را به سمت فعالیت‌هایی می‌برد که کمتر نوآورانه و زودبازده‌ترند.

نتیجه، اقتصادی است که می‌تواند خدمات دیجیتال مصرف کند، اما در تولید فناوری‌های پیشرفته ناتوان می‌ماند.

این وضعیت برای شرکت‌های دانش‌بنیان پرهزینه‌تر است. فاصله‌ای خطرناک میان اثبات یک ایده در آزمایشگاه و تبدیل آن به محصول تجاری وجود دارد. شرکت جوان در این مرحله هنوز مشتریان کافی ندارد، هزینه تولیدش بالاست و سرمایه‌گذار نیز از آینده آن مطمئن نیست. در ایران، تحریم، نوسان ارز و دشواری تأمین مالی این فاصله را عمیق کرده‌اند. اینترنت ناپایدار، مانع دیگری به آن می‌افزاید.

اصلاح سیاست اینترنت همه این مشکلات را حل نمی‌کند، اما یکی از معدود اصلاحاتی است که می‌تواند هم‌زمان هزینه مبادله را کاهش دهد، بازار شرکت‌ها را بزرگ‌تر کند، همکاری علمی را آسان سازد و دسترسی به سرمایه و فناوری را بهبود بخشد.

البته اینترنت باز به معنای اینترنت بی‌دفاع نیست. امنیت سایبری بر محرمانگی، صحت و دسترس‌پذیری استوار است. سیاستی که برای حفاظت از دو اصل اول، دسترس‌پذیری را قربانی کند، شبکه‌ای ظاهراً امن اما از نظر اقتصادی کم‌فایده می‌سازد. افزون بر این، مسدودسازی گسترده کاربران را به فیلترشکن‌ها و نرم‌افزارهای ناشناخته سوق می‌دهد، به‌روزرسانی‌های امنیتی را دشوار می‌کند و امکان مدیریت تهدیدها را کاهش می‌دهد؛ سیاستی که امید می‌رود با تغییر رویه در شورای عالی فضای مجازی اصلاح شود.

امنیت هوشمند باید مهاجم را هدف قرار دهد، نه اتصال را.

از این رو، آزمون دولت چهاردهم فقط به رفع محدودیت یک یا چند پلتفرم محدود نمی‌شود. تغییر واقعی زمانی رخ می‌دهد که دسترسی به اینترنت از یک تصمیم اداری قابل تعلیق، به یک قاعده عمومی و قابل پیش‌بینی تبدیل شود. محدودیت‌های ضروری نیز باید هدفمند، مستند، مدت‌دار و قابل اعتراض باشند. تصمیم اضطراری بدون تاریخ پایان، به‌تدریج به سیاست دائمی تبدیل می‌شود؛ همان‌گونه که امتیازهای موقت، اینترنت طبقاتی را عادی می‌کنند. سیاستی که در سراسر دولت با آن مخالفت کردیم.

توسعه فیبر نوری و نسل پنجم برای این تحول ضروری است، اما کافی نیست. ظرفیت بالای شبکه بدون دسترسی مؤثر به دانش، بازار و خدمات جهانی، مانند ساخت بندری پیشرفته و بستن مسیر آن به دریاست. شبکه ملی اطلاعات به عنوان یک ضرورت می‌تواند تاب‌آوری خدمات داخلی را افزایش دهد، ولی اگر به جای مکمل اینترنت جهانی به جانشین آن تبدیل شود، مزیت اقتصادی خود را نیز از دست خواهد داد.

برای رسیدن به اقتصاد فناوری‌های همگرا، سیاست اینترنت باید در کنار چند سیاست دیگر قرار گیرد: تأمین برق پایدار برای مراکز داده، دسترسی رقابتی دانشگاه‌ها و شرکت‌ها به توان محاسباتی، ایجاد زیرساخت‌های داده پژوهشی، حمایت بلندمدت از تحقیقات دانشگاهی، تقویت استانداردهای فنی، تسهیل همکاری با ایرانیان خارج از کشور و استفاده از خرید دولتی برای رساندن فناوری‌های نوپا به بازار.

دولت همچنین باید سنجش موفقیت را تغییر دهد. تعداد مشترکان، میزان پوشش یا حجم ترافیک شاخص‌های مفیدی هستند، اما کیفیت یک زیست‌بوم نوآوری را نشان نمی‌دهند. شاخص‌های مهم‌تر عبارت‌اند از مدت و دامنه اختلال‌ها، دسترسی دانشگاه‌ها به منابع علمی، سهم صادرات دیجیتال، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تعداد شرکت‌هایی که از پژوهش به تولید رسیده‌اند.

دولت چهاردهم توانسته است سهم اقتصاد دیجیتال را افزایش دهد؛ اما این موفقیت باید نقطه آغاز باشد، نه خط پایان. ایران اکنون به سیاستی برای «اقتصاد پس از دیجیتال» نیاز دارد: اقتصادی که در آن اینترنت نه فقط محل معامله کالا و خدمات، بلکه بستر تولید علم و ترکیب فناوری‌ها باشد.

کشورها در دهه آینده نه تنها بر سر داشتن بهترین الگوریتم، تراشه یا آزمایشگاه رقابت می‌کنند بلکه مزیت اصلی از آن کشوری خواهد بود که بتواند سریع‌تر از دیگران میان ایده، انسان، داده، سرمایه و بازار ارتباط برقرار کند.

آینده فناوری ایران، پیش از آنکه به یک اختراع بزرگ وابسته باشد، به کیفیت همین اتصال بستگی دارد.

دولت چهاردهم توانسته است سهم اقتصاد دیجیتال را افزایش دهد؛ اما این موفقیت باید نقطه آغاز باشد، نه خط پایان. ایران اکنون به سیاستی برای «اقتصاد پس از دیجیتال» نیاز دارد: اقتصادی که در آن اینترنت نه فقط محل معامله کالا و خدمات، بلکه بستر تولید علم و ترکیب فناوری‌ها باشد

• نگاه •

بازگشایی اینترنت، زمینه‌ساز ارتقای تاب‌آوری زیرساخت‌ها

محبوبه ستارزاده
گروه علم و فناوری

همزمان با تجاوز جنایتکارانه آمریکا به کشورمان، شاهد اعمال محدودیت‌های اینترنتی بودیم؛ محدودیت‌هایی که هرچند مردم در روزهای جنگ با همراهی‌شان با دولت و حاکمیت، آن را پذیرفته بودند، اما با کمتر شدن تنش‌ها خواستار رفع محدودیت‌ها و بازگشت اینترنت بین‌الملل شدند؛ اینترنتی که برای بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارها، آموزش عالی و تحقیق و... ضروری بود. مردم و به‌ویژه فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال، برنامه‌نویسان و... ادامه‌دار شدن محدودیت‌ها را مشکل‌ساز می‌دانستند و معتقد بودند با وجود آتش‌بس، این روند باید زودتر تغییر کند. دراین میان موضوعی که شاید کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت، تهدید تضعیف امنیت سایبری زیرساخت‌های کشور در غیاب اینترنت بین‌الملل بود؛ موضوعی که کارشناسان حوزه امنیت اطلاعات و سایبری بر آن تأکیدی ویژه داشتند و دارند.

یک تصمیم درست در بزنگاه

محمدرضا عباسی از کارشناسان ارشد امنیت اطلاعات و اقتصاد دیجیتال معتقد است در شرایطی که اینترنت در همه بخش‌های زندگی رسوخ کرده و به یکی از زیرساخت‌های حیاتی جوامع مدرن تبدیل شده، هرگونه اختلال یا قطع این فناوری می‌تواند تهدیدی جدی برای تداوم فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، آموزش، اقتصاد دیجیتال و... باشد؛ تهدیدی که گاه بسیار خطرناک می‌شود.

او در توضیح این موضوع به «ایران» می‌گوید: «هرچند ایجاد محدودیت‌های اینترنتی در شرایطی همچون جنگ ۴۰ روزه و تجاوز آمریکا به کشورمان به عنوان تصمیم بالاترین مقام‌های امنیتی کشور قابل درک است، اما ادامه‌دار شدن قطع اینترنت بین‌الملل، مشکلات بسیاری در حوزه‌های مختلف ایجاد کرد؛ مشکلاتی که حتی با ادله‌هایی همچون محافظت از زیرساخت‌ها در برابر حملات سایبری دشمن نیز از نگاه جامعه‌ای که اینترنت را همچون برق و آب لازم می‌داند، قابل قبول نبود.»

عباسی در ادامه می‌گوید: «بعد از جنگ ۴۰ روزه و اعلام آتش‌بس، مردم منتظر رفع محدودیت‌های اینترنتی بودند که این موضوع با مقاومت‌هایی مواجه شد. درست در این بزنگاه بود که رئیس جمهوری برای حل مشکل، بهترین تصمیم را گرفت و با ابلاغ تشکیل ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به ریاست معاون اول رئیس جمهور، مسیر رفع محدودیت‌های اینترنتی را کوتاه‌تر کرد.» او معتقد است: «عملکرد صحیح و بجای این ستاد در بازگشایی اینترنت بین‌الملل، بر خلاف تصور کسانی که مخالف باز شدن اینترنت بودند، عملاً به افزایش امنیت سایبری زیرساخت‌های حیاتی کشور کمک کرد، چراکه نبود اینترنت، خود مانع به‌روزرسانی‌های حیاتی دستگاه‌ها و آسیب‌پذیرتر شدن آنها می‌شد.»

توسعه زیرساخت‌های دفاعی سایبری جایگزین محدودیت‌های اینترنتی شود

به اعتقاد این کارشناس ارشد امنیت اطلاعات و اقتصاد دیجیتال، فضای مجازی مانند هر زیرساخت حیاتی دیگری، با تهدیدات و مخاطرات مختلفی مواجه است. او ادامه می‌دهد: «درواقع حملات سایبری، بدافزارها، سرقت اطلاعات، جاسوسی دیجیتال و سوءاستفاده از فناوری‌های نوین، چالش‌های جهانی هستند که تقریباً تمام کشورهای جهان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما تجربه جهانی نشان می‌دهد راهکار اصلی مقابله با این تهدیدات، قطع ارتباطات یا اعمال محدودیت‌های دسترسی به اینترنت نیست، بلکه توسعه زیرساخت‌های دفاعی سایبری، ارتقای دانش امنیتی، آموزش نیروی انسانی و مدیریت هوشمند ریسک‌هایی است که می‌تواند به افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌ها در شرایط بحرانی همچون جنگ کمک کند.»

عباسی در ادامه توضیح می‌دهد: «در این چارچوب، ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور توانست نقش مهمی در ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول، تدوین سیاست‌های کلان، مدیریت ریسک‌های فضای دیجیتال و ایجاد تعادل میان امنیت، توسعه فناوری و بهره‌مندی جامعه از فرصت‌های دیجیتال ایفا کند.» به اعتقاد او، درک درست از موضوع ساماندهی واقعی فضای مجازی به معنای ایجاد یک محیط امن، پایدار و قابل مدیریت، گام اول در این تصمیم بود که به آن توجه جدی شد؛ محیطی که با مقابله با تهدیدات، امکان رشد علمی، اقتصادی و فناورانه کشور را نیز فراهم کند.

آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها در غیاب اینترنت پایدار

این کارشناس ارشد امنیت اطلاعات و اقتصاد دیجیتال می‌گوید: «باید به این موضوع توجه داشت که امنیت پایدار زمانی ایجاد می‌شود که توان دفاعی افزایش یابد، نه اینکه ارتباطات فناوری حذف شود. آنچه مسلم است زیرساخت‌های فناوری برای عملکرد صحیح، نیازمند ارتباط مستمر با اکوسیستم جهانی فناوری و دریافت به‌روزرسانی‌ها، مدیریت تجهیزات، استفاده از سرویس‌های ابری و توسعه نرم‌افزارهای خود از طریق اینترنت پایدار هستند.» از نگاه عباسی، با دسترسی به اینترنت پایدار، عملاً دریافت پچ‌ها و وصله‌های امنیتی در کمترین زمان ممکن امکانپذیر و به این ترتیب سدی مناسب مقابل هکرها ایجاد می‌شود درحالی که در غیاب اینترنت بین‌الملل، دریافت این پچ‌ها امکانپذیر نیست و زیرساخت‌ها بسیار آسیب‌پذیر می‌شوند، بازگشایی اینترنت عملاً سطح امنیت سایبری زیرساخت‌ها را ارتقا بخشید و این مهم با تصمیم درست ستاد ویژه فضای مجازی محقق شد.

رئیس‌جمهوری برای حل مشکل، بهترین تصمیم را گرفت و با ابلاغ تشکیل ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور، مسیر رفع محدودیت‌های اینترنتی را کوتاه‌تر کرد

به گفته او، با تصمیم برای بازگشایی اینترنت و برقراری مجدد اتصال آن پس از یک دوره محدودیت نسبتاً طولانی، در فضای امنیت سایبری شاهد دریافت اطلاعات Threat Intelligence، به روزرسانی IDS، IPS، EDR و فایروال‌ها، افزایش همکاری با مراکز امنیتی و افزایش توان شناسایی حملات بودیم که درنتیجه، آسیب‌پذیری سیستم‌ها کاهش یافت.

این کارشناس ارشد امنیت اطلاعات، یکی دیگر از بخش‌های مهم امنیت دیجیتال را که گاهی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، سیستم‌های عامل دستگاه‌های مورد استفاده کاربران، سازمان‌ها و... می‌داند و می‌گوید: «امروزه تقریباً تمام فعالیت‌های دیجیتال کاربران و سازمان‌ها از طریق تلفن همراه، رایانه شخصی، سرور، تجهیزات صنعتی و تجهیزات هوشمند انجام می‌شود که همگی بر پایه سیستم‌های عامل مختلف از جمله اندروید، ios، لینوکس و ویندوز فعالیت می‌کنند و البته امنیت آنها وابسته به دریافت مستمر به‌روزرسانی‌ها و اصلاح آسیب‌پذیری‌هاست.»

به گفته عباسی، قطع ارتباط پایدار علاوه بر باقی ماندن آسیب‌پذیری‌ها و عدم دریافت وصله‌های امنیتی، باعث می‌شود کاربران برای دریافت به‌روزرسانی‌های مورد نیاز خود، به منابع غیررسمی مراجعه کنند که به این ترتیب، احتمال استفاده از Firmware یا نرم‌افزارهای دستکاری‌شده افزایش می‌یابد. بنابراین اینترنت بخشی از زنجیره امنیت سیستم‌های عامل و تجهیزات دیجیتال است و حفظ این ارتباط، نقش مهمی در امنیت کاربران و سازمان‌ها دارد. او البته معتقد است ایران نیز باید مانند برخی کشورها سیستم عامل ملی خود را داشته باشد تا از وابستگی به کشورهای متخاصم جلوگیری شود و ریسک‌های مربوط به آن، به طرز چشمگیری کاهش یابد.

نقش دولت در نگهداشت متخصصان امنیت اطلاعات

عباسی البته معتقد است که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های امنیت سایبری هر کشور، نیروی انسانی متخصص است، به گونه‌ای که حتی پیشرفته‌ترین تجهیزات امنیتی نیز بدون حضور کارشناسان توانمند، آموزش‌دیده و به‌روز، نمی‌توانند امنیت پایدار ایجاد کنند.

این کارشناس ارشد امنیت اطلاعات البته تأکید می‌کند که حفظ متخصصان امنیت اطلاعات و فناوری اطلاعات، بخشی از راهبرد امنیت ملی دیجیتال است، چراکه این نیروهای متخصص به راحتی می‌توانند جذب شرکت‌های بزرگ در کشورهای دیگر شوند به همین دلیل هم باید برای حفظ این سرمایه انسانی تلاش کرد؛ سرمایه‌ای که در کنار ابزار و تجهیزات مورد نیاز، اینترنت پایدار و... ضامن تأمین امنیت سایبری زیرساخت‌ها هستند. عباسی البته برای نگهداشت این نیروی انسانی متخصص، پیشنهادهایی هم دارد و معتقد است دولت برای ماندگاری آنها باید مشوق‌های حرفه‌ای و اقتصادی مناسب ارائه دهد و با ایجاد امکان آموزش‌های مستمر و به‌روز در حوزه فناوری و امنیت و همچنین فراهم کردن امکان حضور آنها در دوره‌ها و استانداردهای بین‌المللی کمک کند مسیر رشد شغلی این متخصصان هموارتر شود.

امنیت ملی در عصر دیجیتال نیازمند زیرساخت ارتباطی قوی، متخصصان توانمند و فرآیندهای استاندارد مدیریت امنیت است. ایجاد مسیرهای ارتباطی غیررسمی و خارج از کنترل می‌تواند خود به یک ریسک امنیتی تبدیل شود. هدف باید ایجاد فضای دیجیتال امن و قابل مدیریت باشد.

irannewspaper
irannewspaper

ایران
Iran Daily Newspaper
یکشنبه
۱۸ مرداد ۱۴۰۵
۲۵ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۴
Sunday
9 August 2026
Vol 9094

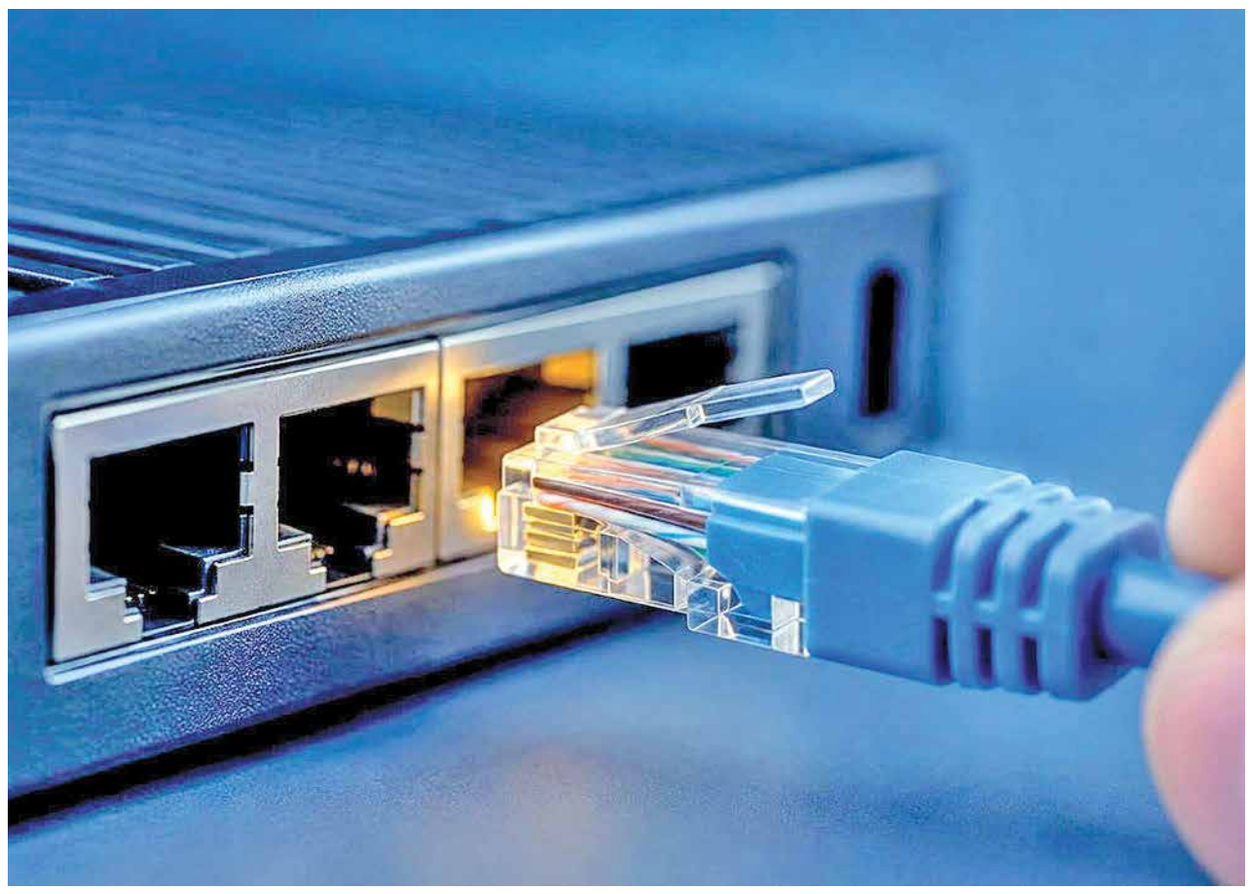

وقتی سیاست از فناوری عقب می‌ماند

میناحسینی
گروه علم و فناوری

بازگشایی اینترنت در شرایطی که مردم بی‌صبرانه چشم به راه کاهش محدودیت‌ها بودند اما مقاومت‌ها در برابر آن کم نبود و حتی برخی اینترنت بین‌الملل را موضوعی غیرضروری می‌دانستند، نیازمند یک نگاه ویژه و تصمیمی بزرگ بود؛ تصمیمی که به اعتقاد برخی کارشناسان، تنها از عهده یک تشکیلات ویژه و منسجم همچون ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی برمی‌آمد. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت اصلاحات یکی از این کارشناسان است که با دفاع تمام‌قد از تصمیم دولت برای بازگشایی اینترنت پس از فروکش کردن تنش‌ها در جنگ ۴۰ روزه، آن را یک تصمیم ملی و سرنوشت‌ساز می‌داند که زمینه‌ساز کاهش دغدغه‌های عموم مردم شد.

بازگشایی اینترنت نتیجه یک دغدغه بزرگ

احمد معتمدی در گفت‌وگو با «ایران»، تشکیل ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی با ابلاغ رئیس‌جمهوری را اقدامی کاملاً دقیق، درست و بجا دانست و گفت: «بی‌شک تخصص معاون اول رئیس‌جمهور به عنوان رئیس این ستاد و دغدغه‌های ایشان در موفقیت‌ها در زمینه بازگشایی اینترنت بی‌تأثیر نبوده است. ایشان زمانی سکاندار وزارت ارتباطات بوده و دغدغه این حوزه را داشته و در نهایت هم موفق شد با همفکری مناسبی که در این ستاد ویژه وجود داشت، یک تصمیم ملی، بزرگ و لازم بگیرد؛ تصمیمی که بی‌شک اقدامی مناسب برای کاهش بخشی از نارضایتی مردم بود.»

او با ابراز امیدواری نسبت به ادامه فعالیت قدرتمند این ستاد، در پاسخ به کسانی که آن را به نوعی موازی‌کاری می‌دانستند و حتی معتقد بودند که مصوبه بازگشایی اینترنت در این ستاد غیرقانونی است، گفت: «در شرایط جنگی که مردم از نظر اقتصادی، روحی و روانی با مشکلاتی روبه‌رو بودند، افزودن محدودیت‌های بیشتر، اصلاً تصمیم درستی نبود. این موضوع به درستی در ستاد ویژه فضای مجازی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و دبیری وزیر ارتباطات مورد توجه قرار گرفت و در نهایت هم تصمیم بر این شد که اینترنت بازگشایی شود.» معتمدی در ادامه تأکید کرد: «معتقدم با توجه به کارایی این ستاد، باید این تشکیلات زودتر تشکیل می‌شد، چراکه در غیاب این ستاد، تاکنون برخی تصمیمات بسیار تندروانه و عجیب گرفته شده که ظاهراً مردم در تصمیمات نهایی آن هرگز دیده نمی‌شوند. به نظرم در شرایط غیراضطرار و غیرجنگی، باید تصمیمات مربوط به اینترنت در این ستاد ویژه گرفته شود.»

او یادآور شد: «در شرایط جنگی ممکن است واکنش‌های متفاوتی لازم باشد که البته این تصمیمات در سطح عالی‌ترین مقام‌های امنیتی کشور گرفته می‌شود. اما وقتی شرایط به سمت عادی‌تر شدن پیش می‌رود، دولت، وزارت ارتباطات و ستاد ویژه فضای مجازی مطمئناً باید به سمت شفاف‌سازی بروند تا در آینده هم تدابیر مدیریتی بهتری اتخاذ شود.»

وزیر ارتباطات دولت اصلاحات با اشاره به اینکه دولت در بخش خدمات، عملکرد قابل قبولی در دوران جنگ تحمیلی داشت، یادآور شد: «به هرحال واقعیت این است که در حوزه ارتباطات به دلیل حساسیت‌ها و شرایط دوران جنگ، تصمیم‌گیری‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود. ما هم این موضوع را می‌پذیریم که در شرایطی خاص، بنا به اقتضای آن باید در حوزه ارتباطات سختگیری‌هایی انجام شود.»

او ادامه داد: «معتقدم در نظام حکمرانی ما این مسأله باید اصلاح شود. ما دولتی را انتخاب می‌کنیم و همه مطالبات را از آن داریم؛ مردم، قوه قضائیه و سایر بخش‌ها نیز از دولت انتظار پاسخگویی دارند. بنابراین باید در کنار مسئولیت، اختیار هم به دولت داده شود. این مسأله، چه مربوط به قانون اساسی باشد و چه قوانین عادی، نیازمند اصلاح است.»

معتمدی اظهار کرد: «بارها شنیده‌ام که گفته می‌شود سران قوا با موضوعی مانند رفع محدودیت یک شبکه اجتماعی موافق بوده‌اند اما آن مصوبه یا موضوع رأی نیاورده است. نمی‌توان جامعه را با سختگیری بیش از اندازه و اعمال محدودیت مدیریت کرد. اگر همه چیز را ببندیم و بیش از حد سختگیری کنیم، نتیجه آن، افزایش استفاده از روش‌های جایگزین مانند اینترنت ماهواره‌ای و VPN خواهد بود؛ شرایطی که امروز هم با آن مواجهیم و کاربران در هر سنی به هر محتوایی دسترسی پیدا می‌کنند و عملاً حاکمیت را دور می‌زنند.»

معتمدی یادآور شد: «در دوران مسئولیت ما نیز این بحث‌ها وجود داشت. ما همواره معتقد بودیم وزارت ارتباطات باید همکاری نزدیکی با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی داشته باشد، اما اگر این همکاری منطقی و صحیح نباشد، هم از مزایای فناوری محروم می‌شویم و هم از نظر اقتصادی و توسعه‌ای عقب خواهیم ماند.»

حکمرانی هوشمند چاره کار است

وزیر دولت اصلاحات تأکید کرد: «منظورم این نیست که نسبت به امنیت اینترنت بی‌تفاوت باشیم، بلکه معتقدم باید حکمرانی هوشمند داشته باشیم.» معتمدی با اشاره به اینکه یکی از دلایل موفق نبودن ما در حکمرانی هوشمند کمبود محتوای مناسب داخلی است، تأکید کرد: «اگر تولید محتوای مناسب انجام می‌شد، کاربران حتماً بدون هیچ اجباری به سمت سرویس‌های داخلی می‌رفتند. نمونه آن هم مسیریاب‌های بومی فعلی، اپلیکیشن‌های حمل‌ونقل، پلتفرم‌های خرید و فروش، برخی شبکه‌های اجتماعی و... است.

هرجا خدمات داخلی کیفیت مناسبی داشته‌اند، مردم از آنها استفاده کرده‌اند و دلیلی برای مراجعه به نمونه‌های خارجی نمی‌بینند. بنابراین می‌توان با حرکت به این سمت، حکمرانی هوشمندانه‌ای بر فضای مجازی داشت بدون اینکه نیازی به اعمال محدودیت‌های گسترده باشد.»

وی درباره آثار قطع اینترنت بر جامعه علمی هم گفت: «امروز اینترنت همان نقشی را در زندگی دارد که خودرو در حمل‌ونقل دارد و نمی‌توان بدون آن زندگی کرد. تقریباً هیچ حوزه‌ای از تجارت، صنعت، خرید و فروش، دانشگاه و شرکت‌های دانش‌بنیان بدون اینترنت امکان فعالیت ندارد. امروز دیگر جهان به دهکده جهانی تبدیل شده و همه باید از فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی استفاده کنند. همه مردم، خبرنگاران و کارشناسانی که هر روز درباره تحولات جهان تحلیل ارائه می‌دهند، اطلاعات خود را از طریق اینترنت به دست می‌آورند.»

وزیر ارتباطات دولت اصلاحات اظهار کرد: «پروژه‌های ملی بسیار حساسی وجود دارد که دست اندرکاران با استفاده از هوش مصنوعی و دسترسی به اطلاعات می‌توانند سریع‌تر و دقیق‌تر پیش بروند. معتقدم محروم کردن مردم از چنین دستاورد بزرگی اصلاً منطقی نیست؛ به هرحال این فناوری حاصل تلاش بشر است و باید از آن برای توسعه بهتر و سریع‌تر کشور آن هم در شرایطی که عده‌ای چشم به خاک این کشور دارند، بهره گرفت.»

معتمدی افزود: «جنگ نیز نشان داد که کشور در حوزه‌هایی مانند توان موشکی ظرفیت‌های بالایی دارد و اگر این توان در سایر عرصه‌ها نیز به کار گرفته شود، می‌توانیم کشوری پیشرفته باشیم اما لازمه آن، ارتباط با دنیا و حرکت در مسیر توسعه است. امیدوارم در سطح کلان کشور توجه بیشتری به حکمرانی هوشمند فضای مجازی و ممانعت از اعمال محدودیت‌های اینترنتی شود.»

معتمدی معتقد است، در شرایط جنگی که مردم از نظر اقتصادی، روحی و روانی با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودند، افزودن محدودیت‌های بیشتر، اصلاً تصمیم درستی نبود. این موضوع به درستی در ستاد ویژه فضای مجازی به ریاست عارف و دبیری وزیر ارتباطات مورد توجه قرار گرفت و در نهایت هم تصمیم بر این شد که اینترنت بازگشایی شود

• برش •

خودمان را از ظرفیت فناوری محروم نکنیم

وزیر ارتباطات دولت اصلاحات اظهار کرد: «امروز با گسترش هوشمندسازی، اینترنت و تلفن همراه، بزرگ‌ترین کسب‌وکارهای جهان بر پایه این فناوری‌ها شکل گرفته‌اند. حتی کار به جایی رسیده که بحران اقتصادی پیش‌بینی‌شده در آمریکا تا حد زیادی با توسعه هوش مصنوعی مدیریت شد به این ترتیب گام بزرگی در اقتصاد این کشور برداشته شد. ما نیز باید از این ظرفیت استفاده کنیم نه اینکه خود مانع جدی برای توسعه کشور باشیم.»

وی با اشاره به وحدت و انسجام آحاد جامعه در دوران جنگ تحمیلی، تأکید کرد: «در همه جای دنیا ارتباطات ابعاد امنیتی و فرهنگی مختلفی دارد ولی آیا راه‌حل، بستن فناوری و ایجاد محدودیت است؟ ما در کشور ظرفیت‌های بزرگی از نظر اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و مهم‌تر از همه ظرفیت بزرگ مردم را داریم؛ مردمی که در هر شرایطی پای کار بودند و در سخت‌ترین روزهای جنگ و زیر موشکباران دشمن، دولت و حاکمیت را تنها نگذاشتند حالا چرا باید در پاسخ به این همه محبت مردم، برای آنها محدودیت ایجاد کنیم درحالی که می‌توان این فناوری بزرگ و پرکار را مدیریت کرد؟»

معتمدی با ذکر خاطره‌ای از زمان سکانداری وزارت ارتباطات در دولت اصلاحات گفت: «در سفر به مالزی مشاهده کردم همه منازل از دیش‌های ماهواره مشابه استفاده می‌کنند. وقتی علت را پرسیدم، در پاسخ گفتند: در مالزی، تنها همین دیش‌های ماهواره مجاز هستند و مردم می‌توانند بدون هیچ دغدغه‌ای درباره تهاجم فرهنگی و... از برنامه‌های مناسب برخی شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی استفاده کنند.»

او در ادامه گفت: «ماجرا از این قرار بود که دولت مالزی، به صورت هوشمندانه ترتیبی اتخاذ کرده بود که مردم بتوانند با دیش‌های ماهواره به صورت قانونی حدود ۱۵ یا ۱۶ شبکه بین‌المللی را دریافت کنند. برای نظارت بر برنامه‌های این شبکه‌ها هم بخش‌هایی را که با فرهنگ و ارزش‌هایشان سازگار نبود حذف کرده بودند و تبلیغات خود را جایگزین آن می‌کردند. به این ترتیب در زمان پخش برنامه‌ها، از محل تبلیغات و خدمات مرتبط، درآمدزایی داشتند. یعنی این فناوری جهانی را هرگز محدود نکرده و آن را به شکل مدیریت‌شده، به کار گرفته بودند.»

او در ادامه گفت: «ما برای مدت زیادی در برابر ماهواره به عنوان یک فناوری نوین ایستادیم. نتیجه این شد که ماهواره به طور کامل از کنترل ما خارج شد، در حالی که اگر مدیریت درستی اعمال می‌شد، هم نیاز مردم تأمین می‌شد، هم رضایت عمومی افزایش می‌یافت و هم از نظر امنیتی کارساز بود و بسیاری از ذهنیت‌هایی که رسانه‌های معاند ایجاد می‌کنند، هرگز شکل نمی‌گرفت. هرگز نمی‌توان چنین نگاهی به تکنولوژی داشت و با آن، این‌گونه برخورد کرد.»

معتمدی یادآور شد: «نمی‌توان جلوی هیچ فناوری را گرفت اما می‌توان آن را مدیریت کرد.» او با اشاره به دوران مسئولیت خود اظهار کرد: «زمانی که اینترنت وارد کشور شد، تنها حدود ۲۰۰ هزار کاربر داشت ما در آن زمان چندین جلسه با رهبر شهید داشتیم و ایشان یک مصوبه ۶ بندی را برای مدیریت اینترنت به شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ کردند که یکی از آنها بر توسعه محتوا تأکید داشت. ما به استناد همان سیاست‌ها، توسعه شبکه اینترنت را دنبال کردیم. حالا هم معتقدم همان سیاست ششگانه ابلاغی رهبر شهید، باید مبنای عمل قرار گیرد.»

• یادداشت •

محمود واعظی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت یازدهم:

در غیاب اینترنت روایت‌سازی‌های جنگ علیه کشور بود

رئیس جمهور از روز اول با وعده هایی همچون رفع فیلترینگ و ایجاد اینترنت پایدار، پا به میدان مناظره‌های انتخاباتی گذاشت و به مرم قول داد که به آنها عمل می‌کند. حالا بعد از گذشت دو سال از ریاست جمهوری، می بینیم که همچنان بر تحقق وعده های خود پافشاری دارد و حتی در روزهای سخت جنگ و بحران هم می خواهد به آنها جامه عمل بپوشاند. این پایبندی به وعده ها و اقتدار در تصمیم گیری را می توان در بازگشایی اینترنت پس از جنگ ۴۰ روزه با وجود مخالفت های بسیار مشاهده کرد.

محمود واعظی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت یازدهم در گفتگو با «ایران»، نگاهی به تاکید دولت در زمینه بازگشایی اینترنت دارد و می گوید: «معتقدم اگر اینترنت در زمان جنگ باز بود و در دسترس مردم قرار داشت، بی شک روایت های دقیق و درستی از ایران به گوش جهانیان می رسید نه این که فضا را بر روی مردم خود که همیشه پای ایران ایستاده اند ببندیم و بعد مجبور شویم بسیاری از اخبار منتشر شده را تکذیب کنیم. در صورت وجود اینترنت پایدار، کاربران خود می توانستند بهترین و خالص ترین روایت سازی را انجام دهند.»

رئیس جمهور از اختیارات خود استفاده کرد

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت یازدهم در ادامه درباره خروجی ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به ریاست معاون اول رئیس جمهور که مصوبه ای برای بازگشایی اینترنت بود گفت: دکتر پزشکیان به عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای عالی فضای مجازی، از اختیارات خود استفاده کرد و با ساز و کار این ستاد، محدودیت های اینترنتی جنگ تحمیلی ۴۰ روزه را لغو کرد.

در واقع این ستاد با بررسی کارشناسی کلیه ابعاد موضوع جمع بندی نهایی خود را به رئیس جمهور اعلام نمودند و درنهایت رئیس جمهور از اختیار قانونی خود برای بازگشایی اینترنت استفاده کرد.

واعظی یادآور شد: البته ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت چهاردهم، نیز با دولت همراه و همگام است و با توجه به دغدغه‌ای که نسبت به رفع فیلترینگ و کاهش محدودیت‌های اینترنتی دارد، مستمراً در این مسیر در کنار رئیس‌جمهور بوده و با ایشان هم‌افزایی دارد.

او در ادامه تاکید کرد: در موضوع بازگشایی اینترنت پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، بی‌تردید تخصص و دغدغه‌های دکتر عارف، که پیش‌تر سکاندار وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بوده‌اند، و ایضا تحصیلات ایشان در حوزه مرتبط با فناوری، بی تردید تأثیرگذار بوده است. ایشان به‌خوبی بر اهمیت و ضرورت برخورداری جامعه از اینترنتی پایدار و قابل اتکا واقف هستند.

فیلترینگ مشکلی را حل نمی‌کند

از نگاه واعظی، به طور کلی تجربه نشان داده که فیلترینگ و محدودیت های اینترنتی با هر نگاهی که اعمال شود، مشکلی را حل نخواهد کرد.

اگر نگرانی داعیه داران فیلترینگ، مسائل غیر اخلاقی و مصادیق مجرمانه است که مقابله با چنین محتواهایی، راه حل های دیگری جز مسدودسازی شبکه اجتماعی را می طلبد.

او در ادامه توضیح داد: به عنوان مثال وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات می تواند محتواهای مخالف امنیت یا دارای موارد اخلاقی و... را فیلتر کند درحالی که کل سایت در دسترس کاربران قرار دارد.

به عنوان مثال مادامی که یک سایت کارآیی علمی، تجاری، فرهنگی، آموزشی و... دارد، چه اجباری است که کاربران از دسترسی آن محروم بمانند؟

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت یازدهم با اشاره به این که بحث اینترنت و فضای مجازی، دیگر با تار و پود زندگی مردم گره خورده و در بحث اقتصاد، هنر، تجارت، علم، کشاورزی، صنعت و... کاربران با آن سروکار دارند گفت: هم اکنون عده زیادی از مردم عزیزمان با روش های مختلف، از محل همین فضای مجازی و اینترنت ارتزاق می کنند، لذا محدودیت های اینترنتی، باعث کاهش ضریب اشتغال و ارتزاق آنان می گردد.

واعظی تاکید کرد: به هرحال کسانی که به دلایل سیاسی یا اعتقادی مترصد اعمال محدودیت هستند باید بدانند که با این نوع نگاه و اندیشه، چه مشکلاتی برای مردم و جامعه ایجاد می شود و مطمئناً این راهکار، درست و سازنده نیست.

وزیر ارتباطات دولت چهاردهم البته تاکید کرد که گفته او به این معنا نیست که با فضای مجازی باز و بدون مدیریت موافق است. او در ادامه توضیح داد: معتقدم که ضروری است تا این فضا و اینترنت بین‌الملل، چارچوبی مشخص داشته باشند.

ما نیز موافق ولنگاری فضای مجازی نیستیم اما مسدودسازی سلبی با هر ادله ای، هیچ گاه جواب نداده و نخواهد داد. واعظی در ادامه گفت: واقعیت این است که همواره اقلیتی با صدای بلند وجود داشته‌اند که با هر موضوعی مخالفت می‌کنند. این افراد در دوره فعالیت ما نیز حاضر بودند؛ اما تجربه نشان داده است که هرگاه یک سایت یا شبکه اجتماعی فیلتر شده، کاربران از طریق فیلترشکن یا با مراجعه به نمونه‌های مشابه، مسیر دسترسی خود را پیدا کرده‌اند. از این رو، فیلترینگ و اعمال محدودیت‌های گسترده، نه‌تنها راهکار مؤثری برای حل مسئله نیست، بلکه عملاً کاربران را به سمت شیوه‌های جایگزین ناامن و غیر رسمی سوق می دهد.

وزیر ارتباطات دولت یازدهم البته راهکارهایی هم برای حل این مشکل ارائه داد و گفت: به عنوان راهکار ایجابی، ضروری است تا برای ارتقای آگاهی عمومی و افزایش سواد رسانه‌ای مردم تلاش کنیم. از سوی دیگر، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌تواند با تدوین دستورالعمل کارشناسی، دقیق و روشن، مصادیق محتوای نامناسب در وب‌سایت‌ها و بسترهای مختلف را مشخص کند. در این صورت، به‌جای آنکه دسترسی کاربران به یک وب‌سایت یا شبکه اجتماعی به‌طور کامل مسدود شود، به شکل کاملا هوشمند، صرفاً محتوای غیر اخلاقی و مجرمانه از دسترس خارج خواهد شد و کاربران همچنان می‌توانند از مطالب و خدمات مفید و سازنده آن بستر های ضامن توسعه بهره‌مند شوند.

واعظی تاکید کرد: همه ما در کشور بر این باور و اتفاق نظر داریم که محتوای غیراخلاقی که می‌تواند به فروپاشی خانواده‌ها و رواج ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه منجر شود، همچنین محتواهای تروریستی و مغایر با امنیت ملی و موارد مشابه، نباید در دسترس کاربران قرار گیرد؛ اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که در نتیجه اعمال محدودیت‌های کلی، دسترسی یک دانشجو به وب‌سایت با محتوای علمی و تخصصی نیز سلب می شود. یا شبکه اجتماعی‌ای که می‌تواند با حداقل سرمایه، بستری برای اشتغال و کسب‌وکار مردم و جوانان را فراهم کند، از دسترس آنان خارج می‌شود.

در چنین شرایطی است که شاهدیم حدود ۷۰ درصد جامعه، با وجود همه مشکلات و فشارهای اقتصادی، ناگزیرند برای دور زدن این «تحریم داخلی» هزینه‌های قابل‌توجهی صرف استفاده از فیلترشکن های ناامن و غیر قانونی کنند.

وی ادامه داد: در چنین وضعیتی، کاربر از یک سو با مخاطرات و آسیب‌های امنیت سایبری مواجه می‌شود و از سوی دیگر، ممکن است در معرض محتواهای مجرمانه و «ناقض امنیت ملی» قرار گیرد که در صورت دسترسی آزاد و پایدار به اینترنت، اساساً به سراغ آنها نمی‌رفت.

واعظی افزود: در سال‌های اخیر، مسئله اینترنت دیگر صرفاً در چارچوب دسترسی به شبکه‌های اجتماعی یا امکان استفاده از چند پلتفرم خاص قابل بررسی نیست و به یکی از زیرساخت‌های اصلی زندگی روزمره، اقتصاد و ارتباطات عمومی تبدیل شده است. لذا هرگونه اختلال یا محدودیت گسترده در این حوزه می‌تواند زنجیره‌ای از آثار مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند.

از اختلال در فعالیت کسب‌وکارهای کوچک و مشاغل آنلاین گرفته تا دشوارشدن دسترسی به خدمات آموزشی، علمی، بانکی و ارتباطی.

در چنین شرایطی، کیفیت و پایداری شبکه تنها یک مطالبه فنی محسوب نمی‌شود، بلکه به بخشی از اعتماد عمومی و تاب‌آوری جامعه در شرایط عادی و بحرانی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، تجربه محدودیت‌های گسترده نشان داده است که صرف مسدودکردن یک مسیر ارتباطی لزوماً حذف تقاضا برای محتوا یا خدمات مرتبط صورت نمی گیرد و ممکن است کاربران را به سمت مسیرهای جایگزین و بعضاً ناامن سوق دهد.

به همین دلیل، چالش اصلی سیاست‌گذاری در فضای مجازی را می‌توان یافتن نقطه تعادل میان صیانت از امنیت و منافع عمومی از یک سو و حفظ دسترسی پایدار، امن و قابل اتکا به اینترنت از سوی دیگر دانست؛ تعادلی که نحوه مدیریت آن می‌تواند بر اقتصاد دیجیتال، سرمایه اجتماعی و حتی کیفیت اطلاع‌رسانی در زمان بحران اثرگذار باشد.

وزیر اسبق ارتباطات در پایان تاکید کرد: معتقدم مرکز ملی و شورای عالی فضای مجازی مناسب است به وظایف و مسئولیت‌های تقنینی خود به‌درستی عمل کنند و تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم و اثرگذاری همچون وضعیت اینترنت، بر مبنای بررسی‌های کارشناسی، واقعیت‌های اجتماعی و مصالح ملی صورت گیرد.

ما شاهد هستیم که در شورای عالی فضای مجازی، شمار اعضای حقیقی افزایش یافته است؛ افرادی که مسئولیت اجرایی مشخصی در دولت ندارند، اما در موضوعاتی مانند بازگشایی اینترنت و در فرآیند رأی‌گیری حضور دارند و به‌راحتی با این تصمیم ملی مخالفت می کنند.

به باور من، مسئله فضای مجازی و اینترنت را نمی‌توان صرفاً از منظر سیاسی یا با رویکرد سلبی و محدودکننده مورد بررسی قرار داد.

امروزه این حوزه با زندگی روزمره مردم، اقتصاد، آموزش، ارتباطات، کسب‌وکارها و حتی نحوه مواجهه جامعه با بحران‌ها گره خورده است و تصمیم‌گیری درباره آن نیازمند شناخت دقیق تحولات فناوری و آثار اجتماعی و اقتصادی آن سیاست اتخاذی است. انتظار می‌رود نهادهای متولی، به جای آنکه صرفاً بر محدودسازی و کنترل متمرکز شوند، با اتخاذ رویکردی جامع و آینده‌نگر، میان الزامات امنیتی و ضرورت دسترسی پایدار و قابل اتکای مردم به اینترنت و سکوهای فضای مجازی توازن برقرار کنند.

معتقدم اگر اینترنت در زمان جنگ باز بود و در دسترس مردم قرار داشت، بی شک روایت‌های دقیق و درستی از ایران به گوش جهانیان می‌رسید نه این که ما فضا را به روی مردم خود که همیشه پای کار هستند ببندیم و بعد مجبور شویم بسیاری از اخبار منتشر شده را تکذیب کنیم. در صورت وجود اینترنت پایدار، کاربران خود می‌توانستند بهترین روایت‌سازی‌ها را انجام دهند

ایران تدبیر
Iran Daily Newspaper
یکشنبه
۱۸ مرداد ۱۴۰۵
۲۵ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۴
Sunday
9 August 2026
Vol 9094

روایت بازگشت به زندگی دیجیتال با یک تصمیم ملی

سیدمحمدعلی شریفی‌الحسینی
رئیس کمیسیون اینترنت و خدمات فضای مجازی سازمان نصر کشور

در دنیای امروز، برخی زیرساخت‌ها آن‌قدر در تار و پود زندگی روزمره مردم تنیده شده‌اند که اهمیت واقعی آنها معمولاً زمانی آشکار می‌شود که برای مدتی از دسترس خارج شوند. برق، آب، شبکه حمل‌ونقل و ارتباطات از جمله این زیرساخت‌ها هستند؛ خدماتی که تا زمانی که بدون اختلال در اختیار مردم قرار دارند، کمتر دیده می‌شوند، اما کوچک‌ترین اختلال در آنها می‌تواند بخش بزرگی از زندگی اجتماعی و اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار دهد. اینترنت نیز در سال‌های اخیر به همین جایگاه رسیده است؛ زیرساختی که دیگر صرفاً یک ابزار ارتباطی یا بستری برای سرگرمی نیست، بلکه به بخشی از سازوکار فعالیت اقتصادی، آموزش، خدمات عمومی، ارتباطات خانوادگی و حتی آرامش روانی جامعه تبدیل شده است.

نگاه‌های متفاوت به یک تصمیم دشوار

تجربه روزهای جنگ و بحران بار دیگر این واقعیت را آشکار کرد که ارتباطات دیجیتال، بخشی از ظرفیت تاب‌آوری یک کشور محسوب می‌شود. در شرایطی که جامعه با نگرانی‌های متعدد امنیتی و اقتصادی مواجه است، حفظ امکان ارتباط، دسترسی به اطلاعات، تداوم فعالیت‌های ضروری و ایجاد مسیرهای ارتباطی مطمئن، نقشی فراتر از یک خدمت فناوری پیدا می‌کند. اینترنت در چنین شرایطی تنها مجموعه‌ای از کابل‌ها، مراکز داده، روترها و سرورها نیست؛ بلکه شبکه‌ای انسانی است که میلیون‌ها نفر زندگی روزمره خود را بر بستر آن ادامه می‌دهند.

در روزهای اول بحران اعمال محدودیت بر ارتباطات بین‌المللی با هدف مدیریت شرایط امنیتی انجام شد؛ تصمیمی که از منظر سیاست‌گذاری عمومی، همواره یکی از دشوارترین تصمیم‌ها محسوب می‌شود؛ چراکه میان دو ضرورت مهم قرار دارد: از یک سو لزوم تأمین امنیت و مدیریت تهدیدها و از سوی دیگر حفظ جریان عادی زندگی مردم و فعالیت‌های اقتصادی.

البته این دو موضوع الزاماً در تضاد با یکدیگر نیستند، اما ایجاد تعادل میان آنها نیازمند تصمیم‌گیری دقیق، اطلاعات کافی و شناخت درست از نقش ارتباطات در جامعه امروز است.

در همان روزها، نگاه‌های متفاوتی درباره ادامه یا پایان محدودیت‌ها شکل گرفت. بخشی از جریان‌های سیاسی و اجتماعی معتقد بودند در شرایط بحرانی، محدودیت اینترنت بین‌الملل باید برای مدت طولانی‌تری ادامه پیدا کند. استدلال اصلی این دیدگاه، نگرانی‌های امنیتی و ضرورت کنترل فضای ارتباطی در شرایط خاص بود. در مقابل، گروه دیگری بر این باور بودند که استمرار محدودیت‌ها، خود می‌تواند پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل‌توجهی و حتی در بلندمدت هزینه‌های بیشتری ایجاد کند.

اینترنت، بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد کشور

واقعیت این است که اینترنت در سال‌های اخیر به بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد کشور تبدیل شده است. هزاران کسب‌وکار کوچک و بزرگ، فروشگاه‌های اینترنتی، پلتفرم‌های خدماتی، شرکت‌های نرم‌افزاری، تولیدکنندگان محتوا، فعالان حوزه فناوری اطلاعات و بسیاری از مشاغل جدید، مدل کسب‌وکار خود را بر پایه ارتباط پایدار با شبکه جهانی بنا کرده‌اند. قطع یا محدود شدن این ارتباطات، فقط یک مشکل فنی برای متخصصان فناوری نیست؛ بلکه مستقیماً بر درآمد خانوارها، اشتغال جوانان و گردش مالی بخش‌های مختلف اقتصادی اثر می‌گذارد.

برای یک برنامه‌نویس، اینترنت بین‌الملل فقط یک ابزار جست‌وجو یا ارتباط عمومی نیست. بسیاری از توسعه‌دهندگان نرم‌افزار برای انجام فعالیت حرفه‌ای خود به سرویس‌ها، مخازن کد، مستندات فنی، ابزارهای توسعه و ارتباط با مشتریان خارجی وابسته هستند. برای یک شرکت فناوری، ارتباط با جهان به معنای امکان حضور در بازارهای بین‌المللی، دریافت خدمات ابری، همکاری علمی و توسعه محصول است. برای یک فعال حوزه بازی، اینترنت به معنای دسترسی به سرورهای جهانی، ارتباط با کاربران و حضور در یک صنعت بین‌المللی است.

در حوزه آموزش نیز آثار محدودیت ارتباطات به‌سرعت نمایان شد. در سال‌های اخیر، آموزش آنلاین به بخشی از نظام آموزشی کشور تبدیل شده است. دانشگاه‌ها، مدارس، آموزشگاه‌ها و پلتفرم‌های آموزشی از ابزارهای دیجیتال برای ارائه خدمات استفاده می‌کنند. در شرایط بحرانی، زمانی که حضور فیزیکی ممکن است با دشواری همراه باشد، اهمیت این بسترها چند برابر می‌شود. اینترنت می‌تواند فاصله‌ها را کاهش و اجازه دهد فرآیند آموزش، حتی در شرایط غیرعادی ادامه پیدا کند.

اینترنت بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه است

اما شاید یکی از مهم‌ترین ابعاد موضوع، اثر روانی ارتباطات بر جامعه بود. در شرایط جنگ و بحران، انسان‌ها بیش از هر زمان دیگری به احساس ارتباط نیاز دارند. تماس تصویری با خانواده، اطلاع از وضعیت نزدیکان، دسترسی به اخبار و اطلاعات، امکان گفت‌وگو و تعامل اجتماعی، همگی نقش مهمی در کاهش اضطراب عمومی دارند. گاهی یک پیام ساده یا یک تماس کوتاه می‌تواند از شدت نگرانی یک خانواده بکاهد. به همین دلیل اینترنت در بحران تنها یک ابزار اقتصادی نیست؛ بلکه بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه محسوب می‌شود.

بازگشایی اینترنت، حاصل یک نگاه چندبعدی

با افزایش این آثار، موضوع بازگشایی اینترنت به یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های حوزه فضای مجازی تبدیل شد. این تصمیم، برخلاف تصور برخی، صرفاً یک اقدام فنی برای تغییر چند تنظیم شبکه‌ای نبود. بازگشت اینترنت بین‌الملل نیازمند هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، بررسی ملاحظات امنیتی، ارزیابی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد اطمینان میان بخش‌های مختلف حاکمیت بود.

در این میان، تشکیل و فعالیت ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و با حضور وزیر ارتباطات به‌عنوان دبیر این ستاد، زمینه‌ای برای بررسی جامع‌تر موضوع فراهم کرد. در چنین فضایی، مسأله اینترنت از یک موضوع صرفاً فنی خارج شد و به‌عنوان یک موضوع حکمرانی مورد بررسی قرار گرفت؛ موضوعی که همزمان با امنیت، اقتصاد، جامعه و آینده توسعه دیجیتال کشور ارتباط مستقیم دارد.

تصمیم به بازگشایی اینترنت بین‌الملل، در نهایت حاصل همین نگاه چندبعدی بود؛ نگاهی که تلاش کرد میان ضرورت‌های امنیتی و نیازهای واقعی جامعه تعادل ایجاد کند. این تصمیم را می‌توان از این منظر بررسی کرد که چگونه یک سیاست عمومی، زمانی که با واقعیت‌های زندگی مردم مواجه می‌شود، نیازمند بازنگری و تطبیق با شرایط جدید است.

بازگشت اینترنت در روزهای پس از تصمیم، بیش از آنکه در قالب اعداد و شاخص‌های فنی معنا پیدا کند، در تجربه روزمره مردم قابل مشاهده بود. کسب‌وکارهایی که دوباره امکان فعالیت یافتند، شرکت‌هایی که ارتباط خود را با مشتریان و شرکای خود برقرار کردند، دانشجویانی که دسترسی به منابع آموزشی برایشان فراهم شد و خانواده‌هایی که دوباره ارتباط آسان‌تری با یکدیگر گرفتند، همگی بخشی از این تجربه بودند که نشان داد در عصر دیجیتال، تصمیم‌گیری درباره اینترنت، در مورد یک فناوری جدا از جامعه نیست؛ بلکه قصد و اراده‌ای برای بخشی از زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم است. هر سیاستی در این حوزه، آثار مستقیم و غیرمستقیم گسترده‌ای دارد و به همین دلیل نیازمند نگاهی جامع، کارشناسی و مبتنی بر منافع عمومی است.

آثار بازگشت اینترنت در زندگی عموم مردم

بازگشت تدریجی اینترنت بین‌الملل را نمی‌توان صرفاً یک تغییر در وضعیت دسترسی شبکه‌ای دانست. اهمیت اصلی این تصمیم زمانی آشکار می‌شود که آن را در بستر زندگی واقعی مردم بررسی کنیم و ارزش یک زیرساخت زمانی بیشتر نمایان می‌شود که نبود آن، زنجیره‌ای از اختلال‌ها را در بخش‌های مختلف زندگی ایجاد کند.

در روزهای پس از بازگشایی اینترنت، اولین آثار را می‌توان در بخش اقتصادی مشاهده کرد. اقتصاد دیجیتال ایران طی سال‌های گذشته، آرام و تدریجی رشد کرده و هزاران کسب‌وکار کوچک و بزرگ بر پایه ارتباطات آنلاین شکل گرفته است. بسیاری از این کسب‌وکارها، بر خلاف تصور عموم، صرفاً شرکت‌های بزرگ فناوری نیستند؛ بلکه شامل طیف گسترده‌ای از فروشندگان خرد، تولیدکنندگان محتوا، فریلنسرها، طراحان، برنامه‌نویسان، استارتاپ‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات تخصصی هستند که بخش مهمی از درآمد خود را از طریق فضای دیجیتال به دست می‌آورند.

برای بسیاری از این فعالان، اینترنت بین‌الملل نه یک امکان اضافی، بلکه بخشی از ابزار کار روزانه است. یک شرکت نرم‌افزاری برای توسعه محصول خود به منابع جهانی دانش و فناوری نیاز دارد. یک متخصص امنیت سایبری برای به‌روز نگه داشتن دانش خود باید به منابع تخصصی دسترسی داشته باشد. یک تیم استارتاپی برای توسعه بازار خود نیازمند ارتباط با مشتریان و شرکای خارج از کشور است و محدودیت طولانی‌مدت این ارتباطات می‌تواند باعث کاهش بهره‌وری، افزایش هزینه‌ها و حتی از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی شود.

آموزش دیجیتال، مکمل آموزش سنتی

در حوزه آموزش نیز بازگشت ارتباطات، نقش مهمی در احیای جریان یادگیری داشت. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است آموزش دیجیتال دیگر یک گزینه جانبی نیست؛ بلکه مکمل مهمی برای نظام آموزشی سنتی محسوب می‌شود. دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و حتی مدارس از ابزارهای آنلاین برای ارائه محتوا، برگزاری کلاس، دسترسی به منابع علمی و ارتباط میان استاد و دانشجو استفاده می‌کنند. در شرایط بحرانی، این ظرفیت می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مهم برای حفظ تداوم آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

بازگشت اینترنت، عامل کاهش فشار روانی جامعه

اما شاید مهم‌ترین اثر بازگشت اینترنت، در سطحی فراتر از اقتصاد و فناوری قابل مشاهده بود؛ یعنی در حوزه سرمایه اجتماعی و احساس آرامش عمومی. بحران‌ها معمولاً با احساس عدم قطعیت همراه هستند. مردم در چنین شرایطی نیاز دارند بدانند چه اتفاقی در حال رخ دادن است، عزیزانشان در چه وضعیتی قرار دارند و چگونه می‌توانند با جهان پیرامون خود ارتباط برقرار کنند. قطع یا محدود شدن مسیرهای ارتباطی می‌تواند این احساس عدم قطعیت را افزایش دهد.

در چنین شرایطی، اینترنت به یک کانال ارتباطی برای کاهش اضطراب تبدیل می‌شود. امکان تماس با خانواده، دریافت اخبار، ارتباط با دوستان و ادامه فعالیت‌های اجتماعی، بخشی از نیازهای طبیعی انسان در شرایط دشوار است. بنابراین بازگشت اینترنت را می‌توان از زاویه‌ای دیگر، اقدامی برای کاهش فشار روانی جامعه نیز دانست.

از نگاه‌های صفر و صدی فاصله بگیریم

البته تجربه مدیریت اینترنت در بحران، تنها یک روایت مثبت از یک تصمیم نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از پرسش‌ها و درس‌های مهم برای آینده را نیز به همراه دارد. مهم‌ترین پرسش این است که چگونه می‌توان در شرایط بحرانی، میان ضرورت‌های امنیتی و نیاز جامعه به ارتباطات پایدار تعادل ایجاد کرد؟

پاسخ به این پرسش نیازمند فاصله گرفتن از نگاه‌های صفر و صدی است. اینترنت، نه یک موضوع کاملاً فنی است که فقط متخصصان شبکه درباره آن تصمیم بگیرند و نه صرفاً یک موضوع سیاسی که بتوان آن را بدون توجه به آثار اقتصادی و اجتماعی مدیریت کرد. اینترنت امروز یک زیرساخت چندلایه است که تصمیم درباره آن باید با مشارکت متخصصان امنیت، اقتصاد، فناوری، جامعه‌شناسی و نمایندگان بخش خصوصی انجام شود.

یکی از درس‌های مهم این تجربه، ضرورت تدوین چارچوب‌های شفاف برای مدیریت ارتباطات در شرایط بحران است. در بسیاری از کشورهای جهان، برای شرایط اضطراری، پروتکل‌های مشخصی درباره نحوه مدیریت زیرساخت‌های حیاتی وجود دارد. هدف این پروتکل‌ها آن است که تصمیم‌ها در شرایط فشار، بر اساس برنامه از پیش طراحی شده اتخاذ شوند و کمترین آسیب به زندگی روزمره مردم وارد شود.

فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های ارتباطی

در ایران نیز تجربه اخیر می‌تواند فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های ارتباطی باشد. به جای آنکه هر بحران به یک تصمیم موردی و اضطراری منجر شود، می‌توان سازوکارهایی ایجاد کرد که از قبل مشخص کند در شرایط مختلف، چه اقداماتی باید انجام شود، چه نهادهایی مسئول هستند و چگونه می‌توان میان امنیت و دسترسی تعادل برقرار کرد.

در این میان، نقش بخش خصوصی اهمیت ویژه‌ای دارد. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنت، مراکز داده، اپراتورها، شرکت‌های فناوری اطلاعات و کسب‌وکارهای دیجیتال، نه فقط مصرف‌کننده تصمیمات حاکمیتی، بلکه بخشی از راه‌حل هستند. استفاده از ظرفیت کارشناسی این بخش می‌تواند به تصمیم‌گیری دقیق‌تر و کاهش پیامدهای ناخواسته کمک کند.

> تصمیم به بازگشایی اینترنت بین‌الملل، در نهایت حاصل همین نگاه چندبعدی بود؛ نگاهی که تلاش کرد میان ضرورت‌های امنیتی و نیازهای واقعی جامعه تعادل ایجاد کند. این تصمیم را می‌توان از این منظر بررسی کرد که چگونه یک سیاست عمومی، زمانی که با واقعیت‌های زندگی مردم مواجه می‌شود، نیازمند بازنگری و تطبیق با شرایط جدید است

• برش •

توسعه اقتصاد دیجیتال نیازمند تعامل با اکوسیستم جهانی فناوری

یکی از بخش‌هایی که آسیب‌پذیری آن در زمان محدودیت اینترنت بیش از گذشته دیده شد، جامعه برنامه‌نویسان و فعالان فناوری اطلاعات بود. در اقتصاد امروز، دانش فنی با سرعت زیادی تغییر می‌کند و توسعه‌دهندگان نرم‌افزار برای یادگیری، حل مسائل فنی و استفاده از ابزارهای جدید، به شبکه جهانی دانش وابسته هستند. بسیاری از سرویس‌ها و منابع مورد استفاده متخصصان فناوری، خارج از مرزهای جغرافیایی کشور قرار دارند و جایگزین داخلی برای همه آنها وجود ندارد. این موضوع نشان داد توسعه اقتصاد دیجیتال تنها با ایجاد زیرساخت داخلی یا افزایش تعداد پلتفرم‌ها محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند تعامل سازنده با اکوسیستم جهانی فناوری است. همان‌گونه که یک صنعتگر برای توسعه محصول خود به زنجیره تأمین جهانی نیاز دارد، صنعت فناوری نیز برای رشد، نیازمند ارتباط با جریان جهانی دانش، نوآوری و تجربه است. صنعت بازی‌های رایانه‌ای نیز یکی دیگر از حوزه‌هایی بود که تأثیر محدودیت ارتباطات را به شکل ملموس تجربه کرد. بازی آنلاین، بر خلاف تصور برخی، صرفاً یک فعالیت سرگرمی نیست؛ بلکه امروز به یک صنعت بزرگ اقتصادی تبدیل شده است که در آن توسعه‌دهندگان، ناشران، تولیدکنندگان محتوا، بازیکنان حرفه‌ای و کسب‌وکارهای جانبی فعالیت می‌کنند. بسیاری از بازی‌ها برای عملکرد مناسب نیازمند ارتباط با سرورهای بین‌المللی هستند و هر گونه اختلال در این ارتباط می‌تواند تجربه کاربران و درآمد فعالان این حوزه را تحت‌تأثیر قرار دهد.

مؤلفه‌های مختلف تاب‌آوری ارتباطات

همچنین تجربه اخیر نشان داد تاب‌آوری ارتباطی یک کشور فقط به میزان پهنای باند یا تعداد کاربران اینترنت وابسته نیست؛ بلکه به معماری زیرساخت، تنوع مسیرهای ارتباطی، امنیت شبکه‌ها، ظرفیت مراکز داده داخلی و میزان آمادگی سازمان‌ها برای شرایط بحرانی نیز بستگی دارد. سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها می‌تواند در آینده، هزینه‌های ناشی از بحران را کاهش دهد.

در نهایت، مهم‌ترین نکته‌ای که از این تجربه می‌توان آموخت، تغییر نگاه به اینترنت است. اینترنت دیگر یک ابزار جانبی یا یک خدمت رفاهی نیست که بتوان آن را مستقل از سایر حوزه‌های زندگی جامعه بررسی کرد. اینترنت بخشی از زیرساخت توسعه اقتصادی، آموزش، ارتباطات اجتماعی و حتی مدیریت بحران است.

تصمیم بازگشایی اینترنت بین‌الملل در آن مقطع، فارغ از همه دیدگاه‌های موافق و مخالف، یک واقعیت مهم را آشکار کرد: در جامعه امروز، ارتباطات بخشی از نیازهای اساسی مردم است. همان‌طور که در شرایط بحران تلاش می‌شود دسترسی مردم به آب، برق و خدمات ضروری حفظ شود، حفظ ارتباطات نیز باید بخشی از برنامه تاب‌آوری ملی باشد.

این تجربه همچنین مشخص کرد حکمرانی موفق در حوزه فناوری، نیازمند ایجاد تعادل است؛ تعادلی میان امنیت و آزادی عمل اقتصادی، میان کنترل و اعتماد و میان مدیریت بحران و حفظ جریان طبیعی زندگی. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در دنیای امروز بدون ارتباط با جریان جهانی دانش و اطلاعات، مسیر توسعه دیجیتال خود را طی کند.

اینترنت بخشی از زندگی مردم است

شاید مهم‌ترین دستاورد این تجربه، نه صرفاً بازگشت یک سرویس یا رفع یک محدودیت، بلکه شکل‌گیری یک درک مشترک باشد: اینکه اینترنت بخشی از زندگی مردم است و سیاست‌گذاری درباره آن باید با شناخت دقیق از اثرات واقعی آن بر جامعه انجام شود.

آینده ارتباطات کشور نیازمند رویکردی است که در آن، توسعه زیرساخت، افزایش تاب‌آوری، مشارکت بخش خصوصی، شفافیت تصمیم‌گیری و توجه به نیازهای مردم در کنار یکدیگر قرار گیرند. اگر تجربه این روزها به چنین اصلاحاتی منجر شود، می‌توان گفت بحران با همه دشواری‌هایش، فرصتی برای یادگیری و ساختن آینده‌ای بهتر فراهم کرده است.

در نهایت شاید بتوان گفت مهم‌ترین پیام این تجربه آن است که در عصر دیجیتال، گاهی باز کردن یک مسیر ارتباطی، تنها باز کردن یک درگاه اینترنتی نیست؛ بلکه بازگرداندن بخشی از جریان زندگی به جامعه است. ارتباط، امید و امکان ادامه دادن، سرمایه‌هایی هستند که در روزهای سخت بیش از همیشه ارزش خود را نشان می‌دهند.

• دیدگاه •

آغاز فصل حکمرانی فناورانه در دو سالگی دولت

داود مسعودی
عضو هیأت مدیره انجمن مدیران مراکز دانش‌بنیان کشور

دو سال از آغاز به کار دولت چهاردهم می‌گذرد؛ دولتی که در شرایطی پیچیده از منظر اقتصادی، بین‌المللی و فناورانه مسئولیت اداره کشور را برعهده گرفت و وقوع دو جنگ در یک سال، شرایط را پیچیده‌تر کرد. قطعاً بحران‌هایی مانند جنگ، می‌تواند بر اقتصاد تأثیرگذار باشد اما بی‌شک فناوری‌های نوین، اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و تحول دیجیتال، مهم‌ترین عرصه‌هایی هستند که می‌توانند آینده اقتصاد ایران را متحول کنند؛ حوزه‌ای که امروز در جهان نه یک بخش فرعی اقتصاد، بلکه موتور اصلی رشد، بهره‌وری، رقابت‌پذیری و اقتدار ملی محسوب می‌شود و البته دولت چهاردهم نشان داده که نگاه ویژه‌ای به این بخش دارد. جهان در حال ورود به عصر جدیدی از حکمرانی و توسعه مبتنی بر داده، هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال است وکشورهایی که بتوانند در این رقابت جایگاه مناسبی کسب کنند، نه تنها از مزیت‌های اقتصادی برخوردار خواهند شد، بلکه در عرصه‌های امنیت ملی، دیپلماسی، آموزش، سلامت، صنعت و خدمات نیز دست برتر را خواهند داشت. از این منظر، ارزیابی عملکرد دولت چهاردهم در حوزه فناوری و نوآوری، در واقع ارزیابی میزان آمادگی کشور برای حضور در آینده‌ای است که با سرعتی بی‌سابقه در حال شکل‌گیری است.

تغییر رویکرد، مهم‌ترین دستاورد دولت

شاید مهم‌ترین دستاورد دولت چهاردهم در دو سال گذشته را بتوان «تغییر نگاه به زیست‌بوم فناوری و نوآوری» دانست. طی سال‌های گذشته، یکی از گلایه‌های جدی فعالان اقتصاد دیجیتال، فاصله میان تصمیم‌گیران و فعالان واقعی این حوزه بود. در بسیاری از موارد، مقررات و تصمیمات بدون مشارکت ذی‌نفعان اتخاذ می‌شد و همین موضوع موجب بروز چالش‌های متعدد برای کسب‌وکارهای فناورانه شده بود.

دولت چهاردهم تلاش کرد این شکاف را کاهش دهد که نمونه آن را می‌توان مشورت گرفتن از فعالان بخش خصوصی در ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور به ریاست معاون اول رئیس‌جمهوری دانست؛ستادی که با ابلاغ رئیس‌جمهوری تشکیل شد و نقشی مهم در بازگشایی اینترنت پس از فروکش کردن تنش‌ها در جنگ ۴۰روزه داشت و حالا هم به دنبال رفع موانع مقرراتی اقتصاد دیجیتال است.

افزایش تعامل میان مسئولان اجرایی با فعالان بخش خصوصی، شرکت‌های دانش‌بنیان، استارتاپ‌ها، تشکل‌های تخصصی و نخبگان فناوری، نشان‌دهنده شکل‌گیری رویکردی جدید در حکمرانی این حوزه است. جلسات وزیر ارتباطات و حتی سران سه قوه با نمایندگان حوزه اقتصاد دیجیتال، توجه به مطالبات بخش خصوصی و تلاش برای استفاده از ظرفیت نخبگان در فرآیند تصمیم‌سازی، نشانه‌هایی از حرکت به سمت حکمرانی مشارکتی محسوب می‌شود.

در دنیای فناوری، موفقیت دولت‌ها بیش از آن‌که به میزان مداخله آنها وابسته باشد، به توانایی آنها در ایجاد هم‌افزایی میان بازیگران مختلف بستگی دارد. دولت چهاردهم به درستی دریافته است که بدون مشارکت بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و جامعه تخصصی، تحقق اهداف توسعه دیجیتال امکان‌پذیر نخواهد بود.

سرمایه‌گذاری بر اینترنت پایدار، سرمایه‌گذاری برای آینده اقتصاد ایران

اما با وجود همه تلاش‌های دولت، نباید از این نکته غافل شد که هیچ کشوری بدون زیرساخت ارتباطی پایدار و باکیفیت نمی‌تواند در رقابت اقتصاد دیجیتال موفق شود. اینترنت امروز صرفاً یک ابزار ارتباطی نیست؛ بلکه زیرساخت اصلی تولید، تجارت، آموزش، سلامت، بانکداری، خدمات عمومی و حتی امنیت اقتصادی کشورها محسوب می‌شود.

واقعیت این است که فعالان حوزه فناوری، استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان همچنان دغدغه‌هایی درباره کیفیت، پایداری و پیش‌بینی‌پذیری دسترسی به اینترنت دارند. طرح این دغدغه‌ها نه از سر مطالبه‌گری صنفی، بلکه از منظر منافع ملی قابل تحلیل است؛ زیرا هرگونه اختلال یا محدودیت در این زیرساخت، مستقیماً بر رشد اقتصادی، اشتغال و سرمایه‌گذاری اثرگذار خواهد بود. خوشبختانه در ماه‌های اخیر نشانه‌هایی از توجه جدی دولت به این موضوع مشاهده می‌شود که اوج آن، بازگشایی اینترنت بین‌الملل پس از جنگ ۴۰روزه بود. اما تأکید بیشتر بر ارتقای کیفیت شبکه، افزایش پایداری ارتباطات و حرکت به سمت کاهش محدودیت‌های غیرضروری، می‌تواند زمینه‌ساز جهشی مهم در اقتصاد دیجیتال کشور باشد. در واقع می‌توان گفت سرمایه‌گذاری بر اینترنت پایدار، سرمایه‌گذاری بر آینده اقتصاد ایران است.

اقتصاد دیجیتال، پیشران جدی رشد اقتصادی

امروزه اقتصاد دیجیتال به یکی از مهم‌ترین پیشران‌های رشد اقتصادی در جهان تبدیل شده است. برآوردهای بین‌المللی نشان می‌دهد سهم اقتصاد دیجیتال در برخی کشورهای پیشرو به بیش از ۱۵ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده و همچنان در حال افزایش است.

ایران نیز از ظرفیت‌های کم‌نظیری برای توسعه اقتصاد دیجیتال برخوردار است. جمعیت جوان، سرمایه انسانی متخصص، دانشگاه‌های توانمند، شرکت‌های دانش‌بنیان، بازار بزرگ داخلی و موقعیت ژئوپلتیک کشور، فرصت‌های ارزشمندی را برای تبدیل ایران به یکی از قطب‌های اقتصاد دیجیتال منطقه فراهم کرده است.

در دو سال گذشته، دولت چهاردهم با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، توسعه خدمات دیجیتال، گسترش دولت الکترونیک و تقویت زیست‌بوم نوآوری، گام‌هایی در جهت افزایش سهم اقتصاد دیجیتال در اقتصاد ملی برداشته است. اگرچه تا دستیابی به اهداف تعیین‌شده در برنامه هفتم پیشرفت فاصله وجود دارد، اما جهت‌گیری کلی دولت در این حوزه، قابل دفاع و امیدوارکننده است.

هوش مصنوعی، فرصت قرن برای ایران

اگر قرن بیستم را عصر نفت و انرژی بدانیم، بدون تردید قرن بیست و یکم، عصر داده و هوش مصنوعی خواهد بود. ارزش‌آفرینی حاصل از هوش مصنوعی در دهه آینده، ساختار بسیاری از صنایع و کسب و کارها را دگرگون خواهد کرد.

خوشبختانه در دولت چهاردهم، هوش مصنوعی از یک موضوع صرفاً دانشگاهی و پژوهشی به یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری کشور تبدیل شده است. توجه ویژه رئیس‌جمهوری و اعضای دولت به این حوزه، آغاز تدوین برنامه‌های ملی، تلاش برای توسعه زیرساخت‌های پردازشی و افزایش همکاری میان دولت، دانشگاه و بخش خصوصی، از اقدامات مثبتی است که در دو سال گذشته شکل گرفته است.

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی دولت چهاردهم، عبور از مرحله دولت الکترونیک و حرکت به سمت دولت هوشمند است. در دولت هوشمند، تصمیمات مبتنی بر داده اتخاذ می‌شود و با ارائه خدمات به صورت هوشمند و شخصی‌سازی شده، بسیاری از فرآیندهای اداری با کمک هوش مصنوعی و تحلیل داده بهینه‌سازی می‌شوند.

استفاده از هوش مصنوعی در نظام سلامت، آموزش، حمل‌ونقل، کشاورزی، انرژی، مالیات، گمرک و خدمات عمومی می‌تواند یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دولت در سال‌های آینده باشد چراکه موجب کاهش هزینه‌های دولت، افزایش شفافیت، مقابله با فساد و ارتقای رضایت عمومی شود.

البته وقتی از فناوری نوظهور هوش مصنوعی صحبت می‌شود باید واقع‌بین بود؛ رقابت جهانی در حوزه هوش مصنوعی بسیار فشرده و سریع است. کشورهایی که امروز در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کنند، در حال طراحی اقتصاد و حکمرانی دهه‌های آینده هستند. ایران نیز برای حضور مؤثر در این رقابت نیازمند تصمیمات بزرگ، سرمایه‌گذاری گسترده و بسیج همه ظرفیت‌های ملی است.

اولویت‌های راهبردی برای نیمه دوم دولت

دولت چهاردهم در دو سال گذشته نشان داده است که به اهمیت فناوری، نوآوری، اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی واقف است و تلاش دارد از ظرفیت این حوزه‌ها برای حل مسائل کشور بهره گیرد. هرچند چالش‌ها و موانع همچنان وجود دارند، اما تغییر رویکرد از حکمرانی مبتنی بر محدودسازی به حکمرانی مبتنی بر مشارکت، گفت‌وگو و بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان، گامی مهم در مسیر توسعه کشور محسوب می‌شود.

اکنون که دولت چهاردهم وارد نیمه دوم دوره فعالیت خود شده است، به نظر می‌رسد چند اقدام راهبردی می‌تواند جایگاه ایران را در عرصه فناوری و اقتصاد دیجیتال متحول کند:

نخست، تدوین و اجرای سند جامع ملی هوش مصنوعی با مشارکت همه ذی نفعان و تعیین متولی واحد برای راهبری این حوزه.

دوم، ایجاد نهضت ملی توسعه زیرساخت‌های پردازشی، مراکز داده و ابررایانه‌های مورد نیاز کشور.

سوم، افزایش سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی و تعریف پروژه‌های ملی تحول دیجیتال در صنایع پیشران کشور.

چهارم، توسعه صادرات محصولات و خدمات فناورانه و تبدیل ایران به مرکز ارائه خدمات هوشمندسازی در منطقه.

پنجم، سرمایه‌گذاری گسترده در تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه‌های هوش مصنوعی، علوم داده، امنیت سایبری و اقتصاد دیجیتال.

ششم، تقویت نقش تشکل‌های تخصصی، انجمن‌ها و بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری.

هفتم، اجرای پروژه ملی هوشمندسازی صنایع، معادن، کشاورزی و خدمات عمومی به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی رشد اقتصادی کشور.

امروز ایران در نقطه‌ای سرنوشت‌ساز قرار گرفته است. همان‌گونه که نفت موتور توسعه قرن گذشته بود، هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال می‌توانند موتور توسعه دهه‌های آینده باشند. تحقق این هدف نیازمند عزم ملی، هماهنگی نهادی، اعتماد به بخش خصوصی و تداوم نگاه آینده‌نگر دولت است.

دو سالگی دولت چهاردهم را می‌توان آغاز فصل جدیدی از حکمرانی فناورانه در ایران دانست؛ فصلی که اگر با شجاعت در تصمیم‌گیری، ثبات در سیاست‌گذاری و سرعت در اجرا همراه شود، می‌تواند ایران را به یکی از بازیگران اثرگذار اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی در منطقه و جهان تبدیل کند.

«ایران» ضرورت بازنگری در الگوی هزینه کرد باشگاه‌های لیگ برتری را بررسی می کند

پایان پول‌پاشی؛ کلید نجات فوتبال

سینا حسینی/ فوتبال باشگاهی ایران سال‌هاست با یک چالش جدی روبه‌روست؛ افزایش مستمر هزینه‌ها در کنار رشد نه‌چندان محسوس کیفیت فنی. در آستانه فصل جدید لیگ برتر، بار دیگر همان الگوی آشنا در حال تکرار است؛ قراردادهایی نامتعارف نسبت به سطح فوتبال، نقل‌وانتقالات پرسر و صدا و در نهایت انتظاراتی که در عرصه آسیایی کمتر برآورده می‌شود.

بخش مهمی از این وضعیت به ساختار اقتصادی باشگاه‌ها بازمی‌گردد. بسیاری از باشگاه‌های ایرانی همچنان وابستگی قابل‌توجهی به منابع عمومی دارند و همین مسأله باعث شده الگوی درآمدزایی پایدار کمتر در اولویت قرار گیرد. در چنین شرایطی، مدیران باشگاه‌ها بیش از آنکه به دنبال توازن مالی باشند، ناگزیر به تأمین هزینه‌های جاری و رقابت با سایر مدعیان در بازار نقل‌وانتقالات هستند؛ مسیری که در بلندمدت به افزایش بدهی‌ها و شکل‌گیری پرونده‌های حقوقی منجر شده است.

از سوی دیگر، رشد قابل‌توجه دستمزد بازیکنان، چه داخلی و چه خارجی، در حالی رخ داده که سطح کیفی مسابقات، بنا به نظر بسیاری از کارشناسان، با این روند همخوانی کامل ندارد. این موضوع نشان می‌دهد بازار فوتبال ایران هنوز به تعادل منطقی میان هزینه و کیفیت نرسیده و نیازمند بازنگری جدی در سازوکارهای نظارتی و مدیریتی است. نکته تأمل‌برانگیز اینجاست که برخی بازیکنان، پیش از ورود به لیگ ایران و حتی پس از خروج از آن، با ارقام بسیار پایین‌تری به عضویت باشگاه‌های دیگر درمی‌آیند؛ اما در زمان حضور در فوتبال ایران، رقم قرارداد آنها به‌طور ناباورانه‌ای افزایش می‌یابد؛ مسأله‌ای که ابهامات فراوانی ایجاد کرده و به اعتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران، نه‌تنها طبیعی و عادی نیست، بلکه به‌شدت نگران‌کننده است. مثل قرارداد فصل گذشته موسی جنپو بازیکن خارجی استقلال که با قرارداد بسیار سنگین ابهامات زیادی در فضای فوتبال به وجود آورد.

در واکنش به این شرایط، فدراسیون فوتبال طی سال‌های گذشته ابزارهایی مانند سقف قرارداد، سقف بودجه و اکنون بحث اجرای «فیرپلی مالی» را مطرح کرده است؛ ولی تجربه نشان می‌دهد موفقیت این‌گونه سیاست‌ها، بیش از هر چیز به فراهم بودن زیرساخت‌های اجرایی، شفافیت مالی و تداوم در نظارت وابسته است. در غیر این صورت، امکان دور زدن قوانین و شکل‌گیری پرداخت‌های غیررسمی افزایش می‌یابد.

نگاهی به فوتبال اروپا می‌تواند تصویر روشن‌تری ارائه دهد. در لیگ‌های معتبر اروپایی، قوانین مالی با جدیت بیشتری دنبال می‌شوند و باشگاه‌ها ملزم به ارائه گزارش‌های مالی شفاف هستند. برای نمونه، باشگاه‌هایی مانند منچسترسیتی و پاری‌سن‌ژرمن در سال‌های اخیر تحت نظارت دقیق نهادهای بین‌المللی قرار گرفته‌اند و در مواردی با محدودیت‌ها و جریمه‌هایی مواجه شده‌اند. همچنین در فوتبال ایتالیا، باشگاه یوونتوس به دلیل برخی تخلفات مالی با کسر امتیاز روبه‌رو شد؛ تصمیمی که نشان‌دهنده اهمیت اجرای قوانین در سطوح حرفه‌ای است.

این تفاوت در اجرا، یکی از نکات کلیدی فاصله فوتبال ایران با استانداردهای حرفه‌ای جهان است. در فوتبال ایران، همچنان چالش‌هایی مانند نبود شفافیت مالی کافی، ضعف در نظام حسابرسی و پیچیدگی در ساختار مالکیتی برخی از باشگاه‌ها وجود دارد که اجرای مؤثر قوانین را دشوار می‌کند.

به نظر می‌رسد حل این مسائل نیازمند نگاهی ساختاری است. خصوصی‌سازی واقعی باشگاه‌ها، حرکت به سمت درآمدزایی پایدار از مسیرهایی مانند حق پخش، بازاریابی و توسعه آکادمی‌ها و همچنین تقویت نظام نظارتی، می‌تواند به ایجاد تعادل میان هزینه و کیفیت کمک کند.

فوتبال ایران در آستانه فصل جدید، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیم‌های دقیق و بلندمدت است؛ تصمیم‌هایی که بتواند این بازی پرطرفدار را از چرخه تکرار چالش‌های گذشته خارج کرده و به سمت حرفه‌ای‌سازی واقعی هدایت کند. بی‌تردید شفافیت واقعی در نظام مالی و پولی باشگاه‌ها و پایان وابستگی آنها به منابع عمومی و خصوصی‌سازی واقعی، تنها راه نجات فوتبال باشگاهی ایران است؛ مسیری که اگر به صورت جدی دنبال نشود، می‌تواند به چالشی بسیار بزرگ و لاینحل تبدیل شود که برون‌رفت از آن به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

اخلاقی امیری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با «ایران»:

دولت توان پرداخت هزینه باشگاه‌های خصولتی را ندارد

عکس: فدراسیون فوتبال

هرچند استقلال باشگاه‌ها و ورزش از دولت کار آسانی نیست، اما حرکتی رو به جلو محسوب می‌شود. نباید فراموش کرد که انتظار استقلال کامل همه تیم‌ها و باشگاه‌ها از دولت، انتظار درستی نیست

مهری رنجبر/ اجرای قانون فیرپلی مالی در فوتبال باشگاهی ایران، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم در مسیر شفافیت مالی و اصلاح ساختار باشگاهداری، اگرچه با چالش‌هایی همراه خواهد بود، اما می‌تواند گامی مؤثر در جهت حرفه‌ای‌سازی ورزش کشور باشد. حسنعلی اخلاقی امیری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، معتقد است که در حال حاضر شرایط اجرای کامل قانون فیرپلی مالی برای باشگاه‌های لیگ برتری فوتبال فراهم نیست؛ اما شروع این روند را مثبت ارزیابی می‌کند.

او در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «با اینکه نقد به اجرای شفافیت مالی باشگاه‌های لیگ برتری فوتبال در سال اول اجرا وارد است، اما توقعی نیست که این قانون به‌صورت کامل اجرا شود.

حتی اگر فیرپلی مالی ۱۵ تا ۲۰ درصد هم اجرا شود، اتفاقی خوب و قابل قبول خواهد بود. بدون شک، بعد از ۵ تا ۶ سال به نقطه‌ای می‌رسیم که این روند قابلیت دفاع داشته باشد.

تعجبی ندارد اگر شروع کار بیشتر جنبه شعاری داشته باشد و حتی برای آغاز، باید انتظار اجرای کمتر از ۱۵درصد را هم در نظر گرفت. بنابراین، در این شرایط، مهم شروع کار است.»

او در ادامه، با اشاره به مشکلات ساختاری باشگاه‌داری در ایران، توضیح می‌دهد: «باشگاه‌های فوتبال ایران از گذشته با ضعف‌هایی مواجه بوده‌اند. در حالی که ورزش در دنیا به یک صنعت اقتصادی تبدیل شده، در ایران چنین جایگاهی ندارد و اکثر باشگاه‌ها خصولتی هستند، در حالی که دولت توان اداره آنها را ندارد. هر زمان که دولت درگیر باشگاه‌های ورزشی شده، با مسائل مختلفی دست‌وپنجه نرم کرده است.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، قطع وابستگی به منابع عمومی را راهکار اصلی برون‌رفت از این وضعیت دانست و توضیح داد: «نمی‌توان انکار کرد که باشگاهداری در ایران نسبت به دنیا عقب مانده است، چرا که متأسفانه باشگاه‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به بودجه‌های عمومی وابسته هستند. البته حل این معضل به صورت یک‌باره ممکن نیست و باید به‌تدریج ورزش به سمت استقلال از منابع عمومی حرکت کند و دولت تنها نقش ستادی، نظارتی و هماهنگ‌کننده را ایفا کند.»

اخلاقی امیری، اجرای قانون نظام جامع باشگاهداری را نیز راه‌حلی مهم در این زمینه می‌داند و می‌گوید: «هرچند استقلال باشگاه‌ها و ورزش از دولت کار آسانی نیست، اما حرکتی رو به جلو محسوب می‌شود.

نباید فراموش کرد که انتظار استقلال کامل همه تیم‌ها و باشگاه‌ها از دولت، انتظار درستی نیست. با این حال، اجرای قانون نظام جامع باشگاهداری می‌تواند زمینه حضور پررنگ‌تر بخش خصوصی در ورزش را فراهم کند.»

او در پایان، درباره راهکار اجرای کامل قانون فیرپلی مالی توضیح می‌دهد: «تفاوت کار دولتی و خصوصی در این است که وقتی بخش خصوصی وارد باشگاهداری می‌شود، با درآمد خود عمل می‌کند؛ در نتیجه هم شفافیت مالی دارد و هم هزینه‌ها را بر اساس اولویت‌ها و بدون ریخت‌وپاش انجام می‌دهد و حتی در جذب بازیکنان خارجی با تأمل بیشتری تصمیم‌گیری می‌کند.

این در حالی است که باشگاه‌های خصولتی، چون از منابع عمومی استفاده می‌کنند، نه اولویت‌بندی مشخصی دارند و نه حساسیت کافی نسبت به کیفیت بازیکنان خارجی نشان می‌دهند. بنابراین، با اجرای خصوصی‌سازی باشگاه‌ها شرایط بهبود خواهد یافت. از سوی دیگر، باشگاه‌های خصولتی نیز باید بپذیرند که با بخش خصوصی رقابت می‌کنند و مدیران آنها نباید باشگاه‌ها را به‌عنوان حیاط خلوت خود تلقی کنند.»

کاظم اولیایی، مدیرعامل پیشین استقلال در گفت‌وگو با «ایران»:

شرط موفقیت باشگاه‌ها، جدایی از بدنه دولت است

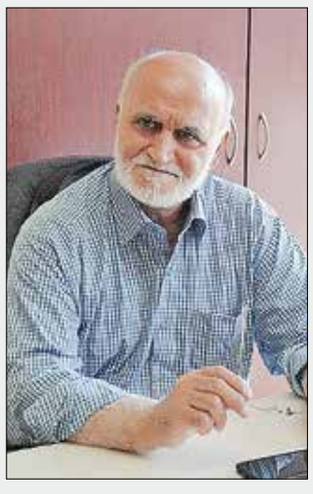

پریسا غفاری/ درسال‌های اخیر، چالش‌های مالی و ساختاری فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری مورد توجه کارشناسان و مدیران ورزشی قرار گرفته است؛ چالش‌هایی که از نبود زیرساخت‌های اقتصادی پایدار تا ضعف در نظام درآمدزایی باشگاه‌ها امتداد دارد. در چنین شرایطی، اجرای قوانین بین‌المللی مانند فیرپلی مالی، اگرچه ضرورتی انکارناپذیر است، اما بدون فراهم‌سازی بسترهای لازم، می‌تواند نه‌تنها گره‌گشا نباشد بلکه به پیچیده‌تر شدن مشکلات نیز منجر خواهد شد. کاظم اولیایی، مدیرعامل پیشین باشگاه استقلال، در گفت‌وگو با «ایران» درباره اجرای قانون فیرپلی مالی در لیگ برتر می‌گوید: «فیرپلی مالی زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که زیرساخت‌های اقتصادی فوتبال نیز اصلاح شوند؛ زیرساخت‌هایی که فوتبال ایران هنوز فاصله زیادی با آنها دارد. در چنین شرایطی، صرف الزام باشگاه‌ها به انتشار صورت‌های مالی، نمی‌تواند نسخه‌ای برای درمان بیماری مزمن اقتصاد فوتبال کشور باشد و اجرای واقعی فیرپلی مالی، بیش از هر چیز به اصلاح ساختار درآمدزایی باشگاه‌ها نیاز دارد.»

وی شیوه اداره مدیریت فوتبال با این روش را اشتباه می‌داند و معتقد است ریل‌گذاری فوتبال ایران باید به کلی تغییر یابد. او در ادامه می‌گوید: «فیرپلی مالی قانونی است که مطمئناً باید اجرا شود و شفافیت مالی از نکاتی است که فیفا به‌طور جدی آن را از ۲۰ سال پیش دنبال می‌کند. ولی در فوتبال ایران، با اشتباه در ریل‌گذاری، ۹۰ درصد باشگاه‌ها را با ورشکستگی روبه‌رو کرده و طی مسیر با قوانین اشتباه، وضعیت را بدتر می‌کند.»

کاظم اولیایی همچنین از تصویب قانون فیرپلی مالی در مجلس شورای اسلامی خبر می‌دهد و توضیح داد: «این قانون مدت‌هاست تصویب شده و برای فدراسیون بهتر است برای کنترل تراز مالی، سرفصل اختراع نکند؛ همانند سه فصلی که قانون سقف بودجه گذاشت و نتیجه عکس دید. از طرفی چرا استادیوم‌ها باید در اختیار دولت باشد؟ طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، ورزشگاه‌ها باید به باشگاه‌ها واگذار شوند؛ همان‌طور که در ترکیه و انگلستان این اتفاق افتاد. شهرداری‌ها ورزشگاه‌ها را ساختند و به باشگاه‌ها دادند، با دریافت درصدی از مالیات.»

او درادامه توضیح داد: «به دنبال حرفه‌ای شدن فوتبال باشگاهی، هر تیم ملزم شد ظرف ۵ سال صاحب استادیوم شود. ولی پنج سال گذشت، ۲۵ سال دیگر هم بگذرد، اتفاقی نخواهد افتاد. به نظر من، ما گران‌ترین زمین ایران، ورزشگاه شهید شیرودی را در مرکز پایتخت داریم، ولی این ورزشگاه به حال خود رها شده است؛ در حالی که می‌توانستیم آن را به باشگاه‌ها واگذار و به بهترین منطقه درآمدزایی تبدیل کنیم.»

اولیایی معتقد است با الگوبرداری استاندارد از لیگ‌های حرفه‌ای می‌توانیم فوتبال باشگاهی را از ورشکستگی نجات دهیم. او در ادامه می‌گوید: «الگوبرداری از اروپا راه‌حل خوبی است. داشتن استادیوم، فروش محصولات باشگاهی و حق پخش تلویزیونی می‌تواند باشگاه را در حوزه درآمدزایی به رسمیت بشناسد و از آن درآمد هزینه کند، اما بزرگ‌ترین شرط این اتفاق جدایی باشگاه‌ها از بدنه دولت و پایان وابستگی آنها به منابع عمومی است.»

عباس صوفی، نایب رئیس فراکسیون ورزش مجلس در گفت‌وگو با «ایران»:

شفافیت مالی در فوتبال ایران وجود ندارد

گروه ورزشی/ در سال‌های اخیر، بحث شفافیت مالی و اجرای قوانین فیرپلی در فوتبال ایران به یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز تبدیل شده است. در حالی که این الگو در فوتبال حرفه‌ای جهان به‌عنوان اصلی پذیرفته شده شناخته می‌شود، ساختار متفاوت مدیریتی و اقتصادی باشگاه‌های ایرانی موانع جدی بر سر راه اجرای آن ایجاد کرده است.

عباس صوفی، نایب رئیس فراکسیون ورزش مجلس، در بررسی این موضوع اعلام کرد که نسبت به اجرای آن در لیگ فوتبال کشور چندان خوشبین نیست:«طرح شفافیت مالی باشگاه‌ها بسیار خوب است، اما در ایران وقتی حرف و عمل با هم یکی نیست، تجربه نشان داده این اتفاق در فوتبال ایران رخ نخواهد داد. با اینکه علاقه‌مند به اجرای آن هستیم، اما اجرای فیرپلی مالی در باشگاه‌های ایران شدنی نیست.»

عضو فراکسیون ورزش، رقابت میان باشگاه‌های فوتبال ایران را مانع اجرای فیرپلی مالی می‌داند:«وقتی نقش رقابت بین باشگاه‌های فوتبال ایران پررنگ است، فیرپلی مالی در عمل اثر مثبتی نخواهد داشت. باشگاه‌ها برای جذب بازیکن با یکدیگر رقابت می‌کنند و حتی در برخی موارد ناچار می‌شوند برای تصاحب یک بازیکن یا مربی امتیازاتی بدهند؛ در چنین شرایطی، روند کار از چارچوب فیرپلی مالی خارج می‌شود.»

صوفی دلیل اصلی وجود شفافیت مالی در باشگاه‌های اروپایی را خصوصی بودن آنها می‌داند:«در لیگ‌های فوتبال اروپا، باشگاه‌ها خصوصی هستند، نه دولتی و اساساً سقفی برای آنها تعریف نشده است. وضعیت باشگاه‌های لیگ برتری فوتبال ایران دقیقاً نقطه مقابل اروپاست؛ یعنی اکثر باشگاه‌ها صنعتی یا خصولتی هستند و در عمل بجز چند باشگاه، سایر باشگاه‌ها کاملاً خصوصی نیستند. باشگاه‌های ایرانی عمدتاً از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند، در حالی که در اروپا ساختار باشگاه‌ها بر مبنای اصول تجاری شکل گرفته و حتی هواداران و برند باشگاه نیز دارای ارزش اقتصادی هستند و منابع درآمدی آنها مشخص و تعریف شده است؛ اما در ایران چنین ساختاری وجود ندارد.»

صوفی معتقد است اولین گام برای اصلاح این وضعیت، ایجاد درآمدزایی اصولی از طریق حق پخش تلویزیونی است:«اولین اقدام، اختصاص حق پخش تلویزیونی به باشگاه‌های فوتبال و سایر رشته‌های ورزشی است. باشگاه‌های اروپایی از طریق برند خود، فروش لباس، تجهیزات و محصولات، درآمد کسب می‌کنند. نمی‌توان برخلاف جریان طبیعی حرکت کرد، اما در حال حاضر در ایران در عمل برخلاف این جریان عمل می‌شود.»

به گفته این عضو فراکسیون ورزش مجلس، باید وابستگی ورزش به منابع دولتی کاهش یابد:« سهم فوتبال از حق پخش بیشتر است و باید به مرحله‌ای از بلوغ برسیم که این حق به صورت مشخص تعیین شود تا وابستگی ورزش به منابع دولتی کاهش یابد. البته تأمین بودجه از سوی دولت به خاطر مردم انجام می‌شود، اما این یک راهکار اصولی نیست. در حالی که بخش خصوصی از سرمایه خود هزینه می‌کند، بانک‌ها و هلدینگ‌هایی که اسپانسر تیم‌های بزرگ هستند، در واقع از منابع عمومی استفاده می‌کنند. نباید چرخ را دوباره اختراع کرد؛ حق پخش فوتبال و ورزش تعریف شده است، اما باشگاه‌ها همچنان با اتکا به بیت‌المال برخلاف این مسیر حرکت می‌کنند.»

یادداشت

علی اکبر طاهری

مدیرعامل پیشین باشگاه پرسپولیس

فیرپلی مالی؛ آرمان یا واقعیت

فدراسیون فوتبال در نظر دارد قانون فیرپلی مالی را در لیگ‌های ایران اجرا کند؛ اما این سیاست در عمل با فاصله‌ای جدی از ساختارهای اقتصادی باشگاه‌های کشور روبه‌روست. فیرپلی مالی بر سه اصل بنیادین استوار است؛ توان پرداخت، توازن میان درآمد و هزینه و کنترل مخارج باشگاه‌ها؛ به‌گونه‌ای که مجموع دستمزدها و هزینه‌های نقل‌وانتقال نباید از ۷۰ درصد درآمد باشگاه فراتر رود.

سال‌هاست که فوتبال ایران از پیامدهای قراردادهای غیرکارشناسی، پرونده‌های حقوقی متعدد، فسخ‌های پرهزینه و تصمیم‌های نادرست مدیرانی که اغلب آشنایی کافی با اقتصاد ورزش ندارند، آسیب دیده است. مدیرانی که مدام تغییر می‌کنند، اما آثار تصمیم‌های‌شان برای مدت‌ها بر پیکره باشگاه باقی می‌ماند.

در چنین شرایطی، وقتی باشگاهی به دلیل ناترازی مالی با محدودیت مواجه می‌شود، در نهایت این بازیکنان، کادر فنی و میلیون‌ها هوادار هستند که بهای اشتباهات گذشته را می‌پردازند. از این‌رو، فیرپلی مالی تنها زمانی می‌تواند به اصلاح ساختار فوتبال ایران کمک کند که در کنار کنترل هزینه‌ها، مسئولیت‌پذیری مدیران نیز تقویت شود. این طرح زمانی اثربخش خواهد بود که اصل پاسخگویی هم‌زمان با نظارت اجرایی شود و مسیر پیاده‌سازی آن به‌صورت تدریجی و همراه با آموزش پیش برود.

ولی مرور تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که چشم‌انداز روشنی برای اجرای موفق چنین قوانین محدودکننده‌ای وجود ندارد. قوانین سقف بودجه و فیرپلی مالی، اگر فاقد زیرساخت‌های لازم باشند، بیش از آن‌که راهگشا باشند، به شعارهایی واکنشی در برابر انتقادهای عمومی تبدیل می‌شوند؛ انتقادهایی که از پرداخت‌های بی‌ضابطه و نجومی به بازیکنان و مربیان، آن هم با اتکا به منابع عمومی، شکل گرفته‌اند. این در حالی است که شرایط اقتصادی کشور نیز سال‌به‌سال دشوارتر می‌شود.

فیرپلی مالی با هدف ایجاد رقابت سالم اقتصادی میان باشگاه‌ها طراحی شده است؛ اما واقعیت این است که همه باشگاه‌ها از توان مالی برابر برخوردار نیستند و رقابت میان تیم‌های بزرگ و متمول با سایر تیم‌ها هیچ‌گاه کاملاً هم‌سطح نخواهد بود. با این حال، می‌توان این رقابت را در چارچوبی شفاف، کنترل‌شده و منصفانه هدایت کرد.

اجرای موفق چنین قوانینی نیازمند فراهم‌سازی بسترهای لازم است. نمی‌توان در فضایی که هنوز از حرفه‌ای‌گری فاصله دارد، انتظار رفتار حرفه‌ای داشت. سلامت مالی در فوتبال، فرآیندی دوسویه است که تحقق آن مستلزم تعهد و هماهنگی هم‌زمان میان متولیان فوتبال و باشگاه‌هاست.

سوژه

AFC دیگر به‌راحتی مجوز حرفه‌ای صادر نمی‌کند

آینده ناپایدار باشگاه‌های ایرانی در قاره کهن

گروه ورزشی/ پول‌پاشی بی‌ضابطه در باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران، اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند ظاهری فریبنده از قدرت مالی و رقابت‌پذیری ایجاد کند، اما در بلندمدت به یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای ساختار حرفه‌ای فوتبال کشور تبدیل خواهد شد. این رویکرد نه‌تنها تعادل اقتصادی باشگاه‌ها را برهم می‌زند، بلکه با الزامات سختگیرانه نهادهای بین‌المللی، بویژه AFC در تضاد آشکار قرار دارد.

کنفدراسیون فوتبال آسیا در سال‌های اخیر با تأکید بر شفافیت مالی، ارائه ترازنامه‌های مثبت و رعایت اصول «فیرپلی مالی»، روند صدور مجوز حرفه‌ای را سختگیرانه‌تر کرده است. این سیاست‌ها با هدف جلوگیری از بدهی‌های انباشته، حفظ پایداری اقتصادی باشگاه‌ها و ارتقای استانداردهای حرفه‌ای در فوتبال قاره اتخاذ شده‌اند. اما بسیاری از باشگاه‌های ایرانی همچنان با بی‌توجهی به این الزامات، مسیر ناپایداری را طی می‌کنند؛ مسیری که نمونه‌های عینی آن در سال‌های گذشته به وضوح مشاهده شده است.

حذف دو باشگاه پرطرفدار استقلال و پرسپولیس از رقابت‌های آسیایی به دلیل مشکلات مالی و عدم انطباق با معیارهای حرفه‌ای AFC، زنگ خطری جدی برای فوتبال ایران بود؛ هشداری که به نظر می‌رسد هنوز به‌طور کامل درک نشده است. تداوم هزینه‌کردهای غیرمنطقی، قراردادهای نجومی بدون پشتوانه درآمدی و نبود نظام حسابرسی شفاف، همگی نشانه‌هایی از چالش‌های ساختاری به شمار می‌روند که در صورت عدم اصلاح، می‌توانند به حذف گسترده‌تر نمایندگان ایران از عرصه‌های بین‌المللی منجر شوند.

نمونه‌های مشابه در فوتبال آسیا نیز کم نیستند. در سال‌های اخیر برخی باشگاه‌های کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا به دلیل بدهی‌های مالی، عدم پرداخت مطالبات بازیکنان یا نبود شفافیت در صورت‌های مالی، از حضور در لیگ قهرمانان آسیا محروم شده‌اند. حتی در لیگ‌های متمول‌تر، باشگاه‌هایی که نتوانستند توازن میان درآمد و هزینه را حفظ کنند، با جریمه‌های سنگین، کسر امتیاز یا محرومیت‌های بین‌المللی مواجه شده‌اند. این روند نشان می‌دهد AFC در اجرای قوانین خود مماشاتی ندارد و صرف نام و سابقه باشگاه‌ها، تضمینی برای حضور در رقابت‌ها نیست.

در چنین شرایطی، یکی از حلقه‌های مفقوده فوتبال ایران، مسأله خصوصی‌سازی واقعی و کارآمد باشگاه‌هاست. تا زمانی که باشگاه‌ها به منابع مالی ناپایدار و اغلب دولتی وابسته باشند و پاسخگویی شفافی در قبال هزینه‌ها و درآمدهای خود نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت اصول حرفه‌ای به‌درستی اجرا شود. خصوصی‌سازی اگر صرفاً در حد واگذاری صوری باقی بماند، نه‌تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه می‌تواند بر پیچیدگی‌های مدیریتی و مالی بیفزاید.

ادامه روند فعلی، آینده‌ای نگران‌کننده برای فوتبال باشگاهی ایران ترسیم می‌کند؛ آینده‌ای که در آن، حذف‌های پیاپی از رقابت‌های آسیایی، کاهش اعتبار بین‌المللی و از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی، به امری عادی تبدیل خواهد شد. تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، بازنگری جدی در ساختار مالی باشگاه‌ها، پایبندی واقعی به قوانین AFC و حرکت به سوی شفافیت، پاسخگویی و مدیریت حرفه‌ای است. در غیر این صورت، «پول‌پاشی» امروز، هزینه‌های سنگین فردا را بر دوش فوتبال ایران خواهد گذاشت.

ایران در «ایران»

طرح جامع جبران خسارت شیلات هرمزگان کلید خورد

بندرعباس- طرح جامع حمایتی برای جبران خسارت دوهزار صیاد هرمزگانی، نوسازی شناورها و بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده بنادر آغاز شد. مسعود بارانی، مدیرکل شیلات هرمزگان با اعلام این خبر اظهار داشت: «با وجود خسارات واردشده، هیچ‌یک از بنادر صیادی استان تعطیل نشده و تأمین منابع مالی برای بازگرداندن سریع ظرفیت تولید به شرایط عادی در اولویت قرار دارد.» وی افزود: «از نخستین ساعات، ارزیابی میدانی خسارت‌ها با همکاری فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، تعاونی‌های صیادی و دستگاه‌های اجرایی آغاز و پرونده خسارت شناورها، تجهیزات و زیرساخت‌ها برای بهره‌مندی آسیب‌دیدگان از حمایت‌های قانونی تشکیل شد.» مدیرکل شیلات خاطرنشان کرد: «با همدلی و مشارکت تمامی دستگاه‌ها، روند جبران خسارات و بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده با سرعت دنبال می‌شود تا جامعه صیادی استان هرچه سریع‌تر به شرایط پایدار و مطلوب بازگردد.»

نرخ ترک تحصیل در خراسان جنوبی نصف شد

بیرجند- اجرای برنامه‌های جلوگیری از ترک تحصیل و بازگرداندن دانش‌آموزان به چرخه آموزش در استان خراسان جنوبی نتیجه داد و نرخ ترک تحصیل در این استان با افت ۵۰ درصدی، از ۰.۷۶ به ۰.۳۸ درصد رسید. مهدی مرتضوی، مدیرکل آموزش و پرورش خراسان جنوبی اظهار کرد: «با شناسایی و پیگیری مستمر، موفق شدیم شمار بازماندگان از تحصیل را به نصف کاهش دهیم که این امر نشان‌دهنده اثربخشی برنامه‌های انسداد سوادآموزی در سطح استان است.» وی با اشاره به ارتقای کیفیت آموزش در دوره متوسطه افزود: «دانش‌آموزان استان موفق به کسب رتبه سوم کشوری در میانگین دروس امتحانات نهایی پایه دوازدهم و رتبه دوم کشوری در کنکور گروه علوم تجربی شدند. همچنین در المپیادهای علمی با رشد ۲.۵ برابری نسبت به سال گذشته، ۳۰ مدال رنگارنگ به همت دانش‌آموزان خراسان جنوبی به دست آمد.» مدیرکل آموزش و پرورش خراسان جنوبی از تحول در بخش فنی و حرفه‌ای یاد کرد و گفت: «برای اولین‌بار در قالب طرح مشترک «همنوا» میان وزارت آموزش و پرورش و وزارت کار، تمام امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز فنی و حرفه‌ای در اختیار آموزش مهارت به دانش‌آموزان قرار گرفت. در همین راستا، اولین هنرستان کارآفرینان و هنرستان غیردولتی نخبگان مهارت افتتاح شد و برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی هنرستان‌های «جوار صنعت و معدن» در کنار واحدهای تولیدی استان با جدیت دنبال می‌شود.»

مدیر عامل ایرنا روز خبرنگار را بر مزار شهید صارمی گرامی داشت

جابری‌انصاری: خبرنگاران راویان حقیقت و ادامه‌دهندگان راه شهیدان هستند

گزارش

گروه ایران زمین

۱۷مرداد سالروز شهادت محمود صارمی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۷ به نام روز خبرنگار گرامی داشته می‌شود. محمود صارمی در چنین روزی به همراه ۸ دیپلمات دیگر در کنسولگری ایران واقع در شهر مزارشریف افغانستان به شهادت رسید. صارمی در زادگاه خود، شهرستان بروجرد به خاک سپرده شده است. روز گذشته و همزمان با روز خبرنگار، مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) برای بزرگداشت روز خبرنگار به بروجرد رفت.

حسین جابری انصاری، با تجلیل از جایگاه خبرنگاران و شهدای عرصه رسانه، بر نقش راهبردی رسانه‌ها در روایت دقیق و صادقانه تحولات و حفظ پیوندهای اجتماعی تأکید کرد. جابری انصاری با اشاره به تجربه بحران‌ها و جنگ‌های اخیر، خبرنگاران را فراتر از انتقال‌دهندگان خبر، «راویان حقیقت» و شاهدان تحولات تاریخی دانست و تأکید کرد، رسانه در شرایط بحرانی، مسئولیتی سنگین‌تر در قبال جامعه و حقیقت دارد. وی همچنین با تشریح مؤلفه‌های هویتی ایران، درهم‌تنیدگی ایرانیت، اسلامیت و تشیع را از عوامل مهم ماندگاری و انسجام تاریخی ملت ایران عنوان کرد و بر ضرورت تقویت وحدت ملی و مقابله با دوگانه‌های تفرقه‌آمیز تأکید کرد. غبارروبی مزار شهید خبرنگار محمود صارمی، دیدار با خانواده شهید، بازدید از طرح‌های عمرانی شهرداری و شورای شهر، بازدید از خانه‌های تاریخی بروجرد و تجلیل از خبرنگاران از جمله برنامه‌های سفر مدیرعامل ایرنا به شهرستان بروجرد بود. «حسین جابری‌انصاری» مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با حضور بر مزار شهید محمود صارمی و ادای احترام به جایگاه شهدای والامقام شهرستان بروجرد، اظهار کرد: «محمود صارمی شهید راه حقیقت بود و حضور بر مزار پاک وی به مناسبت روز خبرنگار توفیق است.» مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) اظهار کرد: «این حضور فرصتی برای یادآوری جایگاه و اهمیت کار اصحاب رسانه بویژه خبرنگاران شهید است، چراکه این قشر شاهدان حقیقت بودند و جان خود را در مسیر انجام رسالت خبری و دفاع از حقیقت تقدیم کردند.» جابری‌انصاری با تأکید بر مسئولیت سنگین رسانه‌ها، اظهار کرد: «خبرنگاران و رسانه‌های مختلف کشور، وظیفه سنگینی بر عهده دارند و باید در عین انعکاس وقایع و حقایق، دنباله‌رو و ادامه‌دهنده راه شهیدان باشند.» وی افزود: «امید می‌رود همواره به عنوان رسانه و خبرنگار، در مسیر آرمان‌های شهدا حرکت کنیم و رسالت خود را در روایت درست و صادقانه رویدادها به انجام برسانیم.»

خبرنگاران راویان حقیقت هستند

مدیرعامل ایرنا، خبرنگاری را فراتر از انتقال اخبار دانست و گفت: «خبرنگاران راویان حقیقت هستند و بسیاری از بزرگ‌ترین نهضت‌های تاریخ نیز با روایتگری و انتقال حقیقت ماندگار شده است.» جابری‌انصاری با اشاره به نهضت عاشورا تصریح کرد: «در نهضت حسینی نیز زینب کبری(س) و کاروان بازماندگان عاشورا، وظیفه سنگین روایتگری حقیقت را برعهده داشتند و پیام این نهضت را به جامعه منتقل کردند.» وی ادامه داد: «روایت حقیقت، مسئولیتی سنگین و رسالتی مقدس است و خبرنگار باید کنار مردم، در برابر دشمنان، فراز و نشیب‌ها، دردها، سختی‌ها و حتی شرایط عادی جامعه حضور داشته باشد.» به گزارش ایرنا، «حسین جابری‌انصاری» در مراسم گرامیداشت روز خبرنگار که در سالن شورای شهر بروجرد برگزار شد، اظهار کرد: «شهید صارمی نمونه‌ای از جوانان خودساخته ایران اسلامی بود که از محیطی روستایی و ساده برخاست و بدون برخورداری از رانت یا امتیاز ویژه، به قله‌های افتخار و خدمت به ایران و اسلام رسید.» وی افزود: «شهید صارمی پس از ورود به خبرگزاری جمهوری اسلامی، هفت سال در عرصه خبرنگاری فعالیت کرد و سرانجام در ۳۰ سالگی در جریان حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزارشریف افغانستان، جان خود را در راه اسلام و ایران تقدیم کرد.» مدیرعامل ایرنا ادامه داد: «شهید صارمی و بسیاری از شهدای این سرزمین، نمادی از ایرانیانی هستند که در طول تاریخ، عظمت، تمدن، فرهنگ و افتخارات این کشور را رقم زده‌اند؛ انسان‌هایی که از دل روستاها و محیط‌های ساده برخاستند، دانش آموختند و به آبادگران و افتخارآفرینان بزرگ ایران تبدیل شدند.»

ایران از جنگ اخیر سربلند بیرون آمد

جابری‌انصاری با اشاره به نامگذاری ۱۷ مرداد به عنوان روز خبرنگار، گفت: «این روز تنها یادبودی برای یک شهید نیست، بلکه فرصتی برای گرامیداشت همه شهدایی است که در مسیر روایت حقیقت جان خود را فدا کردند و از همه هستی خویش برای اعتلای ایران و اسلام گذشتند.» وی بیان کرد: «خبرنگاران شب و روز از وقت، توان و زندگی خود برای روایت حقیقت می‌گذارند و در این مسیر، برخی از آنان به مقام شهادت نائل شده‌اند؛ از این رو، خبرنگاران شهید، راویان حقیقت و شهیدان شاهد هستند.» وی تأکید کرد: «همه ما وامدار شهدا هستیم و باید در برابر عظمت و بزرگی آنان سر تعظیم فرود آوریم و تلاش کنیم به اندازه مسئولیتی که بر دوش ما گذاشته شده است، به راه، نام، یاد و مرام شهیدان، بویژه شهدای خبرنگار وفادار باشیم.» جابری‌انصاری ابراز امیدواری کرد، خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای بتوانند در اندازه این مسئولیت بزرگ ظاهر شوند و با وفاداری به حقیقت، مردم و ایران، مسیر شهیدان و روایتگران صادق تاریخ را ادامه دهند. وی با اشاره به جنگ تحمیلی اخیر و مقاومت ملت ایران در برابر حملات دشمنان اظهار کرد: «این حقیقت در حوادث و بحران‌های اخیر نیز خود را نشان داد؛ در برابر قدرت‌های طغیانگر و برخوردار از امکانات مادی گسترده، ملت ایران و دولت و نیروهای مسلح کشور با سربلندی از دل بحران و جنگ بیرون آمدند و بار دیگر ظرفیت تاریخی خود را برای مقاومت و ایستادگی به نمایش گذاشتند.» مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی با تجلیل از نیروهای مسلح، افزود: «نیروهای مسلح فداکار ایران، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، در صف مقدم این ایستادگی قرار داشتند و شهدای گرانقدری تقدیم کردند که نمونه و نماد آنان رزمندگانی بودند که حتی در سخت‌ترین شرایط، پای مأموریت و مسئولیت خود ایستادند و جان خود را فدای ایران و اسلام کردند.»

> خبرنگاران شب و روز از وقت، توان و زندگی خود برای روایت حقیقت می‌گذارند و در این مسیر، برخی از آنان به مقام شهادت نائل شده‌اند؛ از این رو، خبرنگاران شهید، راویان حقیقت و شهیدان شاهد هستند

وحدت ملی؛ پاسخ ایران به تندبادهای پیش‌رو

جابری‌انصاری با اشاره به ادعاهای دشمنان درباره پایان یافتن توان دفاعی ایران، گفت: «دشمن بارها اعلام کرد کار نیروهای مسلح ایران تمام شده است، اما این ادعاها بارها و بارها تکرار شد و هر بار واقعیت میدان خلاف آن را نشان داد؛ نیروهای مسلح ایران همچنان سرافراز ایستاده‌اند و از امنیت و عزت کشور دفاع می‌کنند.» وی تأکید کرد: «ملت ایران، نیروهای مسلح، رهبری و دولت و خدمتگزاران ملت، با اتحاد، همدلی و همراهی و در بستر هویت‌های متحد و هویت‌بخش ایران، می‌توانند همچنان خالق موفقیت‌ها و عظمت‌های آینده کشور باشند.» مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) گفت: «درهم‌تنیدگی سه هویت تاریخی ایران، یعنی ایرانیت، اسلامیت و تشیع، یکی از مهم‌ترین رازهای عظمت، ماندگاری و سربلندی ملت ایران در طول تاریخ است.» جابری‌انصاری در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت وحدت ملی تأکید کرد و گفت: «یکی از مهم‌ترین پیام‌های روز خبرنگار باید تأکید دوباره بر ضرورت وحدت ملی و کنار یکدیگر بودن باشد.» وی افزود: «باید از دوگانه‌های ساختگی و جعلی و حتی از دوگانه‌هایی که ریشه در اختلافات واقعی دارند، اما نباید به جدایی و گسست اجتماعی منجر شوند، فاصله بگیریم. حتی اختلافات واقعی نیز نباید بهانه‌ای برای از هم گسستن پیوندهای ملی و اجتماعی ملت ایران باشد.» وی ادامه داد: «همان‌گونه که همراهی عناصر هویت‌بخش تاریخی ملت و دولت ایران یکی از اسرار عظمت این سرزمین است، اتحاد، یگانگی و همراهی اقشار مختلف جامعه، شخصیت‌ها و بزرگان، دولت، ملت، نیروهای مسلح و مردم همیشه در صحنه نیز می‌تواند زمینه‌ساز عبور از طوفان‌ها و تندبادهای پیش‌رو باشد.» مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) خاطرنشان کرد: «باید در چارچوب قانون اساسی و بر بستر شعارهای اساسی جمهوری اسلامی، یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، مسیر پیشرفت و سربلندی ایران را ادامه دهیم و همچنان خالق عظمت‌ها و بزرگی‌های این سرزمین باشیم.»

اطلاع رسانی

مزیت آینده ایران؛ از نفت تا دانشی که اصطکاک توسعه را کاهش می‌دهد

یادداشت

فرهاد امین دهقان
فعال حوزه نفت و انرژی

گاهی اهمیت یک صنعت، نه در آن چیزی است که تولید می‌کند، بلکه در آن چیزی است که از وقوعش جلوگیری می‌کند. صنعت روانکار از همین جنس است. اگر این صنعت به‌درستی عمل کند، موتورهای خودرو، توربین‌های نیروگاه، ماشین‌آلات کارخانه‌ها و تجهیزات صنایع بدون وقفه به کار خود ادامه می‌دهند؛ اما هنگامی که زنجیره تأمین آن دچار اختلال شود، پیامدهای آن بسیار فراتر از افزایش قیمت یک قوطی روغن موتور خواهد بود.

نمونه‌ای روشن از این واقعیت، تحولات اخیر بازار جهانی است. همزمان با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، آنچه دچار التهاب شد، تنها بازار نفت خام نبود. گزارش بلومبرگ نشان داد که اختلال در عرضه روغن‌های پایه گروه III –که بخش مهمی از روانکارهای پیشرفته جهان بر پایه آن تولید می‌شوند– موجب افزایش قیمت روغن موتور در بازار آمریکا و بالا رفتن هزینه نگهداری خودروها شد. این اتفاق نشان داد که در اقتصاد امروز، حتی یک تعویض روغن ساده نیز می‌تواند تحت تأثیر امنیت زنجیره تأمین انرژی و صنایع پایین‌دستی قرار گیرد.

این رخداد یک پیام مهم برای اقتصاد جهان داشت: قدرت کشورها دیگر تنها با میزان ذخایر نفت و گاز سنجیده نمی‌شود، بلکه با توان آنها در تکمیل زنجیره ارزش، توسعه فناوری و حفظ پایداری زنجیره‌های تأمین ارزیابی می‌شود. در چنین شرایطی، صنایعی که روزگاری تنها حلقه‌ای از صنایع نفتی محسوب می‌شدند، امروز به بخشی از امنیت صنعتی و حتی امنیت اقتصادی کشورها تبدیل شده‌اند. صنعت روانکار نیز از همین منظر نیازمند بازتعریف است. بسیاری آن را صرفاً تولیدکننده روغن موتور یا روانکارهای صنعتی می‌دانند، در حالی که نقش واقعی آن بسیار فراتر از یک کالای مصرفی است. اگر نفت، سوخت حرکت اقتصاد باشد، صنعت روانکار تضمین‌کننده استمرار آن حرکت است؛ حلقه‌ای که بدون آن، هیچ موتور، ماشین، کارخانه، نیروگاه و پتروشیمی یا زنجیره تولیدی نمی‌تواند با بهره‌وری مطلوب به فعالیت خود ادامه دهد. در حقیقت، صنعت روانکار را می‌توان صنعتی دانست که هزینه اصطکاک را نه‌فقط میان قطعات فلزی، بلکه در کل اقتصاد کاهش می‌دهد. این اصطکاک گاه در قالب افزایش استهلاک تجهیزات ظاهر می‌شود، گاه در مصرف بیشتر انرژی، گاه در توقف خطوط تولید و گاه در کاهش رقابت‌پذیری صنایع. هرچه فناوری روانکارها پیشرفته‌تر باشد، این اصطکاک نیز کمتر خواهد شد و بهره‌وری کل اقتصاد افزایش خواهد یافت.

جهان امروز، بیش از هر زمان دیگری، در حال بازتعریف مفهوم قدرت است. در قرن بیستم، مزیت کشورها عمدتاً به حجم منابع طبیعی آنها وابسته بود؛ اما در قرن بیست‌ویکم، مزیت پایدار از دانشی حاصل می‌شود که بر آن منابع افزوده می‌شود. فاصله میان یک اقتصاد صادرکننده مواد خام و یک اقتصاد پیشرو، دیگر در میزان ذخایر زیرزمینی نیست؛ بلکه در توان تبدیل این ذخایر به فناوری، برند، خدمات و ارزش افزوده نهفته است. از همین منظر، صنعت روانکار دیگر تنها یکی از حلقه‌های زنجیره نفت نیست؛ بلکه بخشی از معماری امنیت صنعتی، امنیت انرژی و تاب‌آوری اقتصادی کشورهاست. تجربه همه‌گیری کرونا، بحران انرژی اروپا، اختلال در زنجیره‌های تأمین، جنگ‌های منطقه‌ای و نوسانات ژئوپلیتیکی همگی یک واقعیت را آشکار کردند: اقتصادهای تاب‌آور الزاماً اقتصادهای ثروتمند نیستند، بلکه اقتصادهایی هستند که میان منابع، فناوری و نوآوری پیوند برقرار کرده‌اند. ایران در این میان از موقعیتی کم‌نظیر برخوردار است. برخورداری از منابع عظیم هیدروکربوری، زیرساخت‌های صنعتی، سابقه چند دهه تولید، نیروی انسانی متخصص و دسترسی جغرافیایی به بازارهای بزرگ منطقه، ظرفیت‌هایی هستند که بسیاری از کشورها از آنها بی‌بهره‌اند. اما تاریخ توسعه بارها نشان داده است که هیچ کشوری صرفاً با اتکا به منابع طبیعی، به قدرت اقتصادی پایدار تبدیل نشده است. منابع، نقطه آغاز هستند، نه نقطه پایان. تجربه کشورهایی مانند کره‌جنوبی، سنگاپور و حتی برخی تولیدکنندگان بزرگ انرژی نشان می‌دهد که ارزش واقعی زمانی خلق می‌شود که مواد اولیه به فناوری تبدیل شوند. در صنعت روانکار نیز ارزش اصلی در فروش روغن پایه نیست؛ بلکه در دانش فرمولاسیون، فناوری افزودنی‌ها، توسعه محصولات تخصصی، خدمات مهندسی و اعتماد بازار نهفته است. هرچه سهم دانش در یک محصول بیشتر باشد، فاصله آن از نوسانات بازار مواد خام نیز بیشتر خواهد شد.

به همین دلیل است که رقابت امروز شرکت‌های بزرگ جهان، رقابت بر سر تولید بیشتر نیست؛ رقابت بر سر خلق ارزش بیشتر است. ارزش نیز در فناوری نهفته است؛ در روانکارهایی که مصرف انرژی را کاهش می‌دهند، عمر تجهیزات را افزایش می‌دهند، با خودروهای نسل جدید سازگارند و برای صنایع حساس، راه‌حل‌های اختصاصی ارائه می‌کنند. آینده این صنعت، آینده فروش یک کالا نیست؛ آینده فروش «کارایی»، «اطمینان» و «بهره‌وری» است. شرکت‌های پیشرو جهان نیز دقیقاً در همین مسیر حرکت کرده‌اند. بسیاری از آنها دیگر خود را صرفاً تولیدکننده روانکار نمی‌دانند، بلکه ارائه‌دهنده خدمات مدیریت روانکاری هستند. آنها با استفاده از تحلیل دوره‌ای روغن، پایش وضعیت تجهیزات، داده‌های عملیاتی و سامانه‌های هوشمند، زمان مناسب تعمیرات را پیش‌بینی می‌کنند و پیش از وقوع خرابی، مشتری را از خطر آگاه می‌سازند. در چنین الگویی، ارزش واقعی نه در فروش هر لیتر روغن، بلکه در کاهش هزینه توقف خطوط تولید مشتری ایجاد می‌شود. این همان نقطه‌ای است که صنعت روانکار با تحول دیجیتال پیوند می‌خورد؛ جایی که هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، تحلیل داده و نگهداری پیش‌بینانه، به اندازه خود محصول اهمیت پیدا می‌کنند. آینده این صنعت را تنها پالایشگاه‌ها تعیین نخواهند کرد؛ بلکه آزمایشگاه‌های تحقیق و توسعه، شرکت‌های نرم‌افزاری، مراکز داده و دانشگاه‌ها نیز در شکل دادن به آن نقش خواهند داشت. اگر آینده صنعت روانکار را تنها در توسعه ظرفیت تولید خلاصه کنیم، در واقع تحولات بزرگ این صنعت را نادیده گرفته‌ایم. همان گونه که صنعت خودرو سال‌هاست از فروش یک وسیله نقلیه به ارائه خدمات هوشمند، نرم‌افزار و مدیریت داده حرکت کرده است، صنعت روانکار نیز در حال عبور از اقتصاد محصول به اقتصاد خدمات است. در آینده‌ای نه‌چندان دور، مشتری تنها به دنبال خرید یک روغن موتور نخواهد بود؛ او انتظار خواهد داشت راهکاری دریافت کند که مصرف انرژی را کاهش دهد، عمر تجهیزات را افزایش دهد، زمان توقف خطوط تولید را به حداقل برساند و هزینه‌های نگهداری را بهینه کند. امروز در بسیاری از صنایع پیشرفته، تحلیل روغن (Oil Analysis) به یکی از ارکان نگهداری پیش‌بینانه (Predictive Maintenance) تبدیل شده است. روانکار دیگر تنها وظیفه کاهش اصطکاک را بر عهده ندارد؛ بلکه به منبعی ارزشمند از اطلاعات درباره وضعیت تجهیزات تبدیل شده است. تغییر در ویسکوزیته، وجود ذرات فلزی، آلودگی یا تغییرات شیمیایی روغن، می‌تواند ماه‌ها پیش از وقوع خرابی، نشانه‌های فرسایش یک تجهیز را آشکار کند. به همین دلیل، بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان، از جمله شل، اکسون‌موبیل، توتال‌انرژیز و فوکس، خدمات پایش وضعیت تجهیزات را در کنار محصولات خود ارائه می‌کنند؛ زیرا مشتری امروز، بیش از آنکه به دنبال خرید روغن باشد، به دنبال کاهش ریسک تولید است.

این تغییر نگاه، تعریف کارآفرینی را نیز دگرگون کرده است. دیگر نمی‌توان کارآفرینی را صرفاً در احداث یک کارخانه یا افزایش ظرفیت تولید خلاصه کرد. کارآفرینی واقعی، خلق یک اکوسیستم است؛ اکوسیستمی که در آن دانشگاه، صنعت، شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌ها، سرمایه‌گذاران، مراکز تحقیق و توسعه و بازار، در کنار یکدیگر ارزش خلق می‌کنند. هر فرمولاسیون جدید، هر افزودنی پیشرفته، هر استاندارد بین‌المللی و هر فناوری بومی، می‌تواند به ایجاد کسب‌وکارهای جدید و فرصت‌های شغلی پایدار منجر شود؛ فرصت‌هایی که سرمایه اصلی آنها نه نفت، بلکه دانش است. این همان نقطه‌ای است که ایران می‌تواند مزیت تاریخی خود را به مزیتی پایدار تبدیل کند. کشور ما تنها یکی از دارندگان بزرگ منابع هیدروکربوری نیست؛ بلکه از شبکه گسترده‌ای از دانشگاه‌ها، متخصصان، شرکت‌های تولیدی و تجربه صنعتی نیز برخوردار است. اما این ظرفیت زمانی به مزیت رقابتی تبدیل خواهد شد که ارتباط میان این اجزا از حالت جزیره‌ای خارج شود. توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که پژوهش دانشگاهی به فناوری صنعتی، فناوری به محصول، محصول به برند و برند به بازارهای جهانی تبدیل شود. در این میان، صادرات نیز نیازمند بازتعریف است. برای سال‌ها، صادرات در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، به معنای عبور کالا از مرزها تلقی می‌شد؛ اما در اقتصاد امروز، صادرات بیش از هر چیز به معنای صدور اعتماد است. کشوری که بتواند محصولی با کیفیت پایدار، خدمات فنی قابل اتکا و برند معتبر ارائه کند، در واقع سرمایه صنعتی خود را صادر کرده است، نه صرفاً یک کالا را.

برای صنعت روانکار ایران نیز مسیر آینده از همین نقطه عبور می‌کند. رقابت پایدار در بازارهای منطقه‌ای، با کاهش قیمت به دست نمی‌آید؛ زیرا همواره تولیدکننده‌ای وجود خواهد داشت که ارزان‌تر عرضه کند. مزیت رقابتی زمانی شکل می‌گیرد که کیفیت، خدمات پس از فروش، پشتیبانی فنی، استانداردهای بین‌المللی و اعتماد مشتری، بخشی از ارزش پیشنهادی محصول باشند. بازارهای آسیای مرکزی، قفقاز، کشورهای حاشیه خلیج فارس، آسیای غربی و حتی بخش‌هایی از آفریقا، صرفاً مقصد فروش نیستند؛ بلکه می‌توانند بستری برای شکل‌گیری زنجیره‌های مشترک ارزش، همکاری‌های فناورانه و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی باشند. از سوی دیگر، اقتصاد سبز نیز دیگر یک انتخاب داوطلبانه نیست؛ بلکه به یکی از الزامات رقابت‌پذیری جهانی تبدیل شده است. امروز تولیدکننده‌ای موفق‌تر است که بتواند همزمان مصرف انرژی را کاهش دهد، عمر تجهیزات را افزایش دهد، آلایندگی را کم کند و بازیافت را به بخشی از چرخه تولید خود تبدیل سازد. صنعت روانکار نیز از این تحول مستثنا نیست.

روانکارهای پیشرفته تنها یک نیاز صنعتی را برطرف نمی‌کنند؛ آنها با کاهش اصطکاک داخلی تجهیزات، مصرف سوخت را کاهش می‌دهند، انتشار آلاینده‌ها را کم می‌کنند و عمر ماشین‌آلات را افزایش می‌دهند. به همین دلیل، ارزش واقعی یک روانکار تنها در قیمت هر لیتر آن نیست؛ بلکه در صرفه‌جویی انرژی، کاهش هزینه‌های تعمیرات و افزایش بهره‌وری است که در طول عمر تجهیزات ایجاد می‌کند. شاید یکی از اشتباهات رایج در نگاه به این صنعت، تمرکز بیش از حد بر قیمت محصول باشد. در حالی که برای یک کارخانه بزرگ، یک نیروگاه یا یک مجتمع پتروشیمی، هزینه توقف تولید در بسیاری از موارد چندین برابر هزینه خرید روانکار است. از این منظر، روانکار دیگر یک کالای مصرفی نیست؛ بلکه ابزاری برای مدیریت ریسک، حفظ تداوم تولید و افزایش قابلیت اطمینان تجهیزات است.

دقیقاً به همین دلیل است که نوسانات اخیر بازار جهانی روانکار، اهمیت این صنعت را بیش از گذشته آشکار کرد. آنچه در ماه‌های اخیر در بازار روغن‌های پایه رخ داد، نشان داد که حتی اقتصادهای بزرگ نیز در برابر اختلال زنجیره تأمین این محصولات آسیب‌پذیر هستند. افزایش قیمت روانکار در بازارهای جهانی، تنها ناشی از افزایش قیمت نفت نبود؛ بلکه نتیجه آسیب‌پذیری زنجیره‌ای بود که از تولید روغن پایه و افزودنی‌ها آغاز می‌شود و تا مصرف‌کننده نهایی ادامه پیدا می‌کند. این تجربه بار دیگر ثابت کرد که تاب‌آوری صنعتی، تنها به تولید مواد خام وابسته نیست؛ بلکه به توان مدیریت و تکمیل زنجیره ارزش بستگی دارد. از این منظر، صنعت روانکار برای ایران صرفاً یک صنعت پایین‌دستی نفت نیست؛ بلکه می‌تواند به یکی از حلقه‌های راهبردی اقتصاد دانش‌بنیان تبدیل شود. کشوری که بتواند دانش طراحی فرمولاسیون، تولید افزودنی‌های پیشرفته، خدمات مهندسی، سامانه‌های هوشمند پایش تجهیزات و برندهای معتبر منطقه‌ای را توسعه دهد، تنها صادرکننده محصول نخواهد بود؛ بلکه صادرکننده فناوری، دانش و اعتماد خواهد شد. اما شاید مهم‌ترین سرمایه صنعت روانکار، نه مخازن نفت، نه پالایشگاه‌ها و نه خطوط تولید باشد؛ بلکه سرمایه انسانی آن است. هیچ تحول بزرگی بدون مهندسان خلاق، پژوهشگران، متخصصان، مدیران آینده‌نگر و جوانانی که جسارت تجربه‌کردن دارند، شکل نخواهد گرفت. آینده صنعت انرژی، بیش از آنکه در اعماق زمین رقم بخورد، در ذهن انسان‌هایی ساخته می‌شود که می‌توانند از یک ماده خام، فناوری، از فناوری، کسب‌وکار و از کسب‌وکار، مزیت رقابتی خلق کنند.

از همین رو، توسعه این صنعت را نمی‌توان تنها با افزایش ظرفیت تولید یا احداث واحدهای جدید سنجید. توسعه پایدار زمانی شکل می‌گیرد که میان دانشگاه، صنعت، شرکت‌های دانش‌بنیان، نظام مالی، سیاست‌گذاران و بازار، رابطه‌ای مستمر و مؤثر برقرار باشد. اقتصاد آینده، اقتصاد شبکه‌هاست، نه اقتصاد واحدهای منفرد. کشورهایی که زودتر این پیوند را برقرار کنند، زودتر نیز در زنجیره ارزش جهانی جایگاه بالاتری به دست خواهند آورد. در چنین نگاهی، صنعت روانکار صرفاً مصرف‌کننده فناوری نیست؛ بلکه می‌تواند خود به تولیدکننده فناوری تبدیل شود. فرمولاسیون‌های جدید، افزودنی‌های پیشرفته، روانکارهای ویژه صنایع حساس، فناوری‌های پایش هوشمند تجهیزات و خدمات مهندسی مرتبط، همگی حوزه‌هایی هستند که ارزش افزوده آنها چندین برابر فروش مواد اولیه است. این همان مسیری است که بسیاری از اقتصادهای پیشرو طی کرده‌اند؛ آنها ابتدا منابع را به محصول تبدیل کردند، سپس محصول را به فناوری، فناوری را به برند و در نهایت برند را به قدرت اقتصادی. ایران نیز می‌تواند چنین مسیری را طی کند، مشروط بر آنکه نگاه خود را به صنعت تغییر دهد. تا زمانی که مزیت را تنها در استخراج بیشتر، تولید بیشتر یا صادرات بیشتر جست‌وجو کنیم، بخش مهمی از ظرفیت‌های کشور نادیده گرفته خواهد شد. مزیت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که هر حلقه از زنجیره ارزش، بر پایه دانش، نوآوری و بهره‌وری تقویت شود. از این منظر، صنعت روانکار تنها یک صنعت پشتیبان نیست؛ بلکه می‌تواند یکی از پیشران‌های تحول صنعتی ایران باشد؛ صنعتی که در نقطه تلاقی نفت، شیمی، مهندسی، هوش مصنوعی، داده، محیط زیست و مدیریت دارایی‌های صنعتی قرار گرفته و می‌تواند الگویی از گذار موفق از اقتصاد منابع به اقتصاد دانش ارائه کند. تحولات اقتصاد جهانی نیز همین مسیر را تأیید می‌کند. امروز رقابت کشورها بیش از آنکه بر سر مصرف بیشتر انرژی باشد، بر سر بهره‌وری بیشتر از انرژی است. داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) نشان می‌دهد که با وجود بیش از دو برابر شدن تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه آمریکا طی پنج دهه گذشته، مصرف سرانه انرژی این کشور حدود ۱۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش نه نتیجه رکود اقتصادی، بلکه حاصل افزایش بهره‌وری، توسعه فناوری، استانداردهای مصرف انرژی، تجهیزات کارآمدتر و حرکت تدریجی اقتصاد به سمت فعالیت‌های دانش‌محور است. پیام این تجربه روشن است: توسعه پایدار الزاماً به معنای مصرف بیشتر منابع نیست، بلکه به معنای خلق ارزش بیشتر از هر واحد انرژی و هر واحد سرمایه است. صنعت روانکار دقیقاً در همین نقطه قرار می‌گیرد. روانکارهای پیشرفته تنها اصطکاک میان قطعات را کاهش نمی‌دهند؛ آنها با کاهش اتلاف انرژی، افزایش عمر تجهیزات، کاهش توقف خطوط تولید و بهینه‌سازی عملکرد ماشین‌آلات، بخشی از موتور بهره‌وری اقتصاد هستند. ارزش واقعی این صنعت، نه در تعداد لیترهای فروخته‌شده، بلکه در انرژی، زمان و سرمایه‌ای است که در طول عمر تجهیزات برای صنایع صرفه‌جویی می‌کند.

از سوی دیگر، تمرکز بخش بزرگی از ظرفیت تولید روغن‌های پایه گروه III جهان در آسیا و کشورهای حاشیه خلیج فارس، اهمیت راهبردی این صنعت را بیش از گذشته آشکار کرده است. برآوردها نشان می‌دهد بیش از نیمی از ظرفیت تولید این روغن‌های پایه در آسیا و حدود یک‌چهارم آن در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس متمرکز است. همین تمرکز جغرافیایی سبب شده است که هرگونه اختلال ژئوپلیتیکی در این منطقه، نه‌تنها بازار نفت، بلکه زنجیره تأمین روانکارهای پیشرفته جهان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. افزایش اخیر قیمت روغن موتور در بازارهای جهانی، در پی اختلال عرضه روغن‌های پایه، بار دیگر نشان داد که امنیت انرژی در قرن بیست‌ویکم تنها به نفت خام وابسته نیست؛ بلکه به پایداری زنجیره ارزش آن نیز گره خورده است. شاید بتوان گفت مأموریت صنعت روانکار در دهه پیش رو، تنها کاهش اصطکاک میان قطعات فلزی نیست؛ بلکه کاهش اصطکاک در مسیر توسعه ایران است. این اصطکاک، همیشه مکانیکی نیست. گاهی در فاصله میان دانشگاه و صنعت دیده می‌شود؛ جایی که پژوهش‌ها به محصول تبدیل نمی‌شوند. گاهی در فاصله میان ایده و سرمایه‌گذاری است؛ جایی که نوآوری فرصت تجاری شدن پیدا نمی‌کند. گاهی در فاصله میان تولید و بازارهای جهانی است؛ جایی که کیفیت وجود دارد، اما برند و شبکه توزیع شکل نگرفته است. و گاهی نیز در فاصله میان سیاست‌گذاری و واقعیت‌های صنعت است؛ جایی که تصمیم‌ها با سرعت تحولات فناوری همگام نیستند.

اگر مأموریت روانکار، کاهش اصطکاک میان قطعات است، مأموریت اقتصاد دانش‌بنیان نیز باید کاهش اصطکاک میان این حلقه‌ها باشد. هر سیاستی که ارتباط دانشگاه و صنعت را تقویت کند، هر سرمایه‌گذاری که تحقیق و توسعه را به تولید نزدیک‌تر سازد، هر فناوری که مصرف انرژی را کاهش دهد و هر محصولی که اعتبار صنعت ایران را در بازارهای جهانی افزایش دهد، در حقیقت بخشی از این اصطکاک را از میان برداشته است. برای ایران، این تحول می‌تواند یک فرصت تاریخی باشد. ما از منابع، تجربه صنعتی، نیروی انسانی و موقعیت جغرافیایی برخورداریم؛ اما آنچه می‌تواند این ظرفیت‌ها را به مزیتی پایدار تبدیل کند، سرمایه‌گذاری بر دانش، تحقیق و توسعه، استانداردهای جهانی و خلق برندهای معتبر منطقه‌ای است. آینده این صنعت نه در فروش بیشتر مواد اولیه، بلکه در تولید محصولاتی نهفته است که مشتری برای دانش نهفته در آنها هزینه بپردازد. توسعه، در نهایت، تنها ساختن کارخانه‌های بیشتر نیست؛ توسعه یعنی ساختن اقتصادی که در آن هر واحد سرمایه، هر ساعت کار، هر ایده و هر قطره از منابع طبیعی، بیشترین ارزش ممکن را خلق کند.

شاید مهم‌ترین درس تحولات سال‌های اخیر همین باشد؛ کشورهایی که تنها منابع می‌فروشند، همواره در معرض نوسانات بازار خواهند بود، اما کشورهایی که دانش، فناوری و بهره‌وری می‌فروشند، قواعد بازار را تعیین می‌کنند. آینده صنعت انرژی نه در استخراج بیشتر، بلکه در استفاده هوشمندانه‌تر از هر بشکه نفت و هر واحد انرژی رقم خواهد خورد. اگر ایران بتواند این نگاه را به راهبرد صنعتی خود تبدیل کند، صنعت روانکار می‌تواند یکی از نخستین نمادهای این گذار باشد.

شاید آینده، بیش از آنکه متعلق به کشورهایی باشد که نفت بیشتری دارند، از آن کشورهایی باشد که بهتر می‌دانند چگونه از نفت، دانش خلق کنند؛ زیرا این دانش است که اصطکاک توسعه را کاهش می‌دهد و موتور پیشرفت ملت‌ها را به حرکت درمی‌آورد.

> تجربه کشورهایی مانند کره‌جنوبی، سنگاپور و حتی برخی تولیدکنندگان بزرگ انرژی نشان می‌دهد که ارزش واقعی زمانی خلق می‌شود که مواد اولیه به فناوری تبدیل شوند. در صنعت روانکار نیز ارزش اصلی در فروش روغن پایه نیست؛ بلکه در دانش فرمولاسیون، فناوری افزودنی‌ها، توسعه محصولات تخصصی، خدمات مهندسی و اعتماد بازار نهفته است. هرچه سهم دانش در یک محصول بیشتر باشد، فاصله آن از نوسانات بازار مواد خام نیز بیشتر خواهد شد

مدیرکل بیمه سلامت استان تهران در گفت‌وگو با «ایران»:

بیش از دو میلیون و ۲۰۰ هزار تهرانی بیمه رایگان دارند

گزارش خبری

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

«بیمار به‌جز رنج بیماری نباید درد دیگری داشته باشد.» جمله‌ای که آقای شهیدمان بارها بر آن تأکید داشتند و همین امر سبب تقویت بیمه‌ها برای تحت پوشش قرار دادن شهروندان شد، به‌طوری که در بیمه سلامت، دهک‌های ۱ تا ۵ جامعه به شکل کاملاً رایگان بیمه شدند و دولت برای دیگر دهک‌ها هم تخفیف‌هایی در نظر گرفت تا هیچ شهروندی بدون پوشش بیمه‌ای نباشد. در این میان، از بیش از ۵ میلیون بیمه شده تهرانی، ۲میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به طور رایگان تحت پوشش قرار دارند. به گفته مسئولان بیمه سلامت استان تهران، بیماران نشان‌دار شده در صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج از دهک اول تا دهم، از پرداخت حق بیمه معاف بوده و رایگان خدمات را دریافت می‌کنند.

محمد غلام‌نژاد، مدیرکل بیمه سلامت استان تهران، با تأکید بر اهمیت تحقق عدالت در دسترسی به خدمات سلامت و کاهش هزینه‌های درمانی خانوارها به «ایران» می‌گوید: «براساس توسعه پوشش همگانی بیمه پایه سلامت در چارچوب قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه دولت و برای تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات درمانی، مشمولان دهک‌های درآمدی اول تا پنجم بدون پرداخت حق بیمه، رایگان تحت پوشش قرار می‌گیرند. این افراد بدون نیاز به مراجعه حضوری به مدت یک سال طبق مصوبات هیأت وزیران مشمول بیمه سلامت قرار می‌گیرند و فرآیند برقراری بیمه این افراد به‌شکل خودکار انجام می‌شود.»

او با اشاره به اینکه به طور کلی در استان تهران حدود پنج میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بیمه شده داریم، می‌گوید: «۳ میلیون و ۸۵۰ هزار نفر بیمه سلامت همگانی ایرانیان هستند که دو میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در دهک‌های یک تا پنج درآمدی قرار دارند و حق بیمه آنها رایگان محاسبه می‌شود. در این بین، حدود یک میلیون و ۶۵۰ هزار نفر هم در دهک‌های درآمدی ۶ تا ۱۰ هستند و براساس آزمون وسع شامل تخفیف‌هایی در پرداخت حق بیمه می‌شوند. با این اقدام، فشار کمتری به افرادی که وسع مالی کمتری دارند می‌آید و می‌توانند از خدمات درمانی بیمه سلامت بهره‌مند شوند.»

تخفیف ویژه برای بیمه شده‌های روستایی

مدیرکل بیمه سلامت استان تهران با اشاره به اینکه جمعیت بیمه روستایی اطراف تهران حدود ۲۳۷ هزارو ۶۵۱ نفر می‌شود، توضیح می‌دهد: «از این تعداد ۱۱۱ هزارو ۹۳۳نفردر دهک‌های یک تا پنج قرار دارند و حق بیمه این افراد در سال جاری به شکل خودکار تمدید شده است. همچنین ۱۱۹ هزار و ۲۰۸ نفر هم در دهک ۶ تا ۱۰ درآمدی هستند که حق بیمه این شهروندان هم بر اساس ارزیابی وسع تعیین می‌شود و باید مبالغی را به بیمه سلامت برای تمدید، پرداخت کنند.»

غلام‌نژاد با بیان اینکه بیماران نشان‌دار شده در صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج از دهک اول تا دهم، از پرداخت حق بیمه معاف بوده و رایگان خدمات را دریافت می‌کنند، توضیح می‌دهد: «در حال حاضر ۱۳۰ گروه بیماری تحت پوشش این صندوق قرار دارند و پوشش بیمه‌ای برخی داروها در صندوق بیماران خاص و صعب العلاج تا ۹۰ درصد و در برخی موارد تا ۱۰۰ درصد برای بیمارانی که نشان‌دار شده‌اند، انجام می‌شود. همچنین بالغ بر ۸۰ درصد از بیمه‌شدگان سازمان بیمه سلامت ایران، بدون پرداخت حق بیمه و به شکل رایگان تحت پوشش قرار دارند، چون دولت با هدف کاهش فشارمالی برخانوارها حق بیمه این افراد را تقبل می‌کند. با این اوصاف، حدود ۱۳۰ هزار نفر بیمه شده سلامت در تهران برای صندوق بیماران خاص نشان‌دار شده‌اند و از خدمات آن استفاده می‌کنند.»

به گفته او، دولت برای تسهیل در امور درمانی مردم تخفیف‌هایی نیز برای دیگر دهک‌ها در نظر گرفته است. به این صورت که افرادی که در دهک درآمدی شش قرار دارند، مشمول ۶۰ درصد تخفیف در پرداخت حق بیمه سلامت هستند و دهک هفت با پرداخت ۵۰ درصد از حق بیمه می‌توانند از خدمات بیمه سلامت استفاده کنند. البته این تخفیف‌ها برای دهک درآمدی ۸ و ۹ هم وجود دارد و به ترتیب ۴۰ و ۳۰ درصد تخفیف شامل حال این دو گروه درآمدی هم می‌شود. با این اوصاف، فقط افرادی که در دهک درآمدی ۱۰ قرار دارند، باید برای دریافت دفترچه بیمه سلامت ۱۰۰ درصد حق بیمه را پرداخت کنند. با توجه به اینکه مبلغ پرداختی بر اساس نتایج ارزیابی وسع و دهک‌های درآمدی از طرف وزارت رفاه تعیین می‌شود، رعایت شرط خانوار برای تمامی افراد خانواده به منظور برقراری پوشش بیمه پایه سلامت الزامی است تا حمایت بیمه‌ای به صورت یکپارچه شامل همه اعضای خانواده شود.

مدیرکل بیمه سلامت استان تهران با اشاره به اینکه مسیرهای غیرحضوری برای فعال‌سازی بیمه سلامت وجود دارد، می‌گوید: «سازمان بیمه سلامت ایران همواره تلاش می‌کند، فرآیند عضویت و فعال‌سازی بیمه را برای مردم آسان کند و با تقویت سواد سلامت و خدمات بیمه‌ای، نقش خود را در حمایت از خانواده‌های ایرانی بیش از پیش گسترش بدهد. برهمین اساس از همه شهروندان فاقد پوشش بیمه برای تعیین تکلیف وضعیت بیمه‌ای درخواست می‌کنیم نسبت به دریافت پوشش بیمه براساس دهک درآمدی اقدام کنند. افراد می‌توانند از طریق کد دستوری #۱۶۶۶*، تماس با سامانه تلفنی ۱۶۶۶ همچنین مراجعه به سامانه شهروندی به نشانی csp.ihio.gov.ir وضعیت خود را استعلام کرده یا نسبت به ثبت‌نام اقدام کنند.»

> در حال حاضر ۱۳۰گروه بیماری تحت پوشش این صندوق قرار دارند و پوشش بیمه‌ای برخی داروها در صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج تا ۹۰ درصد و در برخی موارد تا ۱۰۰ درصد برای بیمارانی که نشان‌دار شده‌اند، انجام می‌شود

خدمات بستری در سطح سه پزشکی خانواده رایگان است

به گفته غلام‌نژاد، افراد مشمول دهک‌های ۶ تا ۱۰ درآمدی در صورت تأخیر در دریافت پوشش بیمه‌ای، ملزم به پرداخت حق بیمه معوقه خواهند شد. او درباره اجرای طرح پزشکی خانواده و تأثیر آن در کاهش پرداختی از جیب بیماران توضیح می‌دهد: «بیمه سلامت در بخش سرپایی ۷۰ درصد هزینه‌ها و در بخش بستری ۹۰ درصد هزینه‌ها را پوشش می‌دهد. اما بیمه‌شدگان این سازمان بیمه گر با اجرای برنامه پزشکی خانواده و نظام ارجاع در شهرهای منتخب، علاوه بر چهار ویزیت رایگان در سطح یک، در صورت رعایت نظام ارجاع در مراکز دولتی فقط ۱۵ درصد فرانشیز پرداخت می‌کنند و اگر به بستری در بیمارستان نیاز داشته باشند- یعنی سطح سه خدمات درمانی- از پرداخت هزینه معاف می‌شوند.»

مدیرکل بیمه سلامت استان تهران از تداوم پرداخت مطالبات مراکز طرف قرارداد نیز خبر می‌دهد و می‌گوید: «بیمه سلامت برای حمایت از ارائه‌دهندگان خدمات درمانی و بهداشتی و تسریع در تأمین نقدینگی مراکز درمانی، بخش قابل توجهی از مطالبات مؤسسات طرف قرارداد را پرداخت کرده است. با این اوصاف، مطالبات پزشکان، درمانگاه‌های خصوصی دارای نسخه الکترونیک، درمانگاه‌های دولتی، مراکز پاراکلینیک شامل آزمایشگاه‌ها، مراکز تصویربرداری و فیزیوتراپی، داروخانه‌های خصوصی و دولتی دارای نسخه الکترونیک، بیمارستان‌های خصوصی و خیریه و همچنین مراکز دیالیز مستقل تا پایان اردیبهشت‌ماه سال جاری پرداخت شده است.»

او با اشاره به پرداخت مطالبات بیمارستان‌های دانشگاهی به صورت علی‌الحساب تا خردادماه ۱۴۰۵ هم می‌گوید: «بخشی از بدهی‌ها را پرداخت کردیم تا روند ارائه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان بدون وقفه ادامه یابد. سازمان بیمه سلامت با برنامه‌ریزی مستمر و در چارچوب تأمین منابع، پرداخت مطالبات مراکز طرف قرارداد را با اولویت دنبال می‌کند و تلاش می‌کنیم با کاهش فاصله زمانی پرداخت‌ها، از استمرار و کیفیت خدمات درمانی به بیمه‌شدگان حمایت کنیم، چون همکاری و همراهی مراکز طرف قرارداد نقش مهمی در ارائه خدمات مطلوب به بیمه‌شدگان دارد و بیمه سلامت تمام توان خود را برای تسویه به‌موقع مطالبات و حفظ پایداری نظام ارائه خدمات به کار خواهد گرفت.»

نقش انجمن‌های علمی دانشجویی در پاسخ به نیازهای جامعه

یادداشت

مجتبی محمدی
دبیرکل انجمن‌های علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

چالش‌ها صرف‌نظر از منشأ آنها معمولاً دانشگاه را با این پرسش مواجه می‌کنند که سهم نهاد علم در مواجهه با مسائل جامعه چیست؟ در چنین شرایطی انجمن‌های علمی دانشجویی نیز می‌توانند فراتر از فعالیت‌های معمول آموزشی و پژوهشی، نقش مؤثرتری در تولید دانش و گسترش گفت‌وگوی علمی ایفا کنند.

در سال‌های گذشته بخش عمده فعالیت انجمن‌های علمی به برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های علمی محدود بوده است. اما شرایط بحرانی نشان می‌دهد این ظرفیت می‌تواند در خدمت فهم و تحلیل مسائل روز نیز قرار گیرد. هر چالش، مسائل تازه‌ای در حوزه‌های اقتصاد، حقوق، سیاست، رسانه، سلامت و فناوری ایجاد می‌کند که بررسی آنها نیازمند نگاه علمی و میان‌رشته‌ای است. در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، تجربه بحران‌هایی مانند همه‌گیری کرونا، دیگر بلایای طبیعی و تنش‌های بین‌المللی (جنگ روسیه-اوکراین) نشان داد که انجمن‌های علمی و تشکل‌های دانشگاهی می‌توانند به فضایی برای گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای، تولید گزارش‌های تحلیلی، مستندسازی تجربه‌ها و انتقال دانش تبدیل شوند.

این فعالیت‌ها علاوه بر تقویت فضای علمی دانشگاه، به شکل‌گیری ادبیات علمی درباره چالش‌ها و استفاده از آن در پژوهش‌های آینده کمک کرده است. انجمن‌های علمی می‌توانند با تشکیل گروه‌های مطالعاتی، برگزاری نشست‌های تخصصی و انتشار یادداشت‌ها و گزارش‌های تحلیلی، زمینه گفت‌وگوی علمی درباره این مسائل را فراهم کنند. خروجی چنین فعالیت‌هایی تنها در محیط دانشگاه باقی نمی‌ماند، بلکه می‌تواند در اختیار رسانه‌ها، نهادهای مدنی سازمان‌ها و دیگر بازیگران اجتماعی قرار گیرد و به ارتقای کیفیت گفت‌وگوهای عمومی کمک کند.

در بسیاری از کشورها، دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی، بخشی از شبکه تولید دانش برای سیاست‌گذاری عمومی به شمار می‌روند. پژوهش‌ها، گزارش‌های سیاسی و تحلیل‌های دانشگاهی، بدون آنکه جایگزین نهادهای تصمیم‌گیر شوند، به غنای فرآیند تصمیم‌سازی کمک می‌کنند. این تجربه نشان می‌دهد پیوند میان دانشگاه، جامعه و نهادهای اجرایی زمانی اثربخش خواهد بود که بر استقلال علمی پژوهش مبتنی بر شواهد و گفت‌وگوی تخصصی استوار باشد.

از سوی دیگر در دوره‌ای که حجم اطلاعات و اخبار به‌سرعت افزایش می‌یابد، ارتقای سواد رسانه‌ای و ترویج تحلیل مبتنی بر شواهد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. انجمن‌های علمی بویژه در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی، می‌توانند با برگزاری نشست‌های تخصصی و تولید محتوای علمی، به فهم دقیق‌تر تحولات و کاهش اثر اطلاعات نادرست کمک کنند.

یکی دیگر از ظرفیت‌های مهم انجمن‌های علمی، حفظ و گسترش ارتباطات علمی با دانشگاه‌ها و انجمن‌های دانشگاهی سایر کشورهاست. گفت‌وگوهای علمی حتی در شرایط خاص می‌توانند به تبادل تجربه، شناخت بهتر مسائل و استمرار همکاری‌های دانشگاهی کمک کند؛ ظرفیتی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت، بحران‌ها فرصتی برای بازاندیشی در کارکرد نهادهای دانشگاهی نیز هستند. انجمن‌های علمی اگر بتوانند از ظرفیت دانشجویان و استادان برای مطالعه، تحلیل و گفت‌وگوی علمی درباره مسائل کشور بهره بگیرند، جایگاه آنها از یک برگزارکننده برنامه‌های آموزشی فراتر خواهد رفت و به یکی از ارکان پویایی علمی دانشگاه تبدیل خواهند شد.

در جهانی که چالش‌ها روزبه‌روز پیچیده‌تر و میان‌رشته‌ای‌تر می‌شوند، نقش انجمن‌های علمی نیز دیگر صرفاً آموزشی نیست، بلکه بخشی از ظرفیت دانشگاه برای ایجاد پیوند میان دانش، جامعه و فرآیندهای تصمیم‌سازی به شمار می‌آید.

حوادث

پلیس هشدار داد:

برخورد با تضییع کنندگان حقوق کودکان در فضای مجازی

گروه حوادث: پلیس تهران از برخورد قانونی با کسانی خبر داد که با تضییع حقوق کودکان، از آنها به عنوان ابزاری برای جذب مخاطب و کسب درآمد در فضای مجازی استفاده می‌کنند.

این روزها در فضای مجازی به صورت گسترده با صفحاتی مواجه می‌شویم که از کودکان با روش‌های مختلف برای جذب مخاطب و کسب درآمد استفاده می‌کنند. موضوعی که می‌تواند سلامت روحی و جسمی کودکان و همچنین حقوق قانونی آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

در همین رابطه پلیس تهران بزرگ با هشدار به گردانندگان صفحات و تولیدکنندگان محتوای فضای مجازی اعلام کرد هرگونه بهره‌برداری از کودکان در تولید محتوای آسیب‌زا، انتشار تصاویر نامناسب، ایجاد شرایط نامتعارف برای حضور آنان یا استفاده تجاری و غیرمسئولانه از تصاویر کودکان، در صورت احراز تخلف یا جرم، با پیگیری پلیس و مراجع قضائی همراه خواهد بود.

پلیس تأکید دارد که کودک، ابزار تبلیغات و کسب درآمد نیست و منافع، کرامت و امنیت او باید در هرگونه فعالیت رسانه‌ای و مجازی در اولویت قرار گیرد. از گردانندگان صفحات مجازی و فعالان حوزه تولید محتوا نیز انتظار می‌رود در انتشار تصاویر و ویدئوهای مربوط به کودکان، ملاحظات قانونی، اخلاقی و تربیتی را رعایت کرده و از تبدیل کودکان به ابزاری برای افزایش مخاطب و درآمدزایی پرهیز کنند.

همچنین به خانواده‌ها توصیه می‌شود پیش از انتشار تصاویر و اطلاعات مربوط به فرزندان خود در فضای مجازی، نسبت به پیامدهای احتمالی آن دقت و حساسیت بیشتری داشته باشند و اجازه ندهند حریم خصوصی و دوران کودکی فرزندانشان به واسطه فعالیت در فضای مجازی و کسب درآمد، خدشه‌دار شود.

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ در پایان اعلام کرد: «صیانت از کودکان و حفظ امنیت و کرامت آنان، مسئولیتی همگانی است و پلیس در چارچوب قانون، با هرگونه سوءاستفاده از کودکان در فضای مجازی و رفتارهایی که حقوق و امنیت آنان را تهدید کند، برخورد خواهد کرد.»

آدم ربایی و قتل به خاطر یک مشت دلار

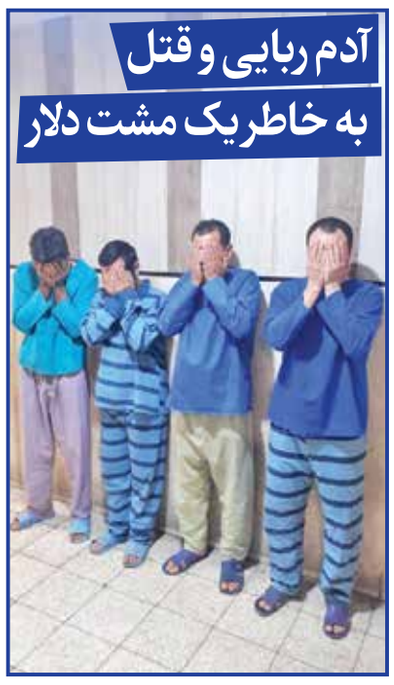

گروه حوادث/ عاملان شکنجه و قتل یک مداح جوان در حالی بازداشت شدند که مدعی هستند به خاطر وعده دریافت پول و دلار از سوی معاندان این جنایت را مرتکب شده‌اند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۵ مرداد امسال، مرد میانسالی نگران و هراسان به اداره چهارم پلیس آگاهی پایتخت رفت و از ناپدید شدن پسر ۲۸ ساله‌اش به نام حمیدرضا خبر داد و گفت: «پسرم شب گذشته برای ملاقات با دوستانش خانه را ترک کرد اما دیگر برنگشت و هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتیم، خاموش بود.»

با شکایت مرد میانسال، تحقیقات برای یافتن حمیدرضا آغاز شد. طبق اطلاعاتی که خانواده‌اش در اختیار پلیس قرار داده بودند او پای پیاده برای دیدن دوستانش خانه را ترک کرده بود.

ارسال فیلم برای خانواده

کارآگاهان اداره چهارم پلیس بلافاصله به تحقیق پرداختند و در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سکونت حمیدرضا دریافتند وی در خیابان سوار یک خودروی پژو ۴۰۵ شده است؛ خودرویی که پلاکش مخدوش بود و همین موضوع شک مأموران را بیشتر کرد.

در حالی که تحقیقات ادامه داشت بار دیگر پدر حمیدرضا وحشت‌زده و پریشان‌حال به اداره آگاهی رفت و فیلمی ۷ ثانیه‌ای و بسیار فجیع را به پلیس نشان داد که حاوی تصاویر شکنجه پسرش از سوی افراد ناشناس بود. وی گفت این فیلم را برای او ارسال کرده‌اند و مدعی شده‌اند که پسر وی را به قتل رسانده‌اند.

در ادامه تحقیقات کارآگاهان موفق شدند فردی به نام امیر را در این جنایت هولناک شناسایی و دستگیر کنند. متهم پس از دستگیری به همدستی با ۴ نفر از دوستانش برای قتل حمیدرضا اعتراف کرد.

با اعتراف وی سه همدست دیگر او نیز بازداشت شده و تحقیقات برای دستگیری پنجمین متهم که عامل اصلی قتل است، ادامه دارد.

تحت تأثیر شبکه‌های معاند قرار گرفتیم

امیر، ۳۰ ساله، یکی از چهار متهم دستگیر شده در پرونده قتل بسیجی جوان گفت: «ما تحت تأثیر شبکه‌های معاند قرار گرفتیم. در همان کانال تلگرامی عکس این مداح را دیدیم که زیر آن نوشته شده بود برای قتل وی از ۲ تا ۵ هزار دلار پول می‌دهیم من و دوستانم هم وسوسه شدیم.»

او ادامه داد: «یکی از ما برای سردسته باند سیم کارت تهیه کرد؛ من هم ماشینم را در اختیارشان قرار دادم، یک نفر خانه‌اش را در اختیار اعضای باند و سردسته باند قرار داد و در شکنجه حمیدرضا هم نقش داشتیم اما ضربات اصلی را سردسته باند زد. شب حادثه، حمیدرضا را به عنوان مسافر سوار کردیم بین راه به او خرمای آغشته به مواد مسموم تعارف کردیم وقتی بی‌هوش شد او را به مخفیگاهمان بردیم و بعد از چند ساعت شکنجه جان باخت بعد جسد را داخل خودرو قرار دادیم و سردسته باند او را برد و دیگر اطلاعی از ماجرا نداریم. ما فیلمی که برای خانواده فرستادیم برای شبکه معاند هم ارسال کردیم اما سیم‌کارت دزدی بود. پلاک خودرو را هم مخدوش کرده بودیم و هیچ ردی از خودمان به جا نگذاشته بودیم و تصور نمی‌کردیم دستگیر شویم.»

محاکمه مهندسی که یک ورزشکار را کشت

گروه حوادث / کامران علمدهی: پسر جوانی که متهم است در یک درگیری خیابانی پسر ورزشکاری را به قتل رسانده بود در دادگاه اتهام قتل عمد را نپذیرفت.

به گزارش «ایران»، دی سال ۱۴۰۳ گزارش درگیری خونین در اتوبان همت به پلیس اعلام شد. در ادامه پسر ۲۵ ساله‌ای که از ناحیه سینه با ضربه چاقو مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به سبب خونریزی شدید و شدت جراحت تسلیم مرگ شد.

مأموران با بررسی دوربین‌های مداربسته و تحقیق از شاهدان دریافتند که عامل قتل، راننده یک خودرو تیبا بوده که پس از ماجرا از محل متواری شده است.

با بررسی‌های بعدی راننده ۳۰ ساله تیبا شناسایی و دستگیر شد و در همان ابتدا درگیری با مقتول را پذیرفت اما مدعی شد قصدش قتل نبوده است.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه مادر مقتول به عنوان تنها ولی دم به جایگاه رفت و گفت: «پسرم ورزشکار رشته هنرهای رزمی بود او در محل حادثه فوت نکرده بود و بعد از انتقال به بیمارستان با من تماس گرفت و ماجرا را تعریف کرد و گفت که در یک درگیری چاقو خورده است اما وقتی خودم را به بیمارستان رساندم فوت کرده بود. من درخواستم قصاص متهم است.»

پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: «روز حادثه در اتوبان همت در حال رانندگی بودم که راننده پشت سرم مدام چراغ می‌زد تا از جلوی او کنار بروم اما چون شرایطش را نداشتم و ممکن بود تصادف کنم توجهی نکردم تا اینکه راه باز شد و آن راننده جلوی خودروام پیچید و من را متوقف کرد. به سرعت از خودرواش پیاده شد و آینه ماشینم را شکست. وقتی پیاده شدم و اعتراض کردم با مشت ضربه محکمی به صورتم زد که صورتم غرق خون شد و عینکم افتاد و برای اینکه او را دور کنم چاقویم را بیرون کشیدم تا ضربه‌ای به بازویش بزنم اما چاقو ناخواسته به سینه او خورد.»

قاضی پرسید: «مگر نمی‌توانستی او را ببینی؟»

متهم جواب داد: «من در دوران دبیرستان و دانشگاه خیلی درسخوان بودم مهندس هستم اما به خاطر مطالعه زیاد چشم‌هایم ضعیف شد و ۵۰ درصد بیشتر بینایی ندارم. آن روز وقتی مشت به صورتم خورد و عینکم افتاد دیگر چشم‌هایم جایی را نمی‌دید صورتم هم خونی شده بود و جایی را نمی‌دیدم فقط می‌خواستم او را دور کنم که این اتفاق افتاد.»

با پایان اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

مرد جوان قربانی کمک به خواهرش شد

گروه حوادث/ زن جوان که از صدای مشاجره زوج جوان همسایه به ستوه آمده بود وقتی برای اعتراض به مقابل خانه آنها رفت نمی‌دانست این ماجرا منجر به قتل برادرش می‌شود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز جمعه زن جوانی که ساکن یک آپارتمان در منطقه مهرآباد تهران بود با شنیدن صدای دعوا و درگیری همسایه طبقه بالایی با ناراحتی به در خانه آنها رفت.

اما وقتی مرد همسایه در را باز کرد و اعتراض زن همسایه را دید به جای عذرخواهی با چاقو او را دنبال کرد. زن جوان از ترس به داخل خانه‌اش پناه برد و در تماس با برادرش از وی کمک خواست اما وقتی دقایقی بعد برادر وی به خانه آنها رفت در یک درگیری از سوی مرد همسایه کشته شد.

با اعلام ماجرا به پلیس و بازپرس محمد جواد شفیعی تحقیقات آغاز شد. در ادامه خواهر مقتول گفت: «حمید و همسرش در طبقه دوم ساختمان ساکن بودند و مدام باهم دعوا داشتند. روز حادثه به‌دنبال درگیری که بین آنها پیش آمده بود به مقابل خانه‌شان رفتم و از آنها خواستم که آرام باشند و به آنها گفتم صدای درگیری شان مخل آسایش و آرامش ماست. اما حمید ناگهان با چاقو به سراغ من آمد و از ترس پا به فرار گذاشتم و به آپارتمانم پناه بردم. او دست بردار نبود و مدام داد و فریاد می‌کرد و به در می‌کوبید. ترسیده بودم و با برادرم تماس گرفتم و از او کمک خواستم. برادرم خیلی زود خود را به خانه‌ام رساند و با حمید درگیر شد اما مرد عصبانی برادرم را به قتل رساند.

به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

خودکشی بعد از قتل ۳ عضو خانواده

گروه حوادث/ شوهر عصبانی وقتی فهمید همسر و فرزندانش از خانه قهر کرده‌اند به سراغ آنها رفت و در اقدامی جنون‌آمیز پس از قتل همسر، پدرزن و فرزند ۹ساله‌اش، خودکشی کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه جمعه گذشته تیراندازی در خانه‌ای حوالی قلعه‌نو تهران به پلیس اعلام شد و به دنبال این خبر تیم تحقیق راهی محل شدند. با ورود به خانه آنها با جسد مرد جوانی مقابل در ورودی مواجه شدند که با شلیک گلوله به زندگی‌اش پایان داده بود.

در کنار جسد دو اسلحه کلت کمری و شکاری نیز به چشم می‌خورد. چند متر آن طرف‌تر اجساد پدر زن وی، همسر و پسر ۹ ساله‌اش به چشم می‌خورد. دو پسر دیگر او نیز مجروح شده بودند که به بیمارستان منتقل شدند.

در تحقیق از شاهدان مشخص شد، زن جوان به خاطر اختلافاتی که با همسرش داشته، به حالت قهر خانه را ترک کرده و به همراه سه فرزندش راهی خانه پدرش شده بود، اما شوهرش وقتی برای بازگرداندن همسر و فرزندانش به خانه پدرزنش رفته بود فهمید همسرش درخواست طلاق داده و همین مسأله باعث خشم او شد و ناگهان با اسلحه‌ای که همراه داشت به سمت همسر و خانواده همسرش و سه پسرش تیراندازی کرد. در جریان این تیراندازی زن جوان و پسر ۹ ساله‌اش و پدربزرگ خانواده به قتل رسیده و دو فرزند دیگر مجروح شدند. مرد جوان بعد از این تیراندازی به زندگی خود پایان داد.

irannewspaper.ir

یکشنبه • ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۹۴
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۲۰ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۴۵ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۱۹

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
بهشت بر کسی که از پدر و مادرش نافرمانی کند، حرام است.

تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۸

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز خبرنگار:

خبرنگاری در روزهای سخت، سیمایی از مجاهدت فرهنگی و اجتماعی پیدا می‌کند

نقل قول

سیدعباس صالحی به مناسبت ۱۷ مرداد و روز خبرنگار پیامی را منتشر کرد که متن آن بدین شرح است: «روز خبرنگار را به همه اصحاب شریف رسانه، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، عکاسان، تصویربرداران، دبیران، سردبیران و همه آنان که عمر و همت خویش را در راه آگاهی، حقیقت و خدمت به مردم نهاده‌اند، تبریک می‌گویم.

سالی که بر ایران عزیز گذشت، سالی آکنده از حوادث بزرگ و آزمون‌های دشوار بود؛ سالی که ملت بزرگ ایران، در برابر جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی، بار دیگر استواری، نجابت، مظلومیت و عظمت خود را به نمایش گذاشت. در این رویارویی، آنچه هدف قرار گرفت تنها خاک و خانه و جان مردم نبود؛ حقیقت نیز آماج تحریف قرار داشت و روایت ایران، خود به بخشی مهم از میدان دفاع ملی بدل شد.

در چنین هنگامه‌ای، رسالت اهالی رسانه، رسالتی خطیر و تاریخی بود. آنان باید صدای ایران را به جهان می‌رساندند؛ صدای ملتی که در سوگ شهادت رهبری حکیم و فرزندان دلیر خود نشست اما قامت عزت خویش را خم نکرد؛ ملتی که نام بیش از چهارصد کودک شهید و از جمله کودکان معصوم میناب، سند آشکار مظلومیت او و گواه روشن جنایت دشمنانش شد؛ ملتی که در برابر جنگی ظالمانه، بر استقلال، ایمان و آرمان‌های خود پای فشرد و ماه‌های متمادی، فریاد استقلال‌طلبی خود را در تمام میادین شهر فریاد زد. اهالی رسانه ایران در این سال دشوار، درخشان ظاهر شدند. تلاش صادقانه، روایت مسئولانه، حضور بهنگام و تحلیل‌های دقیق آنان، موجب شد روایت رسانه‌های ایرانی از این جنگ ظالمانه، بیش از گذشته شنیده شود و مرجعیت رسانه‌ای ایران در شناخت ابعاد این رخداد بزرگ، جایگاهی جدی‌تر و محترم‌تر در نگاه مخاطبان و ناظران بیابد.

خبرنگاری در وجوه مختلف آن در روزهای عادی، پیشه‌ای شریف است اما در روزهای سخت، سیمایی از مجاهدت فرهنگی و اجتماعی پیدا می‌کند. خبرنگار، عکاس و تصویربردار در چنین روزهایی تنها ناقل خبر نیست؛ امین حقیقت، حافظ حافظه جمعی ملت و واسطه رساندن رنج، صبوری، ایستادگی و شرافت مردم به آیندگان است.

در این روز، با ادای احترام به مقام والای شهدای اصحاب رسانه که در راه حقیقت و خدمت به مردم جان عزیز خویش را از دست دادند، یاد آنان را گرامی می‌دارم و در برابر صبر و بزرگواری خانواده‌های معزز ایشان سر تعظیم فرود می‌آورم.

از خداوند متعال برای همه فعالان شریف رسانه کشور، عزت، سلامت، آزادگی، انصاف، بصیرت و توفیق روزافزون در خدمت به مردم، حقیقت و ایران عزیز مسألت دارم.»

ارکستر سمفونیک تهران تازه‌ترین اجرای خود را به روی صحنه برد

«خسوف»
حماسه‌ای از ایثار، مقاومت و آزادی

عکس: رها احمدی

گفت‌وگو

ندا سیجانی
گروه فرهنگی

ارکستر سمفونیک تهران در تازه‌ترین اجرای خود، اثر ماندگار «خسوف» ساخته محمدسعید شریفیان را با رهبری میهمان آرش امینی و همراهی گروه کر به رهبری بهرنگ شگرف کار، طی دو شب ۱۵ و ۱۶ مردادماه در تالار وحدت به روی صحنه برد. این اثر که با الهام از حماسه عاشورا خلق شده که روایتی موسیقیایی از مفاهیم ایثار، آزادگی و حقیقت‌طلبی ارائه می‌دهد. محمدسعید شریفیان، موسیقیدان و آهنگساز برجسته، در گفت‌وگو با «ایران» درباره روند شکل‌گیری و چگونگی خلق این اثر سخن گفته است که در ادامه می‌خوانید.

ایده خلق «خسوف» از کجا شکل گرفت و چرا روایت عاشورا را در قالب یک اثر سمفونیک انتخاب کردید؟

ایده خلق «خسوف» به سال ۱۳۷۶ بازمی‌گردد. آن زمان به این نتیجه رسیدم که جامعه ما در ذات خود جامعه‌ای مذهبی است و واقعه عاشورا در باور و احساس مردم ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر احساس می‌کردم نوعی تابو درباره پرداختن به این موضوع در قالب موسیقی سمفونیک وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری با ورود موسیقی به چنین سوژه حساسی مخالف بودند. برای من همین نگاه، یک چالش جدی بود.

با خودم گفتم به جای اینکه عاشورا صرفاً با نگاه‌های رایج و عامیانه روایت شود، می‌توان آن را در قالب یک اثر فاخر هنری و با نگاهی فرهنگی ارائه کرد؛ اثری که هم به رشد موسیقی سمفونیک ایران کمک کند و هم روایت تازه‌ای از این واقعه بزرگ ارائه دهد. همین انگیزه باعث شد با تمام توان وارد این مسیر شوم. فرآیند خلق «خسوف» نزدیک به دو سال و نیم زمان برد. حدود پنج تا شش ماه اول را فقط به تحقیق اختصاص دادم و تقریباً هر کتاب و منبعی را که درباره واقعه عاشورا در دسترس بود مطالعه کردم. پس از آن، نگارش و آهنگسازی اثر آغاز شد و به تدریج «خسوف» شکل گرفت.

روایت «خسوف» به واقعه‌ای ماندگار در تاریخ می‌پردازد. با این حال، چرا اجرای دوباره این اثر طی سال‌های گذشته به تأخیر افتاد؟

من «خسوف» را سال ۱۳۷۶ نوشتم، اما اولین اجرای آن در سال ۱۳۸۱ روی صحنه رفت. همان زمان هم اجرای این اثر کار ساده‌ای نبود، چرا که قطعه‌ای بسیار دشوار است و به ارکستر بزرگ، گروه کر حرفه‌ای و تک‌خوان‌های توانمند نیاز دارد. علاوه بر این، مدت زمان اثر حدود دو ساعت بود و اجرای آن آمادگی و تمرین فراوان می‌طلبید. در همان مقطع احساس کردیم برای آماده‌سازی بهتر اثر به امکانات بیشتری نیاز داریم. به همین دلیل به رومانی رفتیم و چند ماه با ارکستر فیلارمونیک اولتنیا و گروه کر آن مجموعه کار کردیم. ارکستر را به‌صورت گزینشی آماده کردیم و پس از بازگشت به ایران، گروه کر و ارکستر با یکدیگر ادغام شدند و نزدیک به ۲۰۰ نوازنده و خواننده در اجرای این اثر حضور داشتند. پس از آن، تقریباً هر سال پیشنهاد اجرای دوباره «خسوف» مطرح می‌شد، اما همیشه یک شرط داشتم؛ اینکه زمان و امکانات کافی برای تمرین در اختیار گروه قرار گیرد. به همین دلیل، شرایط اجرای مجدد اثر تا سال‌ها فراهم نشد. اما اتفاق خوشایندی که در نهایت زمینه اجرای دوباره «خسوف» را فراهم کرد، علاقه و پشتکار آرش امینی بود که در اجرای سال ۱۳۸۲ که به مدت پنج شب توسط ارکستر سمفونیک تهران روی صحنه رفت، از اعضای ارکستر بودند و از همان زمان این اثر را عاشقانه دنبال کردند، نت به نت آن را از حفظ بودند و همیشه آرزو داشتند روزی خودشان رهبری این اثر را بر عهده بگیرند.

در کنار آرش امینی، بهرنگ شگرف‌کار، رهبر گروه کر نیز از اعضای همان اجرای اول بودند و شناخت کاملی از اثر داشتند. با تلاش این دو عزیز، شرایط لازم برای تمرین‌های مستمر فراهم شد و پس از ماه‌ها تمرین فشرده، سرانجام «خسوف» پس از ۲۳ سال بار دیگر روی صحنه رفت.

به نسبت اجرای اول، تغییراتی در این اجرا انجام شد؟

بله، یکی از مهم‌ترین مسائلی که به آن توجه کردیم، مدت زمان اثر بود. نسخه اولیه نزدیک به سه ساعت بود و این زمان برای کنسرتی که بدون آنتراکت اجرا می‌شود، سنگین است. به همین دلیل، در برخی بخش‌ها تغییراتی اعمال کردیم تا ساختار اثر منسجم‌تر و فشرده‌تر شود. تلاش کردیم بدون آنکه به هویت و محتوای اصلی «خسوف» آسیبی وارد شود، آن را در قالب یک کنسرت استاندارد و بدون وقفه ارائه کنیم تا مخاطب بتواند ارتباط بهتری با اثر برقرار کند.

از نگاه شما «خسوف» یک اثر مذهبی است یا اثری جهانی و آیا می‌تواند با مخاطبان غیرایرانی نیز ارتباط برقرار کند؟

به نظر من «خسوف» می‌تواند فراتر از یک اثر مذهبی، با مخاطبان جهانی نیز ارتباط برقرار کند. مخاطبان خارجی که با موسیقی کلاسیک آشنا هستند، لزوماً لازم نیست به موضوع یا باور دینی اثر اعتقاد داشته باشند تا از آن لذت ببرند. برای مثال، یک آلمانی، نروژی، انگلیسی یا آمریکایی سال‌هاست آثار مذهبی آهنگسازانی مانند موتسارت را اجرا کرده و شنیده‌اند. بسیاری از این آثار، مانند «مِس»، ریشه در آیین کاتولیک دارند، اما امروز مخاطبان آنها را نه صرفاً از منظر اعتقادی، بلکه به‌عنوان آثاری ارزشمند در موسیقی کلاسیک می‌شنوند و از توانایی آهنگساز و کیفیت موسیقیایی آن لذت می‌برند. همین تجربه را درباره «خسوف» نیز داشتم. حدود سال ۱۳۸۵، به دعوت مدیریت فیلارمونیک اولتنیا، این اثر با حضور اعضای آن ارکستر در رومانی اجرا و اجرای آن به‌صورت زنده از رادیوی سراسری نیز پخش شد. استقبال مخاطبان بسیار خوب بود. نکته جالب این بود که اعضای گروه کر نه با فرهنگ عاشوراآشنایی داشتند و نه حتی بسیاری از واژه‌های اثر را می‌شناختند، اما با خود موسیقی ارتباط برقرار کردند و آن را دوست داشتند.

به همین دلیل معتقدم برای ارتباط با چنین اثری، الزاماً نیازی نیست مخاطب پیشینه مذهبی یا اعتقادی مشابهی داشته باشد. «خسوف» از نظر موسیقایی نیز اثری است که ظرفیت جذب مخاطب را دارد؛ زیرا در ساختار گروه کر، ارکستراسیون، تکنیک‌های آوازی و رنگ‌آمیزی صوتی آن نوآوری‌های متعددی به کار رفته که حتی فارغ از موضوع اثر، برای شنونده موسیقی کلاسیک جذاب و قابل توجه است.

«خسوف» تلفیقی از موسیقی کلاسیک غربی و عناصر موسیقی ایرانی است. آیا از همان ابتدا اطمینان داشتید که این اثر خارج از ایران هم شنیده خواهد شد؟

بله، کاملاً. یکی از مهم‌ترین زبان‌های ارتباطی میان ملت‌ها، زبان موسیقی است. گاهی موسیقی ایرانی در قالبی کاملاً بومی و محلی ارائه می‌شود و طبیعی است که در همان محدوده فرهنگی بهتر درک شود. اما وقتی این عناصر در قالب و ساختاری با گویش بین‌المللی، مانند موسیقی سمفونیک، ارائه می‌شوند، مخاطب غیرایرانی نیز می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. به همین دلیل از همان ابتدا باور داشتم که «خسوف» ظرفیت شنیده شدن در خارج از ایران را دارد و می‌تواند فارغ از زبان و مرزهای فرهنگی، با مخاطبان بین‌المللی نیز ارتباط برقرار کند.

با این رمزینه
متن کامل گفت‌وگو را بخوانید.

تأملی بر حضور «پیتر شومان» و گروه «نان و عروسک» در جشنواره تهران ـ مبارک

عروسک‌هایی که علیه فراموشی به صحنه آمدند

یادداشت

گروه فرهنگی

گاهی عروسک‌ها دیگر برای بازی کردن روی صحنه نمی‌آیند؛ می‌آیند تا سوگواری کنند، شهادت بدهند و چیزی را به یادمان بیاورند که جهان پرهیاهو می‌کوشد پرواز کودکان معصوم را به یک «عدد» تقلیل دهد. حضور پیتر شومان، بنیانگذار ۹۱ ساله گروه «نان و عروسک»، در بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران ـ مبارک، از همین منظر اتفاقی فراتر از یک اجرای نمایشی است؛ مواجهه‌ای میان تئاتر و واقعیتی که دیگر نمی‌توان از کنار آن بی‌تفاوت گذشت.

عروسک در ذهن ما معمولاً با کودکی، بازی و خیال گره خورده است؛ اما تاریخ تئاتر عروسکی نشان داده که این هنر می‌تواند از مرزهای سرگرمی عبور کند و به زبانی برای بیان اعتراض تبدیل شود. شومان از همان هنرمندانی است که عروسک را نه وسیله‌ای برای گریز از واقعیت، بلکه ابزاری برای مواجهه با آن می‌داند.

اجرای او در تهران، با یادکردن از قربانیان مدرسه شجره طیبه میناب و همچنین روزنامه‌نگاران کشته‌شده در غزه، بیش از هر چیز بر یک مفهوم مهم تأکید دارد: «حافظه».

جنگ فقط انسان‌ها و ساختمان‌ها را نابود نمی‌کند؛ حافظه را هم تهدید می‌کند. وقتی قربانیان به آمار تبدیل می‌شوند، اولین چیزی که از آنان گرفته می‌شود، فردیت و نام آنهاست. هنر می‌تواند در برابر این فراموشی بایستد؛ نام‌ها را دوباره صدا بزند، چهره‌ها را به یاد آورد و اجازه ندهد مرگ انسان‌ها در هیاهوی اخبار روزانه گم شود.

شومان با روشن کردن شمع برای قربانیان و همراه کردن نام آنها با موسیقی، در واقع آیینی نمایشی برای یادآوری خلق می‌کند. اینجا تئاتر نه در پی بازسازی میدان جنگ، بلکه در تلاش برای بازگرداندن «انسان» به متن جنگ است. مسأله دیگر فقط این نیست که چه کسی کشته شده؛ مسأله این است که چه انسانی از میان رفته و چه رؤیاها و امکان‌هایی همراه او دفن شده است. اما پرسش دشوار همچنان باقی است: تئاتر در برابر خشونت چه می‌تواند بکند؟ یک عروسک نمی‌تواند جلوی جنگ را بگیرد و یک نمایش نمی‌تواند ماشین جنگ را متوقف کند. با این حال، هنر در میدان دیگری عمل می‌کند؛ میدان وجدان، حافظه و معنا. قدرت می‌تواند یک ساختمان را ویران کند، اما نمی‌تواند به‌سادگی خاطره آن ساختمان و آدم‌هایش را از ذهن جامعه پاک کند؛ اگر هنری وجود داشته باشد که آن خاطره را روایت کند. استعاره «شمشیرهای کاغذی» شومان نیز از همین جا اهمیت پیدا می‌کند. شاید ابزار هنرمند در برابر سازوکارهای عظیم قدرت، شکننده و ناکافی باشد، اما همین ابزار ظاهراً کوچک می‌تواند پرسشی ایجاد کند که از بسیاری از سلاح‌ها ماندگارتر است: «تا کجا می‌توان کشت و همچنان خود را مدافع انسانیت دانست؟»

شاید ارزش حضور شومان در جشنواره تهران ـ مبارک نیز در همین پرسش نهفته باشد. او یادآوری می‌کند که تئاتر عروسکی الزاماً تئاتر کودکان نیست؛ گاهی تئاتری است درباره جهانی که کودکان را قربانی می‌کند. عروسک‌ها این بار برای بازی نیامده‌اند؛ آمده‌اند تا نام مردگان را زنده نگه دارند و در برابر فراموشی، کوچک اما روشن بایستند. در جهانی که صدای بمب‌ها بلندتر از صدای انسان‌هاست، شاید همین شمع کوچک، همین عروسک خاموش و همین نام‌های تکرارشده، سهم تئاتر از مقاومت باشد.

شرکت فولاد آلیاژی ایران (سهامی عام)
IRAN ALLOY STEEL COMPANY
(IASCO)

آگهی تمدید مناقصه عمومی شماره ۰۲۱/م/م/۱۴۰۵

پیرو آگهی مناقصه عمومی با موضوع خرید ۲۵۰۰۰ تن دولومیت پخته بدین‌وسیله به اطلاع می‌رساند مهلت شرکت در این مناقصه تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ بر اساس شرایط زیر تمدید گردید.

- موضوع مناقصه: خرید ۲۵۰۰۰ تن دولومیت پخته.
- مدت اعتبار پیشنهاد: ۱ ماه.
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (صد و پنجاه میلیارد) ریال به‌صورت چک صیادی ثبت شده در سامانه صیاد.
- مهلت تحویل اسناد: ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹.
- نحوه دریافت اسناد: متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند به‌منظور دریافت اسناد و شرایط مناقصه به سایت شرکت فولاد آلیاژی ایران به‌نشانی www.iasco.ir - خرید و تامین کنندگان - مناقصات مراجعه نمایند.
- محل تحویل اسناد: دبیرخانه محرمانه حراست شرکت فولاد آلیاژی ایران واقع در یزد، جاده کنارگذر یزد کرمان، نرسیده به پایانه باربری، کیلومتر ۲۴ جاده فولاد، شرکت فولاد آلیاژی ایران، کد پستی: ۸۹۴۵۱۵۱۶۹۴.
- سایر جزئیات مربوطه: در اسناد مناقصه درج شده است.
- متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز؛ همه‌روزه به‌غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۶ به‌منظور دریافت اطلاعات تکمیلی با شماره ۰۳۵۳۱۲۲۲۶۵۰ تماس حاصل نمایند.
- مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.

شرکت فولاد آلیاژی ایران

سایپا سیترون
SAIPA CITROËN CO.

آگهی تجدید مناقصه عمومی

شرکت سایپا سیترون در نظر دارد «انجام خدمات تعمیر و اصلاح سازه فضایی سقف سالن روتوش» خود را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.
نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیترون انجام خواهد پذیرفت.
محل دریافت اسناد مناقصه:
کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۷، ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۵
محل ارائه پیشنهادات:
کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد دبیرخانه محرمانه حراست شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۷۶۹

معاونت خرید شرکت سایپا سیتروئن

آگهی مزایده عمومی املاک و مستغلات گروه صنعت سلولزی تامین گستر نوین
(نوبت سوم)

گروه صنعت سلولزی تامین

شرکت صنایع کاغذ ساز کاوه در نظر دارد چهار واحد آپارتمان به صورت یک جا طبق جدول ذیل از طریق مزایده عمومی با مشخصات و وضعیت موجود به فروش برساند.
متقاضیان می‌توانند برای دریافت اسناد مزایده به صورت حضوری با مراجعه به آدرس تهران، میدان هفت تیر، خیابان نعمت‌اله لطفی، پلاک ۱۱، طبقه ششم، دفترمدیریت مراجعه نمایند.
متقاضیان می‌توانند از تاریخ نشرآگهی روز یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ با پرداخت مبلغ ۵۰۰۰,۰۰۰ ریال به شماره حساب ۳۰۹۲۹۱۷۶۸ نزد بانک رفاه کارگران شعبه دادمان کد ۱۱۳۶ اسناد مزایده را دریافت نموده و ضمن مطالعه و رعایت مقررات مربوطه پیشنهاد قیمت خود را با اوراق تکمیل شده در پاکات در بسته تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ به دفتر حراست واقع در نشانی پیش گفته تحویل و رسید دریافت نمایند. همچنین متقاضیان می توانند به منظور هماهنگی‌های لازم برای بازدید یا هرگونه سوال احتمالی باشماره ۰۹۱۲۴۰۳۶۰۳۰ جناب آقای ایرانشاهی تماس حاصل نمایند.
زمان بازگشایی پاکات با حضور نمایندگان شرکت مالک، نهادهای نظارتی و متقاضیان در سالن جلسات هلدینگ سلولزی در روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ ساعت ۱۱ صبح برگزار می‌گردد.
تذکر مهم: تمامی واحدها به صورت یک‌جا با مبلغ ۱,۳۱۵,۳۵۹,۵۰۰,۰۰۰ ریال به عنوان قیمت پایه مزایده می‌باشد.

ردیف	نوع	کاربری	پلاک ثبتی فرعی/اصلی	طبقه	مساحت عرصه	مساحت اعیان	پارکینگ	انبار	متصرف	قیمت پایه مزایده (ریال)	نحوه پرداخت	آدرس	توضیحات
۱	آپارتمان	اداری	۶۹۳۳/۹۱۷۲۶	ششم	قدرالسهم مشاع	۱۷۲,۰۱	پارکینگ (مشاعی)	ندارد	ندارد	۳۷۸,۴۲۲,۰۰۰,۰۰۰	نقدی	میدان هفت تیر خیابان نعمت اله لطفی پلاک ۱۱	فروش به صورت یکجا
۲	آپارتمان	اداری	۶۹۳۳/۳۹۱۰۶	پنجم	قدرالسهم مشاع	۱۷۲,۰۱	پارکینگ (مشاعی)	ندارد	ندارد	۳۶۱,۲۲۱,۰۰۰,۰۰۰	نقدی	میدان هفت تیر خیابان نعمت اله لطفی پلاک ۱۱	فروش به صورت یکجا
۳	آپارتمان	اداری	۶۹۳۳/۳۹۱۱۱	اول	قدرالسهم مشاع	۱۷۲,۰۱	ندارد	ندارد	ندارد	۳۴۴,۰۲۰,۰۰۰,۰۰۰	نقدی	میدان هفت تیر خیابان نعمت اله لطفی پلاک ۱۱	فروش به صورت یکجا
۴	آپارتمان	اداری	۶۹۳۳/۳۹۱۱۲	زیرزمین	قدرالسهم مشاع	۱۲۰,۰۵	دارد	ندارد	ندارد	۲۳۱,۶۹۶,۵۰۰,۰۰۰	نقدی	میدان هفت تیر خیابان نعمت اله لطفی پلاک ۱۱	فروش به صورت یکجا